

(عـدد) کتابخانهٔ (عـدد)

۱۷ ۱۷

مطبعهٔ عنایت

تاریخ محاربهٔ روس و جاپان

۱۹۰۴ — ۱۹۰۵

جلد پنجم

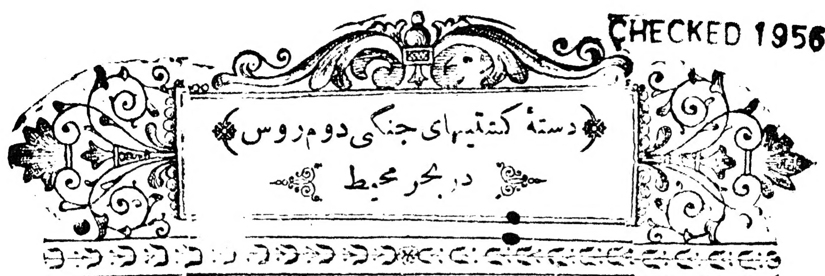
مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

این کتاب غیر ازینکه وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت امضا شدن معاهدهٔ صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه و تاریخیه و ایستاتستیکیه و سیاسیهٔ هر دو دولت محارب را نیز با تمام تفصیلاتش بیان میکند.

در دار السلطنهٔ کابل در مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید

سنه ۱۳۲۶



در ختام سنهٔ ۱۹۰۳ وابتدای سنهٔ ۱۹۰٤ ، حکومت روس برای محافظهٔ موازنت قوای بحریهٔ خوددر اقصای شرق (اوسلی یابیا) ، و (اورورا) ، و (ویمتری دونسقوی) نام کشتیهای زرهپوش خودرا باچند کشتئی مخرب طورپیدو در زیر قوماندائی قونترامیرال (ویره نیوس) سپرده از بحر (بالتیك) بسوی اقصای شرق روانه کرده بود .

امیرال (ویره نیوس) به بسیار سنگینی و آرامی که گویا سستی وکاهلئی قوهٔ بحریهٔ روس را برهمه مردمان زیاده تر اثبات نماید بسیر وسیاحت آغاز نهاد ، و از نتیجهٔ این سستی وکاهلئی خود ، دو کروازوری که دولت ژاپان از دولت ایتالیا خریداری کرده ، وبواسطهٔ طایفه های انگلیز بسوی ژاپونیا سوق شده بود از پیش روی خود فرصت گذشتن رابداد ، وبه اینسبب خطای بسیار بزرگی ارتکاب ورزید .

لزوم ، واهمیت واصل شدن این لوی غند بحریهٔ روس در بحر محیط کبیر پیشتر از رسیدن این دو کروازور ژاپانی یك امر ظاهر و آشکاری بود . وخیلی ضرور بود که امیرال (ویره نیوس) نمیگذاشت که کروازورهای مذکور از پیش او سلامت درگذرد . و میبایست که طورپیدوها ، وزرهپوش (دونسقوی) را عقب گذاشته تنها با کشتیهای (اوسلی یابیا) ، و (اورورا) بسرعت بسیار بزرگی بر رفتار خود دوام میورزید . حالآنکه امیرال روس این قوت وجسارت رامالك نبود .

و بامبر لهای کوتاه کوتاه ، و قدمهای آهسته آهسته برفتار خود دوام ورزیده در (١٦) فبروری به (جیبوتی) واصل شده ودر تجابه‌اواز (پترسبورک) امر رسیده باز پس به بحر (بالتیك) عودت کنند .

این قوهٔ بحریه وقتیکه به بندرگاه (قرونشتاد) برگشت ، تخم فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگری را به بحر محیط سبز نموده چونکه لازم بودن فرستاده شدن قوای امدادیه بدارالحرب روز بروز تشدید میکرد ، وهم بسرعت وزودئی که ممکن باشد این قوهٔ امدادیه باید فرستاده شود . زیرا ژاپانها بنا گهان بر (پورآرتور) هجوم برده قوهٔ بحریهٔ روس را دوچار خسار نموده ، ودر تماس اول یك نتیجهٔ مسعودهٔ حاصل نکرده بود . پس لازم وضرور است که حکومت روس سرازنو قوهٔ امدادیه بفرستد ، و در بحر یك حاکمیت متفوقی بدست آرد ، وجبیرهٔ مافات نماید .

حالا نکه رجال بحریهٔ روس در خصوص تشکیل دادن یك دسته کشتیهای جدید ازحد زیاده بمشکلات دوچار آمدند . کشتیهای که در دستگاههای کشتی سازئی خود داشتند یا بسیار پیر و فرسوده بودند ، یا بسیار طفل نارسیده . چهار قطعه زرهپوشی که طرز ساخت آنها به پروغرام بحریهٔ ژاپان . موافقت میکرد هنوز حاضر نشده بودند . چونکه در روسیه یك چیزی که به بسیار سستی و آرامی اجرامی شود آنهم امور بحریه است . غیر ازین چار زرهپوش . سه زرهپوش دیگر که محتاج تعمیرات وانشاآت مخصوصه بودند ، ویکچند کروو از ور ، وبقدرده مخرب طور پیدو بدست موجود بود .

یك بحریهٔ که در سال (٣٠٠ ، ملیون (بودجه) — یعنی میزان دخل وخرچ — را مالك باشد اینقدر موجودات نسبت به آن حقیقتاً خیلی جزویست . این بی اقتدارئی روسیه در عدد کشتیها ازین بود که قسم اعظم وچه بحریهٔ شان در راه احتیاجات

حقیقیهٔ قوهٔ بحریه صرف نمیشد بلکه در راه بعضی احتمالات واهیه استعمال میکردیده

دولت روس در قوای بحریهٔ خود اصول (تقسیم عمال) را مانند دولت فرانسه تطبیق کرده بود که به این صورت بسی کشتیها را مالك بود. مثلا یك دسته (کشتی بحر آزاد) یك دسته (کشتی مدافعهٔ بحر بالتیك)، یك دسته (کشتی بحر سیاه) بدست داشتند. هیچ کمبودی نداشتند. تنها همین یك کمبودی را داشتند که مالك چنان یك دسته کشتی نبودند که در هر جائیکه بخواهند اثبات وجود ولیاقت بتواند !!!

(کشتی مدافعهٔ بالتیك) بقدر (١١) قطعه زرهپوش را مالك بود که با آنها یك خرمن سقاین طوربیدو نیز موجود بود. این طوربیدوها برای سفرهای دور و دراز هیچ یك شرایطی را حایز نبودند.

دولت روس باوجودیکه از ژاپانها دوبار زیاده تر طوربیدو را مالك بودند بازهم (١١) مخرب طوربیدو کشیده توانسته بودند که ازین (١١) عدد تنها (٩) عدد آن به بحر محیط کبیر واصل شده بود.

تابه تمام شدن زرهپوشهای نوبتا خیر حرکت کشتی دوم بحر محیط کبیر مجبوریت دیده شد. وتااین زرهپوشها تمام میشد در اقصای شرق (پورآرتور) را ژاپانها براً وبحراً در زیر محاصره گرفته بودند. محصورین قلعه بسببی که تول غندهای بری روس که در (مانچوری) بودند از مغلوبیت بمغلوبیت گرفتار می آمدند امید امداد معاونت بجز از طرف بحر از دیگر طرف نداشتند. اما چه چاره که این امید محصورین بیچاره نیز بیهوده و رایگان میرفت. زیرا هر نقطهٔ بحریکه بر (پورآرتور) محیط بود عطف نظر استمداد میکردند بغیر از کشتیهای مظفر دولت «شمس طالع» بدیگر چیزی تصادف نمیکردند!

مسئلهٔ متنازع فیها که عبارت از بردن یك دستهٔ کشتی بزرگی را از بحر

(بالتیك) به بحر (محیط کبیر) بود جداً بمشکلات عظیمهٔ معروض گردیده بود.
به این مأموریت مهم امیرال (روژهستوهنسکی) مقرر شده بود. امیرال مذکور برین راه وسفر دور ودراز که عبارت از (۱۲۰۰۰) میل است هیچ یك اس الحرکات را مالك نبود. و در اثنای اینچنین یك سیاحت عظیم، هم بادشمن و هم بادولتهای بیطرف بدست وگریبان شدن مجبور بود که به این سبب علی الاکثر در سواحل آزاد و باز لنگر انداخته می توانست.
غیر ازین به تنظیم دادن حرکات یك قافلهٔ بزرگی که از واپورهای داک مرکب بود و برای رسانیدن ارزاق و زغال کشتی ها مأمور بودند نیز مجبور بود.
موانع درین راه آنقدر بسیار بود که اکثر مردمان گمان میکردند که این دستهٔ کشتی دوم اصلا حرکت کرده نخواهد توانست. مع هذا بر خلاف همه گمانها این دستهٔ کشتی بزرگ در — (۱۳) اوکتوبر از میان آوازهٔ تحسینها و شاباشهای یك جم غفیری بسوی اقصای شرق از بندرگاه (قرونشتاد) تحریك چرچ عزیمت نمود.
صورت ترکیب دستهٔ کشتی دران زمان از قرار ذیل بود:
(۷) قطعه زرهپوش.
(۲) قطعه کرووازور زرهپوش.
(٤) قطعه کرووازور محفظه دار.
(۷) قطعه مخرب طورپیدو.
ویکچند سفینهٔ نقلیه که ترتیبات کشتی سازی را حائز بود.
در اثنای راه به این کشتی یك سفینهٔ خسته خانه، و کرووازورهای معاون وازداو طلب بعضی واپورها التحاق نمود.
کرووازورهای محافظه دار (اولهغ) و (ایزومروت) بادو قطعه کرووازور معاون و پنج قطعه طورپیدو در (۱۵) نومبر از (لیباو) حرکت کرده توا

نستند که این مفرزه درروز (١٤)هم ماه‌فبروری در (ماداغشقار)به دستهٔ بزرگ کشتی ملاقی گردید . تنها (٣) طوربیدوبه سببی که به بعضی خسارات در راه دوچارشده بودند دربحر سفید ماندند .

کشتی (روزه ستونسکی)بهشت روز بعدازحرکت خودبه واقعهٔ مؤلمهٔ (هول) تصادف نمودکه اینواقعه چنان یك نزاکت واهمیتی راحائز بودکه کمانده بود در مابین دولت (بریتانیای بزرگ)و(روسیهٔ بزرگ) یك حرب بزرگی را نتیجه بدهد .اما بدلالت خیرخواهانه ومنصفانهٔ حکومت (فرانسه)حادثهٔ مذکوره بسهولت برطرف گردید .

مع هذا ، وقعهٔ مذکوره چون دراول قدم حرکت کشتی بظهور آمد برای آیندهٔ بسیار تیره ومظلم دستهٔ بزرگ کشتی روس یك فال خیروواقبالی شمرده نشد . علی‌الخصوص ازیحادثهٔ غریب ومشئوم امیرال(روزه‌نست و نسکی)که ذاتاً خیلی عصبی‌المزاج بودبدرجهٔ متأثرگردیدکه بیمارشد .

بناءً علیه درحق صورت ظهور این حادثه ، وکیفیت رفع وازالهٔ آن تفصیلات ذیل‌را مینگاریم :

﴿ حادثهٔ (هول) ﴾

دستهٔ بزرگ کشتی روس که درزیرقوماندانئی امیرال(روزه‌نستونسکی)در شب(٢٢)اوکتوبرسنهٔ ١٩٠٤ بندرگاه (شاکان) را ترك کرده بود در(بحر شمال) درموقعیکه به (دوکه ربانق) معروفست به‌یك دسته کشتیهای ماهیگیری انگلیز که به‌بندرگاه (هول) منسوب بودتصادف نمود .

سفاین حربیهٔ روس بر کشتی‌های ماهیگیری مذکور آتش کشاده یکی ازانهارا غرق ، ودونفررا مجروح ،و(٢٠) آدم‌رامجروح ساخت .

بمجرد یکه این حادثه به انگلتره عکس نمود، یك هیجان و شورش عظیمی بحصول آورد ؛ مطبوعات واهالی سریعاً یك تضمینات یعنی تاوان بسیار مهمی طلب نمودند . سفیر دولت روس قونت (بکندروف) که درلندن بود ازطرف یك قسم اهالی لندن علناً تحقیر کرده شد .

حکومت انگلتره درجهٔ شدت هیجان واقع را بنظر دقت گرفته، ویگانه خط حرکت خود را تابع حسیات عمومیه ساخته تهدید آمیزیك طورو ضیقی اتخاذ نمود .

در (۲٤) اوکتوبر لورد (لاندسوون) درنزد حکومت روسیه دربنباب تشبثات اجرا نمود، وفهمانیدکه موقع اینمسئله به تأخیر وامهال متحمل نیست .

جناب قرال (ادوارد) دریك تلگرافنامهٔ یکه بمدیر بلدیهٔ (هول) کشیده بود این حادثه را به این عبارت که : (یك حرکتیست که معذرت قبول نمیکند .) توصیف کرده بود .

رئیس وکلا . موسیو (بالفورد) در نطقی که در قرارهٔ عوام برخواند بیان کرد که : (بعد از چنین تجاوز بزرگ، امیرال روس بی آنکه دوچار اندیشه بشود، وتوبیخ وتکدیر کرده شود ، ومجازات به بیند احتمال دوام کردن سفر آنرا رد میکنم .)

جناب (زارروس) به قرال (ادوارد) تأسفات خود را باتلگراف بیان نمود، ووعدهٔ کرد که بمجر دیکه اسباب وشرایط حادثه معلوم شود مکمل وطمانیت بخش تضمینات عطا خواهد نمود . حالآنکه این تلگرافنامه حسیات نفرت وعدا وتکارئی حربجویانه که ازیکسر تادیگرسر همه مملکت انگلستان را استیلا کرده بود تسکین نمود .

خلاصه درروز (۲٦) اوکتوبر دولت انگلیز به تدارکات جدیهٔ حربیه آغاز

نهاد ، وبه عموم کشتی های خود که در (بحر مانش) و (بحر سفید) و بحرهای دا خلی داشت برای حاضرئی سفر حرب اوامر قطعی فرستاد .

در (۲۷) م ماه درباب وقایعیکه در اثنای مرور کشتیها از بحر شمال جریان یافته بود از طرف امیرال (روژه ستونسکی) بجناب حشمت مآب (زار) یك راپوری به تلگراف رسید . امیرال مذکور درین راپور خود حادثه را چنین بیان کرده بود :

(قوهٔ بحریهٔ روس دراثنائیکه بر راه خود دوام داشت، در شب تار کشتئی پیشدار کشتیهای جنگی دوچار تعرض دوطوربیدوی مجهولیکه چراغهایش خاموش بود گردید . لهذا بر طوربیدوهای مذکور امر آتش داده شد . هیچ کشتئی حرب در چنین حال و وضعیت اگرچه در زمان صلح هم باشد بجز همین طرز حرکت که کشتی روس کرده دیگر طور حرکت نمیتواند .)

این راپور امیرال روس که از (ویغو) کشیده شده بود از طرف مطبوعات انگلیز قبول نگردید . موسیو (بالفور) اینسخن امیرال را به تعبیر (خلیای محض) توصیف نمود .

دولت (فرانس) که از آغاز این بحران سیاسی درمابین این دوطرف برای تسهیل ائتلاف از اظهار فعالیت خالی نبود توسط و مداخله نموده اختلاف واقع یکقدری سکونت پذیر شد، و نتایج وخیمهٔ ان راکه وقوع آن خیلی محتمل بود تایکدرجه جلوگیری کرد .

جناب (زار) حواله شدن مسئلهٔ متنازع فیهارا در داخل شرایطی که معاهده نامهٔ (لاهی) تعیین کرده است بیك (قومیسیون) تحقیقاتیکه بین الملل تشکیل بیابد تکلیف نمود .

دولت انگلستان این تکلیف را قبول کرد . بنابرین بحران مذکور درنهایت

اوکتوبر بتمامها سکونت پذیر گردید . قومیسیون یعنی (کمیشن) تحقیقات بین الملل در (۲۰)م دسمبر سنهٔ (۱۹۰۵) در (پاریس) اجتماع نمود .

مرخصهائیکه از طرف دولت (روس) درین قومیسیون مأمور شده ، معلم حقوق دار الفنون (پترسبورگ) بارون (طونه) ، وامیرال (قازنوقوف) ومستشار سفارتخانه پاریس اوقونت (نقلودوف) بودند . مرخصهای دولت (انگلیز) امیرال (بومون) وموسیو (اوباریه) بود . از طرف دولت (امریکا) امیرال (داوی) ، وزطرف دولت (فرانس) امیرال (فورنیه) مرخص شده اجتماع کردند .

در انعقاد نخستین رسمئی که در (۲۲)م ماه منعقد گردید بنابر فقرهٔ اول معاهده نامهٔ (صلح لاهی) این چار امیرال ، یك مرخص بجمین دیگر نیز انتخاب باید میکردند . لهذا به اتحاد آراز بحریهٔ دولت (اوستریا) امیرال (شپون) را قبول کردند .

ریاست قومیسیون رابه امیرال (فورنیه) حواله کردند . مذاکرات علنی اجرا گردید . والحاصل بعد ازقیل وقالهای بسیاری که اجرا گردید نتیجهٔ کار ، وقرار بریك مسئلهٔ قطعی المفادی قرار نیافته بحصول یك نتیجهٔ که موجب ممنونیت هردوطرف باشد فیصله پذیر گردید .

اینست مسئلهٔ حادثهٔ (هول) که بیان گردید . حالاما باز دستهٔ کشتی دوم بحر محیط روس عقب گیری کرده ببینیم که کجامیرود ، وچه میکند ؟

وقتیکه کشتی روس (طنجه) را ترك کرده به اداقتادبردو قسم تقسیم گردید : (۵) قطعه زرهپوش نو ، وگروواز ورهای زرهپوش بصورتیکه قطعهٔ (افریقا) را از دماغهٔ امید گردش کنندراه غرب را پیش گرفت . (۲) قطعه زرهپوش کهنه وگروواز ورهای محفظه دار ، وطورپیدوها برای گذشتن از (قنال سویس) راه

(بحر سفید) را گرفتند . این هر دو قول در (۹)م جنوری در (نوسی به) باهم یکجا شدند .

امیرال (روزه ست و نسکی) در بحا حوادث سقوط (پور آرتور) ومحو شدن دستهٔ کشتی نخستین بحر محیط راشنید . خبر فلاکت آور این مصیبت، وضعیت حرکت اورا سراسر تبدیل نمود .

(روزه ست و نسکی) اگر تنها بسر خود در مقابل دسته های کشتی (ژاپان) رود، هیچ شبهه نیست که بیك گردابی محقق زوال ره پیمای عدم شده میرود. اگر در (لیباو) بحاضری وتدارك یك دسته کشتی سوم بکمال گرمی و فعالیت پرداخته نمیشد این دسته کشتی دوم بهمه حال واپس خواسته میشد .

ذاتاً از بسیار وقتها مطبوعات روس از فرستاده شدن جمله سفاین حربیهٔ روس را به اقصای شرق بحثها میراندند . مطبوعات مذکوره بیان میکردند که برای پس بدست آوردن حاکمیت بحریه را در اقصای شرق باید از هیچگونه فداکاری روگردانی نشود .

اما افکار عمومیه به این نشریات واقعهٔ مطبوعات بتمامها اشتراك نمیورزید و میگفتند که دولت روس همهٔ قوای بحریهٔ خودرا به اقصای شرق فرستاده نمی تواند چونکه اگر چنین بکند بحر (بالتیك) خودرا خالی میکند، وممکنست که درچنین وقت عجز وضعف او دیگر یك دولت فرصت طلب اوروپائی او بعضی سواحل اورا برباید .

والحاصل بهمه حال فرستادن یك دسته کشتی جنگی دیگر بمعاونت دستهٔ کشتی (روزه ست و نسکی) قرار گیر گردید . زیرا برای محافظه کردن خودرا از هجوم یك دشمن موهوم مخیل، دیده ودانسته لکدکوب یك دشمن موجود مجسم شدن شایان حیرت یك خرکتی بود .

بناءً علیه نظارت بحریهٔ روس به جریان افکار عمومیه تابع شده تجهیز و و تسلیح یك دستهٔ کشتی سومین را امر نموده امیرال (نه بوغانوف) با این دسته کشتی (۳) وم که مرکب از (۵) قطعه سفینه حربیه بود در (۱۵) م فبروری از (لیباو) حرکت نموده

حالا در باب حقوق جنگ کنندگان و بیطرفان یکقدری بحث راندن از فایده خالی نیست :

حقوق محار بین و بیطرفها

حرکت نولغند کشتی دوم بحر محیط بسوی آبهای اقصای شرق در مابین دولت های بیطرف موجب خیلی قیل و قال بزرگی گردیده بود بناءً علیه در یجادر باب محار بین یعنی با همدیگر جنگ کنندگان، و غیر محار بین یعنی بیطرفان یك چند سخن گفتن لازم می آید :

در زمانهای سابق، چون یکبار در مابین دو حکومت مخاصمات آغاز مینهاد طرفین محارب هر گونه قواعد حقوقیه و مدنیه را از حکم ساقط پنداشته بمقابل همدیگر خود بکمال شدت و وحشت حرکت میکردند. و در دار الحرب هیچ خصوصیت و حق را نمیشناختند. حالا آنکه در تمام دوام مدت حرب بسی حقوق و منافعی موجود است که محار بین بر تجاوز کردن آن حق و صلاحیت ندارند .

حربهای این زمانرا از حرب های زمانهای پیش چیزیکه تفریق میکند همینست که به این حقوق و منافع رعایت میشود و تمایلات انسانیت پرورانه نشان داده میشود. مع هذا در سالهای اول این عصر بیستم میلادی این رعایت و تمایلات هنوز بدرجهٔ مطلوب نرسیده است .

قواعد مخصوصهٔ که در مابین حکومتهای متمدن در باب حقوق محار بین قبول شده است از یکدیگر کم و بیش فرق دارد. مثلا از طرف ارکان حربیه عمومیهٔ المانیا اثریکه در باب (حقوق محار بین در حرب بری) نشر شده است در اول

صفحهٔ آن این قواعد بنظر دقت بر میخورد :

« مقصد از حرب تنها این نیست که قوت های محاربهٔ دشمنرا ، وقلعه های آنرا محو بکنند . نی بلکه بالجمله منابع مادی ومعنوئی مملکت اورا تخریب وافنا کردنست . ملاحظات انسانیتپروهانه یعنی اشخاص واملاك واموال اشخاص راغرضدار نشدن اوقت داخل حساب میشود که به طبیعت ومقصد حرب ایراث ضرر نکنند . »

مارشال (مولتکه) درحق این بحث چنین میگوید :

« حرب . تنها عبارت از محو کردن قوای عسکریهٔ دشمن نی بلکه قوهٔ مالیه شمند و فرها ، واسباب تعیش ، وهمه منابع قوت او را حتی حیثیت ، وشرف ، واعتبار حکومت دشمنرا نیز محو وافنا کردن چه ازمیدهد . »

اثری که ارکان حربیه عمومیهٔ (پراس) نشر کرده است اساساً برسه قسم جدا شده است :

قسم اول: معامله درحق تول غند دشمن ؛

قسم دوم : معامله درحق اهالی وممالك دشمن ؛

قسم سوم : معامله باحکومتهای بیطرف .

کسانیکه بالفعل به ذیل محاربین داخلست اینهاست :

اولا : رئوسای حکومت وناظرها ، که اگر تبعهٔ عسکری باشند یا باشند ؛

ثانیا : تول غند موظف ؛

ثالثا : قطعات غیرمنتظم — یعنی الله جاری — ؛

والحاصل این اثر کمال درباب معامله هریك ازین اقسام تفصیلات مکمله بیان میکنند که همه مباحث آنرا در سراج الاخبار بیان کردن امکان گنجایش ندارد امابعضی قواعد اساسیه را که تول غندهای المان برعایت کردن احکام ان مجبور

گرفته شده اند درینجا بدرج کردن آنرا اکتفا میورزیم :

۱ — اسلحه وتشبثات غیرمشروعه :

در چشمه ها، وچاه‌ها، وارزاق خوردنی، وغیره زهر آمیختن ؛ به سرایت وتوسع دادن مرضهای ساری مدد کردن ؛ بلاسبب اهالی را کشتن ؛ گله هائیکه موجب محنت ها و مشقتها شود استعمال کردن ؛ اسیران ومجروحان را کشتن ؛ محاربینی که تسلیم شدن بخواهند آنهارا اتلاف کردن ؛ در دارالحرب های اور وپا از قطعات غیرمدنی استفاده کردن، اینست که همهٔ اینگونه وسایط وحرکات درشمار اسلحهٔ غیر مشروعه وتشبثات خائنانه داخلست .

۲ — محاصره ها وبومباردمانها :

اولا، قلعه وموضعهای مستحکم درزیر محاصره گرفته شده بران بوم بار دمان اجرا میتوانند شد .

ثانیاً، شهرهای غیر مستحکم، وده ها، وخانه های منفرد که ازطرف دشمن اشغال شده باشد، ویاوقتیکه دشمن ازان استفاده بکند محاصره وبوم بار دمان میتواند شد. هاجمین بی آنکه بدشمنی که درچنین محلها النجا برده باشند خبر بدهند یکسر برانها هجوم برده وآنهارا درزیر آتش طوپ گرفته میتوانند. وقتیکه بریك شهر مستحکم بومباردمان میشود هاجمین بلاتفریق بر استحکامها وابنیهٔ خصوصیه به آتش کردن صلاحیتدار هستند درچنین احوال هیچ جا مانند معابددینیه مکتبها، کتبخانه‌ها، موزه خانه‌ها، تیاترها وغیره ها هجمین را از آتش کردن منع نمیتواند. معهذا اگر ازچنین اماکن مهمه وخصوصیه بداند که یك ضرروزیانی به او نمیرسد آنجاهارا درخارج دایرهٔ آتش خود داشتن هاجمین آزاد است. اهالی‌ئیکه دریك قلعه باشند خواه ازخود آن قلعه باشند وخواه بیگانه درحق همهٔ آنها یکسان معامله میشود .

۳— دسایس حربیه ومال گریزانیدن :

اونیفورمه ، یعنی لباس رسمئی عسکر دشمنرا پوشیدن ، ودشمنرا به آن صورت بازی دادن یك حال غیرمشروع شمرده میشود • امّاافراد عسکریهٔ دشمنرا بخود مایل ساختن، وبرای آنها تنخواه وبخشش دادن ، وانعال خائنانه وفراری های شانرا قبول کردن جائزاست •

٤ — درار دوها مأمورین مطبوعات :

در وقت حاضر بنابر وظیفهٔ مهمه که عالم مطبوعات ایفامیکنند، مأمورین مطبوعات را درداراالحربها قبول نکردن جائز نیست • مع هذا درائنای محاربه مأمورین مطبوعات را بیك نظامنامهٔ عسکری تابع بایدداشت • وبرای مخبرئی حرب آنچنان مردمانی را قبول باید کرد که شرف وحیثیت ، وذکاودرایت ، وتربیه ونزاکت شان مسلم باشد •

این مخابرین مطبوعات خواه دوست،وخواه بیگانه باشد،چون درقرار گاه عمومی قبول شوند برای رعایت کردن ایز پنج فقرهٔ ذیل بشرف وحیثیت شان سوگند داده میشود :

اولا : در باب قوت، ووضعیت ، وحرکات قطعات عسکریه هیچ چیزی شایع نکنند ، ودرباب نیتها ومقاصد سرقوماندان نیزحرف واحد نشرنما یند • امادر بعضی اوقات به اذن واجازهٔ ارکان حربیهٔ تول غند. این ممنوعیت برای مخابرین مطبوعات رفع وزایل شدن جائزاست •

ثانیاً — چون بجواریك قطعهٔ عسکری برسند هماندم به نزدقوماندان آن قطعهٔ عسکری رفته در باب اقامت خود درانجا اذن واجازه طلب میکنند ، و اگربنابر بعضی اسباب عسکری اذن اقامت به اودرانجاداده نشودهماندم بلاتأ خیربر میگردند •

ثالثاً : اوراق رسمیهٔ که به آن اثبات هویت خود شانرا بتوانند در نزد خود داشته میباشند ، وبمجردیکه اثبات هویت شان ، مطلوب شود همانندم آن اوراق رابمامورین معاینه نشان میدهند .
رابعاً : دفتر مخابرات ، وملازمهٔ سفریهٔ شان ، دایمابه قوماندانهای قطعهٔ که دران هستند معلوم باید بود .
خامساً : به اوامر واشعاراتی که ازطرف افسریکه درمابین قرارگاه عمومی ومخابرین مطبوعات ، مأموراست حرف بحرف اطاعت وپیروی مینمایند .
مخابرهای ملی ویااجنبی که درباب احوال وحرکات تولغند هرزه درائی کرده نشر حوادث نمایندهمانندم ازقرارگاه اخراج میشوند . واگر بیشتر ازان جرات ورزند بحضور یك دیوان حرب جلب ومحاکمه میشوند .
اخبارنکارانی که هیچ مساعدهٔ رسمیه استحصال نکرده باشند ، وبقطعات عسکریه رفاقت کنند ، واز هرگونه معاینهٔ عسکریه خارج مانده باشند ، آنها را بیك شدت بیرحمانه از قطعات عسکریه میرانند ، وبه آن گونه اشخاص به نظراشخاص مهلکه ومضره دیده میشود .

{ آمدیم بر حقوق ووظایف بیطرفها : }

یك حکومت بیطرف بهیچگونه ملازمهٔ حربیه بیکی ازمخاصمین معاونت کرده نمیتواند . دیگر اینکه تا ازدستش بیاید تبعهٔ خودرا ازمیل ومحبت بیك طرف منع کردن نیز ازوظیفه های حکومت بیطرفست .
(ملازمهٔ حربیه) یك تعبیریست که بسیارچیزهارا دربرمیگیرد . لهذا این مسئله در اول امر موجب بسی اختلافات بزرگی شده است . مثلا بیسه الزم ترین عنصر ملازمهٔ حربیه را تشکیل میدهد آیا تبعه ورعایای یك حکومت بی

طرف را از اعانه یکی از محاربین چسان منع کردن ممکن میشود ؟

یك بانگری که تابع یکدولت بیطرفی باشد هرگاه بیك دولت محارب پیسه قرض بدهد اورا ازین آرزوی او که منع کرده میتواند؟ چونکه این یك حالیست که آنرا نه حقوق دول اصلاح و تعدیل میتوانند و نه از انسبب یك حکومت مسئول میشود .

اما اگر اینمسئله قرض دادن تبعهٔ آن دولت به تشویق و تحریك خود آن دولت بوقوع آید مسئول شدن آن لازمست

آمدیم بر دیگر مواد مالزمهٔ حربیه :

اولا اسلحهٔ حربیه مانند طوپ، تفنگ شمشیر، وجبه خانه وغیره

ثانیاً : مواد ابتدائیهٔ که برای ساختن مالزمهٔ حربیه بکاراست مانند(کوگرد ، شوره ، پوست وغیره غیره)

ثالثاً : اسپها ، وقاطرها وماشبه ذالك .

رابعاً : ملبوسات، وتجهیزات ، مثلاهرجنس اونیفورمه ،موزه و بوط و آلات ، وادوات اردوگاه ، لوقوموتیفها یعنی انجنهای ریل، اوتوموبیلها، وه لوسیپیدها ، اسباب تلگراف و تلفون وغیره از اسبابهای گریزئی حرب شمرده میشود .

اما این یك را نیز فراموش نکنیم که یك قسم مهم این مواد برای احتیاجات بیتیه وصلحیهٔ انسان نیز لازمست . لهذا از نظریات آن انحراف ورزیده در تطبیقات آن از قرار ذیل بحرکت کردن مجبوریت دیده میشود .

— اولا، حدوعطای ارزاق، وحیوانات جاندار، ومأکولات وغیره مخل بیطرفی شمرده نمیشود .

— ثانیاً ، ازطرف تبعه یك حکومت بیطرف هرگاه بقصد صرف تجارت یك مقدار جزوی گریزئی الزمهٔ حرب تدارك شود باز هم بیطرفی را خلل نمی

رساند. اما اگر مقدار بسیاری از مالزمهٔ حربیه تدارك شود درانوقت معلوم میشودکه حکومت آن تبعه آن راحمایت میکند.

ارکان حربیهٔ (برلین) این راقبول میکندکه قافله های زخمیهاو بیمارهاازمما لك یك حکومت بیطرف بگذرد. اما گذشتن قافله های اسیرارا قبول نمیکنند.

این یك امراشکاریست که یك حربی که درمابین دول معظمه بوقوع آید بمعاملات تجاریهٔ آن دولت خیلی ضررها میرساند. چونکه هرگاه شاخ یك درخت را ببریم دیگرشاخی که درپهلوی آنست هیچ یك المی حس نمیکنند، ودرخت به قرارسابق محافظه حیات خودرا میکند چونکه رابطه ونسبت اجزای فردیه شیکه درمابین نباتاتست خیلی محدودمیباشد. اما اگردست یك انسان راببریم تنهانه اینکه اعضای دیگر آن یك عذاب الیمی حس بکنند احتمال تلف شدن همهٔ وجودهم موجود است. زیرا بسبب جملهٔ عصبیهٔ که حیوانات دارنددرمابین اجزای فردیه شان یك ارتباط ومناسبت بسیاربزرگی موجود است. وچون بعضی ازحجیرات بدنیهٔ آن مختل شوددردیگران نیزتأثیرمضرت آن دیده میشود.

لهذا بسبب ارتباطات واتصالات مکملهٔ سریعه شیکه دروقت حاضرمابین دولتها ومملکتهای متمدنه موجوداست، وامنیت واعتبار، ومناسبات ومعاملاتی که درجمعیت انسانیه وسعت گرفته است مشابه حوادث وعلایمیکه جملهٔ عصبیه اظهارمیکند بعضی احوالهابظهورمیاآورد.

پیش ازین هرگاه دریك حکومتی اغتشاشات محاربه ظهورمیکرد بدیگران هیچ ضرری نمیرسانید؛ حالآنکه درینوقت چنین نیست. مثلاصدسال پیش ازین اگریك حادثهٔ درژاپونیا بوقوع میاآمدبعدازهشت نه ماه دراوروپاشنیده میشدوآنهم بگوش بسیارکم مردمان میرسید، وکم مردمان ازان آگاه میشد. حالآنکه درامروزه روزیك حادثهٔ که درژاپونیابوقوع آیددوسه ساعت بعداز

شرق تاغرب خاص وعام هرکس آن رامیشنوند، وهمه عالم از ان باخبر میگردند .
یك پاریسی، باوجودیکه باژاپانها هیچ یك علاقه ومناسبتی نداشته باشند باز هم ازسبب بعضی اخذ وعطای تجـارت کم وبیش متضررشدن شان بی اشتباه هست .

هرآنقدرکه وسایط نقلیهٔ واتصالیه ، واعتبار تجارت وسعت وتزاید گیرد درمیان اقوام موجوده ارتباط ومناسبات نیز تزاید مینماید . این حقیقت بمجرد آغاز کردن (محاربهٔ روس وژاپان) بتمامها ظاهر گردید . چونکه بمجردیکه حوادث حرب شنیده شد در(بورسهٔ لندن)یك هیجان بزرگی بوقوع آمد . اسهام انگلیز بیك صورت بسیار مدهشی تنزل نمود . درروزهای بسیار بدترین جنگ (ترانسوال) نیز اینچنین تنزل وقوع نیافته بود . درظرف ۲٤ ساعت اهالئی انگلیز بقدر یکچندصد ملیون غایب کردند .

در(بورسهٔ پاریس) نیز همچنین حال هیجان بوقوع آمد . درظرف یك روز درواردات فرانسه (۸۷۵) ملیون زیان بوقوع آمد . چونکه فرانسویان تقریباً (۸) ملیار فرانگ اسهام روس راحامل بودند . بسبب شکست خوردن روسها این اسهام ازقیمت اصلیهٔ شان بیکبار تنزل نمود . وتنها اینمسئله درپاریس ولندن منحصر نماند ، بلکه هر مملکت نسبت بحال وشان خود ازان تأثیر عمومی حصه دار گردید .

پس دیده میشود که درین عصر حاضر درهرگوشهٔ دنیاکه یك بی انتظامی ظهور نماید تا بدیگر طرفهای دنیا باوجودیکه هیچ مناسبت درمابین شان نباشد سرایتها وتأثیرهای عجیب وغریبی پیدا میکنند .

درخصوص بیطرفی محاربات بحریه از محاربات بریه بیشتر اجرای تأثیر میکند . چونکه محل جریان حرکات بحریه دروقت صلح طریق مشترك تجارت

همهٔ حکومتهاست ، و بمجردیکه اعلان حرب بشود بحریکه دار الحرب است برای دو حکومت محارب مخصوص میماند . یعنی تنها همان دو حکومتی که باهم دیگر جنگ میکنند در منطقهٔ بحریهٔ دار الحرب حقوق مخصوصهٔ خود شان را تطبیق واجرا کرده میتوانند مثلا سفاین تجاریه را معاینه وتفتیش میکنند ؛ چراغهای دوار سواحل را خاموش میکنند ؛ بندرگاهاو خلیجها اباطوربیل وموانع سایره سدوبند مینمایند ؛ ومااشبه ذالك .

بناءً علیه درهر محاربهٔ بحریه ؛ دولتهای بیطرف فیکه علاقه دار هستند نظر بحقوق ومنافع شان بهمه حال یك طور معینی برای خود میگیرند . درمحاربهٔ روس وژاپان همهٔ دولتهای بیطرفی خودشان ابصورت رسمی اعلان کرده بودند واکثر دولتها چگونگی استفاده کردن محاربین طرفین را از بندرگاها وبندرگاههای خودشان که تاچه درجه ، وچه حدباشد بهردوطرف تبلیغ نمودند .

ازجمله حکومت انگلیز چنان قرار داده بود که سفاین حربیهٔ طرفین در بندرگاههایعنی لنگرگاههای حکومت مشارالیها زیاده از (۲٤) ساعت توقف نکنند ؛ وبجزهمانقدر زغالی که آنها را تا بیك لنگرگاهی که نزدیکترین لنگرگاهها باشدبر ساند بیشتر زغال نه بردارد .

حکومت فرانسه ، دراثنای اعلان حرب که دستهٔ کشتیهای جنگی (ویره نیوس) روس ، در (جیبوتی) بودنه درباب زمان توقف ، ونه برداشتن زغالی وارزاق هیچیك وقت وحدی معیین نکرده بود . وغیر از برداشتن اسلحه وجبه خانه برای دیگر هیچ چیزی بهیچگونه تقیداتی نه پرداخته بود .

حکومت ژاپان ، دراثنای اعلان حرب یك بیاننامهٔ نشر کرده باان بیاننامه کریزیهای حرب راتعیین نمود :

۱ — اسلحه ، جبه خانه ، موادناریهٔ مخربه ، امتعهٔ خام و آلات وادواتی

که برای ساختن آنها بکار آید، چمنتو، اونیفورمه، وسایط ولوازمی که برای اکمال نواقص اردو و کشتی جنگی بکار آید. لوحه های زره کشتی، مالزمه ئیکه برای انشاأت وتجهیزات کشتی سازی بکار آید؛ والحاصل دیگر همه گونه وسایطی که برای مقصد حرب نافع باشد. همه اینگونه چیزها اگر از مملکت دشمن بگذرد وبسوی مواقعیکه عسکر در کشتی جنگی دشمن باشد برده شود کریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود.

۲ — ارزاق، مشروبات. ومأکولات، اسباب ویراق اسپ وطوپ کشی عرابه. زغال، چوب، پیسه، کلچه های طلاونقره، تلگراف، تلفون، مالزمهٔ شمندوفر پلسازی، وغیره؛ همه اینگونه چیزها که برای عسکر دشمن، ویابسوی مواقعیکه عسکر دشمن در انجاست برده شود کریزئی حرب شمرده شده ضبط ومصادره میشود

بیاننامهٔ که درباب کریزئی حرب ازطرف حکومت روس نشر شده بود نیز نزدیک به بیاننامهٔ ژاپانها بود. تنها پیسه راداخل کریزئی حرب نکرده بودند. وبمقابل آن. نفت، واسپریت، ودیگر مواد احتراقیه. واسپ، ومکتوب وتلگرافنامه. وواپورهای بیم کاه ئیکه در راه ساخته شود اگرچه درزیر بیرق دیگر دولت هم باشد. معاً کریزئی حرب داخل کرده بودند.

چیزیکه روسهارا برای این تدابیر سوق کرده بود این بود که بخیال شان میرسید که ژاپانها هنوز در بندرگاهای خود شان واپورهای بزرگ ساخته نمیتوانند. واز انسبب ضبط ومصادرهٔ همهٔ کشتیهایی را که بطرف جزیرههای ژاپان بروند اعلان کرده بودند.

دوام ورزیدن حرکت دستهٔ کشتیهای جنگی دوم بحر محیط روس ❁ یکسر بسوی شرق ❁

امیرال (روژهستونسکی) بعدازانکه بقدر دونیم ماه در جوار (ماداغسقار)

اقامت نمود در (۱۶) ماه مارچ قطعیاً بسوی اقصای شرق رهسپار عزیمت گردیده امیرال مذکور بعد از کمی بخیال آن بود که با سفینه های کشاف ژاپان تماس حاصل نماید زیرا از چندوقت به اینطرف اینخبر شایع شده بود که بعضی کروواز ور های ژاپان در جوار جزیره های (سوند) که در (بحر محیط هندی) واقعست گشت وگذار دارند .

این خبر از یك فکر بسیار ساده و بسیطی نشأت کرده بود. زیرا امیرال (توغو) برای بازی دادن دشمن با لحرکات سفاین حربیهٔ خود به نشر کردن این چنین حوادث ساخته گی آغاز نهاده بود. امادر حقیقت حال حکومت ژاپان بسوی جنوب محض از برای یك نمایش ساخته گی (قاراکی)، و (شیطوزه) نام (۲) کروواز ور محفظه دار خود را، با (یاماناماری)، و (امریکامارو) نام (۲) قطعه کروواز ورمعاون خود در زیر قوماندانی ویس امیرال (دهوا) فرستاده بود.

این فرقهٔ کوچك ژاپان در (۱۲) هم مارچ در ساحل جنوب (قوشه نشین) ودر (۱۵) هم ماه مذکور در (سنگاپور) نمایش اجرا کرده در (۱۸) هم ماه واپس بسوی شمال عودت کرده بود.

دستهٔ کشتی های جنگی روس باوجود این استخبارات بر کوتاه ترین راه ها از آب نای (سنگاپور) گذشته در (۸) م اپریل در جوار (آنام) مواصلت نمود.

امیرال (روژه ستوینسکی) در جوار سواحل (آننام) تابه رسیدن قدمهٔ دوم کشتئی جنگی خرده در زیر قوماندانی میرال (نبوغانوف) در همان تاریخ از (جیبوتی) حرکت کرده بود انگر انداز اقامت گردیده بود.

بسبب استفاده کردن سفاین حربیهٔ روس از سواحل مستملکات فرانسه درمابین کابینه های (توکیو)، و (پاریس) اختلافات سیاسیهٔ بسیار شدیدی برپا گردیده بود که اگر (روژه ستوینسکی) یکقدری بیشتر ازین در سواحل (هند

چینی)اقامت میکرد مسئلهٔ سیاسیهٔ که درمابین(ژاپان)و(فرانس)بازشده بود ازقلم صلح وصلاح بیرون برامده به نوك سرنیزه، وگله های طوپ محول میکردیده نهایت الامر ملاقی شدن دسته کشتی های جنکی (نه بوغانوف)ودسته کشتی جنکی (روژه ست وه نسکی) در(۸)م ماه می بعداز انتظار بسیاری میسر کردیده درین اثنا این تول غند بحرئی روس ازین سفاین قرار ذیل مرکب شده بود :

کشتیهای زرهپوش	قینازسواروف ایمپراطور الکساندر سوم بورودنیو اورهل اوسلی یابیا سیصویی وهلبتی ناوارین ایمپراطور نیکولا
کرووازورهای زرهپوش	آدمیرال ناقیموف دیمتری دونسقوی ولادیمیر ونوماق
محافظهای ساحل	آدمیرال اوشاقوف آدمیرال سه نی یاوین جنرال آپراسقین
کرووازورهای محفظه دار	اوروورا اوله غ آلماز زه مچوغ سوبیه تلانا ازومرود

کرووا زور های معاون	قوبان اورال ته ره‌ك ریبون دیه په ر
مخربهای طور پیدو	بونیه یی براوی یی بله سیتاچی یی بیستره یی بودری یی به زوبره چنی یی بیه دودی یی غرومقی یی غروزنی یی
دستهٔ کشتی نقلیه های داوطلب	هیمالا یاروسلاولك تامبوف دورونه ژ ولادیمیر کی‌یه ف قوره آ

سفاین نقلیه	مالاقا
	مه رکوری‌یی
	قسه نیا
	ژوپیتر
	ستروغانوف
	گیتایی
	قورونیا
	غوروچافه ف
	هر مانلرشه
کشتیهای خسته خانه	اوره ل
	قوستردما
کشتیهای تعمیر	قامی شقا
	انادیر
کشتی آب بردار	مه‌ته اورا
کشتیهای ارزاق	ناجه دا
	دانوب
ره‌مورکورها	روس
	سوید

اینست تول‌غند بحرئی روس که بسوی شمال بحر پیمای عزیمت شده میروده امیرال (روزه‌ست وه‌نسکی) پیش ازانکه به اراضئی بحریهٔ دشمن داخل شود از یك قسم بزرك قافلهٔ کشتیهای نقلیهٔ خود تخلیص گریبان نمود .

﴿ نشر حوادث پیش ازمحاربه ﴾

ازدستهٔ کشتی ژاپان هیچ یك خبرراست قطعی گرفته نمیشود . یا آنکه بسیار

خبرها گرفته میشود . مثلا یکبار یك حوادثی شایع شد که کشتی های ژاپان در جوار جزیرهٔ (فورموز) باهمهٔ سرعت خود بجولان بازی و بحر تازی دیده شده است . بازیکروزی این خبر منتشر گردید که بقدر (۸۵) قطعه سفینهٔ حربیهٔ ژاپان در جوار (به سقا دور) جمع آمده است .

نهایت الامر بکمال موثوقیت این خبر شایع شد که یك گروواز ورژاپان که اسم آن غیر معین است به (هونغ قونغ) آمده باشرکت تخلیصیه — یعنی یك کمپنئی که کشتیهای غرقشده را رهایی میدهد درباب رهایی دادن کشتئی زرهپوش (میقازا) که سوارئی امیرال (توغو) میباشد، ودر آبنای (باشی) به بد صورت در ریگ بند مانده است بمذاکره کرده است .

حالآنکه در حقیقت امرامیرال (توعو) برای اکمال کردن تجمع عمومئی همهٔ قوای بحریهٔ خود مشغول تدارکات وحاضری های خود است . واینهمه حرکات وشایعات محض از برای آنست که دشمن خود را به این قانع سازد که دستهٔ کشتی ژاپان به ترتیبات یك مدافعهٔ متحرکه مشغول میباشد .

حال آنکه امیرال (توغو) لحظه بلحظه از همه حرکات وتشبثات دشمن خود معلومات صحیح ودرستی میگیرد . واکثر این معلومات را نیز از طرف نشریات هرزه درائی خود روسها بدست می ارد . پیش ازین نیز دیده بودیم که روسها درخصوص حرکات عسکرئی خودشان که پنهان داشتن آن خیلی اهم والزم بود پیش از وقت اشاعه میکردند . ازجمله در (۲۳) وم جون پارسال چار روز پیش از حرکت خروجی که امیرال (ویت هفت) میخواست از (پورارتور) اجرا بکند از طرف نظارت بحریهٔ روس به اخبارها اعلان شده بود که خسارات دسته کشتی جنگی (پورارتور) برطرف شده ، وضایعات آن اکمال گردیده ودرین روزها درزیر قوماندانئی امیرال (ویت هفت) بسوی (ولادیوستوق) بحرکت مهیا

می باشد .

نتیجهٔ این نشر حوادث چه شد ؟ همین شد که قوماندانهای ژاپان بمجرد دیکه این را خبر شنیدند همهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خود را در پیشگاه (پورآرتور) جمع اورده بخروج دستهٔ کشتیهای جنگی روس انتظار کشیدند .

جنرال (غریپه نبرغ) و دیگر قوماندانهای تول غند مانچوریئی روس نیز هم چنین بعضی حوادث و معلومات عسکریه را پیش از وقت نشر کردند و نتیجه های وخیم انرا برای العین مشاهده نمودند . این گونه بیباکی و بی دقتی مطبوعات روس درباب نشر حوادثی که پنهان داشتن ان ضروری دیده میشد الحق که شایان حیرت است .

یکچند وقت محررهای روس این خطاهای خودشانرا دانسته فقره هائیکه برای دشمن فایده برساند ننوشتند . اما این تقیدات احتیاط کارانه شان بسیار دوام نورزید . مطبوعات ، ومأمورین روس باز در وقتی که جان مسئلهٔ حرب میبود از اول بدتر به نشر حوادث و معلومات پرداختند .

مثلا درین اوقات باز (روس) نام اخبار روس در نسخهٔ (۱۴۲) وم خود از یك ملاقاتی که باز ناظر بحریه کرده بود بحث رانده نشر نمود که : (سر قوماندان) دستهٔ کشتی جنگی روس امیرال (روژه ست و نسکی) بیمار است ، و پیش از انکه از (لیباو) حرکت کند مرض کرده دردئی او خیلی شدت کرده بود ، و در اثنای این چنین یك سفر دور و درازی که او در پیش گرفته البته خیلی خسته و مانده خواهد که این حال یك نتیجهٔ وخیمی حاصل خواهد کرد .»

بعد از یك کمی باز همین اخبار از بیماریئی امیرال (فه لکرسام) که بعد از (روژه وه نسکی) جانشین او ست بیانات نشر نمود این امیرال (فه لکرسام) دستهٔ کشتی جنگی زره پوش دوم روس را قوماندانی میکرد . پس این حوادث برای ژاپانها تا چه

درجه فایده‌مند شدن ان امرا شکاریست .

حال انکه اخبار روس تنها به اینهم اکتفا نورزیده اینرا هم علاوهٔ مقال نمودکه : «بسببی که دستهٔ کشتی های جنگی روس در آب های (ماداغسقار) یعنی در منطقهٔ حاره بسیار مدت اقامت کرده اند تنها امیرال (نه‌لکرسام) نی بلکه همه امرای عسکریه احوال شان مختل شده است .»

ازین بیانات اخبار روس معلوم میشود که احوال صحیهٔ دسته کشتیهای جنگی روس که برای زدوخورد امیرال (توغو) میرود سراسر مختل است . اخبار روسی هنوز بهتر ازین حوادث نیز نشر کردن گرفت : مثلا نوشت که اصل مقصد سرقوماندان روس و وظیفهٔ یگانهٔ او همینست که دستهٔ کشتی های جنگی را به (ولادیووستوق) ببرد ؛ و بعد از انکه به آن بندرگاه مواصلت کند (روژه‌نست وه‌نسکی) وظیفهٔ ماموریت خودرا گویا تمام کرد . لهذا او پس بر خدمت خود که ریاست ارکان حربیهٔ بحریه است عودت میکنند .

(روژه ست وه‌نسکی) درینوقت تنها روح دستهٔ کشتیهای جنگی ، بلکه روح امیدهای تمام ملت روس است . پس در چنین دورهٔ بحران آمیز محاربه مطبوعات روس دربات احوالات مهمهٔ او اینگونه نشر حوادث کردن حقیقتاً شایان حیرت است .

هرگاه مأمورین عسکریه ، ومحررین ملکیهٔ روس درباب دانستن اینکه این گونه نشر حوادث برای خود شان چقدر مضر و برای دشمن شان چقدر نافعست درفن حرب بحری لاعلی التعیین یك اثر و تألیف ارباب این فن را مطالعه میکردند برای شان خیلی بهتر میشد .

بعد از سواحل هند چینی ، (روژه‌ست وه‌نسکی) مجبور بود که حرکات خودرا برای خدمتی که از و منتظر است تنظیم نماید سر از ینجا مومی الیه به ایندو

صورت حرکت کرده میتوانست :

یکی آنکه یك قسمی از دستهٔ کشتی های جنکی خود را فدا کرده، وهرچه بادا باد کفته بر استقامت (ولادیووستوق) برای خود یك راهی کشادن ، وبعدازانکه یکباربه این اس الحرکات بیاید درانجا به اجرا کردن بعضی حرکات بحریه نو نوی آغاز کردن .

دیکر اینکه پیش ازانکه به بندرکاه (ولادیووستوق) برسد بردشمن پیش رفته . وبا آن یك محاربهٔ قطعیه اجرا کردن .

درصورت اول ، بی آنکه بادشمن برابر بیاید اکرچه بفدا کارئی بسیار بزرکی هم باشد عبارت ازیك تجربهٔ درباب رفتن (ولادیووستوق) شمرده میشد .

تشبث دوم بریك تفوق قوت موقوف بود . بهردوصورت مسئلهٔ زغال دربنباب یك عنصر مهمی تشکیل مینمود که از وقایع جریان یافته بخوبی معلوم میشود که امیرال (روژه ستوه نسکی) بدرجهٔ کفایت زغالرا مالك بود .

ماحالا ازین صرف نظر کرده بسوی پلان ونقشه (توغو) به بینیم :

هیچ شبهه نیست که امیرال ژاپانی برین یك قرارداده است که به استقبال دستهٔ کشتی های جنکی روس نرود ، واورا دراهیکه میکذرد انتظار بکشد .

برای رفتن (ولادیووستوق) ازبهر کذشتن دستهٔ کشتی های جنکی روس سه کذرکاه موجود بود :

یکی آبنای (چوشیما) ؛

یکی آبنای (چوغارو) ؛

یکی آبنای (په روز)

این دوآبنای آخرین برای دستهٔ کشتی های جنکی روس کار آمدنی نبود، زیرا دستهٔ کشتیهای جنکی برای رسیدن تابه آنجا بصرف کردن مقدار بسیاری

از زغال خود مجبور میگردید . دیگر اینکه این دو آبنابرای ژاپانها نیز چندان خوب نبود . چونکه ژاپانهارا از بندرگاههای خودشان خیلی دور میانداخت . لهذا یگانه تدبیر امیرال (توغو) همین بود که درنزدیکی بندرگاهای عسکرئی خود بادشمن محاربه کنند . وازینسبب آبنای (چوشیما) برای امیرال ژاپانی یك دارالمصادمهٔ بسیارمکملی تشکیل مینمود .

امیرال (توغو) درطرفهای آبنای (چوغارو)، و(پهروز) دوکشتی که با آلات تلگراف بی‌سیم مجهز بود فرستاده بود که اگر خط حرکت دسته کشتیهای جنگی روس را به آنطرف ها ببینند همان دم سریعاً به او خبر بدهد . ودرانوقت بسرعت تمام باهمه قوت خود به آن آبناها رسیده بتواند .

جزیرهٔ (چوشیما) آبنایی را که بهمین نام موسوم است بردو قسم غیرمساوی تقسیم کرده است . قسم شرقئی آنرا که خیلی واسعتر است (آبنای قوره)، وقسم غربئی آنرا که تنگتر است (آبنای بروقتون) میگویند .

وقتیکه به (آبنای قوره) داخل شود ، درمدخل این آبناو برساحل جزیرهٔ (مینپون) به یکی از بندرگاهها یعنی لنگرگاههای مهم ژاپونیا تصادف میشود که آنهم عبارت از بندرگاه (ساسه‌بو) میباشد، ویکقدری بجهت جنوبئی آن . بندر (ناغازاکی) واقعست . که این هردو بندرگاه بسی حوضهای کشتی سازی و آلات وادوات تعمیرات کشتیهارا مالك میباشند . دریك کنار دیگر این آبنا یك بندرگاه عسکرئی بزرك دیگری موجوداست که آنرا (بندرگاه کوره) میگویند .

درمخرج این آبنا (مه‌جورو) نام یك بندرگاه عسکری دیگری نیز موجوداست .

آبنای (بروقتون) اگرچه بندرگاههای عسکری ندارد لیکن دروقت حرب بندرگاههای (فوزان) و (موزامپو) رایك یك اس الحرکات برای خود میتوانند گرفت . ژاپانها این بندرگاههارا برای همین مقصد بدقت تمام ترتیب وتنظیم کر

ده اند ، وچون هنوز برای ساختن حوضهای بزرك کشتی سازی درینجاها وقت وفرصت نیافته اند ، ولی بازهم برای آنقدر تعمیراتی که کشتیهای بزرك خودرا تابدیگر بندرگاههای بزرك رسانیده نتواند ، وکشتیهای کوچك درا نجاها بی تعمیر بشوند حوضهای کوچك بوجود آورده اند .

اینست که امیرال (توغو) بنابرین فوائد ومحسنات همین آبنارا برای دستهٔ کشتی جنگی خود کمینگاه اتخاذ کرده ، وگذرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی روس‌را نیز به آهو گردانیهای که میدانست برهمین راه برابر کرده است .

مع هذا بسیار مردمان ان فن ، این بی حرکتی ، وعدم تشبث طوربیدو های ژاپان را بنظر حیرت وتعجب میدیدند ، ومیگفتند که : اگراین طور پیدو های خودرا امیرال (توغو) درفراخنائی های جزیره های (فورموز) و (په سقادور) بحرکات بحری سوق بکردندرفتار وحرکات دستهٔ کشتی جنگی روس راخیلی سکته دار میتوانستند .

وبعضها این سکوت معندانه ، ویااین قرار عالمانهٔ امیرال ژاپانی را چنین تفسیر کرده میگفتند که : سرقوماندان دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنکه تا وقت حملهٔ قطعی نرسد دشمن خودرا برموجودیت خود آگاهی نمی بخشد ، و قوای حربیهٔ خود را مانده نمیکند لهذا ازجزو تامهای خودهیچ یکی رابه استقبال دشمن نفرستاده است .

فی‌الواقع که پلان امیرال (توغو) همین بود که محاربه را در دیگر جانی بلکه دریك محل معینی که تصور کرده است اجرا نماید ، مشارالیه برین پلان خودموفق آمده ، وازان فوائد عظیمی بدست آورده که بعدازین به تفصیل ازان بیان می شود . اماقبل ازانکه به تفصیلات این محاربهٔ خون ریزانهٔ (چوشیما) آغاز کنیم یکقدری ازاحوال خصوصیهٔ محاربات بحریه ، وفرق آن بامحاربات بریه اگر بحث رانده شود ازفایده خالی نخواهد بود .

فرق درمیان محاربات بریه وبحریه

اول یکباراین را بایددانست که تصادف دودشمن دربحر، وپیدا کردن همدیگرخودرا خیلی مشکل یك کیفیتیست .

در خشکه انسان همیشه میداند که دشمن خودرا درکجا خواهد یافت؛ حالآنکه دربحرکارایچنین نیست . اگرچه بوقوع آمدن محاربه که درفلان محل وفلان موقع خواهد بود کشف واستدلال میشود اما معنای حقیقئی آن دایما درپردهٔ مجهولیت میماند . مثلا روسها به این یك میدانستند که ژاپنها محاربه را درنزدیکئی بندرگاههای خودشان اجرا خواهند کرد . زیرا فایدهٔ شان درهمینست . ولی به این نمیدانستند که محاربه آیا محاربهٔ در (۲۵) میل یا (۵۰) میل درشمال؛ ویا بهمین قدر مسافه درجهت جنوب این بندرگاهها بوقوع خواهد آمد؟

اهمیت این هردوحال در نزد روسها یکی بوده . اما چیزیکه انها ازان میترسیدند کیفیت اجرا شدن محاربه دریك ابنای تنگی بود . زیرا دربحرهای باز و آزادموضعهای فایده مند؛ وبیفایده موجود نیست . بلکه معنای صحیح (موضع) هم موجود نیست . چونکه دستهٔ کشتی های جنگی که درمقابل همدیگر هستند ازحرکت کردن ، ومانوره نمودن یك آن خالی نیستند . واین مانورهها نسبت به حرکات ومانورههای خشکه بسرعت وسهولت دریك مقیاس بزرگی اجرا میشود . مثلا اردوهای بری درحالتیکه درروزی از (۱۰ تابه ۳۰) فرسخ مسافه قطع میتوانند ، دستهٔ کشتی های جنگی بحری درروزی از (۳۰۰ تابه ۵۰۰) فرسخ قطع میکنند . وهم درراهیکه میان بحرمی پیمایند هیچ اثرقدم خودرا هم نمیگذارند که دشمن بحرکت آن پی برده بتواند برای این کیفیت تاریخ حرب بما مثال های بسیاری نشان میدهد که یك دستهٔ کشتی جنگی درپئی دیگر دستهٔ کشتی جنگی افتاده ولی همدیگرخودرا نیافته اند .

مشهورترین مثالها دستهٔ کشتیهای جنگی فرانس است که تول غند (ناپولیون بوناپارت) را یکعصر پیش از ین نقل میداد، و در حالیکه بحر سفیدرا از یکسر تا بدیگر سر به پیمود دشمن به آن تصادف نتوانست نمود .

امیرال (نه لسون) انگلیزی از بسیار وقتها در فراخناهای لنگرگاه (طولون) خروج دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه را انتظار میکشید . اما این دستهٔ کشتیهای جنگی یك روزیکه طوفان بسیار شدیدی ظهور نموده بود و امیرال انگلیزی از بندرگاه بمجبوریت دور شده بود فرصت خروج را یافته بود .

بعد از چندروز (نه لسون) خبر گرفت که یکقطعه عسکری فرانس در جزیرهٔ (مالطه) بیرون برامده است ، و آنوقت خبر شد که (بوناپارت) ببحر سفید برامده است . بنابرین مومی الیه همانَدم درعقب آن براه افتاده دستهٔ کشتیهای جنگی فرانسه راجستجو کردن گرفت و در (۲۸) جولائی به (اسکندریه) رسید . زیرا میدانست که فکر استیلاجویانهٔ (ناپولیون) عبارت از گرفتن قطعه (مصر) است . ولی چون در انطرفها هیچ علامهٔ از دستهٔ کشتیهای جنگی فرانس نیافت دوچار تردد شده باز برای جستجوی آن بدریا برامد .

حال آنکه یك روز بعد از حرکت (نلسون) دستهٔ کشتیهای جنگی (ناپولیون) به (اسکندریه) رسیده بی پروا عسکر خودرا بخشکه براورد . آیا این کار چه سان پیش آمد ؟ به اینصورت پیش آمد که دستهٔ کشتی جنگی فرانسه بسبب که بسیار سفاین نقلیه همراه داشت آهسته آهسته راه میرفت ، و (نلسون) چون آزاد بسرعت تمام قطع مسافه مینمود . حتی وقتیکه به اسکندریه می آمد از پهلوی دستهٔ کشتی های جنگی فرانس گذشته بود اما بسبب دمهٔ شدیدیکه بتصادف ظهور نموده بود همدیگر خودشان راندیدند .

مع هذا در نجاتنها کیفیت دمه مانع ندیدن دو دستهٔ کشتیهای جنگی بهمدیگر

شان نمیشود . بلکه تاریکئی شب نیز راههای مختلف برای دو دسته کشتی های جنگی پیدا میکنند که همدیگر خود شان را دیده نتوانند .

دیگر اینکه در خشکه بسیار وقتها میشود که دوازده ماهها به ترصد هم دیگر مشغول مانده یك محاربهٔ عمومیه در مابین شان بوقوع نمی آید . حال آنکه در بحر بمجرد دیکه مخاصمین باهمدیگر برابر آمدند هما نوقت با همدیگر بمحاربه آغاز میکنند .

در محاربهٔ بحریه یك خصوصیت دیگری هم هست که خیلی شایان دقتست و آن اینست که در محاربات بحریه سرامیرال و ارکان حربیهٔ او دایما به تهلکهٔ مردن و یا مجروح شدن معروض میباشند .

حالآنکه در خشکه سراسر کارد کرگونه است . چونکه در خشکه سرقوماندان هیچگاه بالذات به آتش دشمن معروض نمیشود . واگر در داخل دایرهٔ آتش دشمن درآید برای سرقوماندان یك قباحت بزرگی شمرده میشود .

در (تاریخ محاربات اقوام) به بسیار قوماندانهای تصادف میشود که تا به قطعات خط پیش داخل شده رایگان خودرا بقتل رسانیده اند . حالانکه اینحرکت آن سرقوماندان ها یك فضیلت نی بلکه یك خطا و نقصان عظیمی برای شان بار اورده است .

درین محاربهٔ اقصای شرق جنرال قونت (که للر) نام روسی تا به یك نقطهٔ تهلکه ناکی پیشرفته خودرا رایگان تلف ساخت که اینهم یك مثال نوی برای اینگونه قوماندانهای بیمغز تشکیل میدهد .

آتشه میلیتر المانی که حرکات نول غندروس را در (مانچوری) تعقیب میکرد جنرال (قوروپاتکین) را بسببی که قرارگاه عمومئی خودرا نزدیك جبهه بیك وضعیق وضع کرده بود شایان اعتراض و توبیخ دانسته بوده . و بالعکس طرز حر

کت ماره شال(اویاما) را که قرارگاه عمومئی خودرا در بسیار عقب جبههٔ محاربه وضع کرده بود ، وازروی راپورهائیکه ازقوماندانهامیامد مانندانکه شطرنج بباز د برروی خریطه مانوره های محاربه رابواسطهٔ تلگراف وتلفون اجرا واداره مینمود تحسین وافرین کرده است .

درحقیقت حال نیز همچنین است که یك سرافسر کل صورت حرکت ومعاملهٔ او درمیدان محاربه همین طور باید بود .

دیگرانکه درمیدانهای محاربهٔ بریه جنرالها وقوماندانهانادراً ویاتصادفاً مقتول ویامجروح میشوند . وسرقوماندان هرگاه قضاءً درمحاربه کشته شود همان دم جانشین او موجود است ، چونکه درمعیت اویك هیئت ارکان حربیه بزرگی موجود است .

حال انکه دربحر حال و وضعیت سراسردگرگونه است . زیرا سرامیرال با همهٔ هیئت ارکان حربیهٔ خود دریك کشتی بسوارشدن مجبوراست که ضایع شدن این کشتی موجب ضیاع سرامیرال و همه ارکان حربیهٔ او میشود . چنانچه در (پورارتور) برسر کشتئی (پتروپاولوفسق) امد .

سرامیرال دربحر دایما درزیر تهلکهٔ تاثیر آتش دشمن معروضست . حتی از همه طایفه های کشتی خود بیشتر درزیر تهلکه میباشد . زیرا طایفه ها را کثر شان دردایرهٔ ماشین وجاهای مستورتر میباشند . حالانکه امیرال برای قوماندهٔ دستهٔ کشتی جنگی دایما برسرپل کشتی باید ایستاده باشد . بنابرین هرگاه درمحاربات بحریه تلف شدن بسیاری ازامیرالها دیده شود دوچار حیرت نباید شد . مثلا درین حرب بعدازکشته شدن امیرال (ماقاروف) امیرال (ویت هفت) کشته شد که هیچ شایان تعجب نیست . درمحاربات بحریه وقوعات دایما همچنین امده ورفته است . صورت تلف شدن امیرالهای مشهوردنیامانند (رویتر) ، و (نلسون)

نیز بهمینصورت بوقوع امده است .

افسران ارکان حربیهٔ بحریه نیزیادر (بلوقهاوز) ویابرسرپل قوماندانی کشتی هاباامیرال یکجامیباشندکه درتهلکهٔ دایمی معروض هستند. چنانچه در (۴)وم ماه جولایی یك کلهٔ بزرگی که ازطرف دشمن برکشتئی (سه زارویچ) کفید چنانچه امیرال (ویت هفت) مقتول شده همه افسران ارکان حربیه را نیز مجروح نمود .

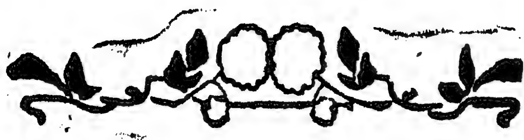
دیگراینکه چون امیرال کشته شود، قوماندانی را بدیگرقونترامیرالهائیکه در دیگرکشتی باشدحواله وتودیع کردن نیزخیلی مشکل یك کیفیتیست . زیرا این کیفیت تنهابیك اشارتی اجرا میشودکه علی الاکثرا ن اشارت هم با کله های طوپ دشمن خراب شده میباشد . درروز (۱۰) هم اگست دروقتیکه برنس (اوختومسکی) قوماندانی دستهٔ کشتی های جنگی روس رادرعهده میگرفت عین همین حال بوقوع امده بود . در تاریخ اسفار بحریه درخصوص بسی مثالها ذکرکرده میتوانیم .

دیگراینکه سر امیرال هرچیزی رابالذات بایدبه بیند ، وبداند ؛ و نظر به اوضاع مختلفهٔ محاربه که بیك سرعت بزرگی تبدل وانقلاب میورزد لحظه بلحظه بدادن اوامر متنوعه مجبور است . وبعضی وقتها میشودکه بااشارتهای مخصوصه کیفیت دادن اوامرممکن نمیشود . پس درچنان اوقات امیرال میباید که بواسطهٔ حرکات کشتی خود امر های خود را بکشتیهای معیت خو بفهماند . لهذا کشتئی سوارئی امیرال همیشه درپیش روی همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی باید رفتار نماید . وازینسبب بایدسرامیرال بیرق خودرا بربهترین وقوتمندترین کشتیهای خود برافرازد . وازینست که امیرال (توغو) بیرق خودرا برکشتئی (میقازا) که بهترین کشتیهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان ؛ وامیرال (روژه ست

وه نسکی) در محاربه بیرق خودرا بر کشتئی (قیناز سواروف) که بهترین کشتی دستهٔ کشتیهای جنگی روس بود برافراشته بودند .

والحاصل در محاربهٔ بحریه ، سفینه امیرال دا بماد زیر تهلکهٔ عظیمی معروض است . وقسم اعظم گله ها بران جمع و توحید میشود . تابحال در محاربه ها ژاپانها بمحو کردن سفینه های امیرال روس موفق وکامیاب آمده اند . به بینیم که بعد ازین چه میشود . آیانوبت فلاکت دریماد بر سفینهٔ (میقازا) یابر کشتئی (قیناز سواروف) توجیه خواهد کرد ؟

خبرهای آخرینی که ازاقصای شرق آمده چنان معلوم میشود که (روژه ستوه نسکی) بدرازنی ساحل شرقئی جزیرهٔ (چوشیما) به آبنای (قوره داخل) شده است این خبرچنان معلوم میشود که راست باشد . زیرابندرگاه (تاکه ریکی) بسمی که به آبنای (بروقتون) متوجه است اگردستهٔ کشتیهای جنگی روس ازانجا بگذرد از دوجهت باطورپیلهای تحت البحر ، وطورپیدوها تهدید میشود . امادر آبنای (قوره) ازیکطرف به این تهلکه درزیر تهدید میماند .





تلگرافهایی که از هرطرف می آید ؛ از آغاز یافتن محاربهٔ عظیمهٔ که از بسیار زمانهاهمه عالم به انتظار آن بودند خبرمیدهد ! این محاربه در آبنای (قوره) بوقوع آمده است .

امیرال (توغو) پلان ونقشهٔ که در باب تاجهای مظفریت دستهٔ کشتی های جنگی خود ، وفلاکت و ادبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس از بسیار وقتها کشیده ،وازماهاماهها بکمال صبر ومتانت به پنهان داشتن آن کامیاب آمده ، وعالم رابه این اعمال خود حیران ساخته ؛ اینست که درینوقت بکمال حشمت وجلال بمیدان میبراید .

دستهٔ کشتیهای جنگی روس بردوقول بسرعت ساعت (۱۰) میل راه پیمایی داشتند . قول راست که درزیر ادارهٔ خودامیرال (روژه ست وه نسکی) بود مرکب از (۷) قطعه زرهپوش ، و (۱) قطعه کرووازور زرهپوش بوده زرهپوشها عبارت ازین کشتیها بود:(قینازسواروف)سواری خودامیرال . (الکساندردوم) ؛ (بورودینو)؛ (اوره ل) ؛ (اوسلی یابیا) ؛ (سصویی) (ناوارین)،قوماندان دسته های کشتی کرووازورزرهپوش(امیرال ناقیموف)بوده

قول دوم عبارت ازین کشتیهابود: زرهپوش (نخستین نیکولا)سواری امیرال (نه بوغانوف) درپیش روی قول مذکورمیرفت . درعقب آن (جنرال آپراقسین) ، و (آد میرال سه نیاوین) ، و (آدمیرال اوشاقوف) نام سه قطعه کشتیٔ محافظ ساحل ؛ و (اوله غ) ، و(او روراء) نام دو قطعه کرو

وازورهای محفظه دار؛ و (دیمتری دونسقوی)، و (ولادیمیر مونوماق) نام دوقطعه کرووازورهای زرهپوش میآمدند.

درمابین این دوقول ویکقدری عقب تر: (انادیر)، و(ایرتش)، و(قامی تقا)، و(قوره)، و(روس)، و(سویر) نام کرووازور معاون حرکت میکردند. و(اورال) نام کرووازور بزرک نهایت قول را تشکیل میداد.

کرووازور(سویه تلانا)، و(ژه مچوغ)، و(آلماز)، و(ایزدمرود) نام سفینه ها برای خدمت کشف در بغلهای قولها رفتار داشتند.

(مخرب طوربیدوها) نیز درجوار زرهپوشها میبودند.

درشب (۲۷)م ماه؛ تلکراف های بی سیم به دستهٔ کشتی های جنگی روس نزدیك بودن دفاین حربیهٔ ژاپان را خبرداد!

هنگامیکه شفق سرزد هوا خیلی غبار آلود، و دمه دار بود، دیدن یکچند میل به آنطرف ممکن نمیشد! باد از سمت جنوب غربی بشدت وقوت تمام همیوزید. بحرخیلی مواج بود. زرهپوشها بسیار می جنبید.

این طپش ولرزش، ازطپیدن ولرزیدن دلهای افراد دوملت مسلحه درین آن خبر میداد! اصل نقطهٔ جاندار این محاربهٔ روس وژاپان درهمین جاست.

دو دشمنی که ازماهها بملاقات خونریزی همدیگر خود منتظر، وتابحال بهیچ صورت خودرا ملاقی نمیشدند اینست که درینوقت: «چه خوش باشد که بعد از انتظاری ❊ به امیدرسد امیدواری!» گفته بامدهشترین اسلحهٔ که قوهٔ اختراع بنی نوع بشر برای محو وهلاك همدیگر خود درینعصر حاضر بروی کار آورده در میدان مبارزه برای خون ریزی مهیا شده اند. درین بحر مواج ازخون هائیکه بریزد موجهای سرخ آتشینی محصول میآید! امیدهای ظفر که از بسیار وقتها دردلهای متردد ومتهیج دوقوم بسیار بزرك بطغیان

آمده باجدید ترین سلاحها و مدهشترین آتشهای مدنیت حاضره امروز آخر به یکی ازاین دونتیجه منجرمیشود :

مظفریت ؛ مغلوبیت ! ...

ساعت (۷) بودکه دراستقامت طرف راست روس (لیزومی) نام سفینهٔ کشاف ژاپانی پدیدار شد . این کشتی بعدازانکه یکچندی دستهٔ کشتی های جنگی روس را بخوبی ازنظردقت گذرانید یکی‌یکبار درمیان دمه‌ها درافق ازنظر نهان گردید

بساعت (۱۰) وقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس به برابرئی (ایکیشما) رسید ؛ درپیش روی چپ آن یك لوی غند کرووازورهای دشمن ظهورنمود؛ ودر طرف راست نیزیکچند سفینهٔ محافظ ساحل نمایان شد . این لوی غند های ژاپان را روسها باطوپ استقبال کرده ، وبا آن تماس خودرا دایما محافظه کرده یکسر براستقامت شمال شرقی بحرکت خوددوام ورزیدند .

امیرال (روژه ستوه‌نسکی) درأثنائیکه بقسم شرقی آبنای (قوره) داخل میشد زرهپوش (اوسلی‌یابیا) ودوزرهپوش دیگررا که درعقب آن بود بطرف سرقول چپ خود گذرانید . بهاینسبب تول غند بحرئی او بردوقول بسیارغیر مساوی ترتیب یافت . قول راست تنهاازچهار زرهپوش مرکب بودکه یك فرقهٔ متجانسهٔ تشکیل میداد؛ قول چپ از (۱۱) قطعه سفاین حربیهٔ مختلفهٔ ترکیب یافته یك قول بسیاردرازی تشکیل شده بود .

اینست که دستهٔ کشتی های جنگی روس بااین نظامیکه دانسته نمیشودکه چسان نظامت بمحاربه پیش میرود . درین أثنادمه برطرف شد ، دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان را که بسرعت ازطرف شمال پیش میآمدبمیدان براورد .

امیرال (توغو) برای آنکه حرکات دشمن خودرا روزبروزخبر بگیرد

درمابین ساحلهای (قوره) و (ژاپونیا) برای ترصد و دیدهبانی از سفاین کرووازورهای معاون خود دو خط وضع و تشکیل داده بود .

در روز (۲۷) ماه می بوقت ساعت (۵) صبح (شیمانومارو) نام کرووازور معاون ، از اقدام خط خارجی ؛ پدیدار شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس را اشارت داده ، وهم فهمانید که دستهٔ کشتی های جنگی دشمن چنانکه معلوم میشود که ازقسم شرقی آبنای (قوره) باستقامت شرقی شمالی بگذرد . ساعت (۷) سفینه (ایجومی) که در جناح چپ خط دوم ترصد بود ؛ این خبر (شیمانومارو) را تصدیق و تاکید نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی روس درین اثنا (۲۵) میل درشمال غربی (ایکیشما) رسیده بود . لوی غندهای کرووازور معاون ژاپان برای کشف و تحقیق کردن آن درحال به استقبال شان دویدند . امیرال (توغو) با زرهپوشها و کرووازورهای زرهپوش خود ازاس الحرکات خویش که ازبسیار زمانها دران پنهان نشسته بود بیرون برامد ، و ازشمال (چوشیما) گذشت ، و همهٔ قوای حربیه خودرا بخود جذب و جلب نموده درشمال جزیرهٔ (قوچو) کمین گرفت .

بحر خیلی مواج بود ، طورپیدو ها ، و مخربها بسیار زحمت میکشیدند امیرال (توغو) دانست که این هوا برای استعمال این سفینه های کوچك غیر مساعد است . لهذا برانها امر کرد که بخلیج (میورا) التجا ببرند ولی این امر بهمهٔ طورپیدوها واصل نشد . ازان و بقدر دو لوی غند طورپیدو با کرووازورهائیکه به آن مربوط بودند رفاقت کردند . از ساعت یك (٤٥) دقیقه گذشته بود که امیرال ژاپان به دستهٔ کشتی های جنگی خود این اشارت را داده که : (سلامت ، و یا فلاکت امپراطوری ئی ژاپان به نتیجهٔ این محاربه تابعست . لهذا هر کس از هر وقت زیاده شدت ولیاقت خودرا درینوقت بمیدان باید برارد !) بعدازین اشارت ؛ دستهٔ

کشتی های جنگی جسیم ژاپان مانند کوه های سیاری که بتأثیر زلزله بحرکت آید به یکباره گی جنبش نمود .

دستهٔ کشتی های جنگی (١)م . و(٣)وم که درعقب همدیگر بریك خط مرتب براستقامت جنوب شرقی بره پیمائی اغاز نهاد . دستهٔ کشتی های جنگی نخستین درزیر قوماندهٔ خود امیرال (توغو) ازین کشتیها مرکب بود: (میقازا ؛ شیکی شیما ؛ فوجی؛ اساهی) زرهپوش . (قازوغا؛ نیشین) کرووازورهای زرهپوش .

دستهٔ کشتیهای جنگی سوم درزیر قوماندهٔ امیرال (قامیمورا) ازین کرووازورهای زرهپوش مرکب بود: (ایجومو ؛ ایواتا؛ یاقومو ؛ اچوما؛ ازاما؛ توکیوا)

سفینهٔ امیرال ، یعنی (میقازا) سفاینی را که درعقب خود داشت درپی خود کشیده بصورتیکه پیش روی هردوقول دستهٔ کشتی های جنگی دشمنرا بگیرد بسوی شرق تبدیل استقامت نمود . این دودستهٔ کشتی های جنگی ژاپان باینصورت قولهای روس رادرزیراتش شدید طوپ گرفته ، وراه را بران سدکرده دستهٔ کشتی های جنگی روس را سراسیمه ومتحیر ساخت .

مانورهٔ (توغو) خیلی درخشان بود ! کشتی های زرهپوش (اوسلی یابیا) و(قیناسواروف) رابدرجهٔ مرگ زده وزخمی نمود که دوباره خود را جمع نتوانستند . تفصیل آن به اینصورتست که (اوسلی یابیا) بسببی که از قوماندان کل هیچ یك امری نگرفته بود یکسر ازپیش روی دشمن به پیش روی خود دوام ورزیده ازمسافهٔ غیر معین برخصم خود آتش کشاد .

در اول امر ژاپانها به آتش او جواب ندادند . بعدازان ازمسافهٔ (٦٠٠٠) متره برین سفینهٔ بدبخت یك آتش بسیار مهلکی کشادند . بنابرین این کشتی روس در زیریك طوفان اهن مذاب شده بطرف راست روی خود رادور

داد . این دو ربیك سوق طبیعی بوقوع امده بود . چونکه همه ضربه های که به آن آماج شده بود از طرف چپ برومی آمد . و چون هرچه به آن طرف نزدیك شده میرفت به آن قول دیگر تقرب میورزید .

امیرال (توغو) سریعاً براهیکه داشت دوام ورزیده در حال به برابری قول دوم واصل شد . و دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین آن آتش خود را بر کشتی زرهپوش امیرال (قیناز سواروف) جمع وتوحید نموده اینهم مانند رفیق خود (اوسلی یابیا) بطرف راست تبدیل جبهه کرد .

به اینصورت : محاربین باهمدیگر بر دو خط موازی برابر آمدند اما خط ژاپان در یك انتظام حقیقی ، و همه کشتی های آنها متحداً اجرای حرکت میکردند . خط روس از حالا یك بی انتظامی بزرگی نشان میدادند . از جملهٔ سفاین حربیه یکی دیگرشان را تعقیب نمیکردند . دیگر اینکه مسافهٔ که درمابین جزوتامها اصولاً موجود بودن آن لازم می آمد خیلی تبدیل یافته بود .

در کم وقت این ابتری وبرهمی در میان دستهٔ کشتیهای جنگی روس تزاید وافزونی گرفت . زرهپوش (اوسلی یابیا) باهمه معنای حقیقی آن بحال یك غرق بالی درامده بود . وبا این حال آتش بزرگی نیز دران شعله ور گردید . این کشتی هر قدر که برای ثبات کردن بر جای خود کوشش ورزید هیچ فایدهٔ نه بخشید . لهذا بالضروره به برامدن از خط مجبور گردید .

درین اثنا دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان کوشش میورزیدند که باز بسر قولهای خط روس که بسرعت بسوی راست افتاده بودند تقرب ورزند ، وباز آنها را درمابین آتش دوطرفه بگیرند .

به اینصورت دو خط محاربه که بفاصلهٔ (۳۰۰۰ تابه ۴۰۰۰) متره جدا جدا حرکت میکردند یك یك دایرهٔ قوسیٔ متحدالمرکزی ترسیم میکرد که

این و ضعیت برای ژاپانها موجب تفوق مهمی میگردید ، و بسبب وسعت و امتداد خط روس ؛ ژاپانها در اثنای ترسیم این قوس دایره بمقابل کشتیهای اول روس افتاده بودند .

بحقیقت که این کشتیهای اولین روس خیلی زحمت میکشیدند نهایت بعد از سه ربع ساعت که محاربه دوام یافت سفینهٔ (الکساندر سوم) بر بغل چپ خوابیدن گرفت . کشتیٔ (قیناز سواروف) نیز درمیان یك دود بسیار کثیف وغلیظی پیچیده شده بود . هاندم این دوکشتی بخارج خط حرب افتادند .

در دیگر سفینه های روس نیز حریقها ظهور کرده بود . دودیکه بادغربی آنرا همیراند میدان محاربه راسراسر سیاه گردانیده بود .

در جهت ژاپانها سفینهٔ (قازوغا) سه طوپ خود راضایع کرده بود . کشتی (آزاما) نیز زخمهائیکه درخط آب خود برداشته ، وخرابیهایی که در سکان آن هم رسیده بود ازانسبب به ترك کردن موقع خود که درخط حرب داشت مجبور گردید . امابعدازکم وقت کشتیبانان ماهر ژاپان بهتعمیر آن موفق آمده بازبخط حرب داخل شد دیگر سفینه هانسبتاً کمتر دوچار خسار شده بودند .

درضرف کمتر ازیکساعت از کشتیهای قوتمندترین روس سه قطعه زرهپوش بیك حال خارج ازمحاربه مانده بود . دیگر سفینه هاچون ازآمرخودشان که بر کشتئی (قیناز سواروف) بود محروم مانده بودند از طرف سفینهٔ زرهپوش (بورودنیو) سوق واداره میشدند .

بعدازین دستهٔ کشتیهای جنگی روس بجز اینکه از نظر دشمن خود را پنهان کنندواز دایرهٔ تأثیر آن بخارج برایندیگر مقصدی برای شان نمانده بود . ساعت(۳) بودکه سرقولهای هر دو خط محاربهٔ قوسپاره بدرجهٔ که حس شود به جهت جنوب شرقی متوجه شده بودند .

درین اثنا یک طبقهٔ کثیف دمه میدان محاربه را فرا گرفته هر دو مخاصم را از همدیگرشان ستر نمود . (توغو) که در ینبار مهمات وجبه خانهٔ خود را به اداره و سرفه جویی صرف کردن میخواست در حال آتش خود را قطع نمود . سفینهٔ (بورو دنیو) ازین فرصت استفاده کرده برای جمع کردن سه زرهپوش از خط خارج مانده ، و برای پیدا کردن امیرال خودیکی یکبار بسوی شمال برگشت . اماچون یکقدری دمه برطرف شده بود هماندم از طرف ژاپانها دیده شد . (توغو) نیز در حال دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بعقب تبدیل جبهه داده بیک وضعیت معکوسی دراورد . دستهٔ کشتیهای جنگی سوم ژاپان نیز اینحرکت دستهٔ کشتیهای جنگی اول را تعقیب نمود .

قوت هردو دشمن باز سر از نو بر دو خط موازی برابر آمدند سرقولهای ژاپانها بخط روس که تدریجاً بطرف چپ دور میخورد تقرب کردن میخواست .

از ساعت ۳ تا بساعت (٤) و (٤٥) دقیقه طرفین بسببی که در دیدن همدیگر بمشکلات برخوردند محاربه شدتیکه داشت تایکدرجه ضایع کرده بود . درین اثنا زرهپوش (اوسلی یابیا) که از بند کردن رخنه‌ها وخاموش کردن حریق خود عاجز مانده بود بریك بغل خوابیده آهسته آهسته غرق میشد . این کشتی درانوقت منفرد مانده بود ، و برای معاونت او (راوانی) و (بوینی ئی) نام دو مخرب طورپیدو گذاشته شده بود که مخرب های مذکور بقدر (٤٠٠) نفر مرتبات او را رهایی داده توانسته بودند .

زرهپوش (قیناز سواروف) را شعله‌های حریق پیچانیده بود . فرقهٔ طورپیدوی (هیروزه) ازین فرصت استفاده کرده بر زرهپوش مذکور هجوم برد . ولی به این هجوم خود موفق نگردید . زیرا از زرهلیٔ مجروح بصورت نومیدانه خود را مدافعه میکرد ، و مخرب (شی حانوی) ژاپان را از محاربه خارج نمود . بعد از یکساعت

لوی‌غند (سوزوکی) برزرهپوش مذکور هجوم نمود. وطورپیلی که ازطرف مخرب (ازاشی‌یو) برو انداخته شد زرهپوش روس را درحال بیک بغل بخوابانید، وسراسر بیکارساخت.

زرهپوش (الکساندرسوم) تایکدرجه به تعمیرات خود موفق آمده پس بخط حرب داخلشده توانسته بود. اماچه فایده که درانوقت تول‌غند بحرئی روس برهم ودرهم شده، وازنظام اصلئی خود بیرون برامده بود.

زرهپوش (بورودنیو) که خیلی دوچار خسارشده بود دستهٔ کشتی‌های جنگی را سوق واداره میکرد، ولی رفته رفته طرف سرش بغرق شدن آغاز نهاده بود، بازهم خودداری کرده، وازدمه ودودیکه دران اثنا سطح دریارا احاطه کرده بود استفاده نموده برای رهایی یافتن ازنظر دشمن بسوی شرق به تبدیل استقامت کوشش ورزید.

دودستهٔ کشتی های جنگی ژاپان باز به اجرا کردن مانورهٔ اول خود آغاز نهادند، ودرحالتیکه کشتئی امیرال در پیش روی همه بودترتیبات طبیعیهٔ خودرا سراز نواحذ نمود. زرهپوش (بورودینو) بطرف جنوب آمده وخودرا از نظر دشمن به پنهان کردن موفق گردید. امیرال (توغو) بی آنکه اورا به بیند (٨) میل مسافه قطع نمود. وبرراه خود بمقابلهٔ کرووازورهای محفظه‌دار وکرووازورهای معاون برخورده انهارا برآتش طوپ بگرفت. دربن اثنا دانست که برراه غلط میرود. لهذا همانندم برای بجنگ آوردن شکار خود قوای موجودهٔ خودرا تقسیم نموده خودش بادستهٔ کشتی‌های جنگی اول بسوی شمال برگشت، و(قامیمورا) را با کرووازورهای زرهپوش بسوی جنوب غربی سوق نمود.

در اثنائیکه دستهٔ کشتیهای جنگی (توغو) یکسر بسوی شمال بحرپیمای می

یمت بود دفعتهً (اورال) نام کرووازور معاون روس که بسبب دمه راه را غلط کرده بود در پیش رویش تصادف کرده درکم وقت آن را غربال آساسوراخ سو راخ نمود ، وبعد ازکمی درقعر بحر ناپدیدش ساخت .

این دستهٔ کشتیهای جنگی (توغو) درکم مدت بازبادستهٔ کشتیهای جنگی زرهپوش روس که بصورت درهم وبرهم در حال فرار بودند تماس حاصل نمود . زرهپوشهای روس (٦) قطعه بودند . محاربه بازبشکل و نظام سابق آغاز نهاد ازساعت (٦) محاربهٔ طوپ درشمال شرقی آغاز نهاده تا بشب دوام ورزید . رفته رفته آتش طوپهای روس کسب ضعفیت مینمود . ژاپانها آتشهای خودشان را برقوتمند ترین زرهپوشهای روس جمع و توحید کرده بودند . بعدازنیم ساعت زرهپوش (الکساندر سوم) که سرازنو بخط محاربه داخلشده بود باززده و زخمی شده ازخط حرب بیرون برامد ، و بعدازکمی درمیان موجهای مدهش بحر غوطه خوار گرداب فنا گردید .

ساعت (٧) نوبت فلاکت به زرهپوش (بوردینو) رسید . وکمی نگذشته بود که باتاریکی شب باشعله های حریق خوددرزیردریافرورفت .

مرتبات این کشتی ازطرف (قازوغا) نام کرووازور ژاپان رهایی داده شدند درعین زمان زرهپوش (قیناز سواروف) که بیک پهلو درخارج خط درجهت جنوب غلطیده مانده بود ، (وقامچاتقا) نام کرووازور معاون بمدد رسانی بااوهمراه بود ازطرف کرووازورهای ژاپان که طورپیدوها باآن بودند دیده شده کشتی (قامچاتقا) را باکله طوپ ، و (قیناز سواروف) را بادودانهٔ طورپیل که از (خاروزاوه) نام مخرب انداخته شد غرق و ناپدید ساختند .

امیرال (روژه ستونسکی) که ازساعت چار به اینطرف ازکشتی (قیناز

سواروف) به مخرب طورپیدوی(بوینی‌یی)سوارشده ، ودرحالتیکه مجروح همشده بود درمیدان محاربه حیران وسراسیمه باین‌سوو آنسو گردش داشت .

بوقت شام شدت بادروبه آرامی نهاده بود . درین اثنا کشتیهای طورپیدو های ژاپان که‌درخلیج(میورا) التجابرده بودند مانند زنبورهای که‌اززنبورخانه برایند برروی بحرمنتشرشدند . امیرال(توغو) درینوقت میدان محاربه رابه آنها سپرده آتش خودرا منقطع نمود ، ویکسر بسوی شرق برفت . سفینهٔ کشاف (تاچوتا) نیز برای حاضر کردن موعد تلاقی برای اقسام مختلف دستهٔ کشتی های جنگی که فردادران جمع شوندبه جزیرهٔ (ماچوشیما) برفت .

دراثنائیکه مابین زرهپوشها این‌وقایع بوقوع میآمد ، درانطرف دیگر کرووازورهانیزبا همدیگر بمحاربه دست‌و گریبان شده‌بودند .

امیرال(توغو)وقتیکه امر آغازمحاربه رابدادلوی‌غند های کرووازورهای امیرال (ده‌وا) وامیرال (اوریو) که‌بریك خط ترتیب‌یافته‌بودند یکسر بسوی استقامت غرب پیش شدند .

لوی‌غند(ده وا)مرکب بوداز (قازاگی ، وشیطوزه)نام‌دوقطعه کرووازور صنف دوم ، و(فوقاتا ، واوتاوا) نام دوقطعه کرووازورصنف سوم .

لوی‌غند(اوریو)مرکب بوداز (نانیوا ، وتاقاچیحو)نام‌دوکرووازورصنف دوم ، و(چوشیما) نام‌کرووازورصنف سوم .

این لوی‌غندهاازمسافهٔ بسیاربزرگی‌قول روس را ازچپ احاطه کرده درعقب آنهابیامد ، ودرجهت راست آنها موضع گرفته آنهارا درزیرتهدید دراورد .

ظهورکردن این کرووازورهای ژاپان درعقب نهایت قول روس که در زیرقوماندانی امیرال (ئه نکیست)بود هیچ‌موجب تهلکه واندیشهٔ نبود . زیرا

برای محاربه کردن باا نهابدست امیرال (نه نکیست) مهمتر ومقتدرتر وسایط حربیه موجود بود. درمیان کرووازورهای ژاپان تنها دوسفینه تجهیزات مکمله رامالك بود که یکی کرووازور (قازاکی) ودیگرش کرووازور (شیطوزه) بود. حالانکه درداخل لوی غند کرووازورهای روس دو کرووازورزرهپوش ودو کرووازور محفظه دار بزرك ، ویك کرووازور محفظه دار کوچکتر وبسی کرووازورهای صنف سوم موجود بود. لهذا لوی غند (ده وا) رایابه قبولکردن محاربه یابه پس کشتن مجبورساختن برای امیرال (نه نکیست) بسیارآسان بود. امابرای اجرای اینکار از خط جداشدن وبکمال ازادی به استقبال کرووازور های ژاپان رفتن لازم می آمدکه امیرال (نه نکیست) اینچنین نکرد، وازینسبب کرووازورهای ژاپان دراطراف خط قول نهایت روس بدون مشکلات آزادانه کردش توانسته اند.

والحاصل بعدازانکه بقدر دوساعت یك محاربهٔ طوپ بوقوع امددرخط دمدار دستهٔ کشتی های جنکی روس یك بی انتظامئی بزرکی بوقوع امد ، ودو سفینهٔ معاون روس که یکی (ایرچیق) ودیکری(روس) نام داشتند از خط جداجداافتادند. لوی غند (اوریو) هماندم براین دوکشتی دویده اولا کشتئی (روس) را درظرف یکچند دقیقه غرق ساخت ، وکشتی (ایرچیق) را نیز به اندرجه دوچار خسار نمودکه بعدازکمی درساحل (چوشیما) رفته غرق و نا پدید کردید.

ساعت (٤ونیم) بودکه درین قسم میدان محاربه دستهٔ کشتی های جنکی امیرال (قاطوقا) مواصلت نمود. این دستهٔ کشتی های جنکی مرکب ازکشتئی محافظ ساحل که به سیستم (حاشیدانه) بود ، وکرووازور(شي یودا) وچند کرووازورهای کوچك مرکب بود.

بنابر تضییق این دو قوت کرووازورهای روس از نهایت خطی که از ابتدای محاربه به آن مربوط بودند جدا شدند ، وسرراست بسوی جنوب برجهیدند لوی غندهای ژاپان از مسافهٔ بزرگی حرکات تعقیبیهٔ خودرا اجرا میکردند که این هم اثبات میکرد که مقصد کرووازورهای ژاپان محاربه کردن نی بلکه آنهارا مشغول ساختن ، واز میدان محاربه جدا کردن ، وبر سفاین معاونه هجوم بردن بودکه باین مقصد خودشان بکمال موفقیت نایل شدند . خلاصه محاربه ئیکه در مابین کرووازورها درگرفته بود بر قافلهٔ بی انتظام کشتیهای روس خیلی مهلك ومؤثر گردید ، ولی غیر از کشتی (سویه تلا) که محوونابود گردید دیگر همه کرووازورهای روس بفرار کردن موفق آمدند .

بساعت (۷) شام مخرب طورپیدوی (بوینی بی) به کرووازورها تقرب کرده اشارت داد که امیرال (روزه ست وه نسکی) زخمی ودراضطراب است و وظیفهٔ سرقوماندانی را بدیگری ترك کرده است . این اشارت برای سراسر محوومنهزم شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس یك علامت ماتم وفلاکتی بود !

کرووازورهای (اوله غ) و (اورورا) و (ژه مچونغ) وکشتیهای معاون (انادیر) و (قوره آ) و (سویر) راستقامت جنوب ازنظر نهان شدند . سفاین (دیمتری دونسقوی) و (ولادیمیر) و (سویه تلانا) و (آلماز) برای پیدا کردن یك طریق نجات بسوی شمال جداجدا رهسپار شدند .



وقتیکه ظلمت شب جهانرا فرا گرفت تقدر (۲۰) مخرب و (۶۰) طورپیدو در آبنای (قوره) مانند زنبورها منتشر شده بجستجوی انقاض براکندهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی روس افتادند .

هجومهای نخستین این طورپیدوها از ساعت (۸) یك ربع گذشته به

اطراف لوی غندامیرال (بوغابوف) که براستقامت شمال شرقی پویان بود گرد آمدند . این دستهٔ کشتی های جنگی دران اثنا از کشتیهای (نیکولای نخستین) و (اوره ل) ، و (ناوارین) و (ناقیموف) و (سیصوبی) و (ایزومرود) مرکب بود . بجز کشتیهای (سیصوبی) و (اوره ل) که خیلی دوچار خسار شده بود دیگر یکی ازانها بسیار زده نشده بود . لهذا درهجومهائیکه درینوقت بوقوع آمد سفاین مذکوره بکمال تهور و هیجان خود را مدافعه میکردند . این هجومهاتا بساعت (۱۱) بلافاصله یکی دیگررا تعقیب نمود . سفینه هائیکه برسر قول بودند ، هجومهای طورپیدوی ژاپان را بکمال موفقیت ردکرده توانستند .

اما درسفینه هائیکه به تضییق اصلی معروض بودند حال اینچنین نبود . کشتی (ناقیموف) و (سیصوبی) باطورپیل زخمی شدند . کشتیهای (اوشاقوف) و (ناوارین) غایب شدند . این دو سفینه بوقت صبح در جهت شمالی (چوشیما) بهلوی غند مخرب طورپیدوی (یوزوکی) تصادف کردند . کشتی (آوشاقوف) بگریختن موفق شد . اما کشتی (ناوارین) باطورپیل اگرچه زخمی شد ولی بصورت یك بغله بررفتار خود دوام ورزید .

و الحاصل درنتیجهٔ این هجوم شبانهٔ طورپیدوها ازطرف روسها یك زرهپوش غرق ونابدید گردید ؛ یك زرهپوش ویك کرووازور زرهپوش به بد صورت زخمی شد . در جهت ژاپانها نیز دراثنای این عربده سه قطعه طورپیدو ضایع گردیده بود . وغیرازین بسی طورپیدوهای دیگر نیز کم وبیش دوچار خسارشده بودند .



فاجعه هنوز به انجام نرسیده بود . در روز (۲۸) م ماه می که خورشید جهان آرا برای دیدن حال فلاکت اشتمال دستهٔ کشتیهای جنگی روس طلوع

نمود ، امیرال (توغو) امرداد که همه اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان سر راست بسوی جزیرهٔ (ماچوشیما) توجیه حرکت نماید .

امیرال ژاپانی ازین حرکت ، قصدش این بود که دستهٔ کشتیهای جنگی خود را درانجا از شرق تابغرب انتشار داده کشتیهای روس را که بسوی (ولادیو ستوق) رفتن بخواهند یکان یکان توقیف بکنند . امابه اینهم حاجت نماند .

در وقت طلوع آفتاب روز (۲۸) م می درنزد امیرال (نه بوغانوف) تنها کشتیهای (نیکولای نخستین) که سواری خود او بود ، و (سه نیاوین) ، و (جنرال اوپر اقسین) ، و (اوره ل) ، و (ایزومرود) باقی مانده بود . وبسوی سنگلاخهای (لیانقور) براستقامتی که لوی غندهای دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان آنرا تعقیب میکردند بصورت موازی بقطع مسافه آغاز نهادند .

لوی غند کروواز ورژاپان که درزیرقوماندانی امیرال (قاناا وقا) بود دود های کشتیهای روس رادیده برای کشف وتدقیق آن برفت .

امیرال (توغو) درین اثنا بادستهٔ کشتیهای جنگی(۱) ودستهٔ کشتیهای جنگی «۳» در [۲۰] میل جنوبی (ماچوشیما) بود ، بمجردیکه باتلگراف بی سیم از موجود بودن پنج قطعه کشتیهای روس دران جوار خبر گرفت هماندم قوای حربیهٔ خود را برسر آن سوق وتوجیه نمود ، ساعت پنج ونیم بود که امیرال (نه بوغانوف) ازهرجهت احاطه شده بود . وبمجردیکه زرهپوشهای ژاپان برکشتیهای روس آتش کشادند سفینهٔ « نیکولای نخستین » که سواری خود امیرال « نه بوغانوف » بود بیرق سفید تسلیم شدنرا برافراشت . سفینه های دیگر روس نیز پیروئی آنرا کردند . تنها کشتی « ایزومرود » تسلیم نشده براستقامت شرق فرار نمود .

« شیطوزه » نام کروواز ورژاپان که یک روز پیشتر باه قازاکی» نام سفینهٔ

زخمئی امیرال « دهوا » تابه خلیج « آبورایا » رفاقت کرده بود، درین اثنا باخود امیرال عودت میکرد . درراه باکشتی طورپیدوی « بهزودبروجنی بی » روس تصادف کرده انرا باکلهٔ طوپ غرق نمود .

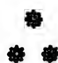
لوی غندکرووازورهای امیرال (اوریو) که بسوی محل ملاقات میرفت در ساعت (۷) صبح در جهت غرب یك کشتیٔ دشمن را دید . این کشتی (سوبیه تلاتا) نام سفینهٔ حرب روس بود . هماندم (نی طاقا) و(اوطووا) نام دوکرووازورژاپان برای محاربهٔ کشتی مذکورازلوی غندجداشدند . کرووازور روس یکسر بسوی غرب شمالی بگریختن آغاز نهاد . ولی کشتیهای ژاپان خود رابه آن رسانیده کشتی روس را بقبول کردن محاربه مجبورساختند . وبعدازانکه بقدریکساعت محاربه بوقوع آمد درنزدیکی خلیج (شیقو) غرق وناپدیدکردید .

مخرب طور پیدوی (بیستری یی) نام روس که درحال فراربودبعداز یکساعت پنج میل دورتر ازان ازطرف کرووازورهای ژاپان بهمین همین فلاکت دوچارکردید .

. . .

برای جمع آوردن کسانیکه بدریا افتاده بودند وزنده مانده بودندکرووازورهای معاون (شیمانومارو)و(طانیان مارو)و(یاواطامارو)و(صادومارو) ویکچند قطعه مخرب طورپیدومقررشده بودند . درصبح (۲۸)م ماه کرووازور (صادومارو)ومخرب طورپیدوی(شیرانووی) کرووازورهای زرهپوش (امیرال ناقیموف) و(ولادیمیرمونوماق) نام روس را که درشب گذشته باطورپیل زخمدارشده بودند، وازدیگررفقای خود جدا مانده بودند دیدند . امابه نزدیکشدن آنهاجسارت نکرده دراطراف آنهابه پاسبانی ماندند .

ساعت (۱۰) بود که هردو کرووازور روس درپئی همدیگر بغرقشدن رخ نهادند. کشتئی (صادومارو) مرتبات آنهارا رهایی دادند. درین اثنا (غرومکی بی) نام مخرب طور پیدوی روس مشاهده شد، ودرحال بفرار آغازنهاده. اماطور پیدوی (شیرانووی) وطور پیدوی نمبر (۶۳) درپئی آن افتاده بعداز محاربهٔ بسیار شدیدی آنرا اسیر کردند. ولی از زخمهای کاری ئیکه برداشته بود بعداز کمی بقعر دریا سقوط نمود.



کشتی (سیصوده لیقی) روس که یکشب بیشتر باطور پیدل زخمدار شده بود در (۳۰) میل شرقئی (چوشیما) درحالتیکه سکانش شکسته بود حیران حیران گردش میکرد. کشتیهای (شیمانومارو) و (طانیان مارو) و (یاواطامارو) آنرا دیده بروحمله آوردند. ولی حاجت بمحاربه نیفتاد زیرا کشتی روس دران اثنا غرقشدن گرفته بود. کشتیهای ژاپان درخوب وقت بسر وقت آن رسیده بقدر (۵۷۰) نفر مرتبات آنرا رهایی دادند.



کرووازور (اوشاقوف) نام روس بعدازانکه ازدست طورپیدوهای ژاپان رهایی یافته بود یکسر بسوی بندرگاه (ولادیووستوق) بحرپیمای آغازنهاده بود. در (۲۸) مماه بعدازپیشین بسوی شمال دودهای بسیاری مشاهده کرده بخیال آنکه دستهٔ کشتی های جنگی روس خواهدبود به آنطرف تقرب کردن گرفت. حال آنکه دودهای مذکور ازدستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که دستهٔ کشتی های جنگی (نه بوغاتوف) رااسیر کرده بود انتشار مییافت. کشتئی (اوشاقوف) ازین حال هیچ خبردار نبوده یکسر به آنطرف نزدیکشده میرفت.

دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که نزدیکشدن کشتئی مذکور را دید ، هماندم دو دستهٔ کشتی خودرا برای کشف وتحقیق آن فرستاد . کشتئی (اوشاقوف) دانست که آنها کرووازورهای زرهپوش ژاپانست . امااین آگاهی او خیلی نا وقت بوقوع آمد! بنابرین بتمام قوت وسرعت براستقامت جنوب بفرار شتاب نمود کرووازورهای ژاپان نیز بشتاب تمام درعقب آن افتادند . وبساعت (۸) به او رسیده هماندم به تسلیم شدنش اشارت کردند . کشتئی روس این اشارت را به آتش جواب داد ، لهذا کرووازورهای ژاپان آتش شدیدی بروکشاده درکم مدت اورا بقعر بحر نایاب غریق لجه فناساخت واز مرتبات آن تنها (۳۰۰) نفررا رهایی داده اسیر کردند .



در وقت شام (۲۷)م می کرووازور (دیمتری دونسقوی) نام روس بسبب سستئی رفتار خوداز دسته کشتی های جنگی کرووازورها که درزیر قوماندانی امیرال (نه نکیست) براستقامت جنوب ره پیما بودند عقب مانده دستهٔ کشتی های جنگی را از نظر غائب کرد لهذا راه خودرا تبدیل داده راه (ولادیووستوق) را پیش گرفت . بوقت صبح این کرووازور زرهپوش روس ، مخرب های (بیه دوبی) ، و (غروزنی ئی) و (بونی ئی) روس را یافت درمخرب (بونی یی) بسیار مردم دیده میشد . : مگر امیرال (روژه ستوه نسکی) ورئیس ارکان حربیهٔ او ، ویك قسمی از مرتبات کرووازور غرقشدهٔ (اوسلی یابیا) دران موجود بود .

کرووازور« دیمتری دونسقوی» فلاکتزدکان کشتی« اوسلی یابیا » رابا خود برداشت ، ومیخواست که به طوربیدوی «بونی یی» زغال بدهد که درین اثنا درافق دودهای کشتی های ژاپان نمایان شد . مخربها بفرار آغاز نهادند

اما بعد از کمی برجعت مجبور شدند ، زیرا ماشین طورپیدوی « بونی ‌یی » دوچار خسارشده بر رفتن مقتدر نشد .

امیرال « روژه ست وه‌نسکی » وارکان حربیهٔ اوازطورپیدوی «بونی‌ یی» به‌طورپیدوی «بیه دودی‌ ئی» سوارشدند . مرتبات «بونی ئی » را کرووازور « دیمتری دونسقوی» گرفت . بعدازکمی سفینهٔ « بونی‌ یی غرق شد .

«بیه دودی‌ یی » و « غروزنی‌ یی» بسرعت ممکنهٔ خود بفرارشتافتند .
امابساعت « ۳» در«۴۰ » میل جنوبئی « ماچوشیما» ازطرف « سازانامی »و « قاکه رو» نام مخربهای ژاپان کشف‌شده تعقیب شدند .

سفینهٔ «بیه دودی یی»احتمال فراررا،فقودیافته بیرق‌تسلیم‌رابرافراشت . ویکشتئی«سازانامی» که به‌اونزدیکشده بود خودرا تسلیم‌نمود . سفینهٔ«غروز نی‌یی» بامخرب « قاکه رو» بجنگ اغازنهاد ، ومخرب مذکوررا سقط نموده به فرار موفق امد .

حالاارباب مطالعه تصور بفرمایندکه چون‌ژاپانهادرسفینهٔ «بیه‌دووی یی» امیرال « روژه ست وه‌نسکی» وارکان‌حربیهٔ اورابدیدند تاچه درجه دوچار حیرت ومسرت شده باشند !

« دیمتری دونسقوی » براستقامت « ماچوشیما » برفتارخوددوام‌ورزید لکن قریب‌شام‌بودکه ازطرف کرووازورهاوطورپیدوهای‌ژاپان احاطه‌کردید . وازدوطرف برانِ گله باری اغازکردند . مع‌هذا کشتئی‌روس تابه‌آخرپایداری ومقاومت‌کرده عارتسلیم شدن‌را قبول‌نمود . درروز« ۲۹» می‌سفینهٔ مذکو ره درنزدیکئی« ماچوشیما» بود ، وباوجودیکه اقسام حیاتیه ان‌هنوزدرست بود،کپتان‌ان برین‌قرارداد که‌کشتئی‌خودرابدست خوددربحرا زادغرق‌نماید .
لهذا مرتبات خودرا درجزیره بیرون براورده کشتئی‌خودرا دربحرفراخ

غرق نمود. مرتبات ان از طرف «قازوغا» نام کروواز وزژاپان اسیرشدند .

در «ولادیووستوق» برای نتیجهٔ محاربهٔ «چوشیما» بیك اندیشه وخلجان بسیار بزرکی انتظار میشد . ساعت «٦» روز «٢٩» م می بود که درافق پیش امدن کشتئی کشاف «الماز» مشاهده شد. اثار نشه وسروریکه ازظهور این کشتی بحصول امد بسیار کم مدت دوام وورزید. زیرا سفینهٔ مذکوره در روز «٢٧» م می در وقت تاریکئی شب از دسته کشتیهای جنگی مفارقت کرده بود ، وخبرهای که اورده بود هیچ یك امید مسرتی نمی بخشید. درکشتئی «الماز» «٥» مقتول و«١٠» مجروح بوقوع آمده بود .

بساعت «١١» روز «٣٠» م می مخرب طوربیدوی« غروزنی » مواصلت کرد. بعدازان مخرب (براوی) نیز آمدکه درمیان این مخرب «١٧٥» نفر مرتبات کشتی مغروقه (اوسلیابیا) موجود بود. این مخرب در (٢٧) م ماه بعد ازانکه دو چار خسار کردید بسرعت بسیار کوچك بره پیمایی آغاز نهاده واقسام چوبین خودرا سوختانده سوختانده و به اینصورت خودراتا به اینجا رسانیده است .

سفینهٔ «ایزومرود» که در وقت اسیرشدن امیرال «نه بوغاتوف» برهایی دادن کریبان خود از اسارت کامیاب آمده بود در شب «٣٠» م ماه بمدخل خلیج «ولادیمیر» که بقدر «١٥٠» میل در طرف شمال «ولادیووستوق» واقعست واصل شده بود. امادر انجا چون برخشکه نشست کپتان آن اورا برهوا کرد .

از همه پستر دو سفینهٔ معاون «قوره آ» و «سویر» نام نیز در «٣٠» ماه به (ووزونغ) مواصلت نمود .



درباب کروواز ورهای امیرال (نه نکیست) هنوز هیچ یك حوادث کرفته نشده بود. ونیز از مخرب های «بودری یی» و(بله سیتاچی یی) وسفینهٔ نقلیهٔ (انا

دیر) هیچ خبری نبود .

در (٤)م جون یك تلگرافی رسید . به این تلگراف معلوم شد که امیرال «ئه نکیست» با کروواز ورهای (اولهغ) ، و (اورورا) ، و «ژه مچوغ » در (۳) وم ماه بساعت (۱۰) به (مانیلا) مواصلت کرده است . درانجا ملاحظهٔ همهٔ این کشتیها را رداشته بیطرفئی شان اعلان کردید .

اما اینمسئله معلوم نشده که آیا این سفاین حربیه درشام محاربه چرا دستهٔ کشتی های جنگی خودشان را ترك کرده بودند . و بچه سبب به (مانیلا) آمده بودند؟

روز دیگر سر گذشت (بودری بی) ، و (بله سیتاچی بی) نیز معلوم گردید . این دو سفینه بعد از محاربهٔ (۲۷)م جولایی اولاقسم کانئی دستهٔ کشتی های جنگی را تعقیب کرده بودند ؛ و بعد از ان به استقامت جنوب غربی توجیه حرکت کرده درشب از کانال غربئی آبنای قوره گذر کردند . اماچون سفینهٔ (بودری بی) خیلی دوچار خسار شده بود درساعت پنج صبح بقعر نایاب دریا سقوط نمود . سفینهٔ (بله سیتاچی بی) چار افسر و (۷۵) نفر باقی ماندهٔ آنرا جمع کرده یکسر بسوی (شانغهای) ره پیمایی آغاز نهاد .

این کشتی بعد از انکه همهٔ زغال خودرا سوختانده تمام نمود (۳) روز متمادیاً برروی بحر بحرکت نماند . نهایت الامر در (۷۰) میل شمالئی جزیره های (ساده ل به (نو نه لینغ) نام یك واپور انگلیزی تصادف کرده واپور مذکور آنرا کشیده کشیده بچارم جون به لنگرگاه (شانغهای) برسانید .

کشتئی نقلیه (انادیر) از محاربه آنقدر رم خورده بود که مسافهٔ مابین (قوره) و (مادا غشقار) را بیك نفس قطع کرده در (۲۷)م ماه جون خودرا به (دییه غو سوارهز) رسانیده بود .



در ینبار هیچ کفتکو نماند ، محاربه را ژاپانها بیك نتیجهٔ بسیار درخشانی به

انجام رسانیدند . از (۳۶) قطعه کشتیهای جنگئی روس که به بحر ژاپان داخل شده بودند تنها یك کرووازور کشاف ، ودو مخرب طورپیدو بهدف مقصود یعنی (ولادیووستوق) واصل شده توانسته بودند .

سه قطعه کرووازور ، ویك مخرب طورپیدو ، ودو سفینهٔ نقلیه ببندرگاه های بیطرف التجا بردند . باقی ماندهٔ آنها یك قسمی غرق ویك قسمی بدست دشمن اسیر شدند .

از « ۲۰۰ ، ۱۴ » عسکریکه در دستهٔ کشتی های جنگی روس موجود بودند « ۶،۱۴۲ » عدد آن اسیر ، و « ۵،۰۰۰ » آن مقتول وغایب شده بودند . در طرف ژاپانیها « ۱۱۶ » ، مقتول ، و « ۵۳۸ » مجروح بوقوع آمده بود .



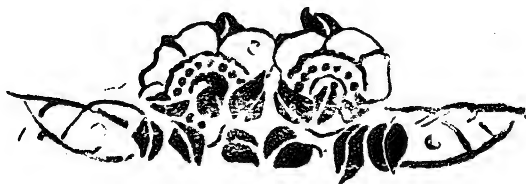
نتیجهٔ عاقبت محاربهٔ میدان « چوشیما » را تنها دو دولت مخاصم نی بلکه همه جهان مدنیت بایك بیصبرئی بزرگی انتظار میکشیدند . هر کس به این یك میدانست که این دو دستهٔ کشتی های جنگی تا بوقتیکه سراسر محو بشوند باهم دیگر زدوخورد خواهند کرد . در دو ساحل ابنای « چوشیما » یك هیجان عظیمی حکمفرما بود . در ساحل شرقئی ان ممالك ژاپانیا بود که بقدر چهل ملیون نفوس بشر بشمشیر تیز « توغو » اعتماد کرده لرزان لرزان یك صدای ظفر را از طرف « چوشیما » انتظار داشتند . در ساحل غرب اراضئی « مانچوری » بود که یك تول غند بسیار بزرگی که از ماهها بحرب وجدال مشغول بودند باز هم بیك چند کلمه خبریکه از طرف امیرال های بزرگ شان برسد گوش به آواز تردد و اضطراب بودند .

اهالئی ژاپان بر بزرگی شان ، وعلو فطرت امیرال « توغو » که مقدمهٔ اقبال این محاربه را بیك مهارت و مهابت فوق العادهٔ وضع وتأسیس داده بود

قطعیاً امین بودند . مارشال « اویاما » نیز بزدکای فطری، وشجاعت جبلئی رفیق خود بتمامها معتمد بود . امابا وجودانهم بسببیکه تبدل وتغیر دراحوال حرب ؛ ما نند تبدلات احوال هوائیه اجرای حکم وتأثیر داردازان روازیك نتیجهٔ دکر کونی خوف واندیشه میشد ، وازینسبب درهرطرف اندیشه های عظیمی برپابود .

نهایت الامر یکچند سطر راپوریکه از قلم خونچکان امیرال « توغو » برامد بههمهٔ این ترددها ، وهیجانها ، وانتظارهاخاتمه کشید . زیرامشارالیه باان را پور خود بتمام همشهریها ، وجمله عالم مدنیت تبشیر مینمودکه شاهد ظفریت دربنبار نیزدرزیر بیرقهای طالع منددولت شمس طالع جلوه کر کردیده است .

حالا پیش ازانکه بمحاکمات محاربهٔ میدان « چوشیما » درائیم میبایدراپورها ی مفصل امیرال هژبر مثالی را که درظرف یك روزیك دستهٔ کشتی های جنگی بسیاربزرك دشمن را زیروزبر نموده ، وبفضایل مخصوصهٔ عسکریهٔ خود از همه امیرالهای بزرك زمانهای سابق سبقت کرفته مطالعه بایدکنیم :




(راپورهای مفصل امیرال توغو)

در باب محاربهٔ میدان چوشیما

« بلطف وعنایت جناب حق دستهٔ کشتیهای جنگی مابادستهٔ کشتیهای جنگی دوم وسوم دشمن در روزهای (۲۷ و ۲۸)م ماه می محاربه کردند، و آنهارا سراسر محو وخراب نمودند .

« هنگامیکه قسم نخستین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن در بحرهای جنوب پدیدار گردید بادستهٔ کشتیهای جنگی ما بنابر تبعیت او امر حضرت (میکادو) برای خود شان اینگونه خط حرکت اتخاذ کرده ورود آنهارا انتظار بکشند ، و در آبهای خود ما با آنها محاربه بکنند . بنابرین قوای بحریهٔ خود مارا در آبنای (قوره) جمع و تحشید کردیم ، و در انجا برای آمدن دشمن بسوی شمال منتظر شدیم .

« دشمن بعد از انکه یکمدتی در سواحل (انئام) توقف ورزید یکسر بر استقامت شمال به پیش امدن اغاز نهاد ، و چند روز پیش از تاریخیکه به آبهای ما رسیده بتوانند بموجب پلان و نقشه ئیکه پیش ازین مقرر شده بود یك قسمی از سفینه های کشاف خود مانرا در سمتهای جنوب غربی برای ترصد انها مأمور کردم . دستهٔ کشتیهای جنگی ماله از سفاین عسکریهٔ حربیه مرکب بودند — بیك صورتیکه در نخستین اشارت فك لنگر عزیمت بتوانند در اس الحرکات خودشان بمحاربه حاضر بودند .

« بعد از انکه این ترتیبات اجرا گردید ، در (۲۷)م می بساعت (۵) سفینهٔ

(شینا نومارو) که درجنوب غربی خدمت قراول بزرگ را ایفامینمود باتلگراف بی‌سیم این خبررا بما داد :

دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن درخانهٔ راقم(۲۰۳)(۱) مشاهده شد، وچنان گمان میشودکه یکسر بسوی ابنای شرق پیش می اید .)

« ثمرهٔ انتظار بسیار تلخی که ازماههادوام میورزید بحاصل شدن ، یعنی با دشمن تماس کردن اغاز نهاده بود . بنابرین خبرسفینهٔ (شینانومارو) درهیئت عمومیهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی ماهرکس برسرکار خوددویدند . کشتیهای ماهماندم لنگر برداشتند . وهردستهٔ کشتیهای جنگی جداجدا اخرترین ترتیباتی راکه برای استقبال دشمن لازم بود گرفته وبسوی موضعهای که پیش ازین بهآنها نشان داده شده بود سرراست بررفتار اغاز نهادند .

« درساعت(۷) سفینهٔ کشافیکه درجناح چپ خط ترصدداخلی بود این اشارت را داد :

« کشتیهای دشمن پدیدار گردید، دریندقیقه در(۲۵) میل بسوی شمال غربی (او کیشیما) واصل شده اند ، وبراستقامت شمال شرقی بررفتار خود دوام دارند . »

لوی غند(مازامیشی)ولوی غند(دهوا)، ودستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورها که درزیرادارهٔ ویس امیرال(فانوقا) بوداز ساعت(۱۰)تابساعت«۱۱»در مابین جزیرهٔ« ایکیشیما» ، و(چوشیما) متعاقباًبادشمن تماس حاصل کردند . این لوی غندباوجودیکه درزیراتش طوپ دشمن معروض میشدندبازهم تابجوار(او کینوشیما) بانهاتماس خودشان رامحافظه کردند ، وشی هم درحق موضع دشمن

«۱» برروی نقشه که ارکان حربیهٔامیرال توغوکشیده بودند آن قسم بحررا بر بعضی خانه‌هاتقسیم، وهرخانه‌رابیك رقم هندسه‌توسیم کرده بودند .

باتلگراف معلومات قطعیه بما میفرستادند .

«اینست که باوجود دمهٔ بسیار کثیفی که پنج میل به انطرف دیدن ممکن نمیشد ما ازسی چهل میل دورتر موضع دشمن خودرا چنانچه بچشم خود به بینیم بشناختن باینصورت موفق شدیم .

« ذاتاً ما خیلی پیشتر از انکه دشمن را به بینیم به این یك واقف بودیم که قوای عسکریهٔ دشمن ما از دستهٔ کشتیهای جنگی دوم وسوم بحر محیط مرکب است ، ودر رفاقت آن هفت سفینهٔ معاون موجود است ، وبردوقول ترتیب یافته است وقوتمندترین کشتیهای شان درسر قول راست آنها میروند ، وسفاین معاونه آنها را از عقب تعقیب میکنند ، وسرعت رفتار شان در ساعتی (۱۲) میل میباشد ، و همهٔ دستهٔ کشتی های جنگی یکسر بسوی شمال شرقی پیش میشوند .

« پس باین معلومات کامله که برای من حاصل شده بود برای من ممکن گردید که بساعت (۲) درجوار (اوکینوشیما) ترتیبات خودرا بیك صورتی بگیرم که بر طرف سر قول چپ دشمن هجوم بتوانم .

« تخمیناً ساعت یکونیم بود که لوی غند (ده وا) ، ولوی غند کرووازور ها ولوی غند کپتان (توغو مازامیشی) که بادشمن تماس خودرا محافظه کرده بودند پی همدیگر مواصلت کرده باهمدیگر یکجا شدند .

« از یك (٤٥) دقیقه گذشته دشمن را نخستین بار بچشم خود دیدیم که از مابیك چند میل دورتر بود . چنانچه از اول تصور کرده بودیم همچنان بود . یعنی قول راست از چار قطعه زرهپوشی که به طرز (بورودینو) بود تشکل کرده بود . قول چپ کشتیهای زرهپوش (اوسلی یابیا) ، و(سیصویی)، و (ناوارین) ، و (ناخیموف) رااحتوا میکرد . درپی اینها (نیکولای نخستین) باسه قطعه کرووازور ومحافظ ساحل می آمدند که اینها جدا گانه یك

دستهٔ کشتیهای جنگی تشکیل کرده بودند . سفینه هـای (ژه مچو نغ) و (ازومرود) درمابین هردوقول به پیش رفتارداشتند که خدمت کشف را ایفامیکردند . عقب تر آنهادرمیان دمه هاسفینه های (اوله غ)و (او رورا) رانیزخیال میال میدیدیم ، (دونسقوی) و (لادیمیر) بادیگرسفاین معاونه به امتداد بسیارمیلهادورتریك دیگرقولی بوجود آورده بودند .

« بناتربن بهمهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی خودامردادم که بکار آغاز کنند ، وبکشتیهائیکه درپیش چشم من بودند این اشارت رادادم که :

« اقبال وادبارحکومت مابه نتیجهٔ همین محاربه تابعست . هرکس هرغیرت وفعالیتی که ازدستش می آید قصورنکنند . وامروزازهروقت زیاده بکوشد . »

« بعدازکمی دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما یکسر بسوی استقامت جنوب غربی دویدند ؛ و ازدوپنجدقیقه گذشته یکی یکبار بسوی شرق برگشتند ، و بیك صورتیکه ازپیش روی سرقول دشمن مائلاً بگذرند ، وراه رابرو بگیرند برفتار آغاز نهادند .

« لوی غندگرووازورهای زرهپوش مادرعقب دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مامی آمدند . ویك خط تشکیل کرده میرفتند . لوی غند های (ده وا) و (اوریو) ولوی غندگرووازورهای کپتان (توغوماز امیشی) چنانچه در نقشه به آنهانشان داده بود بیك صورتیکه ازپشت برقول دشمن هجوم برند بسوی جنوب رهسپارگردیدند . اینست که درابتدای محاربه وضعیات متناظرهٔ مخاصمین به همین صورت بود که بیان شد . »

﴿ راپوردرباب محاربهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ﴾

هنگامیکه دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مانقرب وورزیدد شمن سرقول خود

را بجهت راست تبدیل داد ، وازساعت (۲) هشت دقیقه گذشته بودکه بآتش آغازنهاد . تا یکمدتی مابه او جواب ندادیم ، اماچون بقدر «٦۰۰» متره به اونزدیکشدیم هانندم به یك آتش بسیار شدیدی مقابله کردیم . واین آتش خود رابردو سفینهٔ بزرگ پیش روی دشمن جمع وتوحیدکردیم . درزیر این تضییق و فشارما ، دشمن حرکت خودرایکقدری بسوی جنوب برگردانید ، وهردوقول دشمن دریك آن راههای خودشانراتابشرق تبدیل داده باینصورت قولهای ماودشمن یك وضعیت مساوی وبرابری پیدا کرده

کشتی زرهپوش «اوسلی یابیسا» که قول چپ راسوق و اداره میکرد بصورت بسیارناگواری دو چارخسار شده ، ویك حریق بزرگی دران بحصول آمده هانندم از خط حرب بیرون برامد درینوقت همه کرووازور های ما بیك صف ، دستهٔ کشتیها ی جنگی اصلی ما را پیروی میکرد . و متحداً اجرای حرکت وفعالیت میکردند .

هرانقدرکه مسافه کم میشد آتشهای هردودستهٔ کشتیهای جنگی مازیاده ترکسب شدت و غیرت میور زیدند ، درین اثنا کشتی زرهپوش (قیناز سوا روف) روس که سرکردهٔ قول بود ، وزرهپوش (الکساندرسوم) درمیان شعله های آتش مانده خط محاربه راترك کردند .

رفته رفته ترتیبات عسکریهٔ دشمن ابترشدن گرفت ودرهرطرف آثار بی انتظامی پدیدارگردید ، غیرازین، دیگرسفاین حربیهٔ روس درمیان بسی تهلکه هاپویان شد . دودهاوشعله های آتشیکه بباد تندغربی همدم شده بود درآن واحد درمیدان محاربه منتشرشده ازیکسرتادیگرسر کشتیهای دشمن راآتش احاطه نموده حالآنکه باابن ابرهای دود ، طبقات دمه نیزمنظم آمده کشتیهای ما آتش خودراقطع کردند

« در طرف ماهم کشتیهای جنگی کم و بیش زحمت کشیده بودند ، کشتی جنگی (آساما) درنزدیکی خط آب خود از طرف دنبال باسه گلهٔ دشمن زخمدار شده ، و ترتیبات سکانش برهم خورده ، و آب بسیاری بداخل کشتی درآمدن گرفته بود . به اینسبب کشتی آساما از خط حرب بیرون برامد . ولی در کم وقت بعد از یك تعمیرات مجمله باز بموقع خود که درخط حرب داشت درامد .

اینست که در ساعت (٢) و ٤٥ دقیقه وضعیت حربی قوای اصلیه که باهمدیگر در آویخته بودند عبارت از همین بود که بیان شد . اینرا هم بگوئیم که هنوز از همین وقت بخت وطالع محاربه سراسر قرار گرفته بود که چه میشود .

« بعد دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما دشمن را در استقامت جنوب به تضییق و فشار دادن دوام ورزید وهرگاه وناگاهی که کشتیهای دشمن از میان دمه هاودودها پدیدار میگردید دستهٔ کشتیهای جنگی ما آنهارا در زیر آتش شدیدی میگرفتند ، و برافزونی قوت تضییق و فشار خود دقت واهتمام میورزیدند .

« بساعت ٣ بریك خطی که باخط دشمن موازی بود برابر آمدیم ویکسر براستقامت جنوب شرقی رفتار داشتیم . درین اثنا یکی یکبار دشمن بسوی شمال برگشت . و از عقب خط ما بسوی شمال توجه نمود . دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما هماندم بقدر ١٦ کرته بسوی چپ تبدیل استقامت ورزید ، و بصورتیکه زرهپوش (نیشین) در پیش خط بود بسوی شمال غربی برفتار آغاز نهادیم . کروواز ور های زرهپوش ما زرهپوشهای بزرگ مارا پیروی میگردند ، و به اینصورت کشتیهای دشمن بازه رزیر یك آتش مدهش ما بسوی استقامت جنوب انداخته شدند . از ساعت ٣ هفت دقیقه گذشته بود که (ژه . چو نغ) نام کشتی جنگی روس بخسارتهای مدهشی گرفتار آمده درعقب ماند .

« کشتی (اوسلی یابیا) نام روس که پیش ازین از خط حرب بیرون افتاده

بود ۱۰ دقیقه از ۳ گذشته در میان امواج بحری نام و نشان گردید . (فیناز سوا روف) نام کشتئی جنگی روس درین اثنادر یك حال بسیار بحران انگیزی تنها مانده بود . این کشتی اولا یك دکل خودرا ، و پس از ان هر دو دودکش خودرا غایب نمود ، و در میان شعله های آتش و دودهای کثیف مستغرق گردید . نهایت سرا سر بیکوضعیت ناامیدانه درامد . امید حیات و نجات برای طایفه های آنهم نماند .

« دیگر سفاین دشمن که اکثر آن بسیار خسارزده شده بودند باز یك بار دیگر تبدیل استقامت نمودند و تابه استقامت شرق آمدند . بنابرین دستهٔ کشتی های جنگی اصلی ما نیز بقدر ١٦ کرته بسوی راست تبدیل استقامت نمود . و گاه به آتش بسیار شدید عمومی ، و گاه به انداخت طور پیدل کشتیهای رجعت کنندهٔ دشمن از حمتها و آزارها داده بعقب گیرئی شان دوام ورزید . تا از ساعت چارچهل و پنج دقیقه گذشته وضعیت حرب ثابت بماند . دشمن را دایما بجهت استقامت جنوب انداختیم و در زیر آتش بسیار شدیدی گرفتیم .



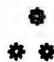
« درینجا از طرز حرکت محاربهٔ لوی غند طور پیدوی مخرب (شیبایا) . لوی غند (هیروزه) که از ساعت سه چهل دقیقه گذشته تا بساعت ٤ و ٥٤ دقیقه اجرا کرده اند بصورت خصوصیه بیان کردن لازمست .

« این کشتیهای کوچك حربیه طور پیلهای خودرا بصورت بسیار بهادرا نه بر کشتئی (فیناز سواروف) که کشتئی امیرالبحر است انداختند . نتیجهٔ طور پیلهائیکه از لوی غند اول انداخته شد معلوم نگردید ولی یك طور پیلی که از طرف لوی غند دوم انداخته شد (فیناز سواروف) را از بغل چپ بطرف دنبال کفته زد . و بعد از کمی کشتئی مذکور از تاثیر آن طور پیل بقدر ۱۰ درجه میل نمود . در اثنای این دو هجوم مخرب طور پیدوی (شیرانوی) ، و طور پیدوی (آزاشیو) با کله

های که از کشتیهای دشمن از هرهرطرف برانها میبارید زخمدار شدند، و تهلکه های بسیار بزرگی دیدند . اما هزار شکر که هردوی شان دریك کم مدت ازین وضعیت مخاطره ناك رهایی یافتنند .

« از ساعت ٤ چهل دقیقه گذشته بودکه دشمن ازین فکر خود که بسوی شمال یك راهی برای خود پیدا کند صرف نظر نمود . چونکه یکسر استقامت جنوب را گرفته بفرار کردن سعی و غیرت ورزیده بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلئی ما بصورتیکه کروواز ورهای زرهپوش در پیش بودند به تعقیب دشمن سرعت نمود . اما بسبب دمه و دودهای آتش تایکمدتی دشمن از نظرنهان گردید

« بعد ازانکه بقدر ٨ میل بسوی استقامت جنوب رفتار نموده بودیم در طرف راست خود یك کرووازور صنف دوم و یکچند کشتی معاون دشمن را مشاهده کردیم ، وهماندم بر آنها آتش کشادیم در ساعت پنج و نیم دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی ما برای پیدا کردن زرهپوشهای دشمن بسوی استقامت شمال برگشت . و کرووازورهای زرهپوش برای هجوم کردن بر کرووازورهای دشمن برر فتار استقامت جنوب غربئی خود دوام ورزیدند . سر ازینوقت تا بوقت شام که تاریکی شد هردو دستهٔ کشتی های جنگی ما بردوراه مختلف حرکت کرده همدیگر خودرا از نظر غایب کردند .



« از (٥) (٤٠) دقیقه گذشته دستهٔ کشتی های جنگی اصلئی ما بر (اورال) نام سفینهٔ معاون روس که از نزدیك ما میگذشت آتش کشاد ، وهماندم اورا غرق نمود ، و برای جستجوی دشمن بر رفتاریکه داشت دوام ورزیده نهایت دستهٔ کشتیهای جنگی ما در جهت چپ خودشش قطعه سفینهٔ دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی روس را مشاهده کرد که یکسر بسوی شمال شرقی رو بفرار نهاده

بودند . همانـدم به آنها نزدیکشدیم ، و بیك راهی که موازی برراهیکه آنها گرفته بودند بود برابر آمدیم . درمابین مابازمحاربه درگرفت . چون رفته رفته مسافه کم شده میرفت دشمن از آتش شدتناك مابسیار بسیارمتاثر گردید . دشمن در اول امر به استقامت شمال شرقی پویان بود . اما آهسته آهسته راه خود رابسوی غرب برگردانید ونهایت دراستقامت شمال غربی بماند . این محاربه که بر دو خط موازی اجرا گردید از ساعت (۶) شام تابه شب دوام ورزید . دشمن آنقدر زده وزخمی شدکه آتش شان نیز خفت وسستی پیدا کرد .

« دستهٔ کشتیهای جنگی مابیك حال آزدانه و مالکانه مانده لحظه بلحظه کسب شدت مینمود . یك زرهپوش دشمن که به سیستم (الکساندرسوم) بود از خط برامدودر عقب بماند . یك سفینهٔ دیگردشمن نیزکه مانندزرهپوش (بوردینو) دیده میشد واین کشتی قول حرب را اداره میکرداز (۶)(۴۰) دقیقه گذشته آتش گرفت . واز(۷) (۲۳) دقیقه گذشته یکی یکبار درمیان دود های بسیار غلیظی مانده ، وگویا آتش بمخزن جبه خانهٔ آن سرایت کرده در یك آن واحدغرق وناپدیدگردید . کرووازورهای زرهپوش ما که درجنوب دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای دشمن را تعقیب میکردند ۷ دقیقه از ۷ گذشته بشکل کشتئی (بوردینو) یك زرهپوشی مشاهده کردندکه اینسفینهٔ دشمن بیك بغل بسیار میل کرده بحرکت مانده بود . درنزدیك این کشتی (نا خیموف) نام دیگر کشتئی روس نیز موجود بودکه هردوی شان دریك کم مدتی ترك سفینهٔ حیات کرده درقعر بحرعمانئ غوطه ور گردیدند . بعدتر ازین اززبان اسیرهای روسی که بچنگ افتاده بودند معلوم شدکه یکی ازینها (الکساندرسوم) ودیگر آن (بوردینو) بود .

« رفته رفته تاریکئ بسیار عمیقی جهانرا فرامیگرفت گویاطبیعت میخواست

که در پیشگاه دیده های امیدا ین هردو خصم جان همدیگر که از صبح دم تا به این دم بفانی کردن همدیگر میکوشند یك پردهٔ سیاهی بیاویزد . اما این کشتیهارا ، این قلعه های سیاررا ، این کوههای آتشفشانرا که از بسی زمانها بر همدیگر خود سلاح خونریزیرا بر داشته اند کجا آرام میگیرند ؟ هیچ شبهه نیست که دشمن خودرا در آغوش ظلمت شب درانداختهٔ برای حیات باقیماندهٔ خود درباب تدارك کردن یك ملجا و مأوایی هیکوشد . امادستهٔ کشتیهای جنگی ما ازین شبی که روز آنرا بکمال شرف و شان بسر آورده نیز استفاده کردن میخواست وازاز و پرده های کثیف ، وطبقه های غلیظ تیره گئی شب را یکان یکان از همدریده گریبان دشمن خودرا که از پیش تیغ مظفریتش در گریختن است بجنگی آوردن واورا سراسر محو و پریشان ساختن از جملهٔ مقاصد مهمه اش بود .

« بناءً علیه باوجودیکه تیره گئی شب بسیار بود باز هم ترك مخاصمات نکردیم ، واگر دشمن از یکطرف میگریخت ، درهمانطرف کشتیهای ما براو حمله می آورد ، هرطرف که آتش بکشاید طرف مقابل اورا جواب میدهد . اگر کشتی های بزرگ بایستد کشتیهای کوچك بکار زار آغاز میکند . طورپیلها بغرش می آید !!



« بواقعیکه لوی غندهای طورپیدو و مخرب طورپیدو های مابعدازانکه همه تدارکات لازمهٔ خودشان را برای هجوم حاضر کردند دشمنرا درجهت شمال از طرف جنوب وشرق به احاطه کردن آغاز نهادند ، بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلئی ما آهسته آهسته از تضییق و فشار دادن دشمن به صرفنظر کردن آغاز نهاد و میدان حرب را برای این کشتیهای کوچك آتشین جولان خود وا گذاشت . (۲۸) دقیقه از (۷) گذشته بودیعنی هنگامیکه آفتاب جهانتاب شعاعات آخرترین خودرا بر موجهای حزین دریای ژاپان نشر میکرد ، درین ساحهٔ دریا

ئیکه افراد دو ملت بزرگ دران پهلوانیها کرده اندلوحه های بسیار عبرت انگیز الم آمیزی بوجود آمده بود . درینوقت بر دستهٔ کشتیهای جنگی خود امر دادم که استقامت شمالرا بگیرند ، وموعد تلافی رابرای فرداصبح جزیره های (او لنو نغ) را تعیین کردم .

محاربهٔ لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) «و توغو» ودستهٔ کشتی های جنگی گرووازورها

[این توغو غیراز امیرال توغوست]

« وقتیکه بساعت (۲) امر آتش کشادن داده شده بود لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) و (توغو) ودستهٔ کشتی های جنگی گرووازورهای ما ازدستهٔ کشتی های جنگی اصلی جداشدند . ودشمن را بجهت راست خود گرفته بسوی استقامت جنوب توجه کردند . وبموجب پلان ونقشهٔ سوق الجیشی که پیش ازین کشیده شده بود برای برهم کردن کشتیهای دشمن که دمدار تول غند بحرئی دشمن را تشکیل کرده بود، وعبارت از سفینه های معاون (اوله غ) و (اورورا) و (سویه تلانا) . و (الماز) ، و (دیمتری دونسقوی) ، و (ولادیمیر — مونوماق) بودند حرکت کردند .

« لوی غندهای (دهوا) و (اوریو) یکجاو بریك خط حرکت کرده بدستهٔ کشتیهای جنگی گرووازورهای دشمن نزدیکشدند ، ومقابل راهیکه آنها گرفته بودند یك راهی گرفته بمحاربه آغاز کردند .

« بسایهٔ سرعت افزونتری که این لوی غندهای ماداشتند دشمنرا گاهی از راست وگاهی از چپ بزیر آتش طوپ گرفته وضعیت آنهار ابه آرزو ودلخواه خود تبدیل وتعدیل میدادند درمیان (۳۰) دقیقه درده دار دشمن بی انتظامی ظهور

نمود سفینه های معاون، و کرووازورها از همدیگر جدا شدند .

« یک کمی بعد از ساعت (۳) یك کشتی بطرز ساخت کشتئی جنگی (اوروزا) از دیگر کشتیها جدا شد، و بیکطرف نزدیکشد. لکن بتأثیر آتش سفینه های ما بصورت بسیار سنگینی زخمدار و دوچار خسار شده بازبه تبدیل دادن راه خود مجبور کردید. (٤٠) دقیقه از (۳) گذشته بود که (۳) قطعه مخرب طورپیدوی دشمن برما هجوم کرد امابی آنکه هیچ یك نتیجهٔ حاصل کنند به پس رانده شدند.

« از نتیجهٔ هجومهای مشترك لوی غندهای (ده وا) و (اوریو) بساعت (٤) در میان لوی غندهای دمدار دشمن یك بی انتظامئی حقیقئی پدیدار آمد .

« در میان کشتیهای جنگئی این قسم میدان محاربه هیچ یك اثر ترتیب و نظامی باقی نماند . ازین کشتیها هرکدام جدا جدا دوچار خسار شده بودند و بعضیها بدرجهٔ که حرکت نتوانند رسیده بودند .

« ساعت چار را (۲۰) دقیقه گذشته بود که لوی غند (اوریو) یك کشتئی معاون سه دگلهٔ دودودکش دار مشاهده کرد . هماندم بران آتش کشاده در یك کم مدتی آنرا بقعر دریا رهسپار ساخت .

و نیز همین لوی غند یك کشتئی دیگر چهار دگله و یك دودکش دار را نیز بزیر آتش شدید طوپ گرفته و آنرانیز بدرجهٔ غرق رسانید. درهمین وقت دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای ما ولوی غند توغو نیز بجای محاربه واصل شدند، وقوتهای موجودهٔ خود را برلوی غندهای اوریو، وده واضم والحاق کردند، و همهٔ این قوهٔ مجتمعه دست یك کرده بادستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای دشمن وسفینه های معاون دشمن که بیك حال بسیار ابتر و برهمی بود بشدت تمام هجوم بردند و آنهارا خراب و پراضطراب ساختند .

« درین اثنائیکه این کارها میشد چار کشتئی جنگی دشمن که از طرف دستهٔ

کشتیهای جنگی اصلئی ما دفع و طرد شده بودند بر استقامت جنوب واپس رانده شده به دستهٔ کشتی های جنگی کرووازورهای ماالتحاق کردند . از نتیجهٔ این اتفاق چار زرهپوش با کرووازورها این بعمل آمدکه لوی غند (اوریو) ، و لوی غند کرووازورهای ما با دشمن تا بسیار وقتها از مسافهٔ بسیار نزدیك بمحاربه کردن بسیار جدی و حقیقی در آویختند ، و درین محاربه همه کشتی های ما کم و بیش زحمت کشیدند اما هزار شکر که خسارتهای ما بدرجهٔ که شایان اهمیت باشد نبود .

« سفینهٔ (قازاکی) نام لوی غند (دهوا) که بیرق خود امیرال (دهوا) را حامل بود در زیر خط آب خود از طرف چپ دوچار خسار شده بود . این کشتی برای اجرا کردن تعمیرات موقته بیکجایی که دریا آرام بود درکشید . (امیرال دهوا) کشتی (شیطوزه) را با کشتی قازاکی ترفیق نمود . و دیگر جزوهای تام لوی غند آن بدرزیر ادارهٔ قونترامیرال (اوریو) درامد . بساعت (٦) سفینهٔ قازاکی به دریاچهٔ (ابورانیا) واصل شد و قونترامیرال (دهوا) بیرق خود را بر کشتئی (شیطوزه) برافراشته در شب باز در میدان محاربه بیامد . ولی کشتئی قازاکی چون تعمیرات خود را تاروز دیگر نتوانست بسر برساند در تعقیب دشمن بروز دیگر اشتراك نمود . درلوی غند (اوریو) نیز کشتئی (نانیوا) که سوارئی امیرال بود درزیر خط آب خود یك ضربهٔ اوبوس را بخورد . بنابرین او نیز برای اجرا کردن تعمیرات موقته به ترك کردن خط حرب مجبور شد .

« درینوقت هم درطرف شمال و هم در طرف جنوب همه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن سراسر پراکنده و پریشان شده بود . و بیك حالی که دل انسان بران میسوخت درامده بود ، و ازینسبب بود که در ساعت پنج و نیم دستهٔ کشتی های جنگی کرووازورهای زرهپوش ما از دستهٔ کشتی های جنگی اصلی جدا شده ، و برای هجوم بردن بر کرووازورهای دشمن یکسر بسوی جنوب حر

کت نمود . درینوقت لوی غند (اوریو) ، ودسته کشتی های جنگی کرووازورها ولوی غند (نوغو) دشمن را درزیر تضیق و فشار آورده کشتیهای دشمن فوج فوج بسوی شمال بگریختن آغاز نهادند . لوی غند های ما در اثنای تعقیبی که داشتند به کشتی زرهپوش (قیناز سواروف) و (قامچاتقا) که بر رفتار اقتدار نداشتند و در عقب مانده بودند تصادف کردند ، وهماندم ترتیبات غرق کردن آنرا گرفتند . ده دقیقه از ۷ گذشته (قامچاتقا) را غرق کردند . بعدازان لوی غند طور پیدوی (فوژیموطو) که بهمراه دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای مابود بر زرهپوش (سواروف) تاختند . این سفینه تا به آخر وقت بایك طوپ کوچکی که داشت در مدافعه دوام ورزید . اما نهایت الامر باضربهٔ دوطورپیل بزیر دریا فرو رفت !

« ۲۰ دقیقه از ۷ گذشته بود : کشتیهای ما که درین قسم میدان محاربه بودند برای رفتن بموعد ملاقاتی که در جزیره های (اولئونغ) تعین شده بود امر گرفتند ، وازینسبب از محاربه صرف نظر کردند ، وبسوی استقامت شمال شرق بره پیمایی آغاز کردند .



راپورت در باب محاربهٔ طورپیدوها

« محاربهٔ شب ۲۸ بمجردیکه محاربهٔ روز ۲۷ منقطع گردید آغاز نهاد اینمحاربه عبارت از جنگ وجدال بسیار شدید و مهلکی بود که لوی غندهای طور پیدوها ، ومخرب ها از جهتهای مختلف اجرا کرده بودند .

« باد بسیار شدیدی که از صبح به اینطرف در وزیدن بود دریارا خیلی پر جوش وخروش نموده بود . وبه اینسبب این سفینه های کوچك مابه بسیار مشکلات مانوره یعنی حرکات عسکریهٔ خودرا اجرا میتوانستند . بنابرین پیش ازانکه

محاربهٔ روز آغاز کند لوی غندطورپیدوهای را که در پیش من بودند در خلیج (می یورا) فرستادم • بوقت شام شدت بادیکقدری کمشد • اما دریاهنوز خیلی در طلاطم بود ، و به اینسبب ضعیت سفاین طورپیدوی ماهنوز برای مانوره کردن در شب مساعد وموافق نبود • مع هذا لوی غندهای طورپیدو ، ومخربهای ما از بیم آنکه مبادا این فرصت یکانه از دست شان فوت شود باوجود طلاطم پر دهشت بحر پیش از غروب شمس خود را بمیدان رزمگاه درانداختند . و درباب نزدیکشدن به دشمن جد وجهد نمودند •

« لوی غند مخرب (فوژیموطو) که از جهت شمال می آمد ، ولوی غند مخرب (باژینا) که از شمال شرقی می آمد ، ولوی غند طورپیدوی (قاوازه) ازسه طرف بر دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی دشمن بشدت هجوم بردند • در همین وقت لوی غند مخرب (یوشیژیما) ، ولوی غند مخرب (هیروزه) از جهت شرق ، و جهت شرق جنوبی بر آخر قول همین دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرای صولت کردند •

« لوی غندهای طور پیدوی (فوکودا) ، (اوناکی) ، (اویاما) ، (قاوادا) که از جهت جنوب میآمدند دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ورهای دشمن را که از دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی جداافتاده بودند بشدت تمام عقب گیری نمودند • به اینصورت دروقتی که تاریکی شب جهان افرا میگرفت این دستهٔ کشتی های جنگی کوچك ما دشمن را ازسه طرف احاطه کرده بودند •

« پس معلوم شد که این وضعیت مهلکه دشمن رایك خوف وهراس فوق العادهٔ انداخته بوده بعداز غروب آفتاب ازراهیکه براستقامت جنوب غربی گرفته بود صرف نظر کرده سراز نو باز بسوی استقامت شرق توجیهٔ حرکت نمود • هجوم شبانهٔ لوی غند های طور پیدوی ما بساعت (۸) شب

اول از هجوم لوی غندمخرب (یازیما) که بطرف سردستهٔ کشتیهای جنگی دشمن اجرا کردند آغاز نهاد . و سر ازین ساعت همه لوی غند های طور پیدوی ما ازهراستقامت مانند شاهینهای تیز پروازی برین دستهٔ کشتیهای جنگی به پرواز آمدند ، و تابساعت (۱۱) شب اصلا از هجوم فارغ نشدند دشمن نیز همه پروژه کتورهـا ، وطوپهای خود را استعمال کرده ازمدافعه ومحاربهٔ نا امیدانه کوتاهی نکردند . ولی به این هجومهای متمادی حشرات البحرطور پیدوهای مامقاومت وتوانایی نتوانسته همه ترتیبات محاربهٔ شانرا کاملاً زیروزبر نمودند ، وهریك از کشتیهابیك یك طرفی گریخته درهرجهت دستهٔ کشتی های جنگی یك بی انتظامی وپراکنده گی بزرگی حکمفرما گردیده .

ه طور پیدوهای مابعقب گیری آنهابشدت دوام ورزیدندمیدان محاربه درهم وبرهم گردید . سه قطعه زرهپوش دشمن که یکی زرهپوش (سیصو یی وه لیقی)، ودیگرش گرووازورزرهپوش (امیرال ناخیموف) ، وگرو وازور زرهپوش (ولادیمیرمونوماق) بودند باطور پیلهای طور پیدوی ما زخمهای کاری خورده از کاردرافتادند . از طرف ماطور پیدوهای نمبر(۶۹) ازلوی غند (فوکودا) ، ونمبر(۳٤) ازلوی غند (اویاما) ، ونمبر(۳۵)از لوی غند (قاوادا) بتأثیراوبوسهای دشمن غرق شدند . مخربهای (هارو زامه) ، و (آ قاچوکی) ، و(ایقاچوکی) ، و(یوزیری)، وطورپیدوهای (صوزی)ونمبر ۶۸ ونمبر(۳۳) نیزازگله های اوبوس دشمن خوب متأثر شدنده و بصورت موقت از صف حرب بیرون برامدند . ضایعات مرتبات مادر لوی غند های (فوکودا) ، و (اویاما) ، و (قاوادا) نسبت بدیگران زیاده تر بوقوع آمده بود . طایفه های سه طورپیدوی ماازطرف مخرب (قاری) وطورپیدوهای نمبر(۳۱) و (۶۱) رهایی یافتند .

« از قرار گفتهٔ اسیرهای روسی که بدست ما افتاده بودند چنان معلوم شد که هجوم طورپیدوهای ما که در شب اجرا کرده بودند خیلی مدهش شده بود . این کشتیهای کوچك مابه آنقدر سرعت هجوم میکردند ، و آنقدر نزدیك می آمدند که توقف دادن آنهـا غیر ممکن دیده میشد ، و از آنقدر نزدیك طور پیلهای خود را می انداختند که نشان گرفتن آنها غیر قابل مینمود .

« غیر از این هجومهائیکه ذکر کردیم لوی غند مخرب (سوزوکی) و دیگر لوی غند های طور پیدوی ما نیز از استقـامتهای مختلف به عقب گیری ، و جستجوی دشمن افتاده بودند . بوقت صبح روز (٢٨) در (٢٧) میل شرق شمالیٔ (قارازاکی) نام محل دو قطعه سفینهٔ حربیهٔ دشمن را دیده برا نها هجوم بردند ، و همانـدم یکی از انهارا غرق کردند نظر به گفتهٔ اسیرهائیکه بدست امده بود این کشتی غرق شده سفینهٔ حربیهٔ (ناوارین) بود که از هردو طرف خود دو دو طور پیل خورده و در ظرف دو دقیقه در قعر بحر پو یان گردیده است . دیگر لوی غند های طور پیدوی ما اگرچه تمـام شب بجستجوی دشمن در استقامتهای مختلف تك وتاز کردند ولی هیچ اثری از دشمن گریزپای خود نیا فتند .

« اینست نتیجهٔ هجوم طور پیدو ها که در شب ٢٨ می اجرا گردید .

راپور در باب محاربهٔ میدان ٢٨ می

« در روز (٢٨) می دمهٔ کشتی که از ٢٤ ساعت به اینطرف جهانرا فرا گرفته بود بتمامها برطرف شده بود . دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی ما با دستهٔ کشتیهای جنگی کروواز ور های زرهپوش ما تخمینـاً در (٢٠) میل بجهت جنوبی جزیرهٔ (اولنونغ) موجود بودند ، دیگر لوی غندهای ما ، و دستهٔ کشتیهای

جنگی طورپیدو های ما که به مجموعهای دیشبهٔ خودشان کشتیهای دشمن را تارومار کرده بودند ازراههای مختلف بموعد تلاقی یکسر پیش می آمدند .

« ساعت (۵) را (۲۰) دقیقه گذشته بود . دراثنایی که من برای سد کردن خط رجعت دشمن دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش خود را بطرز زنجیر کشف از شرق بسوی غرب ترتیب میدادم ازطرف دستهٔ کشتی های کرووازورهای ما که تخمیناً (۶۰) میل درعقب ، وبراستقامت شمال برفتار بودند خبرداده شدکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن رادرجهت شرق دیده اند ، که بسی ستونهای دود های آن به آسمان بلند میشود .

« بعداز کمی این دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای مابدشمن نزدیك شدند وبما اشارت کردندکه دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن عبارت از ٤ قطعه زرهپوش ودو کرووازور میباشد ، ویکسر بسوی شمال دررفتاراست . هیچ شبهه برای ما نماند که این کشتیها عبارت از قسم اصلی ویران شده گی دستهٔ کشتی های جنگی دشمن خواهد بود . بنابرین دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی مابا دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازورهای زرهپوش مابرای بستن راه رابر دشمن بطرف راست تبدیل حرکت کرده بر استقامت شرق رفتارنمودند . لوی غند های (توغو) و ('وریو) نیزبه دستهٔ کشتیهای جنگی کرووازور ها التحاق کرده درعقب آنها وضع گرفتند . به اینصورت بساعت ده ونیم در (۱۸) میل جنوب (تاکه شیما) دشمن از هرجهت احاطه شده بود .

« این قوت دشمن عبارت بود از کشتیهای زرهپوش (اوره ل) و (نیکولای نخستین) ، ومحافظهای ساحل (آپراقسین) ، و(سه ن یاوین) وکرووازور (ایزمرود) که همهٔ آن پنج قطعه میباشد . درهمین وقت یك کرووازوردیگردشمن در استقامت جنوب از بسیاردور پدیدارگردید ، و

لی خیلی زود باز ازنظر پنهان شد .

« اینچند پاره کشتئی که مابقئی ویران شده کئی دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن بود به آندرجه خسارت زده شده بودند که باقوای فایقهٔ ما مجال محاربه کردنرا نداشتند . وبعد ازانکه کرووازورهای زرهپوش مایك چند که برانها اندا ختند قونترامیرال (نه‌بوغانوف) که قوماندان این کشتیهابود اشارت کشید که با همهٔ قوای حربیهٔ که در زیر ادارهٔ اوست آرزوی تسلیم شدنرا دارده من این اشارت اورا قبول کردم ، ویك خوبئی دیگرهم باآنها کردم که افسران شا ن را اجازهٔ محافظه کردن شمشیرهای خود شان را دادم . تنها کرووازور (ایزمرود) دشمن پیش ازکشیده شدن اشارت تسلیم باهمهٔ سرعتی که داشت یکسر بسوی جنوب فرار نموده از پیش لوی غند (توغو) درگذشت ، وبسوی شرق یك راهی برای خود پیدا کرده توانسته ازنظر پنهان گردید . درین اثنا کشتئی (شیطوزه) بما التحاق مینمود که از خلیج (آبورایا) عودت میکرد ، ودرراه یك مخرب طورپیدوی دشمن را غرق کرده بود .

« وقتیکه (شیطوزه) گریختن سفینهٔ (ایزومرود)رامشاهده کرد ، هماندم تبدیل استقامت نموده (ایزومرود) گریزپارا تعقیب نمود . امادشمن برهایی دادن گریبان خود کامیاب آمده درجهت شمال به‌میان مسافات بعیدهٔ بحر ازنظر نهان گردید .

« پیش ازین وقایع ، در وقتیکه لوی غند(اوریو) بسوی شمال پیش میرفت بساعت ۷ صبح درجهت غرب یك کشتئی دشمن را مشاهده نمود هماندم کشتیهای (اوناوا)، و (نی‌ناقا) که درزیرقوماندانئی کفتان (آریغا) بودبه تعقیب آن شتافتند . ساعت(۹)بودکه به آن رسیدند ، وشناختند که کشتئی(سوبیه‌تلانا) ست برفاقت این کشتئی دشمن یك مخرب طورپیدوهم بود . این دوکشتئی ما

چون یك کمی بدشمن نزدیکشدند آتش بسیار شدیدی کشادند ۰ وبعد ازیکساعت محاربهٔ کشتئی (سوبیه تلانا)ی دشمن را درنزدیکیهای خلیج (شی بوك بی یونغ) غرق کردند ۰ سفینهٔ (نی تاقا) بامخرب طورپیدوی (موراقومو) که نوبعد کارئی شان رسیده بود (بیستری) نام مخرب طورپیدوی دشمن راکه با (سوبیه تلانا) بود عقب گیری نمودند از (۱۱) (۵۰) دقیقه گذشته بودکه اورابه ساحل نزدیك کرده درزیر فشار گرفتند، ونهایت دریك خلیج بی نامی از اغرق ونابدبدساختند ۰ مرتبات این دوسفینه که زنده مانده بودند جملةً از طرف کشتی های معاون (امریکامارو) ، و(قازوغامارو) رهایی داده شدند ۰

«دراثنائیکه قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگی مرکب ما که دشمن را اسیر کرده بودند هنوز درمحل وقعهٔ اسیر شدن امیرال (نه بوغاتوف) بودند، وباچهار کشتئی جنگی اسیر شدهٔ دشمن مشغول بودند بناگهان از دورکشتی امیرال (اوشاقوف) مشاهده شده همان دم یك مفرزهٔ بحریه که از کشتیهای (ایواته) و(یاقومو) مرکب بودند براو بحمله آوری مقرر شد ۰ یك کمی از ساعت ۸ گذشته بودکه این دوکشتی مابه کشتئی دشمن رسیدند، وهماندم تسلیم شدن اورا تکلیف کردند ۰ اما کشتئی روس به این تکلیف کشتیهای مابه آتش طوپ جواب دادند ۰ بنابرین بجز اینکه بروهجوم برده شود دگرچارهٔ نماند ۰ نهایت الامر کشتئی روس را غرق کردند ، و ۳۰۰ نفر مرتبات آنرا ازمیان موجهای فروبرندهٔ بحر محیط رهایی داده اسیر کردند ۰

«ساعت ۳ ونیم بودکه (سازانامی) ، و(قازارو) نام مخرب طورپیدوهای مادومخرب طورپیدوی دشمن را تخمیناً (٤۰) میل درغرب جنوبئی جزیره های (اولنونغ) مشاهده کردندکه یکسر بسوی شرق درگریختن بودند ۰ یکی ازین کشتیهای دشمن که درعقب مانده بود یك بیرق سفیدی برافراشته اشارت

تسلیم شدن خودرا نمودار کرد. بنابرین طورپیدوی (شازانامی) نام مارفته انرا بدست تصرف خود دراورده معلوم شدکه این مخرب طورپیدوی دشمن (بی یه دودی) نام کشتئی روس است. ویس امیرال (روژهستوه نسکی) باهمه ارکان حربیهٔ خود درین کشتی بودند، وجملهٔشان باطایفه های خود داسیر افتادند. طور پیدوی (فازه روی) مانابساعت (٦) ونیم به تعقیب کشتئی دیگرروسی دوام ورزید، ولی بگرفتار آوردن آن موفق نشده کشتئی کوچك روس گریبان خودرا رهایی داد.

«لوی غند های (اوریو) و (یاژیما) بساعت (٥) شام کرووازورزرهپوش (دیمتری دونسقوی) دشمن را مشاهده کردند، وهماندم بعقب گیرئی آن شتافتند. درین اثنا کشتی های «اوناوا»، و (نی تاقا) نام ما بهمراه «آزاژیری» و (شیراقومو)، و (فوبوکی) نام مخرب طورپیدوها از خلیج (بی یونغ) برمی کشتند. بنابرین از جهت غرب به او تقرب کردند، وهماندم بر کشتئی مذکور آتش کشادند. وبه اینصورت کشتئی روس درمیان آتشهای مقراضئی کشتیهای مادرافتادوتابوقت شام که تاریکئی شب جهان را فرا گرفت بشدت تمام بمحاربه دوام نمود. کرووازور دشمن به بدصورت زده وزخمی شد. امابازهم بشناوری دوام مینمود. تاآنکه در تاریکئی شب از نظر نهان گردید. وکرووازورهای ما آتش خودرا قطع نموده «فوبوکی». و (یاژیما) نام مخرب طورپیدوهای مار او حمله آوردند. امانتیجه مشکوك وغیرمعین ماند. روزدیگر بوقت صبح این کشتئی دشمن درنزدیکئی ساحل جزیره های (اولنونغ) دیده شده هماندم ازطرف کشتیهای ما بقهر دریا فرستاده شده مرتبات آنکه درجزیره هابرامده بودند ازطرف (قازوغا)، و (قوبوکی) جمع آوری شدند.

«دراثنایی که قسم اعظم دستهٔ کشتی های جنگئی مرکب ما درشمال به این

صورت حاصلات حرکات شدیدانهٔ جوانمردانهٔ خودرا بجمع کردن مشغول بودند ، درجهت جنوب نیز بسیاری از سفاین حربیهٔ دشمن اسیر میشدند . سفینه های معاون (شینانومارو) ، و(تهنانمارو) و(یاواتامارو) برای تحریات وتجسسات بوقت صبح (۲۸) می حرکت کرده بودند . این کشتیها بعد از یکمدتی در (۳۰) میل شمال شرقی (قارازاکی) (سیصویی وهلیقی) نام کشتئی دشمن را مشاهده کردند که این زرهپوش دشمن یکشب پیشتر باطورپیلهای طورپیدوهای مازخمدار شده بودند . ودرین وقت که سفاین معاونهٔ ماميرسیدند ، درحالت غرق شدن بود . کشتیهای معاون ماهماندم بگرفتار کردن آن ، وخلاص کردن طایفهٔ آن حاضر شدند . اماساعت (۱۱) بود که این زرهپوش بسیار بزرگ دشمن نیزدرزیردریا از نظرها نهان کردید .

«در دیگر طرف ازساعت (۵) (۲۰) دقیقه گذشته بود که مخرب طورپیدوی (شیرانووی) ، وسفینهٔ معاون «سادومارو» به کشتئی جنگئی «آمیرال ناخیموف» در «۵» میل شرقئی ساحلهای «چوشیما» تصادف کردند که کشتئی مذکور درمیان یك تهلکهٔ عظیمهٔ مانده بود . درعقب این تصادف «ولادیمیرمونوماق» نام کشتئی جنگئی دیگر دشمن را دیدند که این هردو کشتئی بحالت غرق شدن بودند . کشتئی «سادومارو»ی ماهماندم بتدارکات ضبط کردن آنها آغاز کردند . ولی کشتیهای دشمن آنقدر خسارت زده شده بودند که از هرطرف آنها رخنه های جسیمی پیداشده ابها بشدت دران هجوم مینمود . کشتی ماهم اینقدر توانستند که مرتبات آنهارا رهایی بدهند . بساعت «۱۰» هردوی آنها درزیربحر پویان شدند . درهمین اثنابود که «غروزمکی» نام مخرب طورپیدوی دشمن دران جوار پدیدارشد ودفعتهً بسوی شمال بره پیمائی آغازنهاد . (شیرانووی) همان دم اورا عقب گیری کرد ودرین اثنا طورپیدوی نمبر (۶۳) نیزرسیده هردوی شان

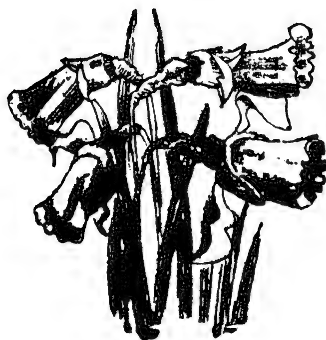
بر کشتی دشمن هجوم برده آن راضبط وطایفه اش را اسیر کردند . اماسفینهٔ مذکو ره به آنقدر خسار دوچار آمده بود که ازساعت (۱۲) (٤٦) دقیقه گذشته بود که ازسطح آب الوداع ابدی گفته درقعر بحر شتابان گردید .

بعد از محاربه دیگر اقسام دستهٔ کشتیهای جنگی ما وسفاین معاونهٔ ما هر طرف میدان محاربه ، وسواحل همجوار را بخوبی جستجو کرده بسیاری از مرتبات سفاین غرق شدهٔ دشمن را بدست آوردند . همهٔ اسیرانی که درین محاربه اسیر دست ما شدند بعهٔ مرتباتی که در کشتیهای اسیر شده بودند به (۶۰۰۰) هزار آدم بالغ شدند .

« نتیجهٔ محاربهٔ که از روز (۲۷) می بعد از پیشین آغاز ، و در روز (۲۸) می بعد از پیشین به انجام رسید عبارت از همین بود که بیان گردید . بعد از محاربه یك قسمی از دستهٔ کشتیهای جنگی ما تا بسیار جاها بسوی جنوب برای جستجوی دشمن پویان شدند ، ولی دران جهتها هیچ یکی از سفاین دشمن دیده نشد . تقریباً (۳۸) قطعه کشتئی دشمن بداخل شدن دریای (ژاپان) تشبث ورزیده بودند . که ازین جمله تنها یکچند کروازور ، ومخرب طورپیدو ، ویکچند سفینهٔ معاون بی اهمیت ازدم سلاح قهروتد میر ما گریبان خود را رهایی داده توانسته اند . درین محاربه عظیمه که دوروز دوام نمود ضایعات ما تنها بر سه طورپیدو منحصر مانده است . بعضی دیگر سفینه های ما نیز اگرچه کم و بیش دوچار خسار شده اند ، ولی هیچ یکی از انها بدرجهٔ که از خدمت خود پس بمانند زده وزخمی نشده اند . ضایعات نفوسی که در همه دستهٔ کشتی های جنگی ما بوقوع آمده از افسران و نفر یها (۱۶۰) مقتول و (۵۳۸) مجروح میباشد .

« در مابین نفوذ واقتدار این دو قوت معارض یعنی دسته کشتی های جنگی ما و روس یك فرق بزرگی موجود نبود ، واین را هم اعتراف میکنم که افسران

ومراتبات دشمن به بسیار غیرت وشدت جنگ کردند، ولی باوجود آنهم دسته کشتی های جنگی ما مظفر آمده نتایج مذکوره را حاصل کردند که اینهم اثر جسارت ودلاورئی خودمانی بلکه از فضایل برگزیدهٔ حضرت ایمپراطور ما یك نشانهٔ علوی ایست . اینقدر کم بودن ضایعات ما نیز بجز تأثیر حمایهٔ ارواح اجدا دایمپراطوری بردیگر هیچ چیزی عطف واسناد کرده نمیشود . وهمه افسران وافراد ما که بیك شدت ودلاورئی مردانهٔ حقیقی محاربه کرده اند چون به سوی این نتیجهٔ مظفریت ، وبی نسبتئی ضایعات خود می بینند بجز اینکه آن را بر اثر شفقت وحمایهٔ ارواح منقدمین حمل نمایند دیگر چیزی گفته نمیتوانند . »





درباب محاربهٔ میدان چوشیما

عاقبت الیمه — و طرز ساخت سفاین حربیهٔ روس

انجام الم انگیز کشتیهای جنگی روس ازینقرار است :

(۱) — کشتیهای زرهپوش روس (۸) قطعه بود (٦) قطعه آن غرق کرده شدکه اینهاست : (قینازسواروف ؛ الکساندردوم ؛ بوردینو ؛ اوسلی یابیا ؛ سیصوییوه لیقی ؛ ناوارین) دوقطعهٔ آن اسیرشدکه اینهاست : [اوره‌ل ؛ نیقولای نخستین]

(۲) — کرووازورها (۹) عدد بود (٤) قطعهٔ آن غرق شدکه اینهاست : [امیرال ناخیموف ، سوییه تلانا ، و لادیمیر ، ایزومرود] سه قطعهٔ آن به (مانیلا) فرارکردند ، ودرانجامحبوس شدندکه اینهاست : [اورورا ، اوله‌غ ، ژه مچوغ] یکی به بندرگاه (ولادیووستوك) گریخت که نامش [آلماز] است .

(۳) — محافظهای ساحل (۳) عدد بود . دوعدد آن اسیرشد که [اپراقسین ، ودیگرش سه نیاوین] بودند . یك عدد آن غرق شدكه [امیرال اوشاقوف] بود .

(٤) — مخرب طورپیدوها (۹) عددبود (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد

که اینها ست : [بوئی نی ، بیستری ، غروزکی ، ویکی دیگر] . یکی اسیر افتاد که نامش (پی یه دووی) بود . یکی در اثنای گریختن به [شانغهای] بسبب خساراتی که یافته بود غرق شد ، نامش (بله ستیاچی) یکی به شانغهای گریخت ودرانجا نجهیزاتش برداشته شده محبوس ماندکه نامش [بودری] بود . یکی به ولادیوستوك فرار نمودکه نامش (براوی) بود . آخری آن معلوم نشد که چه شد .

(٥) — کرووازورهای معاون یکدانه بودکه آنهم غرق کرده شده نامش (اورال) بود .

(٦) — واپورهای معاون (٦) قطعه بود . (٤) قطعهٔ آن غرق کرده شد . نامهای شان [قامچاتقا ، ایرتیش ، آنادیر ، روس] بوده دو قطعهٔ آن به شانغهای فرار کرده درانجا حبس شدندکه نام شان [قوره آ ، و سیویر] بود .

(٧) — واپورهای خسته خانه دو قطعه بودکه هردوی آن اسیر شدند ، ویکی بعد از اسیر شدن آزادی داده شدکه نامش [قوستروما] بود ، ودیگرش که (اوره ل) نام داشت در غنایم بحریه داخل شد .

— اجمال —

کشتیهائیکه غرق شده	٢٠	قطعه
کشتیهائیکه اسیر شده	٦	قطعه
کشتیهائیکه گریخته اند وغرق شده	٢	قطعه
کشتیهائیکه ببندرگاههای بیطرف رفته وحبس شده	٦	قطعه
کشتیهائیکه اسیر شده ورهایی داده شده	١	قطعه
کشتیهائیکه فرار کرده اند	٢	قطعه

در روسیه بملیونها نفوس به حوادثی که از آبهای (چوشیما) بیاید منتظر بودند . حتی این انتظار تمام سا کنان کرهٔ زمین شامل بود .

آرزوی شدیدیکه در دلهای روسها برای غالبیت دستهٔ کشتیهای جنگی شان جایگیر شده بود اگر یگان یگان حساب میشد یك جمع بسیار بزرگ دهشتنا کی از امید تشکیل مینمود ! قسم اعظم مردمان به تدقیق بعضی حسابها ورقها مشغول بوده . مثلا بعضی عدد سفاین حربیهٔ روس را ، و بعضی مقدار جنس وطوپهای سفاین حربیهٔ شانرا ، و بعضی شجاعت و دلیری تاریخیهٔ افسران ومرتبات شانرا حساب کرده دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (روژه ست وه نسکی) را از دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (توغو) قوتمندتر ومافوق تر تصور میدادند . ولی هزار افسوس که این تصورات منتظره از قوه بفعل نیامد ! خبر حقیقت بسیار تلخی همهٔ این حسابها و تخمینها را زیر وزبر نموده اینهمه امیدها را باخاك یکسان نمود .

این یك امر طبیعیست که شاهد مظفریت بحری به تفوق عددی روی التفات ندارد ، بلکه در آغوش قوتمندتر ، وتجربه دیده تر ، و باتدارك تر یك دستهٔ کشتی های جنگی میاندازد که در یك دار الحربی که بخود او خوب معلوم باشد حرکت کرده بکمال سهولت وزودی نواقص خودرا اکمال ، واحتیاجات خودرا بر طرف بتواند . اینست که این محاربهٔ چوشیما این حقیقت تجربهٔ تاریخیه را باز بما بخوبی روشن ومبرهن نمود .

« روژه ست وه نسکی » هنگامیکه از (لیباو) بسوی اقصای شرق میرفت امید مشخص همهٔ دولت روس شده برفت ؛ اما در اول مصادمهٔ که با دشمن نمود یك نا امیدئی مجسمی تشکیل داد ! وسنگ خوش عیار موفقیت وکامیابی را در پلهٔ میزان روسها نتوانست نهاد .

مع هذا همهٔ این قباحت عدم موفقیت را بر او انداختن گناه است !
در بخصوص یك محرر روسی اینچنین مطالعات بیان میکنند :
« امیرال روژه ست وه نسکی» چرا از ابنای های (پهروز) یا (چوغارو) مرور نکرد و از ابنای (قوره) گذر کرد . تا اینکه این فلاکت را بر خود بیاورد ؟ پس اگرچه اینگونه یك اعتراض معقول بر او وارد میشود ؛ اما اگر او بجواب بگوید که (برای طی کردن اینقدر مسافه بدرجهٔ کفایت زغال نداشتیم) . در آنوقت چه حق داریم که به او چیزی بتوانیم گفت .
« اما اینهم جای دقت و اندیشه است که آیا امیرال (روژه ست وه نسکی) بدر امدن آبنای قوره قطعیاً مجبور بود؟ آیا وقتی که آن دمهٔ کثیفه را دیده بود نمیتوانست که پیش رفتن خود را تا برطرف شدن دمه معطل بگذارد؟ آیا نمی توانست که در سواحل قوره یك خلیجی را برای خود اس الحرکات گرفته برای داخل شدن در آبنای مذکور موافقتر یك زمانی را انتظار بکشد ؟ این است که این سوالها را خود (روژه ست وه نسکی) باید جواب بدهد!
جناب زار روس درعقب محاربهٔ (چوشیما) به امیرالهای خود به اینصورت بیان تبریکات کرده است :

---

§ صورت تلگراف §

در توکیو : به یاور حربیه ویس امیرال روژه ست وه نسکی

« بشما و دیگر همه افسران و مرتبانی که در دستهٔ کشتیهای جنگی شما بوده از صمیم قلب تشکر میکنیم . در اثنای محاربه درخصوص بجا آوردن وظیفهٔ مقدسهٔ خودتان حرکات فداکارانهٔ که برای من و تمام روسیه اجرا کرده اید شایان تقدیر و ثناست . بموفقیت و کامیابی تشبث شما ارادهٔ الٰهیه شرف تعلق نمود . اما بمقابل آن شما آن امر عظیم را بجسارت و شجاعت فوق العادهٔ تان

تزئین واعلا گردید . روسیه دائما بوجود شما مغرور خواهد بود . در نزدیک وقت اعادهٔ عافیت کردن شمارا ، وصبر ومتانت نشاندادن شمارا از جناب حق تمنی ونیاز میکنم . »

﴿ دیگر ﴾

در مانیلا : به قونترامیرال نه نکیست

« قوماندانها ، وافسران ، ونفرهای کرووازورهای (اولغا ، واورورا ، وژه مچوغ) همهٔ شما جداجدا تشکر میکنم ، و خدمات برگزیدهٔ شما را که در اثنای آن محاربهٔ دهشتناك بجا آورده اید تقدیر وثنا میگویم . جناب حق بخاطر اینکه وظایف مقدسهٔ خودتا نرا بخوبی بجا آورده اید بدلهای شما صبر وتسلی احسان بفرماید . »

﴿ دیگر ﴾

در ولادیووستوك : به قوماندان (آلماز) یاور حرب (چاغین)

« بشما بکمال صمیمیت تشکر میکنم در اثنای محاربهٔ بد بخت چو شما از حرکات فداکارانهٔ که بجا آورده اند به قوماندان وافسران ، ومرتبات سفینه های ایزومرود ، آلماز ، غروزنوی ، و براوی از طرف من بیان ممنونیت بکنید در میان اینهمه الم واکدرهائیکه روسیه راازیکسر تادیگر سر استیلا کرده بیاد آوریهای و ظیفهٔ مقدسهٔ شما احسان فرمودن تسلی وقوت را بشما از جناب حق دعاو نیاز میکنم . »

نتایج این محاربه از تصور بدبین ترین مردمان نیز وخیمتر ومؤلمتر گردید . طالع درین بار نیز بروی روسها خنده نکرد . هنوز در اول محاربه امیرال (روژه ست وه نسکی) زخمدار گردید . واگرچه مشار الیه ازسفینهٔ امیرال بکشتیٔ طورپیدوی (بوئی نی) نقل نموده توانست ولی اداره کردن دستهٔ

کشتیهای جنگی برای او ممکن نشد . تا آنکه این امیرال بدبخت آخر الامر باهمهٔ ارکان حربیهٔ خود بدست دشمن اسیر افتاده فلاکت خود را بکمال رسانید .

بعد از و ، قدیمترین قوماندانها امیرال (فه لکرسام) بوده او نیز آنقدر ناجور و ضعیف بوده پیش از رسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی روس به (چو شما) ترك سفینهٔ حیات نموده است . پس به اینصورت قوماندانی دستهٔ کشتیهای جنگی بعد از روزه ست و نسکی، وفه لکر سام ، اول به امیرال (نه بوغا نوف) و بعد هـا به امیرال (نه نکیست) که معلوم نشد که چه شد انتقال می یافت امیرال (نه بوغا نوف) ، مدهشترین رذالتها و نامرد یهائیکه خیال بشر آنرا تصور نتواند قبول نمود . یعنی باچار کشتی جنگی زرهپوش ویك مخرب طورپیدو خود را بدشمن تسلیم کرد .

نقطهٔ مد هشترین این فلاکت نوی که بسر روسها آمد عبارت از همین عار اسارتیست که از طرف امیرال (نه بوغانوف) قبول کردید .



در نظامنامهٔ بحری روسها درباب تسلیم شدن بد شمن این سطر ها مندرج جست :

« در اثنای محاربه شخصی که قوماندانست به افراد و افسرانی که بهمراه اوست دلاوری، باید بدهد . و بکمال فدا کاری و شجاعت تا به آخر درجه جنگ باید کنند . اما اگر از ین سه حال یکی پیش شود همهٔ افسران بزرك و خورد را در پیش خود جمع کرده و همراه آنها مشورت کرده هرگاه رایهای همهٔ شان درباب قبول کردن اسارت قرار گرفت ازبهر آنکه خونریزئی بیهوده نشود کشتئی خود را بسبب حالات ذیل بدشمن تسلیم میتواند :

حال اول — : هرگاه گله های دشمن آنقدر شکافها و رخنه ها در کشتئی

او پیدا کرده باشد که بستن آن ممکن نباشد ، و کشتی بغرق شدن آغاز نهد .

حال دوم — : هرگاه جبه خانه در کشتی هیچ نماند ، وطوپ های کشتی بتأثیر گله های دشمن سراسر از کار بیفتد ، و الحاصل هنگامیکه از همه اسباب جنگ و دفع کردن دشمن محروم بماند ، ویا درسر تبات آنقدر ضایعات و کبودی ظهور کنند که تاب آوری بیرون دایره امکان شود .

حال سوم — : هرگاه در کشتی یك احتراق یعنی سوختنی که قابل گل کردن نباشد ظهور نماید .

« امابا وجود این سه حال باز هم اگر قوماندان دید که عسکر خود را بواسطهٔ قایقها و کشتی های کوچك بهیچصورت رهایی داده نمیتواند وبهیچصورت کشتئی خود را غرق کرده نمیتواند در انوقت قبول کردن عار اسارت برای او جائز است . »

اینسخن و مقصد نظامنامهٔ بحرئی روس بسیار واضح و صریح است که یك افسر بحری از ینکه خونریزئی بی فائده بکند تسلیم شدنش اولتر است . اما کشتی خود را نی بلکه خود را ونفری های بحرئی خود را تسلیم کند ، و کشتئی خود را بهمه حال بدست دشمن نداده بهمه حال غرق باید کند . و اگر از غرق کردن کشتئی خود سراسر محروم گردد و بهیچصورت نتواند که کشتئی خود را غرق کند در انوقت تسلیم میتواند نمود .

در پیشها که کشتیها از چوب ساخته میشد خراب کردن و غرق ساختن آنها حقیقتاً خیلی مشکل بود ، و برای خراب کردن آنها لازم میشد که آنهارا برهوا کنند یعنی بپرانند . و پراندن آنها بموجود بودن باروت بسیار زیادی موقوف بود . حال آنکه در وقت آخرهای محاربه باروت بدرجهٔ کفایت در کشتی پیدا نمیشد . دیگر اینکه اگر کشتی برابر هوا میکردند همهٔ طایفه‌های آن

نیز با آن کشتی محو و تلف میشدند که اینگونه یك فدا کاری را هیچ یك قانون بشر امر و تعیین کرده نمیتواند . و اگر این چنین یك تشبث بشود عبارت از یك حرکت قهرمانانهٔ فوق العادهٔ خواهد بود .

از دیگر چیزها صرف نظر، حالا اینرا بگوئیم که یك سفینهٔ چوبی را خراب کردن بسیار مشکل یك کاری بود . اما امروزه روز که سفاین حربیه را از فولاد و آهن بساختن آغاز کرده ایم خراب کردن آنها در وقت ضرورت خیلی یك امر اسانی شده است . زیرا بمجرد دیکه سرپوشهای متحرك فولادیی که در قسم زیر آب واپور موجود است باز شود همان دم آبها درون واپور هجوم نموده واپور را بقعر بحر میبرد که در انوقت برای طرف غالب بجز اینکه برای رهایی دادن مرتبات کشتی غرق شده کوشش ورزند دیگر کاری نماند ، زیرا کشتی را از غرق منع کردن غیر ممکن یك چیز یست . چونکه برای رهایی دادن کشتی را از غرق، اولا باید سرپوشهای (که نستون) را که نام همان سرپوشهاست — و در درون مخزنهای واپور بنهانست شناختن لازم است که آنرا نیز بجز خود صاحبان همان واپور دیگر کسی نمیشناسد . و گیرم که دشمن ترتیبات عمومیهٔ آن کشتئی سرپوش باز شده را مفصلاً بداند، در انحال نیز بند کردن آن از طرف غالب غیر ممکنست زیرا بمجرد دیکه سرپوشهای مذکور باز شود همان دم آبهای بحر در مخزنهای مذکور از زیر هجوم کرده مخزنهارا در آن واحد پر میکند، و بستن آنرا محال میسازد .

مثلا قایمقام (ایوانوف) که در سفینهٔ (روریق) روس در (شه مولپو) بود بعد از مقاومت مردانهٔ که بمقابل دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان اجرا کرد ، و کپتان اول و دوم کشتی تلف شده نوبت کپتانی بخود او رسید و از سلامت کشتئی خود مأیوس شد بفرو آوردن بیرق کشتی نیز تنزل نموده سرپوشهای (که نستون) کشتی زده و زخمئی خودرا باز کرده در میان موجهای بحر ناپدید گردانید . برای

ژاپانها در انوقت بجز اینکه طایفه‌های بدریا افتادهٔ روسها را رهایی دهند دیگر کاری باقی نماند .

(سته روغوجی) نام کشتی طورپیدوی روس نیز بهمت دو نفر فدائی کشتی مذکور بهمین صورت غرق شده از اسارت دشمن رهایی یافت . در وقتیکه ژاپانها بکشتئی مذکور رسیدند و بران تسلط یافتند همین دو نفر عسکر فداکار بحری بوجود خود شان سرپوشهای مذکور را از نظر دشمن پنهان ساخته و پیش از انکه ژاپانها به بند کردن انها کامیاب آیند آنهارا باز ، و باخود یکجا غرق نمودند ، واز عار اسارت دست دشمن طورپیدو را رهانیدند .

حالا مردانگی ، و نامردی ، وغیرت و بی غیرتی امیرال (نه بوغانوف) را با این دو مثالی که بیان شد مقایسه نمائیم ! اما این مقایسه را در مابین کشتئی که امیرال (نه بوغانوف) و همراهان او سوار بود ، و کشتئی طورپیدوی (سته ره غوجی) که تا به آخرین نفرئی او تلف شده بود اجرا نمیکنیم . زیرا از ان کشتئی بزرگ امیرال که بصدها نفوس انسانی دران موجود بود فداکارئی (سته ره غوجی) را طلب کردن جائز نیست لکن از جناب (نه بوغانوف) و همراهانش میپرسیم که چرا مانند قوماندان (روریق) حرکت نمودند ؟ و بچه مجبوریت باچهار سفینهٔ زرهپوش عار تسلیم و اسارت را قبول کردند ؟

زیرا چیزیکه از همه بیشتر دلهای قوم روس را پاره پاره کرده و عوض اشك خون از دیدگانشان بارانیده همین مسئله شده است درین فاجعهٔ مدهشهٔ (چوشیما) ه روسها محاربهٔ قطعیهٔ بحریه را سراسر بای دادند ، و امیدهای حاکم شدن بحری را یکقلم وداع ابدی گفتند باز هم از همهٔ این فلاکتها این عار اسارت (بوغا نوف) بدتر بود .

آیا روسهای بیچاره بعدازین نیز چگونه خبرهای فلاکت آوری خواهند

شنید ؟ آیا خواندن راپورهای شرمسارانهٔ سقوط (پور آرتور) که عدد طوپ های تیار وسالم آن را ، ومقدار باروت های ناسوخته آن را دران خواندند کم نبود که برسر آن همه این راپور عار اسارت (نه بوغانوف) را نیز خواندند .

این خبرها بقوم روس بسیار تلخ میآید . زیرا یك ملتی که دروقت فرستادن دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بسوی اقصای شرق بر مظفریت قطعیهٔ خود بنای فکر کرده باشند ، و بعوض مژده و بشارت خبر مغلوبیت و اسارت را بشنوند البته که دلخون وداغ درون خواهند شد !

آیا امیرال (نه بوغانوف) چار زرهپوش خود را در زیر کدام شرایط و چسان قواعد به اسارت تسلیم نمود ، وتا به بندرگاه های ممالك ژاپان بچه صورت رسیده توانست ؟

این یك معلوم است که دروقت اینگونه اسارتها در واپورهای اسیر کرده شده بیرق دشمن ، بر بالای بیرق ملتئی خود آن واپور بر افراشته میشود ه آیا امیرال (نه بوغانوف) وارکان حربیهٔ او باینگونه معاملهٔ ناموس شکننانه چسان تحمل کرده توانستند؟ اینست که ازهمه پیشتر اینهارا باید بدانیم که چه بود و چه شد؟

امیرال (نه بوغانوف) برای خراب کردن زره پوشهای خود که اسیر دست دشمن نشود بهیچ یکی از اصولهائیکه در زیر احوال و شرایطیکه یك قوماندان بقبول تسلیم واسارت به آن مأذون باشد تشبث واقدام نورزیده . حق نظر بقول ژاپانها زرهپوش های مذکور از جائیکه اسیر افتاده بودند یعنی از پیشگاههای جزیره های (اوکینوشیما) تا به لنگرگاههای (مه جورو) و (ساسه بو) بپای خود شان آورده توانسته شده اند . پس معلوم میشود که لوی غند امیرال (نه بوغانوف) بعد از انکه تسلیم شده اند چنان درست و توانا بوده اند که (۳۵۰) فرسخ یك مسافهٔ را قطع کرده توا نسته اند ! حیرت !!

پیش از تسلیم شدن مفرزهٔ (نه بوغانوف) ضایعات وتلفیات مرتبات ان نیز آنقدر حائز اهمیت نبوده زیرا بنابر قول ژاپانیهاعدد اسیرهائیکه بدست ژاپانیها درین کشتیهادر افتاده اند عبارت از (۲۳۰۰) نفوس بودند ۰

پس چون حالااینواقعهٔ اسارت(نه بوغانوف) راباواقعهٔ سفینهٔ (روریق) ه تفصیلات آن پیش ازین ذکرشده بود مقایسه نمائیم شایان حیرت یك فرق ومباینتی می یابیم ۰ ومردانگی وبیغیرتی رادروجدان ودماغ اشخاص می یابیم نه درهمهٔ یك قوم و ملت !

درنظرافسرانی که دلهای‌شان بحسیات وطنیه ، وغیرت ملیه مملوباشد مرگ ومردن هزاربارشیرینتروشرفدارتراست ازینکه پیش‌ازصرف کردن همه قوت وقدرت خودبدشمن سرفروآرند ۰ الحق که برای جنس عسکر ازین بیشترذلت وحقارت تصورنمیشودکه پیش ازانکه حق سلاح خودراند هد،وهمه زوربازوی‌خودراصرف نکند، وهمه آمال مقدسهٔ خودرابجوش و خروش نیاردبدشمن تسلیم نفس نماید !!

یکی از اخبارهائیکه درروس نشرمیشد ونام آن اخبار(سن پترسبورغ) بود بنابرفلاکت(چوشیما) دریکی‌ازصحایف خوداین‌سطرهارادرج کرده‌بود:

« امیرالهای ماچنان یك دلیری وشجاعتی نشان ندادندکه مرگ را بر اسارت ترجیح کنند ! و ازسرافسرکل گرفته همهٔ شان بدشمن اسیرشدند! این فلاکت عظیمهٔ روسیه همه گی‌ازنتیجهٔ دنائت آنهاست ۰ زیراشاهدمظفریت رادرآغوش کردن بحقیر شمردن مرگ موقوفست ۰»

اینسخن اخبار،مذکوربرای یك مغلوب مجروحی که دربسیاردوربدست دشمن اسیرافتاده یك تحقیر بسیاربزرگیست ۰ بلی ! ازین یك هیچ انکار نمیشود که امیرال (روژه ست ودنسکی) ازنقطهٔ نظراادارهٔ حرب بسی خطا

ها کرده است . اما این گونه خطا های اویك دلیل ذلت ودنائت او نمیشود .
چونکه اگر یك قوماندان بر خلاف قواعد مخصوص حرب بصورت بی تدبیرانه حرکت کند ، دنائت وپست فطرتی اونی بلکه بی و قوفی وبی تد بیری او ثابت میشود .

بناءً علیه آن اخبار (سن پترسبورغ) که بیست وچارساعت پیش (روژه ست ونسکی) راباهمهٔ قوت وقدرت قلمیهٔ خود مدح وثنامیگفت حالا یکی یکبارتبدیل لسان کرده آن بیچاره رابه دنائت متهم ساختن موافق انسانیت نیست



اینست که محاربهٔ میدان (چو شیما) به اینصورت جریان کرده بود .
حالا یکقدری درمابین این محاربه ، ومحاربهٔ بحری که در (۱۰) م آ کست یعنی ده ماه پیش ازین بوقوع آمده بود ملاحظه و مطالعه نموده قیاسات اجرا نمائیم :

اولا چنان معلوم میشودکه نتیجه های این محاربهٔ خونریزانهٔ بزرک با نتیجه های محاربهٔ میدان (۱۰) آ کست بعکس همدیکر بعمل آمده . در طرف ژاپانها این محاربه عیناً باهمان آدمها ، وهمان مانوره ها ، وهمان آدمهای (۱۰) م آ کست اجرا کرده شده بود . حالا آنکه درنتیجه های این محاربه وآن محاربه چقدر فرق بزرکی بدیدار است ! زیرادرمحاربهٔ میدان (۱۰)م آ کست روسها شکست فاحش خورده ازهم پاشیدندولی سراسر محو نشدند .
ولی درین محاربهٔ (۲۷) می یك دستهٔ کشتیهای جنکی بزرک یك دولت بزرک تابفردواحدسراسر محووبی نشان کردید .

در (۱۰) م آ کست ژاپانها ازخودشان شبهه میکردند . چونکه هنوزقوت خودشان را تجربه نکرده بودند . موفقیت وکامیابی نخستینی که حاصل کرده

بودند عبارت از نتیجهٔ یك شبخونی بوده وخودشانرا ازدرجهٔ که بودند کم قوت تر کمان میکردند ، وروسهارا ازدرجهٔ شان افزونتر پرقوت میدانستند ، وازین است که درانوقت امیرال (توغو) به احتیاط ، وتأنی ، وبصیرت زیادی حرکت می کرد . ودروقت شام آن محاربه ازین آسانی کامیابئ خود خودش نیز بحیرت افتاده ، وبریدن خط رجعت روسهارا بخاطر وخیال خودهم نیاورده پس به اس الحرکات قدیم خود برگردید .

امابه بینید که بعدازده ماه سراز نوامیرال ژاپانی چه اصول های دیگر درمیدان محاربه تطبیق میکنند ، وچه نیرنگهای عجیب وغریب بروی کارمی آورد زیرا خطاها ئیکه دراول بار ازدستش سرزده بود دربنبار آنرا تصحیح ، وارادها ی اعتراض کنندگانی که بروو وارد آمده بود همه را تصدیق واعتراف نموده

بلی ، دربنبار چنانچه در محاربهٔ (۱۰) م آگست کرده بود درمسافه های دور ایستاده نشد ، از (۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰) متر دور تر آتش کشاد ، وهروقتی که اندا خت خود را بیفایده دید آتش خود راقطع نموده جبه خانهٔ خودرا تصرف واداره کرده ودمبدم مانند شاهینی که شکار خودرا درپیش بیند ازدشمن را تعقیب نمود .

بلی ، دربنبار کار بسیار خوب اداره کرده شد ، نتایج مانند صاعقه مهلك کردید ! حالا آنکه محاربه درداخل یك شکل بسیار بسیطی جریان یافته بود . کروو ازورها بر کروو ازورها گله اندازی میکردند ، زرهپوش ها برزرهپو شها هجوم میبردند . دراول امر بایك مانورهٔ بسیار درخشانی بکار آغاز کرده میشد ، بعد ازان درمابین دوخط موازی یك آتش بسیار شدید طوپ کشاده میشد .

اصل هنرومعرفت سرافسرژاپانی عبارت ازین بود که اول قوای حربیهٔ

خود را بیکطرز بسیار معقول و پسندیدهٔ بر دشمن هجوم میداد ، و به آنصورت برای خود یك فائدهٔ ابتدائیه و استقلالیهٔ بوجود می آورد . و بعد از آنکه این شد در اثنایی که طوفان دوام داشته باشد بعضی حرکات بی نظام اجرا کردن غیر جائز است . بلکه بغل خودرا بدشمن داده باین صورت کوشش ورزیدن لازم است .

چونکه یك محاربهٔ بسیط در پایی خوب شده میتواند . ولی اگر در یك آن صد رنگ حرکت اجرا کرده شود از چنین محاربهٔ بحریه خیر نیست .

حوادثهای تلگرافیهٔ که فردای روز محاربهٔ عظیمهٔ (چوشیما) شنیده شد با حقیقت حال فنئی حرب خیلی فرق و مباینت دارد . مثلا شنیده شد که دستهٔ کشتی های جنگی روس از سر و ، دنبال ، و پهلو احاطه شده است . حال آنکه این چنین یك مانورهٔ احاطه هیچ بوقوع نیامده بود . بلکه تنها به تجمع و تمرکز آتشها اکتفا کرده شده بود . سبب اینهم بسیار بسیطست ، یعنی در مسافه هائیکه در مابین (۳۰۰۰ و ۲۰۰۰) متر باشد مانوره های احاطه ممکن نمیشود . حالا اینمسئله را یکقدری واضح کنیم :

مثلا دو خطی را که از سفینه ها مرکب باشد بر یکدیگر پیچا نیده ، و یکی ازیندو خطهارا نسبت به آندیگر در سرعت و تیز رفتاری تا یکدرجهٔ مهم یك تفوقی بدهید .

می بینید که خط اول بر سر خط دیگر دور خورده به اینصورت دشمن را بیك وضعیت غیر مساعد در آورده میتوانند .

حالا باز همچنین یك دو خط را از همدیگر (۳۵۰۰) متر دورتر تصور کنید . هرگاه ازین مسافه باز بهمین مانوره آغاز شود دو خط موازی بدو قوس دایرهٔ متحد المرکز تحول میکنند .

خط روس بسیار عمیق یعنی تابسیار جاها پی همدیگر بود . وخط ژاپانها نسبت به این خط یکقدری پیشتر بود که این حرکت دائره وئی دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان برای آنها مهم یك فایده میرسانید . اما امیرال (توغو) در راپوری که نوشته است ازیك محاربهٔ که بردو خط موازی بوقوع آمده بحث میراند . و چون مشارالیه برای خوداین رأ یك خط حرکت گرفته بودکه از (۳۰۰۰) متر نزدیکتر نشود ازان وهمینقدر مانوره کرده میتوانست .

و قتیکه ازین سه محاربهٔ بحری روس وژاپان که یکی در (۱۰) م آ گست سنهٔ ۱۹۰٤ و دیگری در (١٤) م آ گست سنهٔ مذکور ، و سومش همین محاربهٔ (۲۸) م می سنهٔ ۱۹۰۵ بوقوع آمده بحث وبیان میشود سبب یگانهٔ مظفریتهای ژاپانهارا از (تفوق سرعت) آن ها که موجب حاکم شدن مسافهٔ محاربه میباشد تخمین کرده اند .

اما ماحالا سرعت را بیکطرف بمانیم ، ودرجهٔ تأثیر آنرا بعدازین مطالعه کنیم ، بلکه اول امرها (مسافهٔ محاربه) مشغول شویم :

در اثنای جریان یك سفر حرب ازطرف کسانیکه بفن حرب آشنا نباشند بسی مطالعات غریبه نشر کرده میشود . اینحال اگرچه در هر مملکت در هروقت بوقوع می آید امابه اینقدرجه که درین محاربهٔ اقصای شرق این مطالعات غریبه ، بسیار بوقوع آمده دردیگرجا نشده .

مثلا پیش ازمحاربهٔ بحری (چوشیما) به یکچند روز مخابراخبار (تان) فرانسوی اینگونه یك فقرهٔ درجریدهٔ خود نشر کرده بود :

« بسببی که امیرال (روژه ست وه نسکی) طوپهای بزرک چاپ بسیاری دارد از مسافه های نزدیك بمحاربه درامدنش ایجاب میکند . »

حالانکه این مطالعهٔ اخبارفرانسوی خطاست . اگرچه در باب فایدهٔ

تقرب (روژه ست وه نسکی) بدشمن این گفتهٔ مخابر فرانسوی درست است بسبب اما این فوائد تقرب ، بسیاری طوپهای بزرگ نی بلکه سراسر دگرگونه سببهادارد . یك افسر بحری روسی در یخصوص چنین میگوید :

« در یك محاربهٔ بحریه (فائده مندترین) یك قاعدهٔ بسیار آسانی تعیین وایضاح شده است: مثلا اگر فرض شوده درینجا بادشمن یك زد وخورد گله اندازی بعمل میآید، قاعدهٔ مذکور دریتباب به اینصورت بیان کرده میشود:

« هر افزونی وبرتری که بر دشمن داشته باشید میباید که مسافهٔ انداخت شمارا بقدر لازمی آن افزونی دهد ، وهر نقصان شما بمقابل دشمن میباید که مسافهٔ مذکوره را کم کنند .

« حالا این مسئله رابایك مثالی واضح سازیم :

« فرض بکنید که ماتنهامالك طوپهای بزرگ دوراندازی میباشیم . و دشمن بمقابل ما طوپهای نزدیك اندازولی سریع آتش رامالکست . پس در ینحال هیچ شبهه نیست که ما مسافهٔ خود را بدرجهٔ که ازتأثیر گله های سریع آتش دشمن متأثر نشویم دور کرده برای تأثیر گله های دورانداز خودکوشش ورزیم ه دشمن نیز درانحال به کوچك کردن مسافه بعکس ماسعی وکوشش خواهد ورزید .

مع هذا . قصد ماازینسخن اینهم معلوم نشودکه مسافهٔ خودرا بادشمن آنقدر بزرگ بکنیم که تأثیر آتش ما نیز بر دشمن کم شود . زیرا درانوقت بجز آنکه بیهوده جبه خانه صرف شود هیچ ثمرهٔ حاصل نمیشود .

« حالا برهمین مطالعه بفرضیات دوم بگذریم : این فرضیات از فرضیات اول یك کمی فرق دارد . چونکه دریتبار چنان فرض میکنیم که طوپ های هردو جهت ازیك جنس ویکطرز است . اما طوپچیهای خودرا از طوپچیهای دشمن

ماهر تر ، و نشان اندازتر ، و تجربه دیده تر فرض کنیم . درانحال نیز مسافه را باید چنان انتخاب کنیم که از مهارت و نشان اندازی طوپچیهای خود فایده بر داریم . زیرا اگر مسافه را نزدیك کنیم دران وقت در مابین نشان اندازهای ماهر، و طوپ چی های غیر ماهر دشمن هیچ فرقی نماند .

« یك حال سوم که موجب جنگ کردن از مسافهٔ دور میشود اینستکه کشتی های ما از کشتیهای دشمن خوبتر زره دار تر باشد . یعنی زره های شان کلفت تر و متینتر باشد . درانحال اگرچه بایك رنگ و یك طرز طوپها مجهز هم باشند هرگاه از دور محاربه شود گله های کشتیهای خوب زره دار تر بر کشتی های که زرههای شان کمتر مکمل باشد خسارت های زیادی میرساند ، و اگر بعکس آن باشد یعنی از نزدیك محاربه شود احتمال ضرر رسانیدن گله های دشمن بر کشتیهای ما بیشتر میشود .

« اما اینرا هم فراموش نکنیم که برای گرفتن و محافظه کردن مسافه های فایده ناك تفوق سرعت ما بهمه حال بر دشمن لازمست . مثلا درینجا دو سفینهٔ فرض کنیم که یکی زرهپوش و یکی بی زره باشد . پس هرگاه کشتئی بی زره بسبب کمبودی سرعت خود بیك حالی بماند که از محاربه احتراز کرده نتواند . بهمه حال میباید که تامیتواند خودرا بدشمن نزدیك کند . زیرا اگر دیگر رنگ کند بی آنکه بدشمن هیچیك ضرری برساند خودرا محو میسازد . امادر اینهم شبهه نیست که کشتئی زرهپوش نیز برای بی تأثیر ماندن این مانورهٔ کشتئی بی زره سعی میکنند ، ودر دور شدن از و کوشش میورزد .

« این مطالعاتی که درحق (تعبیهٔ بحریه) یعنی فن جنگ بحریه گفته شد در نظر مردمانیکه به (تعبیهٔ بریه) یعنی فن جنگ خشکه عادت گرفته اند خیلی غریب دیده میشود . چونکه آنها این عقب کشیدن زرهپوش را که برای نزدیك

نشدن دشمن را به خود اجرا میکنند مطلق معنای (رجعت) یعنی گریختن را امید هند . وهم در ینباب حق دارند ازیرا در خشکه هر رفتاریکه به عقب اجرا کرده میشود نتیجهٔ آن موجب از دست برامدن یك قطعه اراضئی که برای رجعت کنند گان فائده مند و مستحکم بوده میگردد .

و حال آنکه در دریا این چنین نیست . چونکه درانجا نه پیش رفتاری و نه رجعت موجود است . بلکه هر چیزی عبارت از همین است که یك آن ا ولتر بر دشمن یك ضربهٔ قطعی فرو آورده شود و برای این کار هر رنگ مانوره ها و حرکت هائیکه لازم باشد جائز است .

و بناءً علیه چنانچه پیش ازین بیان کردیم که یك کشتی زرهپوش از پیش یك کشتئی بی زره اگر دوری گیرد البته که برای فایده و منفعت خود میگیرد . چنانچه اگر بیك کشتئی کوچك طورپیدو نیز برابر شود باز مجبور است که به همین رنگ حرکت کنند . زیرا کشتئی طورپیدو دائما سعی میکنند که برای اندا ختن طورپیل خود را بدرستی و صحت تامیتواند بدشمن نزدیك شود . حال آنکه کشتی زرهپوش بزرگ مجبور راست برینکه این دشمن کوچك خود را نگذا رد که به او نزدیك شود . بنابرین در پیش رفتن بر او هیچ فایدهٔ برای زرهپوش ملحوظ نیست ، و در دور شدن از و ، و از دور اورا غرق کردن ، ویا اورا اسرا سیمه ساختن سراسر خیر و منفعت است .

و حالا چون این قاعده های اساسئی بحری را آموختیم بما معلوم میشود که در محاربهٔ (چوشیما) بسببی که امیرال (روژه ستوه نسکی) چار قطعه زره پوش بسیار مکمل با طوپ های بزرگ چاپ دورانداز مجهزی بدست داشت لهذا برای او فایدهٔ کلی در همین بود که از مسافهٔ دور و بزرگ محاربه کنند . و برای زرهپوشهای محافظ ساحل (نه بو فا توف) نیز همچنین بوده

اما برای زرهپوشهای (نیقولای نخستین) و (ناوارین) وکرووازور زره پوش (ناخیموف) لازم بودکه از نزدیك محاربه میکردند . زیرا طرز ساخت وزره ، وتجهیزات کشتیهایی که ذکر شد بقرار قواعدی که تابحال ذکر و بیان کردیم همچنین محاربه کردنهارا اقتضا میکرد .

« بنابرین (امیرال روسی) که از مسافهٔ نزدیك بجنگ تشبث وقیام نموده بلکه از مختلف الجنس بودن کشتیهای او ، ویاآنکه اجرا کردن محاربه را بصورت قطعی پیش آمده باشد .

« والحاصل هیچ کس این رابیش ازوقت تعیین کرده نمیتواندکه بگوید آیامسافهٔ درازلازم بودیا کوتاه ؟ بلکه حل وفصل کردن این مسئلهٔ مهمه را درچنان آوان مدهش یك کاری بودکه بخودامیرال روس عائدوراجع بود . ولکن هیهات! زیرا این مسئلهٔ انتخاب مسافه یك چیزی بودکه بفکر وآرزوی (روژەستوەنسکی) نیز تابع نمیشد! چونکه در دستهٔ کشتیهای جنگی او بسی کشتیهای سست رفتار و تیزرفتار وغیره موجود بودکه حرکات دستهٔ کشتیهای جنگی را بمشکلات می انداخت ومطالعات روژەستوەنسکی را فشار میداد .

« حال آنکه دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بسببی که خیلی یکرنگ ویك طرز بودامیرال روسی را همیشه تابع حرکات خود میساخت . خلاصهٔ کلام دریك محاربهٔ میدان بحری چیزیکه از همه اول درانباب دقت وتدبر شود همین است که دردا خل مسافهٔ فائده مندی محاربه کنند . واگر دشمن خواهدکه نزدیك شود ، وشما میخواهیدکه دورشوید میباید که بریك استقامتیکه بعکس استقامتیکه او گرفته عقب بکشید که دربنباب نیز شماداعا ازادید .

« حالا دیدیم ودانستیم که درمحاربات بحریه (مسافهٔ مفیده) چه چیز است پس درا نحال بازاینرا بیایید بداریم که درین محاربهٔ (چوشیما) بسببیکه طوپهای

امیرال (روزه ست وه‌نسکی) هم بسیار، وهم از چاپ بزرک بود از مسافهٔ دور بمحاربه‌در امدنش فائده‌مند بود، و بسبب بسیارئی طوپ های وسط چاپیکه امیرال (توغو) بدست داشت از نزدیك محاربه‌کردنش فائده مند بود .

« دیکر اینکه (روزه ست وه‌نسکی) به آزادئی حرکات خود مالك نبود چونکه دایما میبایست که براستقامت راه (ولادیووستوك) به پیش برود . حالا نکه امیرال (توغو) بسببی که بر هیچیك استقامت معینه تابع نبود برای هر رنگ مانوره کردن سراسر آزاد بود .

« دیکر اینکه آفتاب ، و باد نیز در محاربهٔ بحریه دخل و تعلق کلی دارد . مثلا وقتیکه جنگ میکنند آفتاب را در طرف پشت گذاشتن خیلی فواید دارد علی الخصوص در وقتهای صبح و شام که آفتاب به افق نزدیك باشد . چونکه در چنان وقت اگر پشت به آفتاب و رو بدشمن داده شود تابش آفتاب چشمهای طوپچئی دشمن را سوختانده از نشان گرفتن درست محروم میسازد . وهم برای طرف مقابل کشتیهای دشمنرا خوب روشن ساخته هر چیز آنهارا بصورت نمایان و ودرخشانی بنظر نشان میدهد . پس معلوم شد که در محاربهٔ بحریه افتاب از نقطه نظر فن انداخت تأثیر بسیار مهمی اجرا میکند . چنانچه در محاربهٔ (۱٤) آگست (سنه ۱۹۰٤) امیرال (ژه‌سن) روسی بسببی که امیرال (توغو) او را به طرف تابش آفتاب ، وخودرا پشت به آفتاب مانوره کرده ، وامیرال (ژه سن) نیز به این کار موافقت کرده بود خطای عظیمی نموده بود .

باد نیز در محاربهٔ بحریه خیلی اهمیت زیادی دارد . چونکه از هر استقامتیکه یك باد بسیار شدیدی می آید نظر به استقامت آمدن باد موجهای بسیار بلند و بزرکی برروی آب پیدا میکنند . پس درانحال اگر چنان یك وضعیتی گرفته شود که موجها از دنبال کشتئی ما خورده منکسر شوند، وجبههٔ کشتیهای دشمن را استیلا کرده پارچه های موجها طوپهای سرکشتی های دشمن را در استعمال

بمشکلات انداز د بسیار فائده دارد .

« دیگر اینکه اکر محاربه درنزدیك یك ساحلی بوقوع آید ، وضع کرفتن مادر مابین دشمن وساحل فایده منداست . زیرا درانوقت طوپچیهای دشمن محیط کشتیهای مارا که باسواد ساحل آمیخته شده بخوبی نمی بینند ، وکشتیهای مابسبب خط افقی که محیط کشتیهای دشمنرا احاطه کرده خوب نشان کرفته می توانند .

« بناءً علیه فائده برداشتن ازین چیزهائیکه ذکر شد موقوف بر آزادئی حرکاتست . حالآنکه درآبنای (چوشیما) امیرال (روژه ست وه نسکی) به ازادئی حرکات خود اصلا مالك نبود . وامیرال (توغو) بوجه دلخواه خود سراسر ازاد بود . »

این بود مطالعهٔ افسر روسی که درباب محاربهٔ (چوشیما) بیان کرده است حال انکه افسر مذکور در بعضی جاها بسیار نظریات پرستانه ادارهٔ کلام کرده است

اکرچه طرفگیران این دستور که : « در محاربه های بحری ، هرطرفیکه به ان طرف دیگر مسافهٔ محاربه را بجبر و زور قبول بکناند انطرف غالب میشود . » بسیار است . اما در اول امر این عبارت از یك (دستور) است وبس . ثانیاً این قاعدهٔ کلیه راسراسر میدان محاربه درمیان یك شکل مبهمی احاطه میکنند . دیگر اینکه دشمنرا به اینکو نه یك اطاعت کردن انقدر اهمیت ناك یك چیزی نیست . خلاصهٔ کلام این یك علاجیست که هرکس انرا میداند ، راست ترش اینکه این یك سفسطه ایست ، وهم یك سفسطهٔ تهلکه ناك !

مثلا دو کشتیٔ بهم مساوی را که درعدد و مکملیت تجهیزات هیچ فرقی از هم نداشته باشند بمقابل همدیکر بیارید که مسافهٔ مابین همدیکرشان نیز عیناً باهم مساوی باشد ، و بیکدیکرشان یکرنک فائده برسانند .

درین یك هیچ شبهه نیست که هرسفینه ئیکه نشان انداز های خوبترو ماهرتررامالك باشد برهدف مطلوب زیاده تر و بمقدار بیشترگله ها میتواند انداخت . امامسافه هرقدرکه باشد باشد ؛ درستی وصحت انداخت سفینهٔ مذکورثابت میماند . و اینرا هم اعتراف میکنیم که بمقابل این نتایج عملیه بدور شدن ازهمدیگرتبدل میکند . بناءً علیه حالااین راجستجوبایدکنیم که برای طرفیکه مالك تفوق انداخت است آیادر کدام منزل مسافه این تفوق یك اعظم تأثیر نافع حاصل میکند ؟ چون چنین است میگوئیم که این اعظم تأثیر در مسافه های کوچك حاصل شده میتواند .

سفینه ئیکه خوبتر انداخت میکنند درمنزلهای بزرگ ازگله های دشمنی که بدتر انداخت دارد محفوظ مانده یکان یکان گلهٔ بروخواهد خورد . اما بمقابل این ، عددگله های خود اونیز که برهدف مطلوب روانه میکنند کمتر میشود . وغیرازین تأثیر انداخت تنهابعددگله ها ئیکه برهدف اصابت کنند تابع نیست . زیراوقتیکه بربدنهٔ کشتی گله هاما نند جاله پئی هم بریزدافسران ونفریهارا معطل میسازد ، وآنهاراکور میکنند ، و مانع انداخت ، وتعمیر خسارات ، وسکونت مانورهٔ شان میشود . واگرگله هایکان یکان بیفتد — که این ازمسافه های بسیار دوربوقوع میآید — افراد وافسران خودشانرا جمع آوری کرده میتوانند ، وهیچکس موازنت فکریهٔ خودرا کم نمیکنند ، ورا ههای آبی که ازتأثیرگله های دشمن درکشتی بازشود بخاطرجمعی آنرامی بندند ، واگریك حریقی بظهوررسد بزودی چارهٔ اطفای آنرامیتوانند .

در استعمال منزلهای بزرگ استحصال فائده درانوقت ممکن میشود که دوسفینه به یکرنگ ویکطرزتجهیزات را مالك نباشند . مثلایك سفینه مانند کشتی (کینگ ادوارد هفتم) طوپهای چاپ بزرگ بسیاری رامالك باشد . اینچنین

کشتی در مسافه های بزرگ از طوپهای وسط چاپ متأثر نمیشود . زیرا از طوپهای مذکور گله هائیکه انداخته میشود تا بوقتی که بهدف برسد هم، قوت زندگی خودرا ضایع میکنند . حالآنکه گله های بزرگ چاپ دور انداز قوت خودرا ازان مسافه هنوز ضایع کرده نمیباشد . بناءً علیه از نقطهٔ نظر مدافعه مسافه های بزرگ فائده مندتر است . و برای تعرض درکم مدت بسیار گله اندا ختن جمع شرط است . پس اگر (کینگ ادوارد هفتم) ازین یك امین باشد که از دشمن خود خوبتر گله میاندازد درنزدیکشدن بدشمن فائده دارد .

درسه محاربهٔ بزرگ بحرئی (محاربهٔ روس و ژاپان) که بوقوع امده نظریهٔ معقولهٔ (مسافهٔ محاربه) عبارت ازهمین قواعد یست که ذکر شد . درمحاربهٔ (۱۰) هم آ گست تفوق انداخت ژاپانها درابتدای محاربه به تحقیق رسیده بود که این را هیچکس انکار کرده نمیتواند . امابسببی که از مسافهٔ (۵۰۰۰) و (۶۰۰۰) حتی (۷۰۰۰) متر آتش کرده بودند پیش از انکه یك کشتی دشمنرا غرق بکنند همه جبه خانهٔ شان خلاص شده بود . اگر دلقوماندان دستهٔ کشتی های جنگی روس بقدر زره کشتی (سه زاروبچ) متین میبود این وضعیت ژاپانها برای خود ژاپانها خیلی خطرناك میشد . دیگر اینکه درمحاربهٔ (۱۰) م اگست اگرچه حریقهای بسیاری درکشتیهای روس بظهور امد ولی هیچ حریق ان نتیجه های وخیمه حاصل نمود . بلکه درهر کشتی که حریق ظهور نمود به بسیار چابکی و اسانی جلو گیرئی ان را توانستند امادرین محاربهٔ (۲۷) م می کشتیهای روس درمیان شعله ها وعلوها مانده بودند که چار کشتی بسیار مهم و نامدار آنها درمیان همان شعله ها وعلوها غرق و نابود گردید . پس اگر گله ها مانند جاله پی همدیگر باریدن نمیگرفت ، وافسران و مرتبات کشتی های روس را آنقدر سراسیمه و پریشان نمیساخت که از جلوگیرئی خاموش کردن کشتیهای خود عاجز میماندند احتمال که

هیچ یکی از انها به این حال تهلکه ناك نمیافتادند .

لهذا معلوم شد که به ایندرجه تأثیر حاصلکردن گله ها ، و به ایندرجه سرعت و پئی همدیگر رسیدن خسارتها از (مسافهٔ مؤثر محاربه کردن) بظهور پیوسته است . سفاین ژاپان در نمحاربه به تهلکه زیاده تر معروض بودند . . مع هذا ضایعات و تلفات شان زیاده از محاربهٔ (۱۰) م آکست نبود . حتی یك کشتی خود را هم غایب نکرده بودند . در (۱۰) م اکست در کشتئی (میقازا) (۲۳ مقتول و ۸۸ مجروح بوقوع آمده بود . حالا آنکه درین محاربهٔ (۲۷)م می (۸ مقتول و ۵۵ مجروح) درین کشتی بعمل آمده بود .

پس ازین یك معلوم میشود که (توغو) دران محاربه که از مسافهٔ بزرك محاربه نموده بود ؛ در خصوص سرعت خود سوٴ تطبیق بعمل آورده بود و باین صورت به اصول (تصرف قوا) رعایت نکرده بود . حال آنکه درین محاربهٔ (۲۷م می) اکر در کمتر ازین مسافهٔ که استعمال کرده بود هم محاربه میکرد ضایعاتیکه در محاربهٔ سابق به آن دو چار شده بود بیشتر ضایعات نمیداد . زیرا خود را به آتش خود حمایه میکرد .

بناءً علیه در محاربهٔ میدان چوشیما موفقیت و کامیابئی حقیقی از شدت و کثافت آتش بوجود آمده . این کثافت آتش که ازین چند عنصر مرکب است یکی (سرعت انداخت)، دوم (قطعیت نشان کرفتن)، سوم (تأثیر و نفوذ مرمیات)، چارم (مانوره های تعبیه) از حمایهٔ که مسافه آن را بوجود آرد عالیتریك حمایهٔ تشکیل میکنند . و هر انقدر که مسافه کمتر شود قیمت حقیقیهٔ آن چابکتر افزونی میکیرد .

(سرعت) یعنی تیز رفتاری نیز یکی از عنصر های بسیار خوب و مهم (تعبیه) یعنی فن جنك است . سرعت ، معین قوتست . اما هیچ وقت بجای قوت قایم

نمیشود . سرعت را مانند یك سلاحی دانستن هم خطاست . سرعت بسیار خوب چیز است اما جایش را دیده استعمال باید کرد .

آمدیم بر اینکه آیا کشتی های جنگی را چقدر سرعت باید داد ؟ این مسئله بقوهٔ مالیهٔ هر دولت منحصر است . مثلا دولت انگلیز که دعوای حاکمیت دریا ها را میکنند و این ادعای خود را بقوت ثروت عظیمهٔ که دارد اثبات هم کرده میتواند ، هر قدر که دلش بخواهد حجم استیعابی کشتیهای خود را بزرگ کرده میتواند . اما مانند فرانس یکدولتی که به بودجهٔ (۳۰۰) ملیون بدشواری ادارهٔ موازنت میتواند کار دگرگونست .

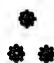
یکدولت بحریه بمجردیکه در کشتی های جنگی خود خواه از جهت سرعت و خواه از جهت تجهیزات یك تجددی نشان بدهد همان دم دیگر دولتهای بحری پیروی اورا کرده روز بروز تبدلات بوقوع میآید . مثلا امروز می بینیم که دولت فرانس زرهپوش های (۲۰) میل سرعتی میسازد . همان دم دیدیم که ژاپان ، المان ، امریکا نیز همچنان زره پوشها ساختند . وانگلیز آن را به به (۲۱) میل سرعت بالا بر اورد .

اما برای سرعت اعظمیهٔ یك دستهٔ کشتی های جنگی یك حد معینی موجود است که ان حد نیز لایتغیر نیست بلکه نسبت بدرجهٔ تحرك دستهٔ کشتی های جنگی تبدیل مییابد . مثلا دستهٔ کشتیهای جنگی که کشتیهای ان سریع گفته شود این چنین نیست که تیز رفتار تری ان منظور باشد . نی بلکه هر کس که از سرعت خود خوب فائده بردارد همانطرف سریعتر گفته میشود .

(ناپولیون بوناپارت) میگفت که : « من با گامهای پاهای عسکر خود حرب میکنم . » اینسخن بسیار راست است . اما این چنین نیست که پاهای عسکر ناپولیون از پاهای عسکر اوستریا دراز تر بود ، نی بلکه عسکر فرانس نسبت به عسکر

اوستریاپای انداختن را خوبتر و بهتر میدانستند . واز انسبب ناپولیون بایاهای عسکر خود براوستریا غالب امد .

این حال عیناً درسفاین حربیه نیز قابل تطبیقست . بناءً علیه این چنین لازم نیست که سرعتهای سفاین حربیه جدا جدا بر سرعتهای سفاین دشمن جداجدا فایق باشد . نی ، بلکه هر دستهٔ کشتی های جنگی ئیکه به هیئت عمومیهٔ خود از دیگر دستهٔ کشتی های جنگی چابکتر حرکت کنند ، یعنی از سرعت خود بهتر فایده بردارد آن دستهٔ کشتیهای جنگی باسرعت تر و چابکتر شمرده میشود . زیرا این ممکن نیست که دریك دستهٔ کشتیهای جنگی همهٔ کشتیها بیك طرز و یکرنگ سرعت را مالك باشند .



محاربهٔ میدان (چوشیما) منفعتی که از یك تعقیب شدتناکی حاصل میشود بمیدان بداهت و ثبوت رسانید . اگر راست بگوئیم این یك از بسیار وقتها یك کیفیت معلومی بوده از تعقیب شدید نتیجه های بسیار درخشانی بحصول میاید . اما مثالهائیکه دراینباب موجود بود بدرجهٔ کهنه شده بود که نزدیك بفراموشی رسیده بود . وان محاربه آن را تازه کرد .

ژاپانها از بسیار وقت قدر و قیمت اهمیت حرکات تعقیب را نشناخته بودند . درحربی که بهمراه چین کرده بودند ، درمحاربهٔ (یالو) زرهپوشهای چین از دست شان گریخته توانسته بودند . درین محاربه روس نیز در (۱۰) م آگست منع کردن دستهٔ کشتیهای جنگی روس رابه (پور آرتور) بخیال و خاطر خود هم نیاورده بودند . لکن زده زده حرب آموخته میشود ، اینست که ژاپانها نیز همچنین حرکت کردند . اما آخرالامر استاد عالم شدند .

یك قوهٔ بحریهٔ که چاره را بر خود منحصر دید سلامت خودرا درفرار می بینند . اما بسببی که در اول به بسیار تلفات وضایعات دوچار شده میباشند بمحافظهٔ ارتباط وانتظام جزوتامهای خود موفق شده نمیتوانند ، ودرکم مدت انقاض قوای موجوده اش یکان یکان ازهم میپاشد . بنابرین درانحال چون تعقیب شود در پیش روی خود بجز بعضی سفاین منفرده ویابعضی غروپ های غیر مقتدره بدیگر چیزی تصادف نمیکنند . وچون دستهٔ کشتی های جنگی تعقیب کننده به آن برسد بسببی که برای آنها هیچ امید سلامت نمیباشد یا کشتیهای خودرا غرق میکنند — که اولترهمین است — یاتسلیم میشوند . این است که نتایج عظیمهٔ که از تعقیب انتظار میشود از همین انقلابی که در قوهٔ معنویه بحصول میاید و ناامیدی های طرف گریزنده بحصول می آید .

بنابرین درانثنای تعقیب به تدبیرهای بسیار بزرگی نیز حاجت نیست . علی الخصوص بسبب نقصان مهمات نیز در تعقیب توقف نباید کرد ، ودایما تعقیب باید کرد . چونکه درین محاربهٔ چوشیما بجز کشتی (دیمتری دونسقوی) که بصورت بسیار سستی تعقیب شده بود دیگر هیچیکی از کشتیهای روس که گرفتار آمده اند یك مقاومت وتوانائی جدی نشان نداده اند .

از راپور امیرال (توغو) اگرچه چنان معلوم میشود که سفینه های (سوییه تلانا) و) (و امیرال اوشاقوف) بتاثیر گله ها غرق شده اند ، ولی احتمال دارد که اینهاهم مانند کشتی (مونوماق) خودرا خود غرق کرده باشد که اینهم از نتیجهٔ تعقیب شدیداست . لهذابعد ازمحاربه جهتی که غالب آمده باشد نباید که شکار بچنگ آوردهٔ خودرا سست بماند .





مطالعاتی که نابدینجا ذکر شد بر تعبیهٔ ژاپانیها مؤسس بود . حالا نیز یکقدری

تعبیهٔ روسها را تحلیل وتدقیق میکنیم :

این یك قاعده است که هرطرفیکه مغلوب باشد همه قباحتها را و انداخته میشود امابچنین حکم نباید کرد که همیشه خطا بر خطا بهمان طرف مغلوب باشد . چونکه گاهی میشود که در کشف واستدلال خود غلط میخورد ، ویا آنکه هرچه که از دستش بیاید میکنند وهمه جهد خودرا صرف میکند ولی موفق نمیشود . حتی بعضی اوقات همه ترتیبات او از ترتیبات طرف غالب بهتر میباشد ، ولی یك حادثهٔ ناگهانی مثلا مانندیك خسارت عظیمهٔ که در خیال وخاطر نباشد، یایك غلط فهمیٔ که دراشارات واقع آید، یایك مانورهٔ غلط همهٔ پلانهای بسیار درست ومنتظم را زیروزبر میتواند ساخت .

اما هزار افسوس که درجهت روسها ازین گونه چیزها هیچ اثری موجود نبود . ازهمه اول یك چیز یکه هیچ معنی آنرا ندانستیم این است که در خدمت کشف چرا اینقدر بی اهمیتی وبی مبالاتی نشان دادند . در دنیا هیچ وقت هیچیك دستهٔ کشتیهای جنگی درباب حرکات دشمن خود به اینقدر چه بیقیدی نشان نداده است ! سفاین خفیفه بجای اینکه در سرقول یعنی سر قطار حرکت بکنند در نهایت قطار میرفتند . حیرت ! علی الخصوص که روسها هرانقدر که به آبنای (قوره) نزدیکشده میرفتند این عدم اهتمام وبیقیدئی شان بیشترشده میرفت . صدبار حیرت ! هزار بار حیرت !!

حالا از امیرال روسی میپرسیم که آیا جناب شما نمیدانستید که مانند (اورورا) و(زه مچوغ) کشتی های کشاف برای چه مقصد ساخته شده ، وبهمراه دستهٔ کشتی های جنگی بچه مقصد رفاقت کرده ؟ هیچ شبهه نیست که اینگونه کشتیها باقوهٔ حربیهٔ خود به دستهٔ کشتی های جنگی خدمت ومعاونت کرده نمیتوانند . بلکه اینها وظیفهٔ خصوصیهٔ دیگری داشتند که آنرا بجابیارند . پس اگر جناب

امیرال به این نداند که وظیفهٔ اینگونه کشتیها بجز کشف کردن راه ، و بظاهر براوردن قوای عسکریهٔ دشمن دگرچیزی نیست چسان حیرت نباید کرد ! بنابرین نادانی امیرال دستهٔ کشتی های جنگی روس مانندیك قطار کورهای بی عصابه پیش میرفتند . وبا ینصورت رفته رفته بخطهای ترصد دشمن تصادف نمودند .

گروواز ورهای متعدد ژاپان که از بسیار وقتها مانندشا هینهای گرسنهٔ منتظر شکار بر خط ترصد قایم کرده بودند ، همادم در اطراف ابن غلیواز های کور سنگین پرواز ، به پرواز آمدند . دستهٔ کشتیهای جنگی روس برای دفع کر دن آنها هیچ حرکت دست و پا نزدند ؛ بلکه برای تدقیق کردن خندان (توغو) که عدد کشتیها ، و ترتیبات رفتار و دیگر احوال آنهارا خوب بخود معلوم کنند اجازه و مساعدهٔ کامله داد . زهی امیرال بی پروا !

اینستکه امیرال خواب رفته بهمینصورت بر رفتار خود دوام ورزید ؛ تا آنکه بعد از کمی زرهپوشهای امیرال بیدار پدیدار گردیده محاربه آغاز نمود . بنابرین سوالهای بسیار دیگری برای امیرال روسی پیدا شد !!

آیا دستهٔ کشتیهای جنگی چرا بردو قطار غیر مساوی حرکت میکرد ؟ آیا امیرال چرا کوچکترین استقامتها را گرفته بود ؟ آیا گروواز ور (ناخیموف) را که در نوع خود فرید و یکتا بود چرا درمیان دو زرهپوش تنگ گرفته بود ؟ آیا سفینه های (مونوماق) و (دیمتری دونسقوی) راچرا درعقب گذاشته بود ؟ آیا گروواز ورهای محافظه دار بازره پوشها چرا درداخل یك خط میبودند ؟ آیا این وضعیت آنهارا بضربه های مهلك دشمن معروض نمی نمود ؟ آیا بمجرد دیدکه دشمن پدیدار شده بود قافله را یعنی کشتیهای بیکار را از دستهٔ کشتیهای جنگی چرا جدا نساخت ؟

جناب امیرال برای همهٔ این سوالها هیچ یك جواب شافی پیدا نمیتوانده

پس چنان معلوم میشود که (روژه ستوەنسکی) بمجرد دیدکه ظهور نمودن دوازده کشتئی زرهپوش دشمنرا یکی یکبار در پیش روی خود بدید دست پاچه شده ندانست که چکنند. تا بوقتیکه در وسط آبنای (قوره) میرسید بجز گرووا زور های صنف دوم ویکچند محافظ ساحل دشمن دیگر سفینهٔ ندیده بود. لهذا چنان گمان کرده بود که امیرال (توغو) باقسم کلئی خود در جهت شمال در کدام جایی اورا انتظار میکشد که اینهم رعدم کشفیات او دلیلست. اما چون چنین حکم کرده بود چرا نظام رفتار خودرا تبدیل نمود؟ و چرا بجای این، یا ترتیبات نظام رفتار، ویا ترتیبات نظام محاربه را قبول نمود؟

در اثنای محاربه نیز طرز حرکت روسها چنان چیزی نیست که دانسته شود. دایما میدان را بدشمن ترك کرده، وچون یك سکونت کمی حاصل شده باز بگرفتن استقامت (ولادیووستوق) کوشش ورزیده و بیك حال تدافعی و بیقیدی مانده اند. واز حرکات شان چنان معلوم میشود که همه آرزو ومقصد شان همین بوده که ازین وضعیت مشکله چسان رهائی یابند. هدف مقصد شان یکسر بولادیووستوق رسیدن بود. نه محاربه کردن، ودشمنرا مغلوب ساختن!

چنان گمان کرده بودند که مانند محاربهٔ میدان (۱۰) م اگست یکچند گله اندازی شده از آبنای کوریا خواهند گذشت. این چنین گمان و تخمین یك خطایی عظیمی بود. زیرا گذشتن از آبنای مذکور موقوف بر ظفر یافتن دشمن بود. وامید یگانهٔ ظفریافتن نیز همین بود که بادشمن بشدت دست و گریبان شده جنگ فداکارانه نماید.

در آخر روز وضعیت محاربه آنقدر خراب شده بود که باقدرت بشریه چاره یافتن تعمیر آن خارج تصور بود. مع هذا کشتیهای طور پید ومیتوانستند که بیك تجربهٔ طالع تشبث ورزیده بتوانند.

از احوال مخصوصهٔ محاربهٔ میدان (چوشیما) یکی هم اینست که ژاپانها درحملهٔ نخستین بر دشمن خود غالب آمده ترتیبات محاربهٔ خودشانرا تبدیل دادند. حالآنکه روسها بر همان ترتیبات پرخطا وسرا سر غلط خود تا به آخر مربوط مانده اند.

بعد از یك تجربهٔ که نه بار دران فاصله آمد، وبه بهای خونهای بزرگی حاصل شد باز هم روسها تا به آخر محاربه بکشف وتحقیق کردن حرکات دشمن سرفرو نیاوردند. وهمان اعتقاد باطل خودشان که عبارت از جنگ اجتناب ورزیدن وبصورت معجزه به (ولادیووستوق) رسیدن بود ماندند. در آخرهمان روزمحاربهٔ کروازورهائیکه هریك بیك طرفی گریخته رهایی یافته بودند بازهم بهمانطور مانوره اجرا میکردند. طورپیدوها نیز بیکصورتیکه هیچ معنی آن دانسته نمیشد سیروحرکت میکردند که به این کارهایك حیرت نی بلکه بصدها.. هزارها حیرت!

مطالعهٔ یك افسر روسی

افسر روسی میگوید:

بیشتر از همه چیزیکه درمحاربهٔ میدان (چوشیما) نظردقت وحیرت انسانرا بخود میکشد این است که دستهٔ کشتیهای جنگی روس چنان حرکت کورکورانهٔ میکردند که گویا به قوای کلیهٔ دشمن هیچگاه برنخواهند خورد، وبهمین اعتقاد بودند که دفعتهً بهجوم دشمن معروض شدند. تنها همین و قوه دلیل واضحست بر اینکه (روژهستوهنسکی) راهی راکه بران رفتنی بود هیچ استکشاف نکرده بود.

درین یك هیچ شبهه نیست که روسها نظر به ژاپانها کمتر کروازورها

راامالك بودند . لكن (روژه ست وه نسكی) راواجب آن بود كه بعدازانكه جزیره های (ساده ل) راترك نمود لوی غندگرو وازورهای خود را از پیش برفتار می انداخت . لوی غند مذكوره به پیش رفته وكشفیات لازمهٔ خودرا اجرا كرده دروقت لزوم برقسم كلی دستهٔ كشتیهای جنگی برگشته میتوانست . وبه اینصورت سواحل غرب و شرق جزیرهٔ (چوشیما) را كشف وجستجوكرده بلكه از زرهپوشهای بزرگ (توغو) وقت تر خبردارشده میتوانست .

اگرچه دربنگونه مانوره كردن نهایت ضایع شدن بعضی گرووازورهای روس موجود بود ، اما بمقابل آن فایدهٔ آموختن موضع حقیقیٔ دشمن استحصال كرده میشد .

دستهٔ كشتیهای جنگی روس وقتیكه به آبنای (قوره) داخل میشدلوی غندگرووازورها در جهت چپ اوبود ؛ كه ازین یك معلوم میشود كه زره پوشهاوگرووازورهادریك آن به دارالحرب واصل شده اند .

حالا آنكه یك خطای عظیمی دربنباب از (روژه ست وه نسكی) بوقوع آمده . بلكه لازم آن بود كه گرووازورهابسببی كه اززرهپوشها سریع الحركت ترهستند بواسطهٔ تلگراف بی سیم بالوی غندزرهپوشها ارتباط خودرا محافظه كرده برفتاریكروز پیشتر تقدم كرده میتوانستند . وازین لوی غند گرووازورهاها نهائیكه سریعتر وقوتمندتر بودند درسرلوی غند یك قطارترتیب میكردند . ودربنباب ازهجوم طورپیدوهای دشمن هیچ اندیشه نباید كرد زیراطورپیدوهادرپیش طوپهای بزرگ چاپ بسیاركم به كامیابی نایل میشوند .

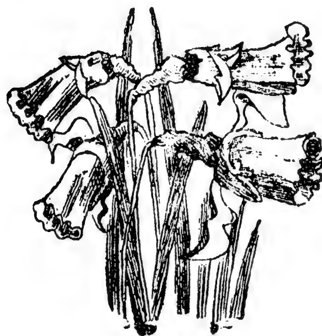
دیگراینكه هرگاه لوی غندگرووازورهایكروز پیشتر ازقسم كلی درآبنا ظهورمیكرد هیچ شبهه نیست كه یك مفرزهٔ مهم دشمن رابخود جلب كرده

بما معلوم میشد که قسم کلی دشمن در نزدیکی (چوشیما) تجمع کرده است ۰
برای اینکه طرز حرکت (روژه ست وه نسکی) را تایکدرجه ذی حق نشان بدهیم این مطالعه را بیان میکنیم که (روژه ست وه نسکی) به این فکر بود که بر دشمن خود یکی یکبار بیخبر شبخون زند ، و تاژاپانها خود را جمع آوری کنند آبنای را درگذرد ۰
بلی اگر کار را ازین نقطهٔ نظر مطالعه کنیم لازم می آید که مومی الیه را در باب پیش نفرستادن کروواز ورهایش معذور به بینیم ۰ امّا مانند (توغو) یك نهنگ دریارا که بهمراهش بسی کشتیهای کشاف موجود است آسان آسان غافل ساختن و بشبخون از و درگذشتن یك کار آسانی گمان نباید کرد ۰ حالا آنکه برای اینکار نیز اگر در مدخل آبنا توقف کرده برای گذشتن از انجا یك فرصت مناسبی میجست واحوال دشمنرا بخود تایکدرجه معلوم میکرد بهتر میبود ۰
با اینهم بگوئیم که چون او برین قرار داده بود که بهمه حال آبنای را بنا گهانی بگذرد البته برای تحقیق کردن دشمن که درانجا هست یانیست لزوم باقی نماند ۰ زیرا به اینصورت خودرا بدشمن نشان میداد ، ویك محاربهٔ را که وقوع آن بهمه حال محتمل بود بدست خود حاضر و تعجیل مینمود ۰ پس چون چنین بود آیا این اقتضا نمیکرد که اگر هیچ نباشد تابدرجهٔ ممکن برای حاصلکردن برابری موفقیت همهٔ تدابیر و ترتیبات لازمه را حاضر کنند ؟
حالا آنکه ترتیبات محاربهٔ که امیرال (روژه ست وه نسکی) قبول نموده خیلی عجیب وغریب یك ترتیباتی بود که غیر از عجیبی وغریبی آن سبب بسی نتیجه های الم انگیزی نیز میشد ۰
حالا این یك رانیز بگوئیم که در تعبیهٔ بحریه یك قاعدهٔ اساسیهٔ موجود است که این قاعده نظر به بسی تجربه ها ، ونتیجهٔ بسی مانوره ها ، و تصدیق

بسی امیرالهابدرجهٔ که استثناقبول نکنند قطعی وحکمی میباشد ،و آن قاعده اینست : « در آوان محـاربه یك دستهٔ کشتی هـای جنگی دایما بر یك خط مرتب باید بود . »

بواقعی همچنینست زیرا یك نظام باهم نیا میختند که از چند خط مرکب باشددرمحاربه قابل تطبیق واستفاده نمیشود . درین قاعده هیچ یك چیزیکه دانسته نشودموجودنیست . مع هذادروقتیکه امیرال روس به آبنای (قوره) داخل میشد آنقدر یك ترتیبات بدونا موافقی برای محاربه گرفته بودکه حد ونهایت نداشت . (۱)

(۱) — اگرچه دریناب دیگر مطالعات هم در اصل کتاب موجود است ولی چون آنهابه بعضی نقشه ها ، واسبابهاموقوف بود وهم متعلق اموربحری بودکه بدردما نمیخورد ازترجمهٔ آن صرف نظرشد فقط





اجمال وقایع

از یك کتابیکه درباب (حاکمیت بحریه) بزبان فرانسوی نوشته شده گرفته شده است .

دولت روس هیچوقت یکدولت بزرگ بحری شده نمیتواند . زیرا (جغرافیا) مانعست . دراول امر میان یك ولایتی که هر طرف آن باخشکه محاط بود این ملت (موسقوف) بزرگ شده بزرگ شده بدرجهٔ رسیدکه خودرا تابسواحل بحر رسانیده وباینصورت در اطراف سه بحر ازهمدیگر بسیار دور جایگیر شدند . اما چسان بحرها ! هریك مانند یك کوچهٔ که راه بدر رفت نداشته باشد ، ویایك تالاب محصوری که راه آمیزش آن بابحر مفقود باشد ، واگر راه آمیزش بابحر محیط داشته هم باشد آن راهها دردست بعضی ملتهای هست که همه رقیب او هستند ! . . .

این وضعیت (سوق الجیشیهٔ) بحریه موجود داشتن سه دستهٔ کشتیهای جنگی را که نه بایکدیگر معاونت کرده بتوانند، ونه باهمدیگر یکجا شده بتوانند اقتضا میکنند . مثلا راه دستهٔ کشتیهای جنگی (بحرسیاه) بامعاهدهٔ پاریس ابدیاً سد شده که معاهدهٔ مذکوره نیز از نتیجهٔ طبیعیهٔ جغرافیاست . آمدیم بردسته کشتی های جنگی (بحربالتیك) و (بحر محیط کبیر) که آنها هم یکی درغرب، ودیگری در شرق میباشند . یعنی در دونوك دنیا افتاده اند . واگر بخواهیم که درجهٔ مشکلات تقویت ومعاونت این دودستهٔ کشتی های جنگی را بیك دیگر نشان بدهیم بهتر ازین مثال وقیاسی نیست که : دستهٔ کشتی های جنگی (بحر بالتیك) روس

که در زیر قوماندانی (روژه‌ست‌وه‌نسکی) بمعاونت دستهٔ کشتی های جنگی (بحر محیط) روانه شد بعد از (۱۴) ماه به آبخار سیده توانست . یك پولیتیك شناس دور اندیش بحری ، در راه اقصای شرق میتوانست که بعضی نقطه های استناد یعنی تکیه گاهها تأسیس و بنیاد داده محذورها و علتهای این مسافهٔ بزرگ را تا یکدرجه کوتاه تر بتواند . بحقیقت که پیش از (۵۰) سال دولت روس میتوانست که در بنراه بعضی (اس الحرکات) هابدست آورده بتواند . اما حالا (آن قدح بشکست و آن ساقی نماند) ! هیهات ! زیرا همه آنها گرفته شد این چنین نظر دور بینانهٔ عاقبت اندیشانه نه که قدر و قیمت کوههای سخت و سیاه بیهودهٔ (جبل الطارق) ، و زمینهای گرم پر وحشت (عدن) ، و (هونقونغ) و امثال آنهارا بشناسد که در آینده موجب چه فواید کثیرهٔ میشود هانا قوم انگلیز است و بس . انبساط و فراخئی قوم روس همیشه در خشکه ها بوقوع آمده است ، و در امور بحری خیلی پس مانده اند .

چنانچه جغرافیای عمومی بر ضد منافع روس است ، جغرافیای محلی و خصوصی نیز برای منافع او چندان خدمت نکرده است . بندرگاه شهر (ولادیووستوق) که بندرگاه یگانهٔ همهٔ ممالك (سیبریای) روس است در وسط بحر (ژاپان) واقعست که دران دریا نیز از سه درهٔ دریائی یعنی (آبنا) در آمده میشود که یکی آبنای (په روز) دیگری آبنای (چوغارو) دیگری آبنای (قوره) است که هرسه آبنا از طرف سواحل (ژاپان) محکوم است . این راهها گذرگاههای حقیقی ایست که برای در آمدن یا بر امدن (ولادیووستوق) بهمه حال از ان گذشتن لازمست . محاربهٔ میدان (۱٤) آگست ، و محو و زوال یافتن دستهٔ کشتی های جنگی (روژه‌ست‌وه‌نسکی) ، و مصیبت کشتی (نوویق) همه در همین آبناها واقعشده .

دولت روس بامید آنکه از قید اسارت خلاص شود (پور آرتور) را ضبط نمود امادر بنحال نیز این دو اس الحرکات بحرئی او بااراضئی ژاپان از یکدیگر جدا شده

بود که برای رفتن ازیکی بدیگر یاهمه سواحل دشمنرا ازیکسر تا دیگرسر قطع کردن، ویایك دور بسیار درازی اجرا کردن لازم می آمد . چنانچه بعد از محاربهٔ میدان (۱٤)م آگست سفینهٔ (نوویق) روسی همچنین حرکت دور ودرازی خواسته بود ولی باز بمانعت طبیعیهٔ جغرافیا تصادف کرده در آبنای (پهروز) غرق وناپدید گردید .

چنین گمان نشود که این حرب درمابین روس وژاپان بنا گهانی ویکی یکبار بازشده است . حکومت ژاپان از بسی سالها برای حرب بکمال شدت وتهالك خود را حاضر میکرد . پس دولت روس را نیز باید بمقابل یکچیزی که روزبروز احتمال وقوع آن کسب قوت وصحت میکرد باوجود اجتناب از جنگ باز هم اینقدر بیقیدانه وبی احتیاطانه حرکت نمیکرد .

حکومت ژاپان حساب وموازنهٔ خود را دربنباب بصورت بسیار مدبرانه اجرا کرده بود ، ودراثنای حرب معلوم شدکه هیچ حرکت اوبی حساب وبی تدبیر واندیشهٔ سالهاسالها نبود . حال آنکه نظر به نواقص وخطاهائیکه در اثنای حرب از حکومت روس ظهور نمود بخوبی معلوم شدکه درخصوص تدقیق وضعیت وشرایط سوق الجیشیه خیلی بی دقتی وبی پروائی روا داشته .

حرب، بازیچهٔ اطفال نیست ؛ بلکه یك امرعظیم ومشکلیست که مو ی موی آنرا ازهر نقطهٔ نظر سنجیده میزان دقت وامعان کردن لازمست . واگراین چنین نشود ازقوای حاضره ، ولوازمات حربیه هیچ استفاده نمیشود ، واز فلاکت بفلاکت ، واز مصیبت بمصیبت انسانرا بویان بویان بسر میاندازد . خطای نخستینی که روسها ارتکاب کرده اند اینستکه اهمیت ابتدائی نتیجهٔ حرب بحری را بخوبی درك نکردند که چه میشود . زیرا چنانچه برای ژاپانها بود، برای روسها نیز خط مواصلات یعنی راههای بهم رسیدن شان عبارت ازبحر بود . بنابرین

درین یك هیچ شبهه نبود که هر طرف حاکمیت بحری را بدست آرد، البته حاکم وضعیت حرب نیز همانطرف است . هرگاه روسها حاکم بحر میشدند ژاپانها به (قوره) عسکر براورده نمیتوانستند . بالعکس چون ژاپانها حاکم بحر شوند بسبب بسیار رئی مردمیکه دارند ، افراد عسکر احتیاط بی پایان و فراوانی از جای بسیار نزدیك بمیدان حرب میرسانند که روسها آیا مقابل اینگونه قوت از مسافهٔ هشت نه هزار کیلومتره بدرجهٔ کفایت چسان عسکر رسانیده خواهند توانست ؟ اینستکه اینهمه از بی حسابی و بی پروایی و بی تدبیریست .

اگر حکومت روس تأثیر و اهمیت صاحب شدن قوهٔ بحریه را در تاریخ حرب بخوبی تدقیق میکرد البته که از معروض شدن به اینقدر هزیمتها و فلاکتها و بی آبیها و بی غیرتیها که با شان و شرف دولت معظمه کی او هیچ متناسب نیست اجتناب میکرد .

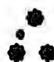
پیش از محاربهٔ سلاح ، یك حرب اقتصادی یعنی حرب مالی بوقوع آمده بود . درین مسئله همه فواید در جهت روسیه بود . منابع ژاپان بسیار کم و محدود بود . زیرا این ملت غیور باغیرت همه قوهٔ مالیهٔ خود را در مابین مصارف تول غندبری وقوهٔ بحرئی خود تقسیم کرده بودند . زیرا سخن آخرین شان همین بود که هم در دریا و هم در خشکه بر دشمن خود غالب باید شوند .

هرگاه حکومت روس بر دریا حاکم میبود تنها بهمین واسطهٔ مالیه ژاپان را از مناسبات خارجیه سراسر تجرید کرده میتوانست . لهذا از همه الزم این بود که حکومت روس در اقصای شرق از ژاپانها زیاده تر یك قوهٔ بحریهٔ موجود میکردند . وچون خود را طرفدار صلح میدانست آیا برای محافظه و ادامهٔ صلح بهتر ازینواسطه چه بود ؟

اما آیا دولت روس این تفوق بحری را استحصال و محافظه کرده میتوا

نست ؟ هیچ شبهه نیست که اگر میکرد میتوانست . اگرچه این محقق است
که در ظرف بیست و چار ساعت یك قوهٔ بحریه بوجود آورده نمیشود . دولت
ژاپان درین خصوص بسیار سالها متمادیاً سعی و غیرت کرده بمقصد خود رسیده
بود . در مدتی که او سعی و غیرت دائمئی خود را محض برای مضمحل کردن
روس صرف مینمود اگر روس نیز این احتمالات را در زیر نظر دقت گرفته سعی
و کوشش میورزید بخو بصورت حاضر شده میتوانست . اینوقت و اینمدت برای
حاضرئی او نیز کفایت میکرد . و بسببی که بودجه یعنی دخل و خرج بحریهٔ رو
س از دخل و خرج بحریهٔ ژاپان بزرگتر و افزونتر بود زیاده تر کامیاب میشد .
برای اینکار روسیه را لازم بود که یك پولتیکی تعقیب میکرد که سواحل (با
لتیك) خود را باز گذاشته میتوانست . لکن پولیتیك و حرب هر دو یك چیز است .
برای یك حرب بسیار خوب ، یك پولیتیکه بسیار خوب لازم است . دیگر اینکه
چون پیمانها بسی عساکر احتیاط را به بسیار زحمت و مشقت و شرایط غیر مساعد
بدار الحرب فرستاده بود ، آیا اگر اینهارا پیش از آغاز شدن محاربه در انجا میفر
ستاد بهتر نمیشد ؟
حالانکه هیچ یکی ازینکارها ساخته نشد . اساس دستهٔ کشتیهای جنگی ژا
پانرا هشت کشتی زرهپوش که دو قطعهٔ آن پیش از اعلان حرب از (ایتالیا) خریده
شده بود ، و شش کروواز ور زرهپوش تشکیل داده بود . بمقابل این روسیه
بعضی جزوتامهای غیر کافی که فیشن بعضی از انها نیز از گذشته ها بود موجود
کرده بود .
در ظرف مدت مهلتی که برای او داده شده بود باید که ترسانه یعنی کارگا
ههای کشتی سازی (ولادیووستوق) و (پورآرتور) خودرا بدرجهٔ که زرهپو
شها در حوضهای آنها برای تعمیر درامده میتوانستند توسیع و آماده میکردند .

حالآنکه درانباب هم قصور ورزیدند حتی ترتیبات تدافعیهٔ اینده وموقع را نیز ناقص گذاشته بودند . بالعکس لنگرگاه تجارتی (دالنی) ازحد زیاده تزئین واعمار شده بود که همه منابع موجوده را که در دست بود زینت و عمارت آن بلع نموده بود واین بدان میماند که یك گاو گادی را در پیش روی گاوها بگذارند !



قوای بحریهٔ روس در وقتیکه نخستین هجوم ژاپانها بوقوع آمد یعنی هجوم (۸) م فبروری سنه (۱۹۰٤) بردوقسم جدا شده بود . زرهپوشها بایکچند کروواز ور در (پور آرتور) بود . و در (ولادیووستوك) سه قطعه کرو واز ور بسیار مهم که دایرهٔ کار گذارئی شان خیلی بزرك بود باسفینهٔ (بوغاتیر) موجود بود . بسببی که حرب از بسیار وقتها بدرجهٔ آمده بود که همه کس میدانست که قابل اجتناب نیست باوجود آنهم منقسم ماندن قوای بحریه باینصورت بنابر یك مجبوریتی نبود . بلکه این انقسام بوجه مطلوب خود شان بود! آیا این درست یك تدبیری بود ؟ نی . . .
مقصد روسیه گویا این بود که اعلان حرب چون بشود ، وظیفهٔ لوی غند (ولادیووستوك) رفت وآمد یکه در مابین (قوره) و ژاپونیا بشود این لوی غند آنرا منع وتضییق خواهد کرد ، ومالهای کریزئی حربی که از (هونقونغ) و (شانغای) و (امریکا) بیاید آنهارا بچنگ خواهد آورد .
دستهٔ کشتیهای جنگی پور آرتور درمرکز منطقهٔ که حرکات عسکریه دران جریان میباید خواهد بود . که وظیفهٔ آن نیز گویا عسکر ژاپان را از برامدن به (ما نچوری) و (قوره) منع کردن خواهد بود!
حالآنکه پیش از ینهم گفته بودیم که این نتیجه بحاکمیت بحریه استحصال شده میتواند ، روسها امید میکردند که اگر در (ولادیووستوك) یك لوی غند

کروواز ورهای بزرک خودرا بگذارند هیچ نباشد از قوای عسکریهٔ ژاپان نیز همانقدر یك قوت را به انطرف بمقابل خود جلب کرده باینصورت موازنهٔ قوت (پورارتور) خودرا محافظه خواهد توانست ۰ حالانکه این حساب ارکان حربیهٔ روس غلط و خطا بود ۰ زیرا موجود بودن یك لوی غند کروواز ور روس که در (ولادیووستوق) باشد برای ژاپانها آنوقت تهلکه ناك شده میتوانست که تول غند های خودرا به (قوره) و (مانچوری) نقل میدادند وچون این آمدو شد منقطع میگردید تهلکهٔ که از طرف کروواز ورهای روس اجرا میشد یك چیز خیالئی میبود ۰

اکرچه برای ژاپانها اینمسئله موجب یك دلتنگی بزرکی میشد که کردش کشتی های روس را در پیشگاه سواحل بحر محیط به بینند، وضبط شدن واپور های داکی که مالزمهٔ حربیه را حامل باشند مشاهده کنند ۰ اما این احوال نسبت بمقصد حقیقی که مغلوب کردن دستهٔ کشتیهای جنگی اصلی وحاصلکردن حاکمیت بحریه است از احوال طبیعیهٔ عادتی شمرده میشد که امیرال (توغو) ازین نقطهٔ نظر این چنین ترتیبات را اخذ وقبول نمود :

درمقابل لوی غند بحریهٔ (ولادیووستوق) تنها بعضی تدابیر تدافعیه کرفت ۰ وقوای عسکریه خط نخستین خودرا کاملاً دربحر اصفر جمع نمود، وبعد از شبخونی که در (۸)م فبروری بر (پورآرتور) برده دوزرده پوش ، ویك کرو وازور روس را زخمدار وبیکار ساخت ، وبه آنصورت تفوق وبرتری خودرا بردستهٔ کشتی های جنگی روس بدست آورد ، درانوقت امیرال (توغو) یك قسمی از کروواز ورهای بزرك خودرا برای ترصد آبنای (قوره) جدا کرد اما باوجود آنهم بجای آنها لوی غند محافظهای ساحل خودرا که در (ژه نسان) عملیات عسکر براوردن بخشکه را حمایه میکرد قایم نمود اکرچه باینصورت

بدستهٔ کشتی های جنگی خود قوت های سست حرکت را الحاق نمود لکن از روی عدد و اقتدار فایدهٔ تفوق و برتری خود را بر دشمن نمود

بعضی کسان برین اعتراض کردند که اینقدر قوت را در پیش (پورآرتور) جمع کردن زاید و بی لزوم بود. اما اینسخن درست نیست. زیرا در صبح شب شبخون یعنی روز (۹) م فبروری وقتیکه امیرال (شتسارق) بادستهٔ کشتیهای جنگی خود ازمدخل (پورآرتور) برامد در پیش روی خود قوای کافیٔ دشمن را یافته مجبور شد که یك خط حرکت تدافعی را قبول نماید. و ازانوقت دستهٔ کشتیهای جنگی روس هم قوهٔ مادیه و هم قوهٔ معنویهٔ خود را غائب نمود.

آمدیم بر مسئلهٔ فن (سوق الجیش بحری) ژاپانها: درینباب اگر هر قدر مدح وثنا شود سزاست. امیرال (توغو) بمیل طبیعی (انقسام قوت) گرویده نشد. و ازینکه نتیجهٔ یك مصادمه، یعنی زد و خورد قوای کافی را که برای عاقبت حرب تاثیرهای بزرگی اجرا میکنند به تهلکه می انداخت؛ بر غرق شدن، ویا بدست افتادن یکدو کشتی نقلیهٔ که درطرف شمال بدست دشمن بیفتند ترجیح نمود.

روسها چنانچه سفینه های بزرگ خودرا بردو قسم تقسیم نموده بودند طورپیدو ها و مخرب طورپیدوهای خودرا نیز بردوقسم جدا کرده بودند. روسها در اقصای شرق بقدر (۲۵) مخرب طورپیدو داشتند که ژاپانها مقابل آن از (۱۸ تا ۲۰) مخرب کشیده میتوانستند روسها پنج شش دانهٔ اینهارا بسبمیکه به (ولادیو وستوق) فرستاده بودند ازان و فایده ئیکه در تفوق عددی داشتند ضایع کرده بودند. طورپیدوهای خودرا نیز برهمین دو بندر گاه تقسیم کرده بودند که به اینصورت نسبت به ژاپانها که طورپیدوهای بسیاری را مالك بودند خیلی کم قوت ترو پست تر ماندند. چونکه ژاپانها طورپیدو

هاو بحریهای خودرا نیز مانند دیگر سفینه های خود در (بحر اصفر) جمع کردند .
و الحاصل روسها را لازم بود که تا بوقتیکه یك مظفریت قطعیهٔ دربحر حاصل میکردند ویك قسمی از قوتهای ژاپا نرا محو وپریشان میساختند قوای بحریهٔ خود شانرا مجتمع نگهمیدا شتند .
و اینرا نیز فراموش نکنیم که ژاپانها اصلا اینرا بخاطر خود نگرفته بودند که تا دستهٔ کشتیهای جنگی روس را سراسر معطل نکنند نه تول غندهای خود را بصورت منتظم بخشکه بریزند، ونه بر (پور آرتور) هجوم ببرند . پس چون چنین بود اگر دستهٔ کشتیهای روس در (ولادیووستوق) ویادر (پور آرتور) میبود بهردوصورت دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان برهمانطرف حمله میکرد .
اماچون بندرگاه (پورارتور) انقدر وسعت و امتداد نداشت که همه دستهٔ کشتی های جنگی روس دران جمع وتحشید کرده بتواند ، و بندرگاه (ولادیووستوق) بهتر وخوبتر این صفات را مالك بود بندرگاه (پورارتور) تنگ ومدخلش خیلی باز بود که باین سبب یك اس الحرکاتی که اهمیت ان بدرجهٔ وسط شمرده میشد بود . حالانکه (ولادیووستوق) هم بیشتر امین بود وهم محاصرهٔ ان مشکلتر بود که باینسبب اگر روسها بندرگاه ولادیووستوق را (اس الحرکات) خود میکردند بهتر میبود .



(پورارتور) انتخاب کرده شد ازین انتخاب هماندم درافکار سوق الجیشیهٔ روسها اثر بی اهمیتی غریبی که درباب (اس الحرکات) ها داشتند بمیدان برامد .
بواقعیکه روسها درباب مدافعهٔ شهر (پورارتور) بسیار بی پروایانه حرکت کرده بودند ، و طرز ترتیبات تدافعیهٔ شان نیز غلط بود زیرا هرگاه درجوار یك موقع مستحکم ، یك موضع سوق الجیشئی که برای دشمن فایده برساند

موجود باشد ان موضع را از اقسام ترتیبات تدافعیه ان موقع مستحکم شمرده، وبرای منع کردن جایگیر شدن دشمن دران موضع ان را نیز بجای موضع پیش اعتبار کرده هر گونه ترتیبات تدافعیه رادران اجرا مایند این قاعدهٔ اساسیه در ترتیبات مدافعهٔ بریه انقدر ضروری یك چیزیست که هیچ عتراض قبول نمیکند همچنان در مدا فعه‌های بری نیز تطبیق کردن اینقاعده از لوازمات ضروریست .

لهذا روسها در باب منع کردن جایگیر شدن امیرال (توغو) درجزیرهٔ (الیوت) که در پیشگاه (پورارتور) بود هیچ تدبیری بکار نبرده بودند که این یك خطای بسیار بزرگی بود حالانکه حمایهٔ جزایر مذکوره نقدر (پورارتور) الزم واهم شمرده میشد .

حالا این سوال وارد میشود که آیا قلعهٔ (پورآرتور) بدون حمایهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خودش خود حمایه میبایست کرد؟ یا آنکه دستهٔ کشتی های جنگی درراه حمایهٔ این قلعه فدامیبایست شد؟ لهذا گفته میشود که اس الحرکات ما برای سفاین حربیه بوجود آورده شده‌اند. ازان وعهده برارى مدافعهٔ آنها بر ذمهٔ کشتیها نیست . دیگر اینکه روسها میبایست که تنها یك فکر، یك مقصد، یك هدف میداشتند که انهم عبارت از بدست اوردن حاکمیت بحریه می بود . زیرا اگر حاکمیت بحریه نمیبود محض که یك روزی از روزها (پورارتور) میافتاد واز دست میرفت . واگر حاکمیت موجود بود ژاپانها در خشکه محاربه دوام ورزیده نمیتوانست . زیرا برای ان تول غندهشتنا کی که به (مانچوری) ریختانده بودند جاری کردن یك سیلابهٔ ارزاق ومهمات لازم بود .

چون چنینست (پورارتور) از کشتیها معاونت انتظار نمیبایست کرد . بلکه تا از دستش میامد در بحر جولان میکرد، ودرباب باز کردن راه دستهٔ کشتی

های جنگی که بامداد می آمد کوشش میورزید، و بدشمن شناور خود از هر طرف بدیها باید میرساند .

اگرچه درراه این سعیها وکوششها احتمال محو وتلف شدن دستهٔ کشتی های جنگی روس نیزموجود بود . اما اینگونه محو شدنش میارزید . زیرا برای یك سبب وخدمت حقیقتی بوقوع میامد . ازینکه مانند یك بازیگرهای بدبختی دریك گوشهٔ میخ شده میماند این بهتر بود که مانند قهرمانان شجاعت نشان در میدان کارزار فدای جان میکرد . حالانکه دولت روس بهوس انکه جان کندن (پور ارتور) رایکچند روزدیگر نیزتأخیرکند دستهٔ کشتی های جنگی خود را برای ان فدا ساخت ، وباینصورت یك خطای بزرگی ارتکاب نمود .

قلعهٔ (پورارتور) یك هیکل نفوذ وعظمت روس دراقصای شرق بودوآرزووهوس طفلانه اوهمین بودکه مدجه های بیرق خودرا یکچندوقت دیگر نیزبر استحکامهای نیم خراب ان مشاهده کندودرراه این آرزو وهوس دسته کشتی های جنگی خودرا فداساخت .

ان دستهٔ کشتیهای جنگی بی کار بی اقتدار طبعاً درزیر حکم وادارهٔ قوماندان قلعه درامده بود . وقوماندان قلعه چون درباب تسلیم نکردن قلعه به حیثیت وناموس خود عینا قسم خورده بود ، ازهرچیزی پیشترلازم بود که درباب ازدست نبرامدن قلعه سعی وکوشش ورزد . وچون سوق وادارهٔ دستهٔ کشتی های جنگی خارج صنعت او بود ، البته که دستهٔ کشتیهای جنگی را فراموش کرده بود ، حتی در آخرکار آن کشتیهای بیچارهٔ وامانده را یکان یکان مانند رهزنان لخت کرده اسلحهٔ انهارا برای تجهیز وتقویهٔ استحکامهای خودبرد .

اینست که باینصورت پنج زرهپوش ودو کروواز ورو بسیاری ازطوربیدو هاومخرب هائیکه بی انکه بدشمنی یك ادنا ضرری برسانند یکان یکان هدف گله

های صدمنی طوپ های اوبوس جنرال (نوژی) شده بر حیات خودشان خاتمه کشیدند .

(روژه ست وه نسکی) بدبخت هنگامیکه بادستهٔ کشتیهای جنگی (بالتیك) به اقصای شرق میرسید در پیش روی خود یك قلعهٔ خرابی که مزار پر حسرت دستهٔ کشتی های جنگی روس بود ، و در پیشگاه ان دستهٔ کشتیهای جنگی دشمن خودرا با همهٔ قوت و سطوت تشنهٔ حیات یافت .

حال انکه اگر همت میکردند وبجای انکه سلاحهای خودرا بدست (اشتوسل) تسلیم کرده بحسرت و بی غیرتی در زیر بحر فرو میرفتند خودشانرا بگله های طوپ دشمن غرق میکردند ، و هیچ نباشد یکدو کشتئی امیرال (توغو) را نیز از خود پیشتر میکردند ایا بهتر نمیبود ؟

امیرال (ویرهن) چندبارا گرچه از (پورارتور) برای همین مقصد بیرون برامدن راآرزو کرد ولی قوماندان قلعه جناب (اشتوسل) پرکسل اورانگذاشت ! زیرا به طوپ ها وجبه خانه ومهمات آن احتیاج داشت .

پس آیا درزیر این احوال واین شرایط ازرسیدن دستهٔ کشتیهای جنگی بحر بالتیك چه فائده حاصل میشد ؟ نظر به این افکار وتصورات سوق الجیشیه هرگاه دستهٔ کشتیهای جنگی مذکور را دراو روپا میگذاشت و نمیفرستادند خوبتر میبود .



روسها مغلوب شدند . این نتیجه نبایدکه موجب حیرت و تعجب ما بشود . زیرا بسیار بسیار خطاها کردند . ژاپانها خطا نکردند ؛ زیرا غالب آمدن راآرزو میکردند . و برای غالب آمدن هر واسطهٔ که لازم بود همهٔ آن را استعمال کردند . زرهپوشها ، کرووازورها ، طورپیدو ها ، مخربها همه را درپیش

گاه (پور آرتور) جمع کردند . وبه اینصورت دشمن خود شان‌را که درباب مسئلهٔ حاکمیت بحریه رقیب شان بود تضییق ومحصور نمودند . که اینکار خیلی منطقی ومعقول یك کاری بود .

هرچیزیکه طرف غالب بکنند آن‌را بحرمت تحسین کردن درطبع بشر یك میل طبیعی مخصوصی موجود است . چونکه کامیابیها برای حرکات یك معیار کمال وعدالت شناخته میشود . حرب یك تیاترفاجعه انگیزیست که از بسی پرده‌ها متشکل است که پردهٔ اول آن همیشه از فتوحات بحری متشکل است . بنابرین همهٔ قوای حربیه بحریه را در صحنهٔ فعالیت وضع کردن لازمست . پردهٔ دوم به‌امتداد سواحل جریان می‌یابد . زیرا طرف مغلوب عقب کشیده کشیده به بندرگاههای خود التجا میکنند که درانوقت این بندرگاهها همه وسایط تدافعیه‌را استعمال کرده به‌نگهبانی خود کوشش میورزند .

خلاصه درحرب بحری بدو دستهٔ کشتیهای جنگی از همدیگر فرق دار احتیاج نیست بلکه تنها یك دستهٔ کشتیهای جنگی کفایت میکنند . اما بسیار قوتمند بودن آن شرط است . قوای بحریه هیچ وقت نباید که دوچار انقسام بشوند .

چونکه انقسام قوت ، موجب ضعف است . وظیفهٔ یگانهٔ قوای بحریه همین است که مجتمعاً برسر دشمن حمله کنند ، ویااورا بسوی خود کشیده ضرر آن‌را برطرف وازاله کنند .

والحاصل قوای حربیه‌را پیش از وقت بیهوده پرا کنده نباید کرد ، بلکه همهٔ وسایط ومساعی‌را بردستهٔ کشتیهای جنگی اصلئی دشمن توجیه وتوحید کردن لازم است . اینست اجمال نتایج سوق الجیشیه که ازحرب بحرئی روس وژاپان استحصال شده است .

بعد ازخراب کردن دستهٔ کشتیهای جنگی نخستین بحر محیط روس ، هنوز

وظیفهٔ بحریهٔ ژاپان تمام نشده بود . چونکه بعد از ضبط قلعهٔ (پور ارتور) بچار ماه یك دستهٔ کشتیهای جنگی نو روس بقصد استحصال حاکمیت بحریه بسوی اقصای شرق می آمد . وضعیت بسیار مشکل بود . چونکه اثنا یك کامیابی روسها همه نتایج موفقیتهارا که تا به اندم بدست امده بود زیر وزبر کرده میتوانست .

اگرچه قوتیکه انرا امیرال (روژه ست وه نسکی) سوق میکرد از عناصر غیر متجانس ترکیب یافته بود و مرتبات انها اکثر بی تجربه ، وکم بها و بی اطاعت بودند ، ولی بخت وطالع حرب آنقدر یك چیز بیوفائیست که اگر بهمهٔ اعتماد ، و تمام امید به ان دل بسته شود از تهلکه خالی نیست . ازان و ژاپانها ازین دستهٔ کشتیهای جنگی نوایندهٔ روس باز هم از اندیشه خالی نبودند . وهم فکر شان از نتیجهٔ که از مصادمه حاصل شود بیشتر به این مشغول و مصروف بود که ایا مصادمه درکجا خواهد شد ؟

این وضعیت حربیهٔ این بار با وضعیت حربیهٔ ابتدای محاربه هیچ مشابهت نداشت . چونکه در ینبار دستهٔ کشتیهای جنگی روس را تنها یك هدف مقصد بود که آنهم رسیدن به بندرگاه (ولادیووستوق) بود . وبعد ازانکه درانجا برسد کروزورها، وطور پیدوها، وتحت البحرهارا جمع و توحید کرده با همهٔ سفاین حربیهٔ خود به امید موفقیت وکامیابی بجنگ آغاز کنند . و تا بوقتیکه به آن اس الحرکات خود نرسد این دستهٔ کشتیهای جنگی آنقدر مزعج و مهلك یك چیزی شمرده نمیشد . چونکه مشکلات دایمهٔ احتیاج زغال اورا در هر جا بحال تدافعی محکوم میساخت . لهذا اصل کار همین بود که بر وبشرایط مساعد وموافق هجوم برده شود ، وایستاده کردن اورا در فلان جایا فلان مأوا آنقدر اهمیتی نداشت .

مسئلهٔ که امیرال (توغو) به حل و فصل کردن آن مجبور بود انقدر

دشواریك چیزی نبود . زیرا چند صورت حل کردن آن ممکن مینمود . قدمهٔ اول دستهٔ کشتیهای جنگی روس تقدریك ماه درجوارممالك (انام) برای رسیدن قدمهٔ دوم خود توقف نموده بود . پس بخه بی ممکن بودکه پیش ازانکه این قدمه بالوی غند (نه بوغا توف) که قدمهٔ دوم بود قوت بگیرد رفته برو هجوم کرده شود . دیگر اینکه دریکی از سه ابناهائیکه گذشتن دستهٔ کشتیهای جنگی روس ازان متصور بودقاو گرفته دراثنای گذشتن بروهجوم کنند که امیرال (توغو) همین صورت حل اخری راقبول نمود .

این پلان یعنی نقشه بسیار حسب تفکر شده بود . وبسبب قبول کردن امیرال ژاپانی همین نقشه را شایان بسی تقدیر وتحسین میباشد . هرانقدر که دستهٔ کشتیهای جنگی روس به دورهٔ اخری سیاحت خودتقرب میکرد درژاپونیا تردد وهیجان افزونی میگرفت . زیرا بیم واندیشهٔ اینکه مبادا بی انکه دشمن دیده شود و جنگ باوشود به بندرگاه (ولادیووستوق) رسیده بتواند همهٔ بی ها ورگهای ژاپانیانرا بحرکت میآورد . این حال دراکثراو قات موجب گرفتن بعضی تدابیرغلط ومهلك هم میشود . مثلا بسیارقوماندا نهابیصبری کرده ازبیم انکه مبادادشمنرا فرصت گریز بدهد تابدرجهٔ ممکن در دورجاها برای پالیدن اومیرود . اگرامیرال(توغو) نیزباینگونه ملاحظه ها واندیشه هاافتاده برای جستجوی (روژه ستوه نسکی) بسوی جنوب میر فت بیگوضعیت بسیاربدی میافتاد .

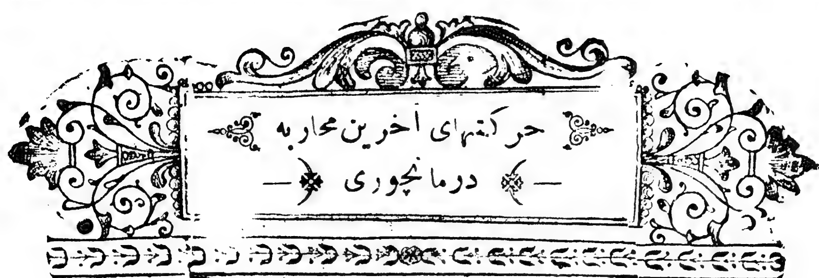
لهذا این امیرال باوقار جراربعدازانکه برای هجوم بردن بردشمن برین قرارداد که هروقتیکه دستهٔ کشتیهای جنگی روس داخل دریای ژاپان بشود بروهجوم کنند درانحال چنان لازم میامدکه قوای حربیهٔ خود را چنان جمع وتحشمد کنند که برای فراراوامکان نگذارد . وقتیکه ازطرف جنوب آمده

بسوی شمال رفته شود ، برای رفتن (ولادیووستوق) کوتاه‌ترین راهها آبنای (قوره) است . راه رفتار دستهٔ کشتیهای جنگی روس نیز طبعاً همین راه بود بنا برین (توغو) باهمه قوای عسکرئی خود درهمین ابناجایگیر شده بود . مشار الیه دربجا بحقیقت که خیلی درخشان یك موضع حاضری را مالك بود چونکه اگر (روژه ست وه نسکی) این راه را گذاشته ژاپونیارا از طرف شرق دور کردن آرزو میکرد ، درانحال دستهٔ کشتیهای جنگی ژاپان بر حطهای داخلئی مملکت حرکت کرده پیش از رسیدن او به بسیار وقت بشمال میبرامد ودر آبناهای (چو غارو) و(په روز) رفته دستهٔ کشتی های جنگی روس را انتظار میکشید .

حال انکه (روژه ست وه نسکی) به این فریضهٔ سوق الجیشیه تبعیت نکرده واز آبنای قوره به (ولادیووستوق) رفتن را آرزو نمود ، ودردرون آنجا دستهٔ کشتیهای جنگی خود را بحمله های دشمن محو وتلف ساخت . بااین فاجعهٔ مدهشه حرب بحرئی روس وژاپان به انجام رسید . وبعدازان بحریهٔ روس دراقصای شرق موجود نماند .

ازابتدای محاربه حرکات حربیه ازطرف ژاپانها بیك اعتدال دم وراستی ودرستئی بسیار بزرگی سوق شده بود که سبب یگانهٔ این مظفریات درخشان آنها نیز همین مسئله شده است . اما چون درین کارها بخوبی غور شود همانندم این یك سوال وارد میشود: آیا بکدام یك بیشتر حیرت باید کرد؟ بحکومت ژاپان که این چنین تدابیر معقولهٔ متینی درپیش گرفته که مدار اینهمه کامیابیهای درخشانی گردید؟ یا آنکه بملت ژاپان که این تدابیر حکومت خودرا بدون قید وشرط قبول کرده به سعیها وکوششهای دلیرانهٔ خودشان درمیان اقوام حاضرهٔ دنیا درجهٔ نخستین شرف وشان را حاصل کردند؟

این یك (چیستان) است! هرکس بفکر خود یك جواب میتواند بگوید والسلام!



محاربهٔ میدان (موکدەن) در جلد چارم این کتاب بکامیابیٔ ژاپانها بانجام رسیده بود . حالا باز در مانچوری رفته به بینیم که وضعیت حربیهٔ ایندو تول غند محارب درچه حال است؟

میدان محاربهٔ (چوشیما) قوای بحریهٔ روس را از میان برداشته بر حرب بحری یك خاتمهٔ بسیار درخشانی کشیده . در (مانچوری) از آخر ماه مارچ تا به ابتدای ماه دسمبر در وضعیت تول غندهای اصلی هیچ یك تبدلی بوقوع نیامد . ایندو رسکون واستراحت به افزونی دادن، وکامل کردن قوتهای هردو طرف گذران نموده . در اثنای دور مذکور تول غند روس با این قوتهای بزرگی که بیان میشود تقویه شده بود :

اولا: قول تول غند چارم اوروپا ؛

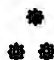
ثانیاً : جزوتامهای نخستین قول تول غندهای (۱۹)م ، و(۹)م و(۱۳)م .

ثالثاً : ازغیرك غندهای شکارئی اوروپا که بحال لوی غند هاوضع شده بود دوقول تول غند تشکیل یافته بود .

رابعاً : از قطعات جنرال (رەنه نقاءف) نیزیك قول تول غند (۷)م سیبریا تشکیل یافته بود .

وغیر ازینها از (۱٤) طوپخانهٔ هوان، و(۲) طوپخانهٔ سیار شانزده طوپخانه بوجود آمده بوده ونیز (۳) طوپخانهٔ سریع آتش (۷٥) سانتیمترەیی نیز به (مانچوری) فرستاده شده بود .

و نیز بایك لوی غند شکار ئی سبیر یا محافظین (ولادیو وستوق) تقویه شده بوده
و یك غبر ك غند قول تول غند (۱۹) م نیز به اراضئی (او-وری) فرستاده شده بوده



تول غند ژاپان نیز این قوای مهمهٔ امدادیه را گرفته بود ،
(۱۸) لوی غندی که تول غند مذکور را تشکیل داده بود همهٔ آن لوی غند ها بموجود سفر ئی شان ابلاغ شده ، وسر از نو غبر ك غندهای کدام تشکیل داده شده بوده (اما این کدام کدام ارزاق مانند گندم وغیره گمان نشود بلکه خود عسکر را کدام کرده در وقت لزوم بجنگ سوق میکنند ،)
در اثنای ترك مخاصمات قوت هر یك از طرفین محاربین تخمیناً از (۵۰۰) هزار نفر عسکر که جمله کی (۱) ملیون شود ترکیب یافته بود ، اما اگر اینقدر نباشد ولی از (۸۵۰) هزار کمتر بهیچصورت نبود ،
در تقسیمات تول غندها نیز هیچ یك تبدل حقیقی بوقوع نیامده بود ، باز بقرار سابق بمقابل سه تول غند (لینه ویچ) پنج تول غند (اویاما) موجود بوده از آخر ماه مارچ یعنی تقریباً — حمل — تا به ابتدای ماه دسمبر — یعنی تقریباً سنبله — حرکاتیکه در تول غند های طرفین اجرا شده عبارت از بعضی کار های قره غولهای پیش — یعنی چول پیره ماو گزمه های پیش — و خدمتهای کشف احوال یکدیگر مانده بود ، مهمترین این حرکاتیکه اجرا شده جریان دوم — یعنی چاپول یا آنکه المان تازئی دوم — جنرال (میچه نقو) ست که در ماه می اجرا شده است ، بناءً علیه ماهم در نجاتنها به ذکر و بیان آن اکتفا میورزیم:

﴿ چاپول دوم جنرال میچه نقو ﴾

درین اثنا قوای عسکریهٔ روس در حالتیکه روی شان بسوی جناب متوجه

بود درینموقعها ئیکه بیان میشود موجود بودند :

در غرب ، بهرابرئی (سیلیپه نقای) تولغند (۲)م درزیرادارهٔ جنرال (قولباس) موجود بود .

در شرق ، تول غند(۱)م جنرال(قوروپا تکین)، ودرمرکز، وبرخط راه آهن تول غند(۳)م جنرال (باسیابوف)موجود بود .

قول تول غند (٤)م درعقب احتیاط عمومی را تشکیل داده بود . ودر (۱۰۰) کیلومتر بسوی چپ درموقع (هایلوچه نغ) قول جنرال(رمنه نقامف) موجود بود .

جناح راست تول غندرا مفرزهٔ جنرال (میچه نقو) ستر کرده بود . تمام قطعات صنف سواری یعنی رساله در پیش روی تول غند بودند .

جنرال (لینه ویچ) برای دانستن قوتهای موجودهٔ ژاپانها ، وکشف کردن موضعهای آنها جنرال (میچه نقو) را امر کرد که برجناح چپ ، و عقب تول غند ژاپان پیش برود .

قطعه ها ئیکه درزیر قوماندهٔ جنرال (میچه نقو) داده شده بود عبارت ازینهاست :

لوی غند سواری (قافقاسیا) . لوی غند قزاق (اورال ترانسبایقال) .

از غند (۲) م (طاغستان) یك طرب رساله .

از غند(نهرك قوبان) یك طرب سواری .

(۲) طوپ خانه سواری .

جمع همه (۵۰) طرب سواری ، و(۱۲) طوپ .

جنرال (میچه نقو) در (۱٦) م می(مفرزهٔ خودرا درموقع(ووبیه نغ) جمع نموده در (۱۷)م می از نهر (لیااوهو) گذر کرد، وجناح چپ لوی غند (۷)م

ژاپانرا گردش کرد . وشب را درمابین (فالامینتون) و (قون می یان) گذشتاند . در (۱۸)م می بعضی خرابیهای خورد وریزه اجرا کرده ویکچند اسیر بدست آورده در جوار (فاقومه‌ن) اردوگاه تأسیس نمود . در (۱۹)م ماه مذکور در (سن من تینغ) باآلای یمنی غند (۴۹)م ژاپان برخورد وبصورت بسیاردلاورانه در زیر حمایهٔ طوپچی خود برانها تعرض نمود . ودوبلوك پیادهٔ دشمنرا ازتیغ کشیده ، ودومترالیوز بدست آورده به پریشان کردن دشمن موفق شد .

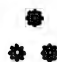
بعد ازین اجراآت جنرال (میچه نقو) وظیفهٔ خودرا به انجام رسانیده پس از استقامت غرب بسوی شمال بر گشت . ودر (۲۳)م ماه در حالتیکه (۲) افسر و (۳۴) نفر مقتول ، و (۹) افسر ، و (۱۴۰) نفر مجروح داده بود و (۲) مترالیوز ، و (۲۰) عرابه و (۲۰۰) حیوان بدست آورده بود درمنزلگاه قدیم خود برگشت .

(میچه نقو) دراثنای این المان تازئی خود محیط خارجئی دشمنرا کشف کرده ، وموجودیت قطعه های تول غند (۳)م ژاپانرا اثبات نموده مقصدیکه ازوظیفهٔ او انتظارمیشد بسر رسانیده بود .



بعد از محاربهٔ میدان (چوشیا) دولت روس بمصالحه میل نمود . اگرچه قوماندان های تول غند مانچوری روس برای جناب امپراطور استرحامنامهٔ خود را تقدیم کردندکه مابشدت برحرب دوام میورزیم ، ولی بازهم درمابین تول غند های طرفین خودبخودیك (متارکه) حاصلشده بود . (متارکه ، ترك کردن جنگ را میگویندکه برضای طرفین دوتول غندباهم جنگ کنندهٔ ترك قتل وقتال شود) ، وازین متارکه ژاپانها بیشتر استفاده کرده بودند . چونکه در اثنای این متارکه ومذاکرات صلحیه بعضی نقاط مهمهٔ دیگررا که برای

حصول مقصد شان خدمت میکرد نیز بدست آوردند . و براجرای بعضی حرکات عسکریهٔ درجهٔ دوم تشبث کرده بودند . ازجمله حرکاتیکه درشمالئی (قوره) بوقوع آمده ، و ضبط کردن جزیرهٔ (ساخالین) ازمهمترین این تشبثاتست .



حرکاتیکه در «قورهٔ شمالی بوقوع آمده : وضبط شدن جزیرهٔ ساخالین»

دراثنائیکه یك تول غند (٦)م ژاپان که ازدولوی غند احتیاط ترکیب شده بود درزیرقوماندهٔ (هازه غاوا) از مابین (ایالت ساحلیهٔ) روس ، و (نهرتومن) در جهت شمالئی (قوره) برامده روسهارا سراسر ازاراضئی (قوره) اخراج میکردند ، ازطرف دیگر : امیرال (قاتااوقا) در (۷)م ماه جولایی -- یعنی تقریباً اسد — درجنوب جزیرهٔ (ساخالین) ، یعنی درجوار (قورساقوفسق) بایك قول تول غند دیگر بخشکه برامده شهر مذکوررا ضبط نمود . و مفرزه های روس را که جزیره رادرزیراستیلا داشتند جاروب کرده بسوی شمال میراندند .

در (٢٤) ماه مذکور امیرال (قاتااوقا) شهر (الکساندروفسق) را که در ساحل غرب جزیره است بزیر آتش طوپ گرفته ، و به (آلقودا) نام موقع قطعه های نوعسکری ریختن گرفت .

محافظ شهر که از هرطرف باعساکر دشمن درزیر تضییق درامده بود آخر الامر به تسلیم سلاح مجبور شده بود . ودر (۳۱) م جولایی والئی جزیره نیز باسه هزار نفری که باا وماندهبوددر موقع (اوفور) بدشمن تسلیم شده بود .

در دیگر جهت یعنی در (مانچوری) قوهٔ معنویهٔ تول غند های روس روز بروز خراب شده میرفت ، و در وقتیکه معاهدهٔ صلحیه امضا میشد وضعیت تول غند ژاپان از هر وقت زیاده تر قوی و متین بود .



متارکهٔ (۱٦) ستمبر ، و وضعیت متقابلهٔ دو تول غند مخاصم

وقتیکه معاهدهٔ نامهٔ صلحیه امضا شد در مابین تول غندهای دو دشمن که در (مانچوری) بودند یك (متارکه) نیز عقد گردید . این متارکه برین چند اساس بنا یافته بود :

اولا : در مابین دو تول غند خواه در (مانچوری) . و خواه در جهت نهر (تومن) تأسیس و بنیاد نهادن یکیك (منطقهٔ بیطرفی) .

ثانیاً : بعد ازین منع کردن آوردن قوت های مدد رسان .

ثالثاً : نگذشتن قطعه های عسکریهٔ روس از (خاربین) و نگذشتن قطعه های عسکریهٔ ژاپان از (موکدن) .

بعد از انکه سرافسرهای کل تول غند های طرفین برین شرطها موافقت کردند ، دو هیئت صلحیه درزیر ریاست جنرال (فوقوشیما) ی ژاپانی ، و جنرال (اوغانوفسکئی) روسی برای تعیین کردن حدود بیطرفی ، و دانستن متارکه را که از کدام روز بموقع تطبیق وضع شود ، در (۱٤) م ستمبر در موقع (شاقاچو) بایکدیگر یکجا شدند . در انجا ابتدای متارکه را از (۱٦) م ماه قبول کردند .

درین اثنا وضعیت تول غندها از بنقرار بود :

در طرف روسها : تول غند (۲) م با قول تول غندهای (۸ ، و ۱۰ ، و ۱٦) و قول تول غند نخستین شکارئی اوروپا ، و قول تول غند (٦) م سیبریا در غرب خط

راه آهن ،وقرارگاه شان در (فه نفهوزین) بود .

تول غند (۱)م باقول تول غند (٤،۳،۲،۱)م سیبریا وقول تول غند نخستین اوروپا درجهت شرق خط راه آهن ، وقرارگاه شان در (قورسو) بود . و قول تول غند (۷)م سیبریا نیزدر جوار (حایلو نغ چه نغ) بود .

تول غند (۳)م ، باقول تول غند های (۹،۰٤، ۱۹۱۷)م ، وقول تول غند شکارئی «۲»م اوروپا ، وقول تول غند «۵»م سیبریا درجهت شرق خط راه آهن بطرف پیش ونزدیکئی «قوچیاتین» بود .

قره غه لها یعنی پهره هائیکه از طرف سوارئی قازاق کشیده شده بودند . بدرازی خط (ووپه نغ) و (مه نهوغای) تأسیس شده بودند . قرارگاه بزرگ عمومی درمابین «قوچیاتین ،وقونشولینغ» بود .

آمدیم برطرف ژاپانها : تول غند های ژاپان بریك جبههٔ که متجاوز از «۲۰۰» کیلومتر بودیك زنجیر آهنین بزرگی تشکیل داده بودند:

تول غند «۳»م که ازلوی غند های «۹،۸،۲،۱ ویك چند غند احتیاط» تشکیل یافته بود درمابین «چیاتون ، وفاقو،ن» بود . رسالهٔ آن نیز درمقابل قازاقهای «میچه نقو» پهلوی چپ شانرا ستر وحمایه میکرد .

تول غند «۲» م .که ازلوی غند های «۵،٤،۳ وغند های بسیار احتیاط» مرکب بود ، درطرفهای «چانغ طوقو» بود .

تول غند (٤)م درغرب جادهٔ (ماندارین) وبیك وضعیتی که برین جاده حاکم باشد بود .

تول غند (۱)م دروادئی (چین هو) بود .

تول غند (۵)م برخط (بولیانچا، واینقومه‌ن) بصورتیکه جبهه‌اش بسوی قول تول غند سوارئی (رهنه نقامف) متوجه بود افتاده بود .

وقتیکه مصالحه عقد شد تول غندهار ازیاده تریك منطقهٔ سکون واستراحت نشانداده شده هرکس در انجا برای برکشتن بسوی مملکت خود منتظر امر نشستند.

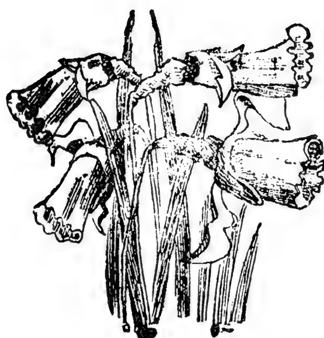


خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) از طرف تول غندهای مخاصمین بر چهار دور تقسیم کرده شد.

دور اول: در (۳۱) م دسمبر سنه (۱۹۰۵).

دور دوم وسوم: در (۱) م جون، و «۱» م آکست سنه «۱۹۰٦».

دور چارم: در «۱۵» م اپریل سنه «۱۹۰۷» آغاز میکرد.





از ماه جون تا به ماه سپتمبر سنه ۱۹۰۵

بعد از شکستهای فاحش بزرگ آخرنی روسها، حوادثهای آغاز کردن مذاکرات صلحیه شایع شدن گرفت. در اواخر ماه مارچ بتحقیق پیوست که رئیس حکومت «امریکا» موسیو «روزوەلت» برای بنیاد نهادن مناسبات صلح و صلاح روس وژاپان واسطه ومیانجی خواهد شد. رفته رفته این شایعه ها رنگ حقیقت را گرفت.

روز «۸» م ماه جون — یعنی تقریباً سرطان — سفیر امریکا مقیم «پتر سبورغ» که موسیو «مایر» نام دارد با جناب «زار» ملاقات کرده یك تلگرافنامهٔ موسیو «روزوەلت» را عرض و تقدیم نمود که موسیو «روزوەلت» درین تلگرافنامهٔ خود برای آغاز کردن مذاکرات صلحیه از طرف هردو دولت مخاصم تعیین کردن مرخص را تکلیف میکرد.

در (۱۰) م جون قونت (لامسدورف) بموسیو (مایر) زبانی تبلیغ نمود که دولت روس نامرخصهای ژاپان بمذاکرات راضی میباشد. وقتیکه این حوادث در (مانچوری) شایع شد سرافسرتول غندروس جنرال (لینەویچ) که بعد از (قوروپاتکین) سرافسر شده است یك مجلس حرب عقد نموده واین پروتستو ناه را بجناب زار فرستاد:

﴿ صورت پروتستونامه ﴾

« حشمتمآب ،

« چون شنیدم که بنابر حسن نیت و توسط موسیو (روزوەلت) ذات حشمت پناهی شما به آغاز شدن مذاکرات صلحیه راضی شده‌اند همهٔ قوماندانهای تول غند راکه در قرارگاه عمومی حاضر میباشند جمع کرده یك مجلس حرب تشکیل دادم .

بعد ازانکه اسباب مصالحه و موضعهای متقابلهٔ طرفین را بخوبی تدقیق و مناقشه کردیم ، من وهمه رفیقان من متحداً وشدیداً برین قرار دادیم که تا بوقتیکه جناب حق قطعه های دلاورمارا به کامیابئی آخری نایل وسزاوار سازد برحرب دوام کنیم ، و بعرض کردن این قرارداد خودرا به ذات حشمتپناهی شان کسب فخر وشرف میکنیم .

« بعد از محاربه های میدان (موکدەن) ، و (چوشیما) ، از صلح بحث کردن لایق نیست !

« دشمن ما بسبب غرور ونشهٔ که از کامیابیهای خود حاصلکرده بالطبع منافی شان وحیثیت دولت روس بعضی شرطهای سخت بیان خواهد کرد . امامملکت ما بقبول کردن شرایط مذکوره هیچ مجبوریتی ندارد . چونکه ماهنوز به آن درجه تنزل نکرده ایم .

« فلاکت (چوشیما) بیشك که یك حادثهٔ الم انگیز یست . لکن آن حادثه را باتول غند دلاورما هیچ مناسبت ورابطهٔ نیست . زیرا تول غند روس که در (مانچوری) است دربنوقت بیك وضعیت بسیار درخشانی میباشد ، وهمهٔ افراد وافسران برای حاصلکردن کامیابئی آخری بفکر انتقام گرفتن از دشمن بوده اوامر حشمتپناهئی شانرا منتظر هستند .

« موضعهائیکه قطعه های ما بدست دارند بصورت بسیار مکمل تحکیم کرده شده است . موسمهای باران تا به اینندم مانع تعرض من بر دشمن شده بود . اما حالا ضایعات ماکه در محاربهٔ میدان (موکدهن) بوقوع آمده بود بتمامها کامل شد ، و تول غندهای ماباقول تول غندهائیکه از اوروپا رسید تقویت پیدا کرد . ازاین و بکمال موفقیت به تعرضات خود بر دشمن امنیت کامله دارم ، وخوب میدانم که این اقتدار در من موجود است . وامید میکنم که در همین ماه بیك تعرضی که همه احوال حاضره را سراسر تبدیل بدهد آغاز بتوانم .

« باز عرض و تکرار میکنم : ذات حشمت پناهئی شان بر قوت واقتدار قطعه های ما اعتماد تام کرده میتوانند ، و در وضعیت حاضرهٔ ما بودن هیچ یك جهت تهلکه ناکی که مخل شرف و حیثیت یك مصالحه را قبول بکنند امنیت کرده میتوانند .

از (غوچولین) فی ۱۰ جون سنه ۱۹۰۵ سرقوماندان لینه ویچ »



این پروتستوی (لینه ویچ) تأثیریکه ازان امید بود حاصل نتوانست کرد . زیرا جناب زار روس یکروز بعداز گرفتن این پروتستو نامه بموسیو (روزوه لت) از توسط او درینباب تشکر کرده ممانعت نکردن خود را در باب اجتماع مرخصهای روس وژاپان اعلان نمود .

آخر در (۲) م ماه جولایی ازطرف حکومت (واشینغتون) یك نوطهٔ رسمی به اینصورت نشر گردید :

« حکومتهای روس وژاپان بموسیو (روزوه لت) این سخن را خبر دادند

که بزودی مرخصهای شان اجتماع خواهند کرد .

« این مرخصها ، برای اجرا کردن مذاکرات صلح ، وعقد کردن یك معاهدهٔ قطعیه که از جانب حکومتهای شان تصدیق کرده شود درخصت و صلاحیت نامه‌را حائز میباشند .

« از طرف روسها مرخصها : قونت (موراوی یف) وبارون (روزن) واز جهت ژاپانها موسیو (قومورا) ، وموسیو (تاقاهیرا) میباشند . اینهم ممکن است که هردولت درنزد این مرخصها یکی یادو سفیر داشته باشند . »

*
* *

« قونت (موراوی یف) که از طرف حکومت روس در (روما) سفیر بود این خدمت مرخصی را که به او تکلیف شده بود قبول نکرد . لهذا بجای اوموسیو (ویته) مقرر گردید ، ودر (۱۳)م جولائی درسرای (پترهوف) درباب تعیین شدن او ازطرف جناب زار امضا کرده شده .

«موسیو «ویته» دراثنائیکه به (واشینغتون) میرفت در (۲۱)م جولائی (پاریس) رسید . روزدوم رسیدنش از طرف (رئیس رووبه) وروزدیگر درسرای (ئه‌لیزه) از طرف رئیس حکومت قبول گردید در (۳۰)م اگست مرخصها ی روس باکشتئی (فایزر ویلهلم درغروس) نام المانی به (نیورك) واصل شدند .

در (۵) م آگست مرخصهای روس وژاپان نخستین بار در (اویستربای) درکشتئی یاط مخصوص رئیس (روزوه‌لت) که نام آن کشتی (مای فلووەر) بود بایکدیگر تصادف کردند ، ودرانجا رسماً بیکدیگر تقدیم ومعرفی شدند .

بعد ازان موسیو (روزوه‌لت) بمهمانهای خود ایستاده بایك ناشتا اکرام کرده واین نطق را ادا نمود :

« بشمایان یك ادارهٔ اقداح تکلیف میکنیم . ومیخواهم که این قدحهای

خودتان را ایستاده باباهمن یکجا بنوشید ، به این نطق من از هیچیك طرف جواب داده نمیشود ، من بشرف حکمدارها و اهالئی دو ملت بزرگی که مرخصهای شان امروز در «مای قلووهر» بایکدیگر تصادف کرده اند باده نوش میشوم .

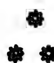
« شدتنا کمترین آرزوها ، و سوز شفا کمترین تمنی و نیازهای من همین است که تنها برای منفعت همین دو دولت بزرگی که بامرخصهای آنها در ینوقت پهلو به پهلو ایستاده ام نی ، بلکه برای منفعت همه عالم انسانیت بزودی یك مصالحهٔ حقیقی و مدیدی عقد و قرار گیرد . »

بعد از آن مرخصهای طرفین بشهر «پورتسموت» که قونفرانس صلح در آن بوقوع می آید روانه شدند .

اجتماع نخستین در روز چهارشنبه «۹» آگست بوقوع آمد امروز تنها به تدقیق و اخذ و عطای اعتمادنامه های طرفین اشتغال ورزیده شد .

در «۱۰» م آگست این چنین یك نوطهٔ نشر کرده شد :

« در اجتماع «۱۰» م آگست مسئلهٔ صلاحیت نامه تنظیم کرده شد ، به اینصورت که طرفین درین خصوص بعد ازین هیچ مشکلی تصادف نخواهند کرد . مرخصهای ژاپان بمرخصهای روس شرایط صلحیه را نوشته کرده تسلیم و تقدیم کردند . مرخصهای روس این مسئله را مطالعه کرده تا بقدریکه ممکن باشد بزودی جواب نوشته خواهند کرد ، و بر همین قرارداد مجلس به انجام رسید . تا بجواب دادن مرخصهای روس اعضای قونفرانس اجتماع نخواهند کرد . »



درکم وقت معلوم شد که مرخصهای ژاپان این شرایط را تکلیف و بیان کرده اند:

۱) — دادن مصارف حربیه «مقدار آن غیر معین » ؛

۲) — ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین » ؛

۳) — انتقال دادن شبه جزیرهٔ (لیائوتونغ) راباه«دالنی»،و«پورآرتور» به ژاپان ؛

٤) — خالی کردن «مانچوری» ، وپس دادن همه امتیازاتی راکه درداخل این ولایت بدست آورده به (چین) ، وقبول وتطبیق کردن اصول (دروازهٔ باز) ؛

۵) — ترك کردن راه آهن (چین شرقی) راکه از (خاربین) تابه(پورآرتور) کشیده شده به ژاپان ؛

٦) — تصدیق شدن حمایهٔ ژاپان در«قوره» ازطرف روس ؛

۷) — دادن حق صیدماهی رابه ژاپان ، ازحدشمال« ولادیووستوق» تابه بحر« بهرنگ» درساحل «سیبریا» ؛

۸) — ترك وتسلیم کردن همه کشتیهای جنگی روس که در جنگ گریخته وبه بندرگاه های بی طرف النجا کرده به ژاپان ؛

۹) — تحدیدکردن روس قوای حربیهٔ خودرا دراقصای شرق .



دراجتماع روز« ۱٤» م آگست مرخصهای طرفین برین سه مسئله موافقت حاصلکردند :

اول : حاکمیت ژاپان بر«قوره» ؛

دوم : خالی کردن «مانچوری» ؛

سوم : ترك کردن راه آهن «شرقئی چین»

امارو سها ترك کردن جزیرهٔ «ساخالین» ، ودادن تضمینات حربیه ، وتسلیم کردن سفاین حربیه ، وتحدید کردن قوای بحریهٔ خودرا در اقصای شرق قطعیاً ردکردند .

در «۱۷» آگست مرخصهای طرفین عدم امکان نتیجه یافتن شرایط صلحیه را دیده مسئله هائیکه دران اختلاف بود دریك ضبطنامه درج کردند .

در «۱۸» ماه مرخصهای هردو طرف ، تا بوقتیکه از حکومتهای متبوعهٔ خود شان درباب مسایل متنازع فیها تعلیمات و اوامر بگیرند مذاکرت را تا بسه روز تعطیل نمودند .

در «۱۹» ماه رئیس «روزوەلت» ازین انقطاع مذاکرات بشبهه افتاده بموسیو «ویته» این تلگرافنامه را فرستاد :

« موسیو سرژ ویته !

« برای بردن یك مکتوب مراز ای شما همین دم فرستادن بارون «روزەن» ویك معتمد دیگر خود را در پیش من بشدت رجا میکنم . »

اجتماعیکه در «۲۲» م ماه وقوع آن متصور بود تا به «۲۳» م تأخیر کرده شده هیچ شبهه نیست که این تأخیر از سبب نیامدن اوامر و تعلیمات برای موسیو «ویته» بود که از «پترسبورغ» نیامده بود .

درین اثنا از طرف موسیو «روزوەلت» یکی از معتمدان او با دیگر یك مکتوب به نزد بارون «روزەن» و موسیو «ویته» آمده ملاقات دور و درازی درمابین شان بوقوع آمد .

تا به اینجا درباب صلح ، افکار عمومیه خیلی بدبینانه و مشکوکانه است .

در «۲۳» آگست بعد از امضا شدن مضبطه ها ، ژاپانها برای تنظیم نمودن مسائل منازع فیه بموسیو «ویته» معتدل یك صورت حل و تسویه تقدیم نمودند .

انصورت حل و تسویه باینگونه بود که ژاپانها نصف جزیرهٔ «ساخالین» را که درینوقت بران حاکم میباشند بحکومت روس وا گذار شوند و هم یکمقدار پیسهٔ که حکومت ژاپان تنها برای ادارهٔ حرب صرف کرده حکومت روس آن را عطا

کنند. این طرز تسویه که از نتیجهٔ تشویقات «موسیو «روزوه‌لت» بود برای جناب «زار» نوشته شده در ینوقت بجواب آن انتظار کرده میشود.

در «۲۵»م آگست باز مذاکرات قونفرانس تعطیل کرده شد. نظر بیك روایت گویا مذاکرات در ینوقت راه براه بواسطهٔ قونت «لامسدورف»، و موسیو «مایر» در مابین جناب «زار» و موسیو «روزوه‌لت» جریان میکنند.

در «۲۷»م ماه چنان معلوم میشود که حکومت روس تکلیفات موسیو «روزوه‌لت» را قطعیاً رد نمود. تکلیفات آخرئی موسیو «روزوه‌لت» عام نشده اما این یك معلوم شد که حکومت روس ادا کردن تضمینات حربیه را یکقلم رد نمود. مع هذا مذاکرات منقطع نشد؛ و چنان دیده میشود که ژاپانها مقدار تضمینات حربیهٔ را که پیش ازین طلب کرده بودند به تنزیل دادن قرار داده‌اند.

بعد ازین، مذاکرات دراز شدن گرفت. مرخصهای ژاپان که از (توکیو) برسیدن اوامر انتظار میکشیدند زود زود تأخیر مذاکرات را طلب میکردند. موسیو (تاقاهیرا) بالذات با موسیو (ویته) ملاقات نمود. باوجود آنهم در خصوص حاصل شدن موافقت آرا و افکار امیدها بسیار ضعیف است. در (توکیو) وکلا و وزرای دولت جمع آمده به تدقیقات و اعتراضات مذاکرات «پورتسموت» آغاز نمودند.

از شایعه‌ها ئیکه در تاخیر مذاکرات بوقوع میآید، و انقطاع پی هم آن افکار عمومیه بسیار متردد و متهیج است، و چنان گمان میشود که توافق افکار حاصل نشود، و به بسیار زودی مذاکرات منقطع شود.

در اثنائیکه احوال و افکار درین مرکز بودیکی یکبار در «۲۹»م ماه از پشت پرده ئیکه صحنهٔ هذا کرات «پورتسموت» را ستر و مخفی داشت یکصدائی که مشابه بصر به های خبر دادن پرده بالا شدن تیاترها بود شنیده شد. صلحی که پیشتر از یکروز

غیر ممکن شمرده میشد به صرف نظر کردن ژاپانها از اختلافات ومدعیات خود شان یك امر ممکن وراستی دیده شد .

این تبدیل افکار ژاپانها، یك قسمی از تضییق واصرار موسیو (روز وهلت)، ویك قسمی از پولیتیك انگلیز که درین صحنه یك بازئی عجیبی بروی کار آورد بظهور آمد .

نکول کردن ژاپانها از مطالبات سابقهٔ شان موسیو (ویته را) به بیان کردن اینگونه سخنان مغرورانه سوق نمود :

«این مصالحهٔ که عقد شد بسیار شرفدار یك مصالحه ایست . دولت روس بهیچگونه یك تعهدیکه مغایر حیثیت ومنافع روس ها باشد در امده است . ژاپانها راه آهن (شرقئی چین) را تابه (خاربین) طلب کرده بودند . لکن من از نقطه (کوئن چه نس) که خوب بسوی جنوب واقعشده اصرار کردم، وبمقصد خود کامیاب آمدم .

« ژاپانها تحدید کردن قوای بحریهٔ مارا در آب های اقصای شرق طلب کردند من رد کردم؛ آنها نیز به این ردمن موافقت کردند . وغیر ازین ژاپانها از مدعیاتی که درباب سفاین حربیه ماکه در بندرگاههای بیطرف اقصای شرق محصور مانده بودند نیز صرفنظر کردند .

(ژاپانها جزیرهٔ (ساخالین) را نیز از ما خواستند . من به ترك کردن نیم جزیرهٔ مذکور که در نزد ما آنقدر اهمیت نداشت راضی شدم . ودرین خصوص نیز کامیاب آمدم .

(نهایت ژاپانها تضمینات حربیه طلب کردند . من قطعیاً رد کردم . بنا برین اگر هیچ نباشد تنها مصارف حربیهٔ خودشان را از ما خواستند . من این راهم قبول نکردم . بعدازان برفروختن یك قسم جزیرهٔ (ساخالین) را بقیمت

بسیار گران برما اصرار کردند. من بمقابل این اصرار و تکلیف شان گفتم که روسیه به ژاپان یك روبله نیز تضمینات نخواهد داد. دربنباب نیز کامیاب آمدم. موسیو (روزوهلت)، فرانسه، انکلیز، امریکا والحاصل هر کس، حتی بسیار رفقای من که در روس بودند نیز پیسه دادن مرا به ژاپان توصیه کرده بودند. اما من در نخصوص بسیار عناد و اصرار کردم. مع هذا من هیچ امید نمیکردم که ژاپانها ازین طلب و تکلیف خود شان فارغ شوند. وچون موسیو «کومورا» بمن گفت که «درباب این فقره نیز باشما متفق الافکاریم» درجهٔ حیرت و مسرت خودرا هیچ تعریف نمیتوانم.»



وقتیکه بر مواد صلحیه موافقت نامهٔ طرفین حاصلشد مرخصهای روس و ژاپان از حکومت متبوعهٔ خودشان عقد شدن یك متارکه را در مابین دو تول غند مخاصم طلب کردند.

حوادث عقد صلح در هر گوشهٔ جهان مدنیت سرورهای بسیار بزرگی بوجود آورد. همهٔ عالم انسانیت، این نتیجهٔ قونفرانس «پورتسموت» را به یك زبان شکران بر موسیو (روزوهلت) که مشوق و ناظم این قونفرانس شده است عطف میکنند.

بنابر قراریافتن مصالحه رئیس حکومت فرانس این تلگراف نامه را به رئیس حکومت امریکا فرستاد:

«ذات عالئی شما بجمعیت انسانیه یك وظیفهٔ بسیار عالی و نامداری را بجا آوردید. من این موفقیت شمارا باهمه صفوت قلبیهٔ خود تبریك میکنم. دولت فرانس نیز، بدولت امریکا درباب این واقعهٔ مهمهٔ تاریخیه که دولت مذکوره آن وظیفه را بجا آورده بیان فخر و مسرت میکند.» امضا

لوبه

غیر ازین ، رئیس « روزوءلت » از طرف قرال انگلستان (ادوارد هفتم) وامپراطور المان « گیلیوم » دوم نیز با تلگرافنامه های مخصوص تبریک شده است .

حتی مرخصهای روس نیز بموسیو (روزوءلت) با این تلگراف نامه بیان شکر ومنت کرده اند :

« همت عالئی شمارا که درباب اجتماع قونفرانس (پورتسموت) وعقد مصالحهٔ شرفداری که در مابین دو مملکت بوقوع آمد تاریخ بایک تحسین، وقدرشناسئی بزرگی ایفا خواهد کرد . » امضا

ویته ، وروزه ن





در (۳۰) م آگست ، بنابر قرار گرفتن صلح موسیو (لوبه) بجناب زار روس این تلگرافنامه را فرستاد :

از طرف رئیس حکومت فرانس بحضرت امپراطور روس .

« بنابر مصالحهٔ که مخفی از اثر فراست حشمتپناهی شان قرار گیر شد ذات حکمدارئی شانرا عن صمیم القلب تبریک میکنم .

« فرانسه ، که دوست ومتفق روسیه است نیز از نتیجه پذیر شدن اینچنین حربی که بوقایع دلیرانهٔ خود شهرتگیر عالم است به این چنین یک مصالحهٔ شرفداری بیان محفوظیت ومسعودیت میکنند لوبه »

جناب زار نیز با این تلگرافنامهٔ مختصر بموسیو (لوبه) مقابله کرده است :

« بجناب رئیس حکومت فرانس موسیو امیل لوبه : »

(از حسیات صمیمهٔ شما که با تلگرافنامهٔ پیروزئی خود بیان فرموده بودید بسیار متأثر شده مقابلةً بیان تشکر میکنم .) نیقولا

در (توکیو) قسم اعظم اهالی از شرایط صلحیه ممنون نشدند . در

(پورتسموت) نیز در چهره های مرخصهای ژاپان یك اثر حزن وحرمان دیده میشود . درژاپونیا همهٔ مطبوعات ژاپان مأیوس ومنفعل است . ازهر طرف همین سوال وارد میشود که آیاطرف غالب چرا اینقدر طرفدار صلح ، ومغلوب چرا برسخن خود اینقدر مصر وسخت ایستاده شد ؟

در روسیه ، شرایط صلحیه بصورت عمومیه مظهر قبول وتحسین گردید .

در (۳) م ستمبر جناب (زار) این بیانامه را بر تول غند (مانچوری) خود نشر وتعمیم نمود .

«تول غند محبوب من! که دایما بفدای جان حاضر هستند ، به پیش رفتاری عدد فایق دشمن مقابله کرده تام نوزده ماه بهجومهای شدتناك آن سینه دادند .

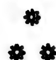
«تول غند ما که بموجب امر های ما تشکیل یافته وباقطعه های نویکه از روسیه رفته تقویه وتکمیل شده امروز ازهر وقت زیاده ترقویست . وامروز روز به دو چار کردن هزیمت قطعیهٔ دشمن نیز حاضراست . من وهمه روسیه ازقوت واقتدار تول غند باشان خود امینیم ، ومهیابودن شانرا برای فدای نفس کردن درراه مدافعهٔ منافع ملك وملت میدانیم .

«مع هذا ، بنا بروظایفیکه بمقابل وجدان خود ، وملتی که جناب حق بدست ادارهٔ من آنرا بودیعت سپرده مکلف میباشم برای استرداد نصف یك جزیرهٔ بسیار دوریکه درسنهٔ (۱۸۷۵) ژاپانها آنرا بما ترك کرده بودند هنوز تابسیار وقتها عسکر محبوب خودرا به احتیاجات سفریه گذاشتن مرا منع میکنند . بناءً علیه تکلیفاتی که درباب جزیرهٔ مذکور واقع شد رد نکرده شرایط خصم خودرا درباب عقد مصالحه قبول کردم .

«قطعه های روس در اثنای این حرب خونریزانه خیلی برها نهائیکه قیمت عسکریهٔ شانرا ، وحس فداکاری شانرا اثبات نماید نشان دادند .

« این مسئله را به تول غند محبوب من بدانانید وبگوئید که من وهمهٔ روسیه آثارفداکاری ئیکه دراثنای این جنگ بسیارمشکل بعمل آوردند با تمام صمیمیت قلبیهٔ خود مان تقدیروتقدیس میکنیم ».

نیقولا



درینوقت کاتبهای قونفرانس به پاك نویسی معاهده نامه که عبارت از (۱۷) فقره است مشغول هستنند . معاهده نامه بزبانهای فرانسوی ، و انکلیزی نوشته شده است . بعد ازان که مسئلهٔ پاکنویسی به انجام رسیددر روز سه‌شنبه (٦)م ماه ستمبر بساعت (۳) دردالان دایرهٔ بحریهٔ(پورتسموت) از طرف دولت روس موسیو (ویته) وبارون (روزه‌ن) وازطرف‌دولت ژاپان بارون (کومورا) وموسیو (تاقاهیرا) امضا کرده شد . این معاهده در ظرف پنجاه روز ازطرف حکمدارهای دو دولت تصدیق کرده خواهد شد ؛ مع هذا سرازامروز مخاصمات این دودولت گویابه انجام رسیده است .

(متارکه)

در (۱۰) م ماه ستمبر ، در(مانچوری) یك مأمورمکالمهٔ ژاپان ، در حالنیکه یك بیرق سفیددرپیش روی شان ، وپنجاه نفر برفاقت شان بود بمو قع (شه موفر) آمدند . وبه افسر روسی که به استقبال آنهاآمده بودند ، مکتوب مارشال (أو یاما) راکه برای جنرال (لینه ویچ) نوشته شده بود تسلیم کردند .

درین مکتوب خودمارشال (اویاما) ازسبب قراریافتن مصالحه ، وختام یافتن محاربه جنرال (لینه‌ویچ)را مبارك بادی گفته‌بود، وبعدازان برای حل

وتنظیم کردن (متارکه) که درمابین دوتول غندعقد کردن آن لازمست تعیین کردن یك مرخص روس‌را رجا کرده بود . ونیزفهمانیده‌بود که ازطرف خود جنرال (فوکی‌شیما) رامرخص تعیین کرده وبرای محل اجتماع مرخصها استیشن (شاقه‌هازا) رامناسب دیده .

در (١٤) م ستمبر درمابین تول‌غند های (مانچوری) مضبطهٔ متارکه‌نامه از طرف جنرال پرنس (فوکی‌شیما) وجنرال (اورهنوویچ) امضا کرده شد . متارکه نامه بقرارذیل از (٦) فقره مرکب بود :

١) — درمابین تول غند های‌دودولت که در (مانچوری)، وقطعات‌شان که درمنطقهٔ (تومن) هستندبنابر تنسیب‌طرفین‌یك‌مسافهٔ ترك کرده‌شود .

٢) — قوای بحریهٔ هیچ‌یك‌ازمخاصمین، اراضئی که ازطرف آندیگر ضبط شده باشدیابه آندیگر تعلق‌داشته باشدبزیر آتش گرفته نمیتواند .

٣) — بسبب عقدمتارکه غنایم بحریه تعطیل کرده نمیشود، یعنی برگرفتار کردن غنیمت‌های بحریه دوام وورزیده میشود .

٤) — در اثنای امتداد متارکه قطعه های عسکریهٔ نوبدارالحرب فرستاده نمیشود . وقطعه هائیکه دربنوقت درراه میباشندازطرف‌ژاپانهابشمال (موکده‌ن)، وازطرف روسها بجنوب (خاربین) فرستاده نمیشود .

٥) — قوماندانهای‌تول غندودستهٔ کشتی های جنگئ هردودولت، شرایط اساسیهٔ متارکه را درمابین خود شان بحاصلشدن اتفاق آراتعیین وتحدید میکنند .

٦) — هردودولت، هروقتیکه معاهدهٔ صلحیه‌امضاکردندبرای‌اجرا وتطبیق (پروتوقول) این متارکه هماندم امرمیدهند .

درژاپونیادرباب معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) عدم ممنونیت‌وناخشنودی

الآن دوام دارد . مع هذا چنان فهمیده میشود که بسایهٔ تدابیر حکیمانهٔ حکومت این حال یك نتیجهٔ بدی ندهد .

در (۱۸) م ستمبر موسیو (ویته) که از امریکا برگشته بود به (شربورغ) رسید .

در (۲۱) م ستمبر ، در خلیج (قورنیلوف) درمابین امیرال روس (ژه سن) ، وامیرال ژاپان (شیماموراj) یك قونفرانس بوقوع آمد . ازین قونفرانس که پنج ساعت امتداد یافت مقصد این بود که شرایط متارکهٔ محربه تعیین شود .

دو امیرال ، خطوط سیر سفاین را تحدید ، ومنطقهٔ بیطرفی را تعیین کردند و درباب ممنوعیت گریزئی حرب نیز متحداً قرار دادند .



جناب زار روس بسببی که از موسیو (ویته) درباب معاهدهٔ صلحیه خیلی ممنون شده بود بمکافات خدمات برگزیدهٔ او عنوان (قونتی) را به او توجیه نمود . این توجیه ایمپرا طوری در تاریخ (۱۰) م اوکتوبر در اخبار رسمئی دولت به اینصورت نشر واعلان کرده شد :

(قونت سرژ (ژولی یه ویچ) :

(چون آرزوی یگانهٔ من همین است که روسیه دایما از نعمت صلح وآسایش مستفید شده نایل ترقیات عظیمهٔ گردد . از انرو بهامید آنکه برهمه فلاکتها ودهشت های این حربی که اگر دوام میکرد برای هریك از طرفین مخاصمین موجب بسی فداکاری های تحملگدازی میشد یك خاتمهٔ کشیده شود بقبول کردن تکلیفات رئیس حکومت امریکا که درباب اجتماع مرخصهای روس وژاپان بوقوع آمد راضی شدم .

« بنابر توجه واعتمادیکه از بسیار وقتها برشما داشتم درباب عقد مصالحه

که اگر تکلیفات ژاپانها شایان قبول باشد شمارا بصفت مرخص درجهٔ اول برای اجرای مذاکرات با مرخصهای ژاپان مأذوناً ومأموراً بجماهیر متفقهٔ امریکا فرستادم . واینرا هم میدانستم که این خدمتی که بعهدهٔ درایت شما حواله شده تا بچه درجهٔ مهم ومشکل یك خدمتی میباشد. چونکه شما همه بدبهائیکه از چنین یك حرب بزرگی بوجود آید باقلم صلح بخاتمه کشیدن مأمور بودید .

در اثنای مأموریت خود وقتیکه شرایط مصالحه مذاکره میشد شرف وحیثیت روسیه را بکمال ثبات ومتانت مدافعه کردید ، وهر تکلیفی که حسیات وطنپرورانه ، ومنافع اساسیهٔ حیاتیهٔ روس را جریحه دار میکرد بخوبی بصورت رد کردید ، وبه اینصورت وظیفهٔ خودتان را بکمال درستی بجا آوردید . ودرباب ندادن تضمینات حربیه نیز غلبه کردید . وغیر ازین در خصوص نصف جنوبی جزیرهٔ (ساخالین) که ذاتاً مال خود آنها بود برای ماندن بدست خودشان راضی شدید .

« این است که به اینصورت ، با حسن تدبیر ، وکمال درایت ، وسیاست مسئلهٔ صلح وآسایش موافق منفعت عمومیه در اقصای شرق حل وتسویه کرده شد .

« لهذا بنابر مکافات علم ووقوف وتجربه واقتدار که برای آدم یکدولت موجود بودن آن لازم است ، وشما تماماً مالك آن فضایل میباشید ولیاقت واهلیتی که درراه خدمت وطن صرف کرده اید عنوان (قونتی) ایمپراطوری روسیه را بشما توجیه کردم . نیقولا »



در (۱٤) م ماه اوکتوبر بارون (دوروزه‌ن) وموسیو (تاقاهیرا) از حکومت های متبوعهٔ خودشان یکیك تلگرافنامهٔ گرفته خبر شدند که جناب (میکادو) وجناب (زار) یکیك نسخه معاهدهٔ صلحیه را دسخط کردند .

به این تلگراف ، تصدیق معاهدهٔ صلحیه ثابت شده چنانچه مدت متارکه بدان نهایت یافت ، همچنان این حرب جسیمی که در مابین دولت روسیه ، و ژاپونیا باز شده بود سراسر و رسماً به انجام رسید ٠
در (۱٦) م اوکتوبر معاهدهٔ صلحیه از هردوطرف رسماً تصدیق شده حکومتهای روس وژاپان یکیك نسخهٔ آنهارا بااخبارهای رسمئی خود شان نشر واعلان کردند ٠



— ﴿ معاهدهٔ پورتسموت ﴾ —

ازیکطرف حضرت ایمپراطور ژاپان ، وازدیگرطرف حضرت ایمپراطور روس بنابر آرزوی آنکه رعیت ومملکت خودشانرا از نعمت صلح وآسایش مستفید کنند بعقدکردن یك معاهدهٔ صلحیه قرارداده اند ٠ وبرای اینکار این اشخاصی راکه اسامئی شان قرارذیلست صلاحیت نامه داده ازطرف خودمرخص تعیین فرمودند :
از طرف جناب ایمپراطور ژاپان : حامل نشان بزرك ناظرخارجیه جناب بارون (قوموراززوتاروژوزامی) ، وسفیرفوق العادهٔ شان درنزدجماهیرمتفقهٔ امریکا جناب موسیو (تاقاهیراقوغوروژوزامی) ٠
ازطرف جناب ایمپراطور روس رئیس نظارجناب موسیو (سرژویته) ، و سفیرفوق العادهٔ شان درنزدحکومت امریکا جناب بارون (رومان دوروزەن) ٠
ذوات مشارالیهم بعدازتدقیق ودادوستداعتمادنامه های خود شان این چندفقره معاهده نامه رادرمابین خودشان قراردادند :
فقرهٔ اول ٠ — بعدازین درمابین حضرات ایمپراطورهای ژاپان وروس ، ورعایای هردوطرف صلح ومودت حکمفرماست ٠
فقرهٔ دوم ٠ — دولت روس ، حق مالك بودن بعضی منافع فایقهٔ سیاسیه ،

وعسکریه، ومالیهٔ دولت ژاپن را در داخل ممالك (قوره) تصدیق واعتراف میکند . و در باب تدابیر یکه دولت ژاپان در مملکت مذکور مانند قونترول ، وحمایه، وحسن نصایح اجرا کنند دولت روس در عهده میگیرد که در این خصوصها بدولت ژاپان هیچ مخالفت نکنند .

دیگر اینکه بار عایای روس که در (قوره) میباشند مانند رعایای دیگر دولتها که در انجاست معامله ورفتار میشود . یعنی بدرجهٔ افراد ملتی که زیاده تر مظاهر اعتبار باشند شمرده میشوند .

کذالك برای آنکه از هر گونه غلط فهمیها اجتناب کرده شود ، مأمورین عالیهٔ هر دو طرف که عقد مقاوله کرده اند ، در حدود روس وقوره از پیش گرفتن تدابیر عسکریه ئیکه اراضی روس یا قوره را تهدید بکنند قطعیاً احتراز بکنند .

فقرهٔ سوم . — حکومتهای ژاپان وروس اینمسئله های ذیل را متقابلاً درعهده میگیرند :

(۱) — غیر از (شبه جزیره لیائوتونغ) دیگر همه (مانچوری) را کاملاً دریکوقت خالی کردن .

(۲) — غیر از (شبه جزیرهٔ لیائوتونغ) که به اجاره داده شده دیگر همه اقسام مانچوری را که در وقت حاضر در زیر استیلا وترصد قطعات عسکریهٔ ژاپانست تماماً وکاملاً به ادارهٔ حکومت چین اعاده کردن .

وغیر ازین ، حکومت معظمهٔ روس اینرا هم اعلان میکند که در مانچوری هیچ استفادهٔ ملکیه ندارد، ومغایر بمنافع حکومت چین هیچیك امتیاز رجحانیت وتفوق ندارد .

فقرهٔ چارم . — دولتهای ژاپان وروس . این را هم یکجا درعهده

میگیرند که در خصوص توسیع تجارت وصنایع که دولت چین درقطعهٔ (مانچوری) بادولتها ئیکه در انباب مناسبات پیدا کنند هیچیکی به تدابیر عمومیهٔ ترقیات او سکته نرساند .

فقرهٔ پنجم . — حکومت روس ، برضای دولت چین مقاوله نامهٔ اجارهٔ شبه (پور آرتور) ، و (تالیه ن وان) وسواحل اراضی همجوار وآبهای آن عائداست باهمهٔ حقوق وامتیازات آن به حکومت ژاپان دوروتسلیم میکنند وغیر ازین حکومت روس همهٔ املاك وامور نافعه ئیکه بامقاوله نامهٔ مذکور در اراضی مزبوراجاره گرفته بدولت معظمهٔ ژاپان میسپارد ، وحاصلکردن رضای دولت چین را درباب این شرط مأمورین عالیهٔ طرفین عاقدین در عهده میگیرند .

وبمقابل این ، حکومت ژاپان نیزاین رادرعهده میگیردکه درداخل اراضی مذکوره حقوق تصرفیهٔ رعایای روس را که براملاك خود دارندتماما محافظه نماید .

فقرهٔ ششم . — حکومت روس عهد میکنند که راه آهنی که درمابین (شانغشونغ) و (پورآرتور) کشیده شده باهمهٔ شعبه هاوامتیازهای آن ، وهمهٔ املاك ، ومعدنهای زغال که دران منطقه موجود است همه را بدون بدل ، وبحسن رضای دولت چین بحکومت ژاپان ترك نماید .

ومأمورین عالیهٔ هردوعهدکننده کان حاصلکردن حسن رضای دولت چین رادرینباب جداگانه درعهده میگیرند .

فقرهٔ هفتم . — حکومتهای ژاپان وروس هردوی شان متقابلاً عهد میکنند که خطهای راه آهن (مانچوری) راهیچصورت ازنقطهٔ نظرسوق الجیش بکار نینداخته محض بمقصد تجارت وصنایع بکار بیندازند .

ودرینباب نیزطرفین عهد کنندگان متفق الرأی اند که راههای آهن مذکور بخطهای راه آهن (شبه جزیرهٔ لیائوتونغ) که باجازه ترك شده هیچ شمول وتعلق ندارد .

فقرهٔ هشتم . — حکومتهای ژاپان وروس برای تعمیم وتسهیل کردن مناسبات ونقلیات تجاریه راههایی را که در (مانچوری) بخودشان عائد وراجع است منتظماً ودایماً بکار میدارند ، ودرینباب تادرجهٔ که ممکن باشد درکم وقت درمابین خودشان یك مقاوله نامهٔ عقد میکنند .

فقرهٔ نهم . — حکومت روسیه نصف جنوبی (جزیرهٔ ساخالین) را ، و جزیره های کوچکی که دران قسم باشد ، و همه املاك وامور نافعهٔ که درانجا موجود است همه را مؤبداً بحکومت ژاپان ترك میکنند .

دایرهٔ که از (۵۰)م درجهٔ عرض شمالی میگذرد برای حدود شمالئی این اراضئی که ترك شده قبول کرده شده است .

مع هذا تحدید قطعی این اراضئی متروکه نظر به احکام ذیل فقرهٔ (۲)م معاهده نامه مؤخراً اجرا کرده خواهند شد .

وغیر ازین ، حکومتهای ژاپان وروس متقابلاً درعهده میگیرند که در جزیرهٔ (ساخالین) درقسمهائیکه بخودشان عائداست ویادر جزیره های کوچك اقسام مذکوره هیچ استحکام ویاامثال آنگونه آثار عسکریه بوجود نمی آورند .

کذالك هر دو حکومت عهد کننده این راهم متقابلاً درعهده میگیرند که درآبناهای (نارتاری) ، و (په روز) تدابیر عسکریهٔ که مخل آزادئی سیر وسفر باشد اتخاذ نکنند .

فقرهٔ دهم . — تبعه ورعایای روس که دراراضئی که به ژاپان ترك شده ساکن هستند این حق را دارند که املاك واموال متصرفهٔ خود شان را

فروخته بمملکت خودشان بر گردند، اما اگر ماندن خودرا در اراضئ متروکهٔ مذکوره ترجیح بدهند بموجب قوانین ژاپان با آنها معامله شده بکار و بار خود مشغول و از املاك خصوصیهٔ خودشان مستفید میشوند .

حکومت ژاپان این حق را دارد که اهالئ روس را بسبب متهم شدن نشان به (پولیتیقهٔ) دولتی، ویا اداءهٔ حکومت از حقوق مدنیه اسقاط کند، ویا نفی وطرد بکنند . اما این را عهد میکنند که به املاك خصوصیهٔ انها غرض در نشود .

فقرهٔ یازدهم . — حکومت روس این را عهد میکنند که درخصوص اجرا کردن صید ماهئ تبعهٔ ژاپان در سواحل روس که در بحرهای (ژاپان، واو قوچقه، وبهرنگ) واقعست باحکومت ژاپان راست می آید .

مع هذا با این تعهد حکومت روس، حقوقیکه در منطقهٔ مذکوره پیش ازین به تبعهٔ روس، یادیگر تبعهٔ اجنبیه داده شده زایل نمیشود .

فقرهٔ دوازدهم . — معاهدهٔ تجارت وسیرسفاین که درمابین ژاپونیا و روسیه موجود بود بسبب حرب حاضر منفسخ گردید . ازان رو تا بوقتیکه یك معاهدهٔ تجارت وسیرسفاین نوی عقد شود، درمناسبات تجاریه . ومعاملات ادخالات واخراجات وگمرك ودیگر خصوصات بدرجهٔ معامله ئیکه بامعتبر ترین حکومتها میشود بهمانگونه معامله کردن را باهمدیگر خودشان عهد میکنند .

فقرهٔ سیزدهم . — بعدازانکه این معاهدهٔ صلحیه بموقع تطبیق واجرا وضع شود همهٔ اسرای حربیه متقابلاً بیکدیگر تسلیم واعاده خواهند شد .

وبرای تسلیم گرفتن اسیران، هریك از حکومتهای ژاپان وروس یکیك قومیسر خصوصئی تعیین کرده در هر بندرگاهی که پیش ازین قرارداده شده باشد اسیرهارا یگان یگان به او شمرده تسلیم میکنند . واین محل تسلیم پیشتر به ذاتی که اسیرهارا قبول میکنند خبر داده میشود .

بمجردیکه معاملهٔ تسلیم اسیر های حربیه بانجام رسد، هریك از حکو

متهای روس وژاپان، در خصوص خوراك و پوشاك و مداوات اسیرها از روز یکه بدست دشمن درافتاده اند تا بوقتیکه وفات یا تسلیم شده اند یگان یگان مبالغی که برانها صرف شده دفتر آنرا تقدیم میکنند .

حکومت روسیه تعهد میکنند که بعد از تعاطئی دفترهای مصارف مذکور هر قدر فرقیکه درمابین مصارف واقعهٔ ژاپان وروس درباب اسیرها پیدا شود آنمبلغ را هماندم بحکومت ژاپان تسلیم میکنند .

فقرهٔ چاردهم . — معاهدهٔ حاضره از طرف حضرات امپراطورهای روس وژاپان تصدیق، واین مسئله تا بدرجهٔ که ممکن باشد درکم مدت، یعنی کم ازکم بعد ازمدت پنجاه روز از تاریخ تبلیغ آن به (توکیو) و(پترسبورغ) اجرا کرده میشود .

واین معاهدهٔ صلحیه که در (پورتسموت) امضا شده سر از تاریخ اخیر تبلیغ آن به کابینه های هردو طرف بامهٔ مواد واقسام آن مرعی الاحکام میشود .

معاملهٔ دادن وگرفتن صورتهای مصدق معاهدهٔ صلحیه تاکه ممکن باشد در کم وقت ودر (واشینغتون) اجرا کرده میشود .

فقرهٔ پانزدهم . — هم نسخهٔ انگلیزی، وهم نسخهٔ فرانسوی معاهدهٔ حاضره امضا کرده میشود . ومواد مندرجهٔ نسخه های مذکور بتمامها عین یکدیگرشان میباشد . مع هذا هرگاه یك اعتراضی واقع شود برای حل مشکلات نسخهٔ فرانسوئی آن اساس گرفته میشود .

معاهدهٔ صلحیهٔ که در مابین ژاپون وروس منعقد شده ، مرخصهای طرفین واضع الامضا درفقره های (۳)م، و(۹)م معاهدهٔ مذکوره علاوه کردن اینچند موادذیلیه را درمابین خودشان قرارداده اند :

﴿ ذیل فقرهٔ (۳) ﴾

حکومتهای ژاپان، وروس اساساً متقابلاً تعهد میکنند که چون معاهدهٔ صلحیه بموقع اجرا وضع شود قوای عسکریهٔ خودشان را که در قطعه (منچوری) دارند در یك آن پس میکشند. اما عسکرهای ژاپان که در (شبهه جزیرهٔ لیائو تونغ) هستند مستثنا میباشند. و از این تاریخ نهایت تا هشتده ماه بعد تول غند های مربوطه طرف از (منچوری) کاملاً بیرون میبرایند.

قطعات عسکریهٔ هردو حکومت که مواضعهای نخستین را استیلا کرده اند نخستین بار پس میکشیدند. اما طرفین عاقدین برای حمایه کردن خطهای راه آهن خود شان این حق را دارند که در انجاها عسکر محافظ بگذارند. وعدد این محافظها بر هر کیلومتر از پانزده نفر زیاده نمیشود. اینست که این عدد را اساس گرفته قوماندانهای تول غند ژاپان وروس در مابین خود شان قرار میدهند که نسبت بدرازئی راههای آهن شان چقدر عسکر محافظ برای خودشان لازم دارند.

بعدازانکه قوماندانهای قوای عسکریهٔ روس وژاپان درامور خالی کردن قطعهٔ (مانچوری) بایکدیگرشان موافقت افکار حاصل کردند درخصوص خالی کردن قطعهٔ مذکور تاممکن باشد به تدابیر چابکی وسرعت کوشش میورزند، و بسیار دقت واعتنا میکنند که از هشتده ماه بیشتر تال نخورد.

﴿ ذیل فقرهٔ «۹» ﴾

وقتیکه معاهدهٔ حاضره بموقع اجرا نهاده شد یك قومیسیون یعنی (کومیشن) تحدید حدود که از طرفین معاهده کنندگان بعدد مساوی اعضا داشته باشد تعیین میشود، وبجزیرهٔ (ساخالین) میرود، ودر انجا در مابین اراضئی حکومتهای ژاپان وروس یك حدود قطعی وضع میکنند.

این کومیشن در نسبتی که احوال (طوپو غرافیه) مساعده بکنند دایرهٔ عرض شمالی را که از (۵۰)م درجه میگذرد خط حدود گرفته تعقیب میکنند. ودر جاهائیکه ازین دایره جدا شدن لازم آید از طرفین بمعادل همدیگر قسمها ترك کرده تعیین حدود میکنند .

کومیشن تحدید حدود، در قسمیکه به ژاپان ترك شده هر قدر جزیره های کوچکی که موجود باشد یك سیاههٔ آنرا نیز تدارك و حاضر میسازد .

در آخرکار، کومیشن مذکور یك خریطه یعنی نقشهٔ مکمل اراضئی که به ژاپان ترك شده برداشته آنرا امضا میکنند .

هریك ازین دو مادهٔ ذیلیهٔ که بیان شدها ندم که معاهدهٔ صلحیه تصدیق کرده شد اینها نیز تصدیق ، وبموقع اجراو وضع خواهد شد . (انتها)

فی روز (۵) م ماه (۹) م سال (مه یجی) در
(پورتسموت) و(۲۳)م ماه آگست رومی ،
و (۵)م دسمبر فرنگی
سنه ۱۹۰۵



اینست که به اینصورت معاهدهٔ صلحیهٔ (پورتسموت) در مابین طرفین عقد کنندگان قرار داده شده بعد از انکه از طرف مرخصها، هر گردیدیکیك بار امضا هم شده به انجام رسیده است .

(بیانامهٔ جناب میکادو)

بعد از انکه معاهدهٔ (پورتسموت) به انجام رسید جناب (میکادو) این بیا

نامه را که جداً شایان حیرتست برتبعه ورعایای خود نشر واعلان نمود :

« قاعدهٔ اساسیهٔ پولیتیقهٔ خود ما نرا دربین الملل همین مسئله را دانسته ایم که رفاهیت واقبال ایمپراطورئی خود را درزیر امنیت بداریم، ودر اقصای شرق صلح و آسایش را محافظه نمائیم . وطرز حرکت ما دائما از فکر پیروئی همین مقصد علوی ظهور ونشئت کرده است . اما پارسال ، مجبوریت حقیقیهٔ که درباب امنیت موجودیت خود حس کردیم مارا مع التأسف باهمسایهٔ ما روسیه بجنگ سوق نمود .

« از ابتدای حرب، خواه تولغندرئی ما، وخواه دستهٔ کشتیهای جنگی بحرئی ما مدافعهٔ داخلیهٔ مملکت مارا بدرجهٔ مطلوب حقیقی تأمین نموده بسر رسانیدند . وبهمه شدائد واحتیاجات یك سفر حربی که درخاك مملکت بیگانه جریان یافت سینه کشای صبر وتحمل شدند . وبه اینصورت در بر وبحر نایل فتوحات عظیمه شدند .

« مأمورین ملکیهٔ ما با ناظرهای ما همدست وفاق و اتفاق شده موافق آرزوهای ما خدمت بجا آوردند .

« همهٔ تدابیریکه درباب تعقیب حرب ، وادارهٔ امور داخلیه ، و اجنبیه لازم دیده میشد بکار برده شد . حال ووضعیت ما چنان اقتضا میکرد که ملت ما قناعتکار ومدبر باید شوند . هر فردی از تبعهٔ من بار گران مصارف عظیمی که برای این حرب بزرگ لازم بود تحمل کرده بهر گونه تکلیفات بحسن رضای خودشان اطاعت، ودر راه شرف وشان محافظهٔ حکومت ما بصورت بسیار عالیجنابانه اظهار آثار حمیت وجوانمردی نمودند .

« این نتیجهٔ ظفرهای درخشان اول از تأثیر روحانئی آبا واجداد خودمان وباز بحرکتهای وطنپرورانه وفداکارانهٔ مأمورهای خود مان بدست آورده

توانستیم .

« بعد از بیست ماه جنگ و قتال ، حال و وضعیت امپراطوری ما ، و اقبال و سعادت مملکت ما از پیش زیاده تر قوت و سطوت پیدا نمود . اما با وجود اینهم ، ما هیچوقت از آرزوی دوست داشتن صلح و مسالمت نکول نکرده ایم . بنابرین ملت خود را بیشتر ازین بفلاکتهای حرب معروض گذاشتن را بیفایده دانسته تکلیف رئیس حکومات متحدهٔ امریکا را که بنام انسانیت و مسالمت عمومیه درباب عقد مصالحهٔ حکومتهای ژاپان و روس بوقوع آمد حسن نیت مشار الیه را قدر شناسی کرده تکلیف واقع شان را در وقت تام و مناسب قبول کردیم ، و برای مذاکره کردن با مرخصهای روس ، مرخصهای مأمور و مأذون خود را تعیین نمودیم .

« مرخصهای هر دو دولت بسیار بارها باهم جمع آمده ، و نیز هم بایکدیگر مذاکره کرده تا آنکه مرخصهای روس تکلیفات اساسیهٔ مرخصهای ما را که مقصد یگانه از حرب همان بود ، و دوام و رجوع بصلح نیز به همان تأمین میشد قبول کردند ، و به اینصورت آرزوی خالص خود شان را که درباب مصالحه داشتند بر همه عالم انسانیت آشکار و هویدا ساختند .

« ماهم ، بعد از انکه مواد صلحیه را که مرخصهای طرفین در مابین خود شان قرارداده بودند بخوبی تدقیق و مطالعه کردیم همهٔ آنها را بتمامها بمطلوب خود موافق یافته قبول و تصدیق کردیم .

« پس به اینصورت هم صلح ، و هم شان و شرف حاصل کرده ، ارواح اجداد خود ما را شاد ، و بسایهٔ نتایج عالئی که ازین حرب و این صلح بدست آوردیم باز آیندگان خود را از تعرض اغیار بری و آزاد کردیم . لهذا خود ما را مسعود و بختیار میشماریم .

« درینوقت آرزوی بزرگ ماهمین است که این شرف و شان حاصلشده را باتبعه ورعایای خودیکجا حصه و تقسیم کنیم ، و بسیار وقتها از نعمت صلح وسلامت باشنهٔ اقوام مشترکاً مستفید شویم . روسیه سراز نوبازدوست ژاپان شده به انصورت ماهم صمیمی وپایدار شدن مناسبات همجواری را بکمال جدیت تمنی میکنیم .

« در عصر ماکه عبارت ازیك دور ترقی دایمی میباشد ، برای تعدیل و برابری امور ادارهٔ داخلی و خارجئی آن لازم ولابد آنست که یك ملت لاینقطع کوشش ورزند . ازطرف دیگر ؛ واسطهٔ یگانه بقای ملك ودولت که آن را (نول غند) میگویند نیزلازمست که باهمهٔ معانئی قوت خودحتی دروقت حضر نیزبخارج دهشت اندازئی تمام باید داشته باشد . یعنی دولت میباید که در حال صلح چارهٔ حاصلکردن سعادت واقبال ، ومحافظه و ترقئی ابدی الآمال ملت خودرا بیندیشد ، وبیابد .

« درینوقت ، امید یگانهٔ بزرگ ما ازتبعهٔ صادقه ماهمین است که ازجای اینکه بیهوده مغرور ظفرشده در پیش روی عالم سرور وشادمانی کنند بچهار دست کارهای لازمئی خودچنگ زده باهمهٔ قوتهای خودشان درراه تحکیم اساس و بنیاد امپراطورئی ماغیرت وکوشش بکنند . » (انتهی)

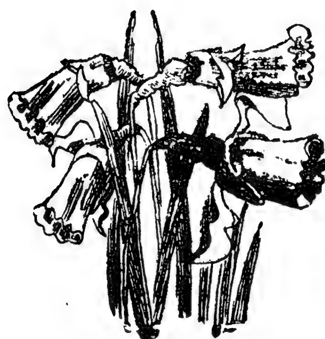
معاهده نامهٔ (پورتسموت) ، یکی از حرب های بسیار بزرگ ، ودراز این ازمنهٔ اخیره رابه انجام رسانید . درین حرب عظیم روسها از (۵تا۶) ملیار ، وژاپانها از (۳تا۴) ملیار فرانگ مصرف نموده اند .

« یك فرانگ نزدیك به یکروپیهٔ کابلی است که بحساب روپیهٔ کابلی مصارف این حرب ازهردوطرف این رقمهارا تشکیل میکنند :

« ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ »

« این رقم هندسی را هر رنگی که به اصطلاح حساب رقوم فارسی میخوانند بخوانند . بفکر ناقص این عاجز بیانامه حضرت میکادو وعلی الخصوص فقره های آخرش آن بار بار از ینمبلغ بیشتر قیمت دارد . زیرا قولیست بافعل ، بلکه فعلش قولش را تأیید نموده است . « القول بلا عمل کالشجر بلا ثمر » والسلام

« لمترجم »





فصل مناقب

یعنی سرگذشتهای بعضی جنگاوران ژاپان درین حرب

اگرچه درباب جنگ آورئی ژاپانها بیان کردن مثال و برهان چیزی زائد شمرده میشود ، ولی چون (تاریخ محاربهٔ ژاپان وروس) مابه انجام رسید خاتمهٔ آن را بر حکایات سرگذشت بعضی نفریها و فسران ژاپانی که به آن دسترس شده بود ختام داریم .

(سرگذشت دو برادر)

درباب (چونی تازو) نام دو برادر یك واقعهٔ بسیار پر تاثیری گذران یافته است :

برادر بزرگ ، بی آنکه راسمهٔ وداع را با برادر کوچك خود بجا آرد بر حدود فرستاده شده بود . اما بسیار دیر نشد که نوبت عسکری برادر کوچك نیز در رسیده بر حدود سوق گردید . این دو برادر چون باهمدیگر وداع نا کرده جدا شده بودند بامید آنکه در (مانچوری) یعنی دران میدان شرف و شان باهم ملاقی شوند ، برادر بزرگ از شنیدن رسیدن نوبت عسکرئی برادر کوچك ، وبرادر کوچك از امید ملاقات برادر بزرگ یك امنیت قلبیه حاصل کرده شادان شدند . این دو قلب که بیك امید ، و یك نوید متحسس بود هرروز درمیدان محاربه از همه پیشتر میدویدند . تاباشد که باهمدیگر در زیر بارانهای

آتش گلهٔ دشمن ملاقی شده قهرمانانه ، وجان فشانانه یکی از دیگر پیشتر خود را فدای میکاه و وطن وملت سازند . ولی بسیار روزها گذشت ، واین امید شان بسر نرسید .

تا آنکه درروز (۶)م ماه جولائی در میدان حرب بنا گهان این دو حسرت ده بایکدیگر خود ملاقی شدند . ملاقات بصورت بسیار صمیمانه ومؤثرانه بوقوع آمده بود . بعدازانکه همدیگر خود شان رادرآغوش کردند برادر کوچك اشك های مسرت ریختانده وسخنان وصیت ونصیحتی که والدهٔ شان اورا بر تبلیغ کردن آن مأمور نموده بود به برادر خود گفت .

والدهٔ محترمه این عسکرهای دلاور قهرمان وصیتی که به اینها کرده بود اینبود :

« اولادهای من! وقتیکه در راه شرف میکاه وومملکت خود بدلاوری و قهرمانی سینه تان رابدشمن سپرمیسازید ، مرگ را برای خود تان شرف عظیم وبلکه زندگانی ابدی خوش شمیمی بشمارید . امیدیگانه والدهٔ عاجزهٔ تان همین است که خبر پشت دادن تان را بدشمن نشنود . »

وقتیکه زمان جدایی در رسید ، یعنی هریك باکندك خود بیکسو مأمور شده میرفتند ، این دو برادر باهمدیگر وعده کردند که یاهردوی ما دریك آن ویادرپی یکدیگر ازجهان فانی را وداع کرده وصیت والدهٔ خود رادرراه میکاه ووطن بجابیاریم . پس بنابرهمین عهدومیثاق ازهم جدا شدند .

(چونی تورو) بعدازدوروزدر اثنائیکه در (قایپنیغ) بخراب کردن خطوط مدافعهٔ دشمن مشغول بود ، بایکپارهٔ گلهٔ شرنپل دشمن این دارفنارا وداع نمود . یکی ازرفقای او خبروفات برادرش رابه (چونه تارو) رسانیدمومی الیه هامدم برای برداشتن جسد برادرخود که پیشتراز وبه وفای وعدخود کامیاب گردیده

بوددوید . وقتیکه درپیش آن جسد بیروح واصل شد ، متأثرانه ومحزونانه ورشك آورانه بجسد مذکور خطاب کرده گفت :

— برادر! چقدر مسعود وبختیاری ؛ من چقدر بدبخت وکم سعادتم! ترا ازخود بیشتر بدار نعیم میبینم ، حالا آنکه آرزوی من این بودکه دست بدست وپهلو به پهلو میرفتیم . امابخوبی بدان که منهم از عهدخود برنگشته ام! امروز یافردا بتو ملاقی خواهم شد! خاطرجمع باشی! مستریح شو برادر!

بعدازان بنابرعادت مذهبئی خودشان جسد برادر خود را احراق بالنار نموده ، وخاکستر آن رادریك خریطه انداخته بگردن خود درآویخت . بعدازین واقعه جسارت ودلاورئی (چونه تارو) یك برهزار گردید . وازهمه افراد بلوکی که به آن منسوب بوددایما پیشروئی همه رااختیار میکرد . وبشدید ترین محاربه هاوتهلکه ها خودرا بیمحابا همی انداخت . لکن هزار افسوس که هنوز یك ادنازخمی هم نه برداشته بود .

آخرالامر، دریك شبی که ازیك محاربهٔ بسیار خونریزانهٔ برگشته بود وبهزارها فداکاریها وجانسپاریها تشبث نموده ، وبمقصد خود نایل نشده بود دهن خریطهٔ ئیکه خاکستر برادرش دران بود باز کرده گفت :

— برادر! امروز هرقدرسعی کردم نمردم ، امابیغم باش! فردا بهمه حال باتو ملاقی میشوم !

روزدیگر بلوك (چونه تارو) برهجوم یکی ازاستحکامهای دشمن بهجوم مأمور گردید . ازبلوك بجزده نفر هیچ فردی باقی نماند، وهمه طعمهٔ آتش جانسوزدشمن گردید . (چونه تارو) برحال آنهارشك میبرد . دفعتهً تفنگ نفری ئیکه بیرق کوچك بلوك بران افراشته بود، ونفرئی مذکور زخمی شده افتاده بود دربوده براستحکام مذکور هجوم نمود ، وبیك نفس خودرا درانجارسانیده

بیرق را بر دیوار استحکام برافراخت . ودرانجا بضرب سر نیزه وقونداق و تیغ و خنجر دشمن پاره‌پاره گردید . وبروعدهٔ که با برادرخود کرده بود مو فق وکامیاب آمد .

یك نفر سپاهئی ژاپانی که بکمال صبر ومتانت محاربه کرده

(سای جیرو) نام یك نفر عسکرئی ژاپان ، ازسر خود ، وپشت گوش ، و گلوی خود زخمهای بسیار تهلکه ناکی برداشته بود ، وبسبب زخم سر نیزهٔ که اززیر بغل خورده بود حیاتش درتهلکه بود . زخمئی مذکوررا درخسته خانهٔ (صلیب احمر) که در (هوری شیما) بودخوابانیده بودند . یکی از مخبرهای اخبار بعد از کمتر صحت با این نفرزخمی ملاقات کرده بود ، وسر گذشت اورا پرسیده بود ، اززبان نفرئی مذکوراینچنین حکایت میکنند :

« در (۲٤)م ماه‌می درشبه جزیره بخشکه برامدم . درروز (۳۰)م ماه مذکوربه این حال افتادم . بسببی که بااین زخمهای بسیار غلیظ بسیار زود معطل ماندم ، ودرراه بادشاه ووطن مقدس خوداز کوشش بازماندم به آخرد رجه متأثر ومکدرم . شمااز سر گذشت من میپرسید ؛ حالا آنکه یك سر گذشت دلیرانهٔ ندارم که بفخر ومباهات آنرا بیان کنم . وتاباز صحت نیابم ، وبجنگ عودت کرده مظفرانه ودلاورانه بمحاربه اشتراك نورزم وجدانم به این راضی نمیشود که ازین زخمهای بی اهمیت خودبحث وبیان نمایم . ولی چون بسیار اصرار مینمائید سکوت کردن را خلاف آداب میدانم :

« اولا اینرا بگویم که ازروزیکه به‌اینحال افتاده درین خسته خانه آمده‌ام آثار شفقت ومروتی که ازطبیبان عسکریه ، وزنان خدمتکار خسته خانه دربارهٔ خود دیده‌ام تشکر آن را ازوظایف انسانیت میشمارم .

« هنگامیکه درروز (۲۹) م می بعدازپیشین بر (پولانغ تی ین) پیش رفتیم ،

روسها هنوز بسیار دور بودند. اما روز دیگر بعد از زوال ما به آنها بخوبی نزد یکشده بودیم. در آخر محاربه عسکرهای ما با آنها در آمیختند گلو بگلو هم دست و گریبان شدیم. بعد از پنجه دقیقه یك طرف سواری روس بر ما هجوم نموده درین اثنا از طرف ما کم نفری باقی مانده بود. عدد دشمن پنج شش بار از ما فزونتر بود، و زهر طرف ما را احاطه کرده بود. از رهایی دادن جان خود نومید شدیم. لهذا برین قرار دادیم که نامیتوانیم از روسها بسیار تلف ساخته خود را نیز در همین جا تلف نمائیم.

ما چون از صنف سواری بودیم باشمشیر، و آنها بارچه و تکه باهم جنگ میکردیم صداهای بلند آهنگ پرتنگی که از بهم خوردن آهنهای سر نیزه و شمشیر برمیخواست باآوازهٔ مهیب جنگاوران منظم آمده گوشها را به اهتزاز میآورد. روسها که در پیش رو بودند عقب کشیدند اما درینبار روسهائیکه در عقب بودند بر ما هجوم نمودند. درین اثنا افسر طرب ما را یکچند نفری روس در میان گرفته بود. آن افسر دلاور بکمال خشم و شدت برآنها تیغ اندازی داشت. بمجرد دیدن ایحال به امداد افسر خود دویدم. با کمال یأس و نومیدی شمشیر خود را باینسو و آنسو میراندم. درین اثنا یکچند ضربهٔ برچه برداشتم و از صبر و تاقت در افتادم، رکهاو پیهایم افسرده شد، بدرجهٔ که بر اسپ خود را گرفته نمیتوانستم. اما به امیدانیکه بلکه یك روس دیگر را نیز پیشتر از خود کنم به بسیار دشواری خودداری میکردم. تا بوقتیکه اسپم نغلطیده بود بر محاربه دوام ورزیدم. اما یك نفری دیو آسای روسی از زیر شکم اسپ من چنان یك ضربهٔ سر نیزه حواله نمود که حیوان بیچاره بدو پا میل کشیده بر پشت بغلطید، ولی هزار شکر که شمشیر من نیز هماندم که او سر نیزه را حواله میکرد سر آن دشمن را از هم دوپاره نمود.

« در اثنای افتادن اسپ از پشت اسپ بیکسو افتادم ، ولی پای راستم در زیر اسپ مانده بود . اما بحرکت جانکندن اسپ که خود را بالا کرده بر زمین میزد پایم رهایی یافت . ولی هیچ تاب و توان در جانم نبود . واز خود گی خود بیخبر بودم و سراسر بیهوش افتاده بودم .

« به این حال نمیدانم که چقدر مدت مانده ام که بناگهان بصدای کفیدن یك شرانپلی که بر ابرئی سرم بکفید بحال امده برپا خواستم ؛ شمشیرم هنوز بدستم بود . در نزدیکئی خود یك نفر ئی قزاق روس را دیدم که او هم بصدای کفیدن شرانپل بهوش آمده میخواست که برپا شود . همان دم بر او هجوم کردم ، و تا میخواست که تفنگ خود را برداشته بر من هجوم کند بشمشیر او را دو پاره کردم .

« بعد از آن دیدم که را نقدر بیست نفر عسکر روس که (۱۰۰) متر به آنطرف بودند مشاهده کردند . همان دم هر بیست آن بر من هجوم نمودند . یکچند دقیقه با آنها نیز زد و خورد کردم . لکن از تاثیر خنک آهنهائیکه بر سر و پشت و بغل خود حس کردم باز بیهوش شده بر زمین افتادم . بعد از ان هیچ نمیدانم که چه شده نخستین بار که بعد ازین بیخودی بخود آمده ام خود را در خسته خانهٔ (هیروشیما) یافته ام . اما این یك را نمیدانم که مرا چسان از انجا به این خسته خانه آورده اند ، و تا بوقتی که بهوش آمده ام از ذکر هیچگونه حالات حرب آگاهی ندارم که چه شده و نشده

« چون چشمم درین خسته خانه نخستین بار باز شد ، اول کسیکه بچشمم بر خورد افسر طرب ما بود که دو چارپایی از من دور بر یك چارپایی افتاده بود ، و چشمهای خود را بیك نظر شفقت و مرحمت بر من دوخته بود .

« همهٔ افسران و آمران خود را دیدم که بنظر مرحمت و شفقت بسوی من نگرانند . این نظر مرحمت آنها را برای خود یك مکافات و تلطیفات بزرگی شمردم ، و درینوقت آرزوی یگانهٔ من همین است که باز بزودی کسب صحت و عا

فیت نموده باز بدارالحرب شتاب نمایم .»

(سرگذشت یك مجروح دیگر)

«یك نفر سپاهی ژاپانی که درروز (۲۴) م آکست درانثنای هجومی که به یکی از استحکامهای (پور آرتور) اجرا کرده میشد مجروح افتاده بود سر گذشت خودرا باینصورت بیان میکند :

«درروز (۲۴) م آکست بساعت پنج براستحکام دشمن هجوم کردیم . باور کنید که دهشتناکتراز هجوم بردن بریك استحکام هیچ چیزی تصور نمیشود . اسلحهٔ ماشیندار استحکام از چار طرف برسر ماژالهٔ گله همی بارانید . پیش ازانکه بقصد بحصول انجامد بیشتراز نصف رفقای من تلف شدند . اما کسانیکه برحیات مانده بودیم برین یك قرارداده بودیم که استحکام راازهر طرف در زیر تضییق و فشار آورده ضبط کنیم آخرالامر مظفر شدیم ، و استحکام راضبط کردیم ! .

«بعد ازانکه استحکام را بکمال متانت وجسارت استیلا کردیم ؛ طوپهای ماشیندار استحکامات چپ وراست ، وجبههٔ روس برمابلافاصله گله اندازی جاله آسا اجرا میکردند ، وعسکرهای مایکان یکان برخاك هلاك می افتادند . بسیارکم نفری مانده بودیم . قوت ما همان بتمام شدن رو نهاده بود . درین اثنا یك قوت عظیم روس بر استحکامی که ما آنرا استیلا کرده بودیم هجوم نمود . چون دانستیم که برمدافعهٔ استحکام مذکورموفق شده نمیتوانیم آن موقع متین و آهنین را که بهتر ازمشکلات بدست آورده بودیم به ترك کردن مجبور شدیم .

«در اثنای برگشتن به گلهٔ تفنگ ماشیندار دشمن زخمی شدم ؛ درمنطقهٔ دامهای سیمی برزمین افتادم ، وبررجعت دوام کرده نتوانستم ، وخودرا به

ظهورات قضا و قدر تسلیم کردم . زخم خودرا بخوبی بسته ، و پیچانیدم . از بیم آنکه مبادا روسها مرا به بینند هیچ استراحت نداشتم . بقدر ده قدم به آن سویك چقورئی بنظرم برخورد که از تاثیر یك کلهٔ بم پیدا شده بود ، غلطان غلطان خودرا تابه آن غار رسانیدم . تاثیر این کلهٔ بم ژاپانی عجب کارستانی کرده بود . زیرا بقدر هفت هشت جسد روس را به تاثیر پرتاب خوددران غار مستحصلهٔ خود مدفون نموده بود . منهم درین مزار خزیدم !!

« بعدازسه چار ساعت ازحدزیاده تشنه شدم . مطرهٔ که در گردن داشتم خالیشده بود . در هرطرف نظر انداختم ! از آب هیچ اثری نیافتم . امادر زیر جسد های روسهایك حوضچه کگك پر از خون بنظرم برخورد که خون بسیاری دران تراکم نموده بود . دربئی غم رنگ ، وبو ، وطعم آن مایع مدهش نگشته هاندم لپ لپ خون گرفته نوشیدم ، وبه اینصورت دفع تشنه گی نمودم . تاوقت شام ازشدت درد زخمها ، و خوف و اندیشهٔ کشف شدنم از طرف روسها ، و گرسنه گی و تشنه گی گاه بهوش و گاه بیهوشانه وقت گذرانیدم .

« رفته رفته دست بی امان گرسنه گی وجودم رابه بیچ و تاب میانداخت ، و روحم را مضطرب و نالان میداشت ! اضطراب درد زخمهای من نیز غیر قابل تحمل بیك حالی آمده بود . برسر اینها خوف و اندیشهٔ کشف شدنم از طرف روسها عذاب مرا زیاده تر میافزود . ازین عیترسیدم که جنگ کرده جنگ کرده بمیرم ، ولی این چنین مرگی که هیچ حرکت نتوانم ، وبرقتل دشمن خود مقتدر نشوم ، ودرین غار مانندیك مرغی از طرف دشمن به تیغ حلال شوم حقیقتاً مصیبت بسیار الم انگیزی میشمردم . زیرا دربنوقت مقصد من زنده گانی بود که جور شده بازپس بمیدان حرب درایم ، و گلو بگلو ، و پنجه با پنجه بادشمن زدوخورد نمایم . وبکشم وبکشندم نه اینکه به این حال بیدست وپایی ما

نند آهوی دست وپا بسته سرم را ازتن جدا کنند .

« تام مدت سه روزدرین چقوری به اضطرابات گونا گون جانکندن بسر آوردم . در وقت شام روز چارم ، از نزدیك صداهای روسها بگوشم برخورد ازینواقعه بدهشت برخودلرزیدم ! بدل خود تضرع ونیاز میکردم که مرانادیده بگذرند . ولی این تضرعات من کارگر نیفتاد . چونکه روسها جسدهای ژاپانهارا برچه زده ، ونیم جانهای شان راسر بریده تابه پیش من نزدیکشدند ! .

« من روی خودرادر خاك فرو برده مانند مرده افتاده بودم . یکی از روسها در پیش من ایستاد ، وبدقت بروی من نظر کرد ، ولی درمن هیچ اثر حیات ندیده مرده پنداشت ازاز وجیبهای مراپالیدن گرفت . پیسه ، ونچا نطه ، ولوازم طبیه ودیگر اشیای مراسرقت کرد ! بعدازان باقونداق تفنگ بر پشتم بشدت زده ، وبابرچهٔ تفنگ در زیر استخوان قبورغه امیك زخم دیگری حواله کرده ، ویکچند لکددیگری هم زده درگذشت .

« بسبب تاثیرانجماد خون که در اطراف زخم پیدا شده بود سیلان دم منقطع شده بود ،وتاب وتوانم سراسر محو وزایل شده بود . عالم از حیات دور وبموت خیلی نزدیك بود . امادر خود هیچ اثرزندگی نمیدیدم .

« روز پنجم باران بارید . بتاثیر آب وخامت احوال سراسر تزاید نمود . زخمهایم رفته رفته به تفسخ رونهاده بود . یك قسم سرم درمیان گلها فرو رفته بود ! کرمها ودیگر حشرات مضره برسروروئیم گردش میکردند . مجال اد ناحرکت رانداشتم . پیش از مرگ کرمهای قبروجودم را استیلا کرده بود . والحاصل درعالم زندگی تجربه های مرگ رامیگذرانیدم . تاآنکه سراسر بیهوش شده ازخودئی خود درگذشتم !!

« درعین بیهوشی بودم که صداهای ژاپانها بگوشم برخورده بی اختیار

چشمهایم را کشادم : در روبروی خود قوماندان یك تولی ژاپانی را دیدم . بسوی من بنظر شفقت و مرحمت دیده و مدد فرستادن را بمن وعده داده عسکر خود را به پیش راند .

«بعد از کمتری دو نفری دولی بردار امده مرا برداشتند و بخسته خا نه اوردند ...»

صورت وفات کرنیل (اویا)

«این کرنیل ، در محاربهٔ (مانچوری) در راه شرف بادشاه و وطن خود بکمال شجاعت و دلاوری محاربه کرده کرده فدای جان نموده است . یکشب پیش از محاربه به کفتان (می یوشی) چنین کفته بود :

— روسها را بهمه حال منهزم ، و پریشان باید کنیم . دریـنوقت اینرا کفته نمیتوانیم که چه وقت خواهیم مرد . مع هذا برای این نتیجه دایما حاضر ومهیا باید باشیم ! »

« و اینرا هم وصیت کرده بود که (اگر بمیرد بالاپوش تابستانی اورا برای یاد کار بردارد »

«یك کمی پیش از محاربهٔ که دران کشته میشد بر سر خود یك شیشه (لوانطه) یعنی عطر بریخت . حال آنکه در وقتیکه بخانهٔ خود بود هیچگاه لوانطه استعما ل کردن اورا کسی بیادندارد . و نیز حمام کرده همه وجود خودرا پاك بشست وزیر پیراهنی وزیر جامهٔ پاك وتازهٔ در بر کرد .

« اینست که این طرز حرکت از عادات مستحسنهٔ قدیم جنرالهای ژاپانست که هر وقت بجنك میرفتند بهمین عزم میرفتند که بمیرند ولی پشت بدشمن ندهند ، وپیش از جنك حمام کرده ، ولباسهای پاك پوشیده ، ولوانطهٔ بسیاری

برسر و بر خود میپاشیدند . این عادت قدیم تابحال در اردوی ژاپان موجو داست وا کثرافسران ژاپانی همین عادت را درین جنگ (مانچوری) رعایت کرده اند .

« اینست که کرنیل (اویا) نیزدرروزیکه کشته میشد بهمین طرز حرکت نمود ، ودراثنائیکه تولی خود را به پیش سوق مینمودیك نفرعسکرش پس مانده بود . بمجردیکه روی خود را برای آوازدادن نفرئی مذکوردورداد یك گلهٔ دشمن بطرف چپ سرش برخورده ومغزهایش رابرافشانده هماندم برخاك هلاك درافتاد . درمکتوب یاور این کرنیل‌که به (توکیو) نوشته بود این معلومات ذیل مندرج بود :

« کرنیل (اویاما) شش‌بار درموقع های بسیارنازك حرب به‌تهلکهٔ مرگ‌در افتاده بودکه ازپنج آن رهایی ، ودرششمین آن بیك گلهٔ بی امان دشمن ترك دغدغهٔ حیات نموده است :

« اول در اثنای هجوم (کیه‌ن‌تی‌ین‌شانغ) بوده درزیریك باران شدید گلهٔ تفنگ ، وشرپنل ، وبم ورون با تولی خودبه پیش‌حرکت‌کرده‌بوده کرنیل بعوض شمشیریك‌چوب بدست داشت ، ومیگفت : (برای مغلوب‌کردن روسها همین چوب‌کافی‌وفی‌ست .) هرانقدرکه بدشمن نزدیك‌شده میرفتیم‌بارش گلهٔ دشمن افزونی میگرفت . عصاچوب‌کرنیل‌بگلهٔ دشمن دوباره گردید . اگرچه برای توقف‌کردنش‌یکدوبارر جا کردیم ، ولی او هیچ التفات نکرده (ایلری!ایلری) یعنی(وراند! وراند) گفته به‌پیش‌حرکت‌میکرد ، وتاکامیابی حاصل میشد هیچیك دقیقه توقف نورزید .

« موقع مشکل تهلکه‌ناك دوم این بودکه برای یك‌کشف ؛ اسپ‌خودرادر زیر باران گله های بم‌وشرپنل دشمن بتاخت . بسیاربار دیدیم‌که کرنیل‌درمیان

دودها وغبارهائیکه از اشتعال کفیدن بمها وشرپنلها حاصل میشد سراسر غایب کردید ، وهمهٔ ماازحیاتش یکقلم نومید شدیم . لکن از همهٔ آنها زنده وسلامت رهایی یافت . درین اثنابمها وشراپنلهائیکه در دوروپیش کرنیل می افتاد بیشتراز (٦٥) عدد بوده اما این اشتعالها ، واین صداهای مهیب در نظر کرنیل از آواز موسیقی ، والوان رنگا رنگ جشنهای آتشبازی شیرینتر ورنگینتر می آمد .

« تهلکهٔ سوم رادر هجوم (شیانوچو) کذرانیده است . در اثنائیکه برای ترصد موقع دشمن برامد روسهااورا دیده یکی یکبار همه گی برو آتش کردند اما همهٔ کله ها خالی رفته هیچیك تاثیری براو نکرد . زنده ماندن کرنیل درینجایك حال فوق العادهٔ شمرده میشد .

تهلکهٔ چارم را دروقتیکه در موقع مذکوراحوال ومواضع دشمنرا کشف کرده بسوی (وافانغ تی ین) جنوبی پیش شد در کذرانید . بحرکات پیشروئی این قوماندان شجاعت نشان که درزیرباران کله های بم وشرپنل، وتفنگ ومترالیوز سینه داده پیش میرفت اکر فلك هم مانع میشد موفق نمیشد .

تهلکهٔ پنجم این بود : بعد ازانکه (هیابی ین لینغ)را استیلا کردیم بسوی (فانغ شووی لینغ) حرکت کرده بودیم . دشمن این جارا بسیار تحکیم ومحکم بندی کرده بودند کله مانند باران همیریخت . ولی کرنیل موقع خودرا محافظه کرده ازدادن اوامروا نمی ایستاد . درین اثنابمن کفت : (اکر مجروح بیفتم ، ویا تلف بشوم هاندم کلاه وموزه وعلامت های افسرئی مرا بردار تادل عسکر نیفتد .

ششم تهلکه همین بوده آن را کذشتانده نتوانست، وکلهٔ ناکهان دشمن مغزهایش رابادباد نمود . »



(حرکت عالیجنابانهٔ یك نفری)

در پنجم ماه جولایی (هاشیموتو) نام یك نفری ژاپانی برای وظیفهٔ پهره بر یك تپهٔ مأمور شده بود . درین اثنا پیش آمدن (۱۵) نفر عسکر دشمن را (هاشیموتو) مشاهده نمود . همان دم بسوی تولی خود که درعقب به تأسیس و تشکیل وسایط مدافعه مشغول بودند اشارت کرده اخبار کیفیت نمود . ولی خودش باحواله دار خود برای تعیین کردن مقدار عدد دشمن در پشت یك سنگ بزرگی پنهان شدند . دیدند که درعقب آن (۱۵) نفر عسکر بقدر (۱۵۰) نفر عسکر قازاق روسی نیز در پیش آمدنست . وچنان معلوم میشد که این قوت دشمن برین تولی شان که درینجا بتأسیس اسباب مدافعه مشغول اند یك حرکت دور دادن وعقب گرفتن اجرا کنند .

چون این معلومات را گرفتند (هاشیموتو) وحواله دارش برخواسته بسوی تولی خود روانه شدند . درین اثنا حواله دار را یك گلهٔ در رسیده بر خاك هلاك بیفتاد .

حواله دار در نفس واپسین خود به (هاشیموتو) این وصیت را کرده جان داده:
— غیرت کن ! بزودی افسر تولی را از حادثه آگهی ده .

(هاشیموتو) دلش بهیچصورت به این راضی نمیشد که جسد آمر خود را بدست دشمن تسلیم کند . لهذا جسد حواله دار را همراه تفنگش بر پشت خود برداشته از تپه فرو آمد . هنوز یکچند قدم فرو نیامده بود که در پیش رو پیش دو نفر عسکر دیوقامت روسی پدیدار گردید . چون وقت آتش کردن نبود هماندم نیك جهیدن لگد انداز جمناستیکی یکی ازانها را بپایان لولان نمود و باآن دیگر بمجادله آغاز نهاد . این مجادله خیلی مدهش بود . درانثنای زدوخورد هردوی شان لولان شدند . گاه یکی بزیرو آن دیگری ببالا و گاه بعکس آن تابه

نیم تپه غلطان غلطان رفتند . ولی (هاشیموتو) چابکدستی کرده کارد ژاپانی خودرا کشیده سینهٔ دشمن خودرا بشکافت . وباز پس برگشته جسد حواله دار را در زیر بوته ها وخاکها پنهان ساخت وبه نزد تولی خود عودت نموده قوماندان تولی را از کیفیت حرکات روسها آگاهی داد .

قوماندان ، این حرکت عالیجنابانهٔ نفررا تحسین کرده بما فوق خود از کیفیت خبرداد .

مکتوب دختر کرنیل « می پوشی » به پدرش

هنگامیکه جنرال (قوروپاتکین) درسنهٔ ۱۹۰۳ بقصد سیاحت به ژاپونیا آمده بود کرنیل (می پوش) نیزدرمیان هیئت استقبالیه ئیکه ازطرف دولت ژاپان مقرر شده بود مامور بود . وازانسبب ازرتبهٔ سوم یك نشان روسی به او داده شده بود .

کرنیل مذکور دریکبار پیش ازانکه بجنگ مانچوری میآمد حیات خودرا بمبلغ (۱۵۰۰) مارق (سیگورت) یعنی (بیمه) نموده بود . این کرنیل به اسپ سواری وشکار خیلی هوسکار بود . محبوب یك زوج ، ومشفق یك پدر بود . همه اوقات بیکارئی خودرا به تربیهٔ اولاد خود صرف میکرد . دختر بزرگ اودر مکتب اناثیهٔ (کیوتو) تحصیل علم وعرفان مینمود . این دختر مکتبی که یازده ساله بود این مکتوب را بدازالحرب برای پدر خود فرستاده بود :

« پدر مهربان من !

« برای دانستن ، وخبر گرفتن احوال زنده بودن شما هرروز یك اخبار یکه روزانه چاپ ونشر میشود گرفته میخوانم . گمان میبرم که در بسی محاربه ها موجود بودید ، وبکمال قهرمانی وبهادری محاربه کردید انشاءالله بسلامت و

مظفریت می آئید، و بحکایات و مناقب برگزیدهٔ آن محاربه های باشان و شرف این دخترك عاجزه کك تار اپرور شیاب فضل و عرفان میکنید .

« خیال شما شب و روز از نظرم دور نمیشود . و اینک دعا را که وظیفهٔ خودتان را پیش از انکه لایق بجسارت و شجاعت خود بسر برسانیدازین عالم فانی وداع نکنید ؛ هیچ یکدقیقه از زبان خود کم نمیکنم ! »

نقشه هائیکه در ریگ پنهان شده بود

(آزاقا) نام یك دفه دار ژاپانی در روز (۹) م آکست با دو نفر دیگر در اثنائیکه برای تفتیش گردش میکردند یکی یکبار از طرف یك فرزهٔ روس که در انجاها کمین کرده بودند دو چار تعرض شدند . از آتش ناکهانی تفنگ روسها اسپ دفه دار بیچاره رم بد نمایی خورده (آزاقا) را به بدصورت بر زمین انداخت ، و از تاثیر این افتادن پایش بشکست . یکی دو نفری دیگری که هردو مجروح شده بودند باوجود مجروحی برای خبردادن به طرب ، بعقب تاختند بعداز کمی یکمقدار قوهٔ معاونه گرفته باز بمحل واقعه بیامدند ، ولی ازدفه دار اثر نیافتند . معلوم شده بدست روسها اسیر شده است .

حال آنکه در نزد (آزاقا) یکچند نقشهٔ بسیار مهمی موجود بود که از افتادن آن نقشه ها بدست روسها قوماندان طرب بسیار به اندیشه و تلاش افتاد دو هفته بعد یك قطعه عسکر کشاف ژاپانی که درهمان محل کشت و گذار میکردند درمیان ریگها یك کاغذپاره بنظرشان برخورد . یکی از نفرها از اسپ فرو آمده وریگها را پس کرده یکچندورق پاره ئیکه باخاك وخون آغشته شده بود ازمیان ریگها بیرون براورد .

چون خوب نظر کردند معلوم شد که این اوراق همان نقشه هایی بود که در پیش (آزاقا) بود ، مگر بیچاره (آزاقا) در نفس آخرین خود بجز اینکه نقشه های مذکور

را در خاك پنهان سازد دگر چارهٔ نیافته بود ..

قوماندان طرب بر کاروایی و صداقت (آزاقا) تحسین ها نموده حفظ کردن اوراق مذکوره را برای یادگار بموزه خانهٔ عسکری توصیه نمود .

(یك تار موی اسپ یك رساله ئی)

یك طرب سوارئی ژاپان ، بعد از عقب گیرئی روسها بر گشته دریك موقعی توقف کرده بودند . دران اثنا عرابهٔ داك واصل شده عسکرها همه گی دویده اطراف عرابه را گرفتند . افراد این طرب نیز دران میان بود .

داکی نامهای هر کس را به آواز بلند میخواند ، و هر کس پیش دویده پاکت خودرا میگرفت ، و بیك ذوق و تلاش پاکت را پاره کرده احوال خانه و مملکت خود را از زبان اقربا و تعلقات خودها میخواندند . زمین از پاکتهای پاره شده بیك قالیچهٔ سفیدی فرش شده بود .

بعضی از افراد به نظرهای متبسمانه مکتوب خودرا میخواند بعضی غمگینانه بعضی مدققانه ، بعضی متلاشیانه ، بعضی مستریحانه میخواندند که ازین وضع های مختلف الاطوار آنها تا یکدرجه مضامین مکاتیب مذکور معلوم میگردید .

بعد ازانکه مکتوبهای خودرا خواندند از طرف افسران بعسکر ماذونیت داده شد که جواب مکتوب های خودرا بنویسند . ازان رو هر کس دریك گوشهٔ نشسته بجواب نوشتن آغاز نهادند . بعد از یکساعت جوابها تمام شده افراد مکتوبهای خود شان را بهیئت افسران تسلیم کردند .

افسران مذکور بقرار قاعدهٔ که در دارالحرب ها موجود است مکتوبهای افراد را ازبهر آنکه مبادا اسرار و حرکات عسکریه را افشا کرده باشند یگان یگان از نظر مطالعه گذرانیده ، و غلطیهای آنهارا اصلاح کرده ، وسرهای

مظفریت می آئید، و بحکایات و مناقب برگزیدهٔ آن محاربه های باشان و شرف این دخترك عاجزه تك تار اپرور شیاب فضل و عرفان میکنید .

«خیال شماشب و روز از نظرم دور نمیشود . واینده‌ارا که وظیفهٔ خودتان را پیش از انکه لایق بجسارت و شجاعت خود بسر برسانید از ین عالم فانی وداع نکنید ؛ هیچ یکدقیقه از زبان خود کم نمیکنم !»



نقشه هائیکه در ریگ پنهان شده بود

(آزاقا) نام یك دفه دار ژاپانی در روز (۹) م آگست با دو نفر دیگر در اثنائیکه برای تفتیش گردش میکردند یکی یکبار از طرف یك مفرزهٔ روس که در انجاها کمین کرده بودند دوچار تعرض شدند . از آتش ناگهانی تفنگ روسها اسپ دفه دار بیچاره رم بدنمایی خورده (آزاقا) رابه بدصورت بر زمین انداخت ، واز تاثیر این افتادن پایش بشکست . یکی دو نفری دیگری که هر دو مجروح شده بودند باوجود مجروحی برای خبردادن به طرب، بعقب تاختند بعداز کمی یکمقدار قوهٔ معاونه گرفته باز بمحل واقعه بیامدند. ولی از دفه دار اثر نیافتند. معلوم شد که بدست روسها اسیر شده است .

حال آنکه در نزد (آزاقا) یکچند نقشهٔ بسیار مهمی موجود بود که از افتادن آن نقشه ها بدست روسها قوماندان طرب بسیار به اندیشه وتلاش افتاد دو هفته بعد یك قطعه عسکر کشاف ژاپانی که در همان محل گشت وگذار میکردند درمیان ریگها یك کاغذپاره بنظرشان برخورد . یکی از نفرها از اسپ فرو آمده وریگهارا پس کرده یکچند ورق پاره ئیکه باخاك وخون آغشته شده بود از میان ریگها بیرون براورد .

چون خوب نظر کردند معلوم شد که این اوراق همان نقشه هایی بود که در پیش (آزاقا) بود. مگر بیچاره (آزاقا) در نفس آخرین خود بجز اینکه نقشه های مذکور

را درخاك پنهان سازد کرچارهٔ نیافته بود ..
قوماندان طرب بر کاروایی وصداقت (آزاقا) تحسین ها نموده حفظ کردن اوراق مذکوره رابرای یادکار بموزه خانهٔ عسکری توصیه نمود .

(یك تارموی اسپ یك رساله ئی)

یك طرب سوارئی ژاپان ، بعدازعقب کیرئی روسها برکشته دریك موقعی توقف کرده بودند . دران اثنا عرابهٔ داك واصل شده عسکرها همه کی دویده اطراف عرابه را کرفتند . افراد این طرب نیز دران میان بود .
داکی نامهای هرکس رابه آواز بلند میخواند ، وهرکس پیش دویده پاکت خودرا میکرفت ، وبیك ذوق وتلاش پاکت را پاره کرده احوال خانه ومملکت خود رااززبان اقرباو تعلقات خودهامیخواندند . زمین از پاکتهای پاره شده بیك قالیچهٔ سفیدی فرش شده بود .
بعضی ازافراد به نظرهای متبسمانه مکتوب خودرامیخواند بعضی غمکینانه بعضی مدققانه ، بعضی متلاشیانه ، بعضی مستریحانه میخواندند که ازین وضع های مختلف الاطوار آنهاتایکدرجه مضامین مکاتیب مذکورمعلوم میکردید .
بعد ازانکه مکتوبهای خودرا خواندند از طرف افسران بعسکرماذونیت داده شدکه جواب مکتوب های خودرا بنویسند . ازان رو هرکس دریك کوشهٔ نشسته بجواب نوشتن آغاز نهادند . بعدازیکساعت جوابها تمام شده افراد مکتوبهای خود شان را بهیئت افسران تسلیم کردند .
افسران مذکور بقرارقاعدهٔ که دردارالحرب ها موجوداست مکتوبهای افراد را ازبهر آنکه مبادا اسرار وحرکات عسکریه را افشا کرده باشند یکان یکان از نظر مطالعه کذرانیده ، وغلطیهای آنهارا اصلاح کرده ، وسرهای

پاکت هارابسته ومهر لاك کرده به داك تسلیم میکردند .

یکی از مکتوب های مذکور را یك افسر کوچك مطالعه میکرد یك نار موی ظهور نموده افسر مذکور به آواز بلند دیگر افسران را خطاباً گفت :

— درمیان این مکتوب یك نار موی ظهور نمود که عجب یك کیفیتی دارد . بشنوید که به آواز بلند بخوانم :

مکتوب مذکور از طرف یك نفر رساله چی برای پدرش به اینمضمون نوشته شده بود :

پدر مهربان من !

« امروز مکتوب شمارا گرفته خبر صحت وعافیت شمامرا ازحد زیاده ممنون ومسرور ساخت . منهم تا به اینندم زنده ام . درماه گذشته برای رهانیدن یك قسمی از تول غند (قوروکی) ازجناح چپ بر دشمن بهجوم مأمور شده بودیم . دشمنرا بحال فلاکت اشتمالی درآورده تارومار نمودیم . وتا بوقتیکه (قودان شای) را ضبط واستیلا کردیم ازعقب گیرئی دشمن وانه ایستادیم . بعد ازان بر دشمن که در (قانوتای لینغ) بود بهجوم آغاز نهادیم . طربیکه من به آن منسوب بودم ، درقطاری که جناح چپ دشمنرا تعقیب مینمود موجود بود .

« مفرزهٔ دشمن که ازعسکر طوپچی ، وسواری مرکب بود در جوار قرارگاه تول غند خود شان بر دو تپهٔ کوچك چار قطعه طوپ سیار تعبیه کرده بودند . این چهار طوپ بر طرب رسالهٔ ماکه درمیدان صاف به پیشرفتن مجبور بودند متحداً آتش کشادند . من برای ترصد بر یکی از تپه ها مأمور شدم . دراثنائیکه من ورفیقم (قوباتان) پیش میرفتیم در پیش روی مادر بسیار نزدیك یك گلهٔ بم دشمن بکفید . رفیق بیچاره ام را تلف واسپ مرا زخمی نمود .

« از تلف شدن رفیق خود (قوباتان) محزون ، واز مشاهدهٔ حال جانکندن

اسپ خود دلخون شدم . الحق که مفارقت ابدئی این حیوان صادق که ازینقدر مدت تمام با همه محنتها و مشقتها با من رفیق و شریك بود خیلی یك حزن الیمی در دلم پیدا کرد بر اسپ رفیق خود سوار شدم ، و در پی وظیفهٔ که بران مقرر شده بودم روانه شدم بعد از انکه وظیفه ام را بجا آورده پس گشتم حیوان بیچارهٔ خود را مرده یافتم . پارهٔ گلهٔ بم تمام بر جگر گاه آن حیوان بیچاره خورده بود .

« آیا بزرگتر ازین مصیبت چه تصور شود که برین حیوان صادق بی آنکه یك کار وخدمت بزرگی که نمونهٔ امتثال شجاعت ، و نمونهٔ امثال عبرت شود از دستم بیاید آن بیچاره پیشتر از من رهسپار عدم گردد !

« مویی که درین مکتوب خود برای شما فرستاده ام یك یادگار قیمتدار یادآوری آن یار وفاشعار منست . این تار مو را در یك جای مناسب ده خود مادفن کرده یك لوحه سنگی نیز بران نصب کنید ، و بران لوحه سنگ نیز این عباره را بنویسید : « قبر (قوتا) نام اسپ یکنفر عسکری سواری میباشد » هرگاه زنده و سلامت به ده عودت کنم آنوقت یك صندوقهٔ قبر بسیار خوبی برای آن ساخته قدرشناسئی آن یار صادق خود را بجا خواهم آورد . »

تاکه خواندن این مکتوب بانجام میرسید همهٔ سامعین به نهایت درجه متأثر دیده میشدند ، و از تاثیر رقتپرورانهٔ این مکتوب همه افسران را یك سکونت و سکوتی فرا گرفته بود . . بلی ! بسببیکه درباب بزرگئی شفقت ورقت قلبیهٔ یك عسکر ژاپان یك نمونهٔ خوبی بدست آمده بود همه افسران بیك بحر سرور و نشاطی غوطه خوار حیرت شده بودند .

ملاقات یك افسر روسی بایك افسر ژاپانی

یك افسر اگر هر قدر شجیع و بهادر ، و دربارهٔ دشمن سنگدل و بیرحم با

شد امابازهم انسانست ، گاهی میشودکه چشمان اوبا شکایهٔ تأثر پرمیشود . یك فرقی که درمابین او بادیگران هست همین است که درین چهره یك لمعهٔ شجاعت ویك بارقهٔ قهر وغضب میدرخشد .

دو آدم رفیق القلب که باهمدیگر روبرو آیند هرقدراشك که بریزندوهرقدرحسیات مشفقانه که بیکدیگر نشان بدهند، دوافسرجنگی نیزبمقابل یکدیگر ازدرجه های عالیترین این تحسسات قلبیه نمونه ها نشان داده میتوانند .

یك افسرژاپانی ، بایك افسرروسی که دراثنای نهایت گرمئی محاربه ، و هنگامهٔ رستخیز جنگ ومقاتله یك دورهٔ صلح وصلاح موقتی برای خودحاصل آرده با همدیگریکچند دقیقه ملاقات کنند ، وبمقابل همدیگرحسیات مودتکارانه بروی کارآورند آیاچقدرعلوی یك منظره ، چقدررقت انگیزیك صحنه تشکیل میدهد ؟

هرگاه انسان بخواهد که صورت جریان این ملاقات راتحریروتصویر نماید دل رایك سرور حزنی استیلامیکند ، قوهٔ متخیله مانند انوارشمس در آفاق علویه سیران وجولان میکنند !

گاهی میشودکه سما ابرآلود، وزمین برف آمودباشد. . . اما تاثیراین عوارض طبیعیه ضیای شمس وقمررا قطعیاً غایب کرده نمیتواند !

دریك روز ماه دسمبرسنهٔ (۱۹۰٤) ازطرف یك افسرروسی یك مکتوبیکه بیك افسرژاپانی خطاباًنوشته شده بود بیکی ازپهره های نخستین خط حرب نوالغندژاپان رسید .

آیادرین مکتوب چه نوشته شده بود؟ این مکتوب درباب حرب حاضر هیچ معلوماتی رامحتوی نبود . بلکه تنها از آرزوی دست بدست مصافحه شدن یك افسرروسی بایك افسرژاپانی حکایت میکرد . مکتوب مذکور

بسیار نازکانه وظریفانه نوشته شده بود . بعد از کمی به این مکتوب افسر روسی از طرف افسر ژاپانی جواب نوشته شد ، ودرین جوابنامه قبول شدن آرزوی افسر روسی از طرف افسر ژاپانی تذکار کردید . درمکتوب خود افسر ژاپانی بعضی شرایط ملاقاترا اصلاح و تعدیل کرده به اینصورت شرایط بیان نمود :

«درزیر احکام این شرایط ذیل باشما ملاقات کرده میتوانم ، و بعرض آن کسب شرف ومباهات میکنم :

۱) — جائیکه از طرف شما برای ملاقات تعیین شده ، من آنجا را چندان موافق نمیشمارم . لهذا یکقدری بطرف شرق یك موعد ملاقات تعیین باید شود .

۲) — روز (۳۱) م : سمبر در وقت زوال ملاقات اجرا کرده خواهد شد .

۳) درا ثنای رفتن و آمدن همهٔ آتش منقطع باید شود ، وچنانچه من درینباب به تول غند خود معلومات میدهم ، شما را هم لازمست که همچنین حرکت باید بکنید .

٤) — مدّت ملاقات عبارت از (۳۰) دقیقه باید بود .

٥) — دراثنای ملاقات از طرف مایك بیرق سرخ برافراشته میشود .

اینستکه اگر این شرایط قبول کرده شود باشما ملاقات کرده خواهم توانست وبا این عرض حسیات احترامکارانهٔ خودم را تقدیم میکنم » .

وقتیکه این مکتوب به تول غند روس رسید هماندم این جوابنامه نوشته شد .

« مکتوب شما که مبشر بر قبول شدن آرزوی من از طرف ذات عالیٔ شما وقوماندان محترم شما بود مراشرف بزرگی عطا نمود . همهٔ شرایطی را که بیان کرده اید قبول کردم . باخود دونفر میآرم . یکی ازین دونفر یك بیرقی

که نصفش زرد ونصفش سرخ باشد حامل خواهد بود . محافظه کردن شما راازهرگونه تهلکه درعهده میگیرم . مع هذادران اثنا حرکات عسکریهٔ تول غند مادو چارتعطیل نمیشود . دروقت رفتن وآمدن شما بموعد ملاقات ، و دراثنـای مصاحبه نه بخود شماونه بعسکرهائیکه باشماست هیچگونه تعرض کرده نمیشود . بمحل ملاقات ازراه (تایشا نغتون) می آیم وتابوقتیکه بیرق شمارابه بینم انتظارمیکشم .

« وقتیکه شما را به بینم امید میکنم که اسم عالی شمارابیاموزم ، و بمقابل آن اسم خودرانیز بشمامیدانانم . »

روز (۳۱) م دسمبر درآسمان یك پارچه ابر هم نبود . آفتاب باهمه قوهٔ فیاضانهٔ خود شعشعه نثاری میکرد . گویا که صانع قدرت این لطافت رابشرف ملاقات این دوافسربرای همین روزتخصیص کرده بود !

افسرژاپانی بریك اسپ سوارشد ، وعسکرها نیزاوراپیروی کردند . ده دقیقه بعد سوارهای طرفین بهم روبرو آمدند ، وهماندم ازاسپهـا فرو آمدند ، و بمکالمه ومصاحبه آغازکردند . درحالی که نیمساعت برای ملاقات قرارداده بودند بیکساعت طول کشید . نهایت زمان مفارقت در رسید . این دونفرافسرکه دراثنای جنگ بخون هم دیگرتشنه جنگ میکردند ، دراینوقت مانند دویارجانی ازهمدیگرجداشدند .

اینست که ایندو افسر درمیدان هـا یهوی جنگ وجدال یك دورهٔ مسعودیت گذرانیدند .

(وفات صوبه دارنوژی)

خبروفات صوبه دار (نوژی) که دراثنای هجوم برتپهٔ (۲۰۳)م در (پور

آرتور) کشته شده بود ، همهٔ ژاپا نها را دلخون و محزون کرده بود .

جنرال (نوژی) فاتح (پور آرتور) را دو پسر بود که یکی (حوته‌ن) و دیگری (شوته‌ن) نام داشت . وهر دو بمنصب صوبه داری در تول غند (۳) م بر (پور آرتور) سوق شده بود . (شوته‌ن) در محاربهٔ (نانشان) کشته شده . (حوته‌ن) در هجوم تپهٔ (۲۰۳) کشته شد .

(حوته‌ن) بیست و چار ساله یك افسر نوجوانی بود . بعد از انکه مقدمات تحصیل خود را اکمال نموده بمکتب اعدادئی عسکرئی (ناغویا) دوام کرده ، و بعد ازان بمکتب حربیهٔ (توکیو) داخل شده بود ، و ازانجا بمنصب صوبه داری برامده بود .

وقتیکه خبر زخمی شدن برادر خود (شوته‌ن) را شنید همان دم به خسته خانه ئیکه هفت فرسخ دور بود دوید . یکدو دقیقه پیشتر از وفات برادر خود درانجا واصل شده بود . اگرچه (شوته‌ن) بیچاره به اضطراب مرك از خود بیخبر بود باز هم چشمان خود را باز کرده بسوی برادر خود متبسمانه بیان تشکر کرده بود .

بعد ازان (حوته‌ن) به تولی خود بر گشت و برای حاضر شدن در مراسم تدفینهٔ برادر خود از آمر خود رخصت استحصال نمود . به این افسر نوجوان از پدر خود اصالت ، وشجاعت و بسی مزایای عسکریه انتقال کرده بود . دایما در پیش روی تولی خود حرکت میکرد ، و درزمانهای شدتنا کترین آتش نیز بعسکر معیت خود از وصیت بشجاعت و جسارت خالی نمیماند . همه آمرها و افسرهای بزرگی که او بمعیت شان بود افعال و حرکات این افسر نوجوان را تحسین و آفرین میکردند .

بنابر وفات (شوته‌ن) همهٔ افسران تول غند با جنرال (نوژی) متأثر و محزون شده بودند . و برای اینکه پسر یگانهٔ دیگر او یعنی (حوته‌ن) هم ضایع نشود او

را به هیئت ارکان حربیه مامور کردند . این حال بجای اینکه جنرال (نوژی) و پسرش را ممنون کنند خیلی موجب کدورت آن جنرال پیر باتدبیر گردید . لهذا هماندم برای هیئت ارکان حربیه یك کاغذ نوشته دران کاغذ خود درجا و استرحام نمود که اگر پسر مرا از سوق و ادارهٔ یك قطعهٔ عسکریه عاجز و غیر مقتدر نمی بینید در خط نخستین حرب تعیین بکنید . زیرا او بدرجهٔ ارکان حربیه نرسیده از مقرر کردن اورا بهیئت ارکان حربیه ندانستم که چه مقصد است! بعد از ان این افسر نوجوان بجنرال (تومو باسو) معاون تعیین کرده شد .

در اثنای هجوم شدتناکی که برتپهٔ (۲۰۳) اجرا کرده شد، در حالتیکه در پیش روی همه عسکر بود از ین دار فنا وداع ابدی گفت و وفات این پسر دوم جنرال نوژی سخن اورا که در وقت وداع در (توکیو) به زوجهٔ خود گفته بود بحقیقت مبدل نمود .

جنرال (نوژی) به زوجهٔ خود چنین گفته بود :

— « پدر با اولاد های خود برای محافظهٔ وطن، و مدافعهٔ حدود از شما جدا میشوند . برای اولادهای من بزرگترین شرف ، و برای خودم مقدس ترین آرزو همین است که در راه این مقصد مقدس مراسم تدفینیهٔ هر دو اولاد خود را در یك روز اجرا کنم ! »

(حونه ن نوژی) ، در وقتیکه اورا بهیئت ارکان حربیه تعیین کرده بودند بیکی از رفقای خود که مجروح افتاده بود یك مکتوب تسلیت آمیزانه و از حال خود شکایت انگیزانه یك مکتوبی نوشته بود که صورت آن از قرار ذیلست :

— « دوست محبت پرور من !

« مع التأسف مجروح شدن شمارا شنیدم . چون فرصت ندارم بالذات به عیادت شما آمده نتوانستم ، تنها به این مکتوب خود شمارا تسلی میدهم .

بعضی از رفقای خودرا کشته ، و بعضی را مجروح می بینم ... بیچاره را برای تنظیم و تسویهٔ بعضی کارها درعقب مقرر کرده اند ، و از انسبب ازین شرف ها محروم مانده ام .

« وقتیکه درمکتب بودم نه این وظیفه هائیکه درینوقت مرا بران مقرر نموده اند آموخته بودم ، ونه درینجا برای اینکارها آمده بودم . امتدادیافتن این محاربه هنوز تابسیار وقتها احتمال دارد . برخود خوب دقت . برای خاطر مملکت محبوب تان کوشش ورزیدکه زود اعادهٔ صحت بکنید .)

انتحاریك افسرچرخجئی بحری

در اثنای تشبث سومین سدنمودن مدخل (پور آرتور) این افسر ژاپانی که درکشتئی (اوتارومارو) مأموربود بدست روسها اسیرافتاده بود از تاثیر زخمی که برداشته بود از خود بیخبر بوده به کشتئی خسته خانهٔ (مونغولیا) نام روسی نقل داده شده بود .

وقتیکه از حال بیهوشی رهایی یافته چشمان خودرا باز کرد دیدکه یك افسر روسی فوطوغراف اورا میخواهد بگیرد . افسر ژاپانی ممانعت نمود . افسر روسی اصرار کرد . افسر ژاپانی بیان کردکه درهیچ یك مملکتی که تمدن کرده باشد این عادت نیست که تااجازهٔ خود انسان نباشد فوتوگراف او گرفته شود ، و اینحرکت شماقطعیاً لایق افرادیك ملت مدنی نمیباشد . بنابرین افسر روسی از گرفتن فوتوگراف افسر ژاپانی صرفنظر نمود .

وقتیکه درمجلس بود ، تابزمانی که دستهٔ کشتی های جنکی روس در (پور آرتور) میبود احوال صحیهٔ افسرژاپانی خوب میبود . هرروزاز پنجرهٔ که بسوی مدخل(پور آرتور) ناظربود دستهٔ کشتی های جنکی راسیرمیکرد ،

وچون از پنجره مفارقت میکرد ، بجای خود یك نفر نی ژاپانی را که او هم اسیر بود برای نظارت کردن دستهٔ کشتیهای جنگی در پنجره می نشاند ·

در روزهای آخر ماه جون یك صبحی بود که دستهٔ کشتی های جنگی روس خروج نمود . این حرکت بر افسر ژاپانی خیلی گران آمد · بعد ازین بغیر از آب وچای دیگر چیزی نمینوشید · نان ودوائیکه از طرف دا کترها به او داده میشد نمیخورد · واز ینسبب رفته رفته قوهٔ بدنیه اش تناقص میکرد · ووجودش روز بروز ضعیف میشد ·

در (۸)م آگست هر قدر که ممانعت کرد اورا بخسته خانه خوابانیدند · درینجا چون مجبور بود که دوا وغذا را بخورد زبان خود را جویده وساعت خود را بهپنهانی فرو برده به اینصورت انتحار کردن خواست ولی موفق نیامد ، بعد از یك ماه باز اورا بحبسخانه فرستادند وجودش آنقدر ضعیف شده بود که رفقایش نیز اورا نشناختند · علی الخصوص که بسبب جویدن زبان خود بدرستی سخن هم گفته نمیتوانست · یگانه مقصدش همین بود که یك آن اولتر خود را کشته از اسارت دشمن وارهد ·

آخر الامر خود را از طبقهٔ سوم حبسخانه بکله پایان انداخته تلف نفس نمود · وجودش پارچه پارچه شده بود ، مراسم تدفینیه اش در پور آرتور از طرف روسها بکمال تأثر وتقدیر اجرا کردید ·





ازین سفر حرب عظیم روس وژاپان دربارهٔ (فن عسکری) فائده های بسیار مهم وبزرگی حاصل شده است وخلاصه وزبدهٔ همهٔ این کتاب برای فنون حربیهٔ عسکریه عبارت از همین نتیجه های مهمه ایست که درین فصل ذکر و بیان میشود . نتیجه های مذکور بر صنوف مختلفهٔ عسکریه جدا شده یکان یکان درینجا نشانداده شده است . اماچون همهٔ این مسئله ها متعلق فنون حربیهٔ عسکریه میباشد بجز ارباب آن دیگر کسی ازان کمتر استفاده کرده میتواند .

(طوپچی)

صنف طوپچی نیز مانند صنفهای دیگر ازین سفر (مانچوری) خیلی از خیلی استفاده کرده است .

شرایط جدیده ئیکه بصورت استعمال طوپچی عائداست : —

طوپهای جدید یکه دورمنزل ، وسرعت بزرگ انداخت را مالك باشند ، وازمواضع مستور به اجرای تأثیر کردن قابلیت داشته باشند وبرهدفهائیکه باخندکهای شکاری مستور باشد ضعیف بودن تاثیر آتش آن در محاربه های زمان ماشرایط استعمال طوپچی را تنظیم وتعیین میکنند .

اگرچه بصورت تصادفی هم باشد ، هرگاه در داخل ساحهٔ تأثیر شراپنل در میدان بازیك هدفی ظهور نماید درظرف یکدو دقیقه بضایعات مدهش دوچار

میشود . زیاده کی منزل (از ۵۵۰۰ تا ۶۰۰۰) متر دایرهٔ تأثیرات طوپچی را در داخل نسبتهای عظیم توسیع کرده است .

استعمال شراپنلی که بخوردن باچیزی بکفد ، بسبب حاصلشدن تأثیر بسیار جزوئی ان ثابت شد که بمقابل هدفهای مادی و مقاوم هیچ یك خسارت مهمی بوقوع آورده نمیتواند .

آمدیم بر گله های طوربیلی که ژاپانها استعمال کرده اند : بسبب مشکلاتی که درراه حاصل کردن صحت انداخت آن پیش آمده تأثیر آن نیز خیلی محدود مانده است . بناءً علیه وظیفهٔ اصلیٔ طوپچئی نو عبارت ازینست که متحرك وذیروح هدفهارا تخریب کنند ، وشکل طبیعئی انداخت نیز همین است که با(رافال) نام شراپنل و بسیار زود و چابك آتش کرده شود . آتش آهسته ، تنها بر مواقعیکه قطعات احتیاط ، وقطار وقافله دران مأمول ، واز نظر محفوظ باشد اجرا کرده میتواند شد . هرگاه شراپنلها وقت بوقت درعین یك موقع اشتمال بکنند ، درچنان نقطه ها اقامت کردن بالطبع خیلی مشکل و مخاطره دار است که ازانسبب دشمن به تبدیل دادن موقع مجبور میشود .

حالا پیش ازانکه ازنتایج طوپچیگرئی که درین حرب اقصای شرق استحصال شده عرض وتشریح کنیم دراول امریکنظر سریعی بسوی تشکیلات طوپچئی هردوطرف عطف کردن لازمست .

طوپچئی صحرای روسها ، عبارت ازطوپ خانه های بودکه هرطوپ خانه از (۸) قطعه طوپ ، و(۱۲) عرابهٔ جبه خانه مرکب بود ، وازینسبب تشکیلات آن خیلی سنگین بود . درزمان اعلان حرب هنوز تجهیز نشده بودند . همه طوپ خانه هائیکه بدارالحرب فرستاده شده بودبقدر نصف آنهامالزمهٔ نو خود شان رایك کمی پیشتراز حاضرئی سفرحرب ، ودراثنای حاضرئی سرحرب

حرب گرفته بودند . و تعلیمنامه ، وتعلیمنامهٔ انداخت نواین طوپ‌ها چار پنج ماه بعد بطوپ خانه‌ها فرستاده شده بود . افراداحتیاطیهٔ که صنف طوپ چی‌را بموجود سفر یش ابلاغ کنند قسماً ازافراد پیاده وسواری مرکب بودکه ازهرگونه تعلیم ابتدائی طوپچیگری محروم بودند .

طوپ های صحرای نوروسها اگرچه یك اسباب مخصوص پس آلکدزدن را داشت ولی بمعنای حقیقی خودیك طوپ سریع آتش نبود . زیرا بعدازهر انداخت تنظیم وتوجیه کردن شان لازم می آمد . واینهم بسیار شایان دقت و حیرتست که نه‌درطوپ های روس ونه‌درطوپ‌های ژاپان سپر هائیکه مخصوص برای محافظهٔ افرادطوپچی باشد،وجودنبود .

جبه خانه‌روسها نیزبیك حالی که بمطلوب،وافق باشدنبود . ودلیل آن اینست که بسیاربارها گله‌های شان درداخل میل طوپ می کفیدو بسیار گله های شان بودکه اشتعال نمیکرد ، ونقطه‌های اشتعال شان بسیارانحراف میکرد . یك قسمی ازکارتوس های شان که برای طوپ های مودل (۷۷) عائدبود بابار وت‌های سیاه و کهنه مملو شده بودکه محذورهای بسیار آنها نیزدیده شده بود . جونکه برمواقع مسکونه ، واستحکامهای صحرا که درهرهرسو تصادف میشد گله‌های بسیاری انداختن لازم می آمد ، وبرای این بکارطوس بسیاری اشداحتیاج دیده میشد موجود نبودن هوانهای موافق صحرانیزبرای روسها این محذوررا زیاده تر کرده بود . سوق‌وادارهٔ آتش بسیار که میشد باجزو تام کنندك اجرا کرده میشد . طوپ خانه های روس درابتدای حرب ، درزمین صاف بی‌پناه به‌صف میدرامد ، واکثردرمیان خط پیاده اخذ موقع مینمود . بعد ازتجربه های بسیار تلخی که ازینگونه حرکات حاصل کردندطوپ خانه‌های خودشان‌را در پس پشت تپه ها ، واکثربصدهامتردورترمیکذاشتندو بعدازتنظیم انداختی که

ازمسافه های دور میکردند یك قطعهٔ (۶۰۰) مترهیی را در زیر آتش شراپنل گرفته بهمینقدرا کتفامیکردند .

کرنیل (برونزار) المانی در راپور خود گفته است که :

« روسها ، دایما این اصول را ترجیح میکردند که همه اراضی را درزیر آتش تیت بگیرند . گاهی دریکجاو گاهی دردیگر جادودهای کوچك کوچك سفید کفیدن شراپنلهای شان دیده میشد . ژاپانها درکم مدت این نوع آتش را دانستندکه هیچ مخاطره ندارد .

« روسها به این یك هیچ اهمیت نمیدادند که صنف طوپچی را برای استحصال نتیجهٔ قطعیه باصنوف دیگر درحرکات شریك سازند ، وازین بودکه باوجود حرکت های فداکارانهٔ بعضی افسران آتش طوپچئی روس نتیجه های مهم حاصل نمیتوانست کرد . همه ضایعات ژاپانها که ازطرف طوپچئی روس بوقوع می آمد از صد (۷تا۸) نمیگذشت .

« پس به این تأثیرات قلیلهٔ طوپچی صحرای روس دیده درباب تأثیرات طوپچی صحرا یك حکم عمومی دادن ، یك خطای فاحش میشود .

« آمدیم بر ژاپانها : طوپخانه های اینهاشش طوپی بود . طوپها خفیف ولی ترتیبات تسمه و جوت و اسباب کشیدن طوپ شان بد بود . بنابرین قابلیت حرکت شان جزوی بود . درصورت عمومیه بطرز عادتی حرکت کرده است . طوپ صحرای ژاپانها سریع آتش هم نبوده ودرخواص (بالستیقیه) ازروسها دونتربود . امامقابل این جبه خانهٔ ژاپانهاازروسها بهتر بود . بازهم شراپنلهای شان نسبت به شراپنلهای ما کمتر قابل استعمال بود ، چونکه از (۳۰۰۰) متر پیشتر جزوی بودن تأثیر آن عیان کردید .»

تأثیرهاوانهای صحرای ژاپان خیلی خوب بود .

سوق وادارهٔ آتش از طرف ژاپانها باجزوهای تام بزرگ نیز اجرا کرده شده است . چنانچه درماههای فبروری ومارچ سنهٔ (۱۹۰۵)(۱۳۰) قطعه طوپ تون غند نخستین ژاپان که برپنج غروپ منقسم بود درزیر یك امر و یك قوماندا استعمال کرده شده است .

ژاپانها از اول محاربه به اخذ موقع کردن مستور قیمت واهمیت بزرگی عطف کرده اند ، وبازهم تاثیر خصوصی خود رانیز فراموش نکرده اند . یگانه مقصد طوپچی ژاپان همین بود که پیادهٔ خود را بوقت وزمان لازمی آن ستر وحمایه نماید .

نتایج حربیه ئیکه بصنف طوپچی عائداست برسه قسم تقسیم میکنیم تاآنکه بصورت و اضحانه نشانداده شود . اول (تعبیه) دوم (تشکیلات) سوم (مالزمه وجبه خانه) :

تعبیهٔ طوپچی — یعنی جنگ طوپچی

(شراکت حرکت طوپچی صحرا بادیگر صنفها علی الخصوص باصنف پیاده)

اینمسئله نقطهٔ مهترین مطالعات مارا تشکیل میکند : هرگاه طوپچی صحرا در هرمحاربه باصنف پیاده بصورت ارتباط دایمی ، وحرکت مشترکه ایفای وظیفه بکنند ، معلوم است که صنف طوپچی وظیفهٔ خودرا کامل ، ومقصد حرب را حاصل کرده است . حرکت وکار گذاری طوپچی ، مانند دیگر صنفها دایما برهمین نقطه معطوف بایدباشدکه همهٔ تول غند نتیجهٔ موفقیت را اکتساب نماید . اینمقصد مهم نیزبا این حاصل میشود که صنف پیاده گلوبگلو بادشمن دست وگریبان شده زدوخورد نماید ، وتاب آوری مقاومت آخرین دشمنرا بشکناند ، وقوتهای دشمنرا باصنفهای دیگر یکجا بایك تعقیب شدیدتنا کی بمحوکردن اخر ازموفقیت نماید . بناءً علیه صنف طوپچی تنها برای اسانی

دادن این وظیفهٔ صنف پیاده اکتفا نکرده بلکه سعی وکوشش خودرا برین حصر وصرف باید کنند که آن وظیفه راباپیاده یکجابجا بیارد . واین هدف و این مقصد برای تنظیم فعالیت وحرکت صنف طوبچی یك معیار مکملی باید بوده .

طرز اجرا کردن استکشاف ؛ عدد طوبهائیکه بخط آتش ادخال شود ؛ انتخاب موضع ؛ انتخاب هد فهاو آغاز کردن زمان آتش همه کی میبایدکه نظر بهمین مقصد وهمین هدف تعیین کرده شود . پس ازین استنتاج میشود که اینحرکات منفرد بیك قاعدهٔ ثابته ربط و وضع کردن موافق نفس الامر نمیشود . چو نکه چنا نچه طرز استحصال نتیجهٔ قطعیه برای دیگر صنفها نسبت بوضعیت حربیه تبدیل وتغییر میباید ، همچنان برای طوبچئی صحرا نیز این وظیفه ها و اصول حرکتها درهرحال وهروضعیت مختلف است . بنا برین برصنف طوبچی لازم وواجب است که بروضعیت عمومیهٔ حربیه ، وافکار ومقاصد سرافسر وعلی الخصوص برطرز استعمال شدن پیاده وقوف تام حاصلکرده حرکت خود را نظر به آن موافق وبرابر سازد .

بواسطهٔ استکشافات ، میباید که طوبچی باین یك دانسته شود که دشمن بچه صورت به پلانهای قوماندان ما مخالفت خواهد کرد ، وبرای دشوار ساختن بجا آوردن وظیفهٔ پیادهٔ ما بچه گونه تشبثات اقدام خواهد ورزید ، وبعد ازان همه و سایط جدی و مؤثری که بمقابل تشبثات وافکار دشمن لازم آید پیدا باید کنند ، وتطبیق نماید . واین وسایط مؤثر عبارت ازین است که هدفهائیکه برای پیاده مهلکترباشد آنرا بشدت بکوبد . اما این یك بصورت یك قاعده بیان نمیشود که آیا این هدفهارا درقوت طوبچئی دشمن که درمسافه های دورهستند جستجو کردن لازم است ، یاآنکه درقوت پیادهٔ دشمن که در مسافه نزدیکتر هستند ؟ نی بلکه این جستجو دا یما نظر به احوال حر

بیه به یقین میرسد .

درین حرب (مانچوریا) بسبب عدم رعایت به این قواعدیکه درباب اشتراک طوبچی باپیاده بیان کردید بسیار انهزامهای الیمی شده است ، ودر احوالهای بسیار مساعد ونوافق نیز بسبب همین بی رعایتی استحصال شدن موفقیت قطعیه عدیم الامکان مانده است . روزها ، ساعتها بومباردمان طوبچی بوقوع آمده ولی چون باحرکات پیاده ارتباط ومناسبت نداشته‌است به هیچ حسن نتیجه منجر نگردیده .

مقدار طوپ هائیکه به اشتراک کرده میشوند نیز باید به نظر خصوصات وقواعدیکه قبل ازین بیان شد تعیین باید کرده شود . اگر محاربه با جنگ وغوغای طوپچی آغاز شده باشد ، میباید که یک قوت طوپچئی که درعدد طوبچئی دشمن فایق باشد به حال عمالت وکارگذاری وضع کرده شود . از دیگر جهت انیز صرف امدش نباید که دهه در حرب تابهای نزدیک یک قسمی از قوت حزوتام را جدا کردن یک احتیاط طوبچی تشکیل بایدداد . ولی اینراهم بگوئیم . این جدا کردن احتیاط نیز یک قاعدهٔ ثابته قبول نباید کرد ، زیرا در بعضی جاها مخاطره را دارا است ، لهذا اجتناب کردن ازاز لازمست . این ملاحظات ذیل درباب خوبی احتیاطهای طوبچی عطای حکم میکنند :

در محاربهٔ روس وژاپان یک دوئلوی حقیقئی طوبچی که بوقوع آمده‌ها نادر محاربهٔ (یالو) ست . در محاربه های دیگر محاربه‌های طوپچی نادرا بوقوع آمده است .

اگر دشمن بمقابل طوپ خانهٔ شما ابتداءً خود را تنظیم کرده ، ومخاطره ضایعات مرتبات موجود باشد تدبیریکه لازم است این است که آتش خودرا قطع باید کرد . دشمن بعد ازانکه یکچندرا فال بکند یابه اندیشهٔ اینکه اطراف

کردن جبه خانهٔ خود از آتش بیهوده صرف نظر میکنند ، یا آنکه شدت خودرا تخفیف میدهد . درانوقت بازدور آتش کشادن بشما میرسد . پس اگر نقطهٔ اصابت که های تان بمطلوب موافق باشد دشمن شما اختیار سکوت کرده افراد نمبر طوپچئی خودرا درمیان خندکها پنهان و پوشیده میکنند . بناءً علیه یك طوپچئی را که درداخل این شرایط موضع گرفته باشد برای محو کردن آن کوشش کردن یك حرکت بیفایده شمرده میشود . چونکه اگر خندك بسیار بی اهمیتی هم باشد که افراد نمبر طوپچی دران موضع گرفته باشد ضرر رسانیدن به آنها غیرقابلست .

یك طوپچئی که خوب ومستور یك موضع گرفته باشد ، وهم با سپر مجهز بوده به آنچنان طوپچی خسارت رسانیدن یك کیفیت بسیار مشکلیست . محو وفناساختن این چنین یك طوپچی اگرچه عدداً ضعیف هم باشد عدیم الامکانست .

در محاربهٔ (۱۲) اوکتوبر طوپچی ، طوپخانهٔ یکم روس که به غبرك غند (۱۵) م منسوب بود ، بسیار بارها بقطع کردن آتش خود مجبور شده بود . چونکه ازدو استقامت مختلف طوپچئی ژاپان برین بطاریه متصل آتش میریخت . اما باوجود آنکه از صبح تا بشام آتش خودشان را بر طوپخانه مذکور توجیه نموده همه ضایعات طوپ خانهٔ مذکور بر (۱) افسر ، و (٦) نفر منحصر ماند .

درین حال بعد ازین از محاربهٔ طوپچی مقصود اصلی باید همین باشد که طوپچئی دشمن را دایما بعرا فال دوچار کنند ، واورا از آتش کردن بر پیاده وطوپچی ورساله‌ها که درحال حرکت باشند ، ودیگر هدف های متحرك مانع کنند ، وبمقابل آن وظیفهٔ پیادهٔ خودمارا آسانی دهد .

تجربه های حربیه این را هم بما نشاندا ده که کشف کردن موضع‌های

طوپچی که خوب انتخاب شده باشد باعث مشکلات عظیم میشود. بر چنین موضعها تا بوقتیکه تأثیرات گله های دشمن حس شود بسیار وقت میگذرد. بنا برین یك قوماندان در ابتدای محاربهٔ طوپ چی هر گاه مساوی بعدد قوت دشمن طوپ داخل نکند چیزی عیبی ندارد. زیرا اول میباید که وضعیت وموضع را تعیین کرده ویك قسم طوپ چئی خودرا آهسته، ولی بمقصد حرب موافق بموضع داخل کند، وچون وضعیت وموضع معین شد همهٔ طوپ هارا یکی یکبار بموضع ادخال کردن جائز میشود. درهنگامیکه درباب مسئلهٔ چقدر طوپ را دراول امر بموضع داخل کردن اندیشه وتأمل میشود، مقدار جبه خانه را نیز بنظر حساب وتدقیق گرفتن اقتضا میکند، زیرا بسبب کمبودئی جبه خانه طوپخانه های خودرا بتأثیرات آتش طوپچئی دشمن معروض گذاشتن چندان کار معقولی شمرده نمیشود. علی الخصوص که دریك میدان محاربه یك زمینی که وسعت مطلوبه را حائز باشد پیدا کردن نیز خیلی مشکل یك مسئله ایست. حالآنکه برای کم کردن تأثیر آتش دشمن، وآسان کردن ترصدات خود مابه فاصله های بزرگی نیز بسیار لزوم ومجبوریت حس میشود.

احتیاط های طوپچی برای یك قوماندان یك سلاح بسیار قیمت داری شمرده میشود. قوماندان این سلاح قیمتدار را برای تبدیل دادن مرکز ثقلات خود درهر نقطهٔ که ارزو کند، ویا نظر به تحولات وضعیت وتدابیر دشمن در دیگر موقعیکه به آن احتیاج به بیند استعمال کرده میتواند.

برای آسانی خراب کردن طوپ خانه های دشمن که با سپر مجهز باشند بهترین ومساعد ترین موضعها همان موضعها نیست که در بغل باشد ودر (انفیلا) گرفته شده باشد. اگر این چنین موضع پیدا شود طوپچئی احتیاط درانجا سوق کرده میشود. والحاصل در نتیجهٔ ملاحظات خود اینرا هم میگویم که

در محاربات استقبال وظیفهٔ تعیین کردن نتیجهٔ قطعیه بر احتیاط های طوپچی وپیاده صادر خواهد کرد .

مع هذا اینرا نیز نگوئیم که این ملاحظاتیکه بیان شد . چنانچه در فقرهٔ (۴۹۲) م [illegible] پیادهٔ نوالمان نیز بحث وبیان شده که تفریق کردن احتیاطهای طوپچی [illegible] احل جزؤتامهای بزرگ جائز است، ولی باز هم درهر [illegible] ل خصوصی تفریق کردن احتیاط طوپچی که آیا تفریق بشود، یانشود ؟ و چقدر تفریق بشود ؟ اینمسئله ها را وضعیت حربیه تعیین کرده میتواند . در بخصوص چیزیکه اجرای تأثیر میکند حال و وضعیت محاربه است . بنابرین از قواعد [illegible] تی اجتناب باید کرد [illegible] ودائما [illegible] ایجابات وضعیت را نظر باید کرد [illegible] ت حرکات قواعد پرستی روسها در [illegible] یک عبرتاً للسایرین شده

[illegible] انکه در [illegible] بیان [illegible] قیود [illegible]) [illegible] ولزوم احتیاط ها بحث وبیان [illegible] روسها اکثر [illegible] طوپچی های خود شان را برای احتیاط تفریق میکردند ، [illegible] اشتراک [illegible] این قوت در محاربه [illegible] لزوم [illegible] احتیاج دیده میشد باز هم بخط آتش سوق نکرده بسیار مدتها بیهوده [illegible] در عقب نگهداشته اند .

موضعهای طوپچی

«تابع تعبیه»

این مسئله آنقدر مهم است که از محاربهٔ آسیای شرق درین خصوص استحصال شدن ، یا استحصال نشدن یک نتیجهٔ قطعیه مجهول مانده، وازان رو درین باب تدقیق کردن فوق العادهٔ موجب استفاده است .

طوپچی روس در اول محاربه بسببی که موضعهای بازبی پناگاه رای

خود انتخاب میکردند بضایعات بزرگی دوچار شده‌اند . وبسی طوپ خانه های شان ازین سبب از طرف ژاپانها ضبط کرده شده بود . امابسببی که روسها سپرنداشته بودند ، ویك طوپ چئی سپردارکه درجای بی پناه یانیم مستور باشد و بهمین حال دوچار شود این مسئله یك دلیلی برای این تشکیل نمیتواند . لکن طوپ های صحرای کهنه که بدست ژاپانها بود و به‌ایندرجه اجرا کردند پس درزیر آتش طوپ‌های سریع آتش نو درجای باز بی پناه اخذموضع کردن — صرف نظر از احوال مجبره وضروریه — یك خطای بزرگی شمرده میشود . حمایهٔ سپر چون بعد از مسئلهٔ اخذ موضع آغاز میکنند ازان رو دراثنای اخذ موضع در مابین بودن ونبودن سپریك فرقی نیست .

در باب تفرعات اینمسئله ، آیاازین حرب اقصای شرق هنوز بسی اثبات های دیگر نیز بروی کار آورده‌است یانی ؟ آیا با آنکه مستوراً موضع گرفته شود و موضع هم مستوراً موجود شود اجرا کردن انداخت (آندیرکت) را نیز بصورت یك قاعدهٔ مخصوصه تعیین کرده است یانی ؟

. آل مطالعه وراپورهائیکه درینباب داده شده عین فکرو نتیجه‌را ناطق نیست . یکی از برگدهای روس دریك رسالهٔ عسکری ئیکه درالمانیانشر میشد یك راپوری نشر کرده دران راپور خود اخذکردن (موضع های سراسر مستور) را توصیه مینمود . اما مطالعات این برگدرا قطعی الحکم تلقی کردن جائز نمیشود . زیرا درینمطالعات اومفرزه های طوپ چی ئیکه از (۲) طوپ خانه ، وگاهی از (۳) طوپ‌خانه مرکب بود ، موضوع بحث شده‌است ، حالاً آنکه اصل مشکلات اخذکردنه (موضعهای سراسر مستور) درجزوتامهای بزرگ خود را نشان میدهد . بواقعیکه تحری کردن موضعهای موافق طوپ خانه ، ویافتن نقطه‌های ترصد خوب برای قوماندان های طوپ خانه ، وقوماندان

های کندك ، وغند ، وغیرك غند تفریق وتمیز کردن گله های طوپ خانه هارا زیکدیگر بسیار مشکل میشود . دیگر اینکه اینهم دور نیست که بر گدمذکور روس بر تأثیرات طوپ خانه های خود بیك اعتماد کاذبه ذاهب نشده باشد .

مثالهای دیگری که در باب مواضع مستوره روسها بیان کرده اند نیز این مسئله مشکل را حل وتنویر نمیکنند . چونکه اولا روسها بسببی که سپر نداشتند مجبور بودند که ستره ها و موضعهای مستور جستجو کنند . ثانیا مشکلاتی که ذکر شد هیچ وقت داخل حساب شان نشده بود . زیرا با جزو تامهائیکه از کندك بیشتر باشد آتش مجتمع اجرا نشده بود . ثالثا روسها بسببی که گلهٔ رون هیچ نداشتند تنها شراپنل انداخت میکردند . طوپ چئی ژاپان چون سپر نداشتند این مسئله برای شان یك کامیابئی بود ، وشراپنل برای شان موافق ترین گله ها شمرده میشد . زیرا شراپنل چون بمقابل سپرها بی تأثیر است از ان و بمقابل طوپ چئی سپردار با گلهٔ رون محاربه کردن اولی ست . اجرای انداخت بازون به تنظیم انداخت صحیحتر عرض احتیاج دارد . چونکه در انداخت شراپنل نسبتاً با تشکیل پنجهٔ کمتر اکتفا میشود . پس درین حال مشکلاتیکه در اجرای انداخت از موضع های مستور ظهور میکنند ، و هر ان قدر که جزؤتامها بزرگ شود در باب تفریق گله ها از یکدیگر این مشکلات بیشتر حس میشود . اینچیزها در نزد روسها اصلا داخل حساب نشده بود . رابعا روسها از افراط به تفریط افتاده اند . زیرا در اول سراسر از جای بازو بی پناه آتش می کردند . بعد ازان بصد ها متر در پس ستره ها و تپه ها رفته اند . جنرال (قورو پاتکین) بصورت قطعیه امر کرده بود که طوپچی خواه در اثنای هجوم ، وخواه در اثنای مدافعه دایما انداخت (اندیرکت) اجرا بکنند این احتیاط مفرط پسان شان را با ضایعات بزرگ اول شان یك عکس تأثیر میخوانکی تلقی باید کرد . این یك را روسها اصلا تجربه نکرده بودند که خیر در اوسط است . خامساً تأثیرا

تیکه طوپ چئی روس تحصیل کرده بیکدرجهٔ که شایان رشك آوری باشد نیست که دلیل خوبئی موضع های مستور شود ، واینهم ادعانمیشود که عکس آن را اثبات بکنند .

در تول غند ژاپان اگرچه درین خصوص خیلی تجربه‌ها اجرا شده ولی اکثر آن خفی و پنهان گرفته شده است . مع ذالك بعضی معلوماتیکه به تصادف در ینباب بدست آمده بقرار ذیل نقل شده است :

از (تاغاتا) نام برگد طوپ چئی ژاپان بمقابل سوالی که درباب اینکه چرا آتش اندیرکت اجرا کرده واقع شده بود این جواب را گفته است :

« اسباب این بسیار ساده و بسیط است . زیرا راست آتش کردن غیر ممکن شد . اگر دشمن موضع مارا کشف میکرد ، در پیش سرعت آتش طوپ های روس ، در کم مدت هیچ شبهه نبود که طوپ های ما بحال خارج از محاربه میدرامد . خلاصهٔ کلام یك طوپ خانه را نشان دادن عبارت از محو کردن آنست . »

درین نزدیکیها در رسایل عسکریهٔ المانیا درباب اینکه آیا مستور آیا آنکه بازو بی پناه ، یا آنکه نیم مستور ، یا آنکه در پشت تپه ها موضع گرفتن کدام یك موافقتر است ؟ یك مناقشهٔ قلمیهٔ بسیار شدتناکی باز شده است در نتیجهٔ این مناقشات سالمترین محاکمه ها عبارت ازین است :

نظر به نتیجهٔ حرب اقصای شرق ، اولا در زیر آتش طوپ چئی دشمن در جای بازو بی پناه موضع گرفتن در احوال ضروری ومستثنا جواز داده میشود ؛ ثانیاً در صورت عمومیه قیمت واهمیت تستر خیلی زیاده است ؛ ثالثاً در استقبال طوپ چئی صحرا مجبور میشود که ازین زیاده تر از موضعهای مستور آتش اجرا کنند ؛ رابعاً اصول انداخت اندیرکت درصورت عمومیه از لوازمات شرایط حاضرهٔ حربیه میباشد .

لکن این را نشان نداده است که این حرب مشکلاتیرا که درجزو تامهای بزرگ انداخت اندیرکت پیش میاید بچه صورت برطرف کرده است ؟
حالا از حرب اقصای شرق در باب اینکه از تسترهای خوب چه خوب نتیجه‌ها حاصل میشود یکدو مثال ذکر کردن میخواهیم :
در محاربهٔ (لیائویانغ) برکد (سلیوزاره‌نقو) که بر طوپ‌خانهٔ که بقول تول غند (۱۰)م منسوب بود قوماندە میکرد دریك اخبار روسی چنین نوشته است:
«هر دو طوپ خانه‌ما در پشت یك تپهٔ سنگستانی چنان مستور و پنهان بود که گویی در پشت یك دیواری باشد تنها من بر سر تپه بودم، و از انجا بواسطهٔ بیرق اشارت امر میدادم . در پیش من بجز نفری هائیکه با بیرق اشارت اوامر را تبلیغ میکردند دیگر کسی نبود . »
و نیز در محاربهٔ (لیائویانغ) طوپ خانه های هر دو طرف ، درعقب پشته های کوهها چنان مستور بودند که انداخت کردن اندیرکت غیر ممکن بود . طوپ های ژاپان در هموار ی بصورت از هم پرا گنده ودر جوارده ها و کشتزارها ئیکه سه متر ارتفاع داشت بحال مستوریت بود . اسپ های طوپ کش در پشت خانه های . . محفوظ بودند . ودر ختان جوارده وظیفهٔ ترصدگاههای بسیار مکمل را بجامی آورد . طوپ چئی روس تمام روز هر انقدر سعی که کردند مو ضعهای طوپچی ژاپان را کشف نتوانستند . از هرچیزیکه برای سررشته دادن اطلاع دشمن در باب معلوم شدن شان باشد اجتناب کرده شده بود . برای اخذ موضع کردن طوپ خانه‌ها درجاهای مستور هر گونه حرکات تبدیل مو قع درشب اجرا کرده شده بود . حتی در روز دوم محاربهٔ (وافانقو) در وقت صبح روسها بکمال تعجب دیدند که یکچند طوپ خانهٔ ژاپان درشب بر یك تپهٔ که بر مواضع شان سراسر حاکم و ناظر بود آورده شده است . ژاپانها در باب آوردن

طوپ خانه های خودرا درانجا آنقدر احتیاط بکار برده بودند که برخاستن گرد وغبار را نیز رفع کرده بودند . حتی چرخهای عرابه ها وعرابه های جبه خانه را نیز نزدیك نکرده بودند . وجبه خانه را بصورت قدمه بواسطهٔ سلسلهٔ افراد ازدست بدست تابه طوپخانه ها سوق میکردند .

دیگر مثال اینکه در محاربهٔ (داشیچاعو) طوپ خانهٔ (۲)م لوی غند (۹)م شکاری روس بقدر (۱۵) ساعت متمادیاً به آتش (٦) طوپ خانهٔ ژاپان معروض مانده بود . امابسبب مستور بودن موضع آن ، دشمن بکشف کردن آن کامیاب نیامد ، وبجز یکچند گلهٔ تصادفی که برانها اصابت نمود ویك ضایعات جزوئی رسانیدد کر هیچ چیزی نتوانست . وسبب این بود که یك طوپخانهٔ روس درنزدیکئی بطاریهٔ مذکور درجای باز بصف حرب درامده بود که دشمن آن رامشاهده کرده بران آتش کشاده بود .

اینهم به تجربه رسیده که در پیش جاهائیکه دراراضی یك شکل ومنظرهٔ مخصوصی نشان بدهد که جالب نظردقت باشد ازاخذ موضع کردن دایما اجتناب باید کرد . زیرا طرف مدافع ، مسافاتی را که درمقابل اینگونه نقطه ها موجود است ازاول بکمال اعتنا پیمایش کرده میباشد . لهذا یك طوپ خانهٔ که در پیش آن چنان یك نقطهٔ معلوم داراراضی اخذ موضع کند به آتش شدید و وسریع دشمن معروض میشود . در (۲۸)م ماه برسریك طوپ خانهٔ ژاپان که در کنار قریهٔ (لیوبایزا) اخذ موضع کرده بودهمین حال آمده بود . طوپ خانهٔ ژاپان در زیر آتش شدید و صحیح دشمن به آتش کشادن هم کامیاب نشده بود .

در باب موضع های طوپچی اینرا نیز بگوئیم که هیچگاه به تاثیرات عادات وتجارب سابقه مربوط نباید ماند ، وتجارب جدیدهٔ یومیه را دایما بنظر اعتنا ودقت باید گرفت ، وبرای انداخت آندیرکت دروقت لزوم وایجاب خوب حاضر

باید شد که برای حاضر شدن به این وظیفهٔ مشکل که اندیرکت است به این میسر میشود که در وقت حضر افراد را بخوبی درین خصوص تعلیم بدهند، و به تعلیم وتجربهٔ متمادی صنف طوپ چی را با این وظیفهٔ مشکله بخوبی الفت بدهند. رسالهٔ (میلزو وخن بلات) درین موضوع بیك مقالهٔ خود با این عباره ختام داده است:

« تاریخ این را بما نشان میدهد ومیاموزاند که مربوط ماندن بك تول غند بمعلومات مکتسبهٔ خود شان اصلا دلیل سلامت نیست. توقف بر معلومات، عبارت از رجعت است. ومولد مغلوبیتهای آینده است. »

استکشافات

« تابع تعمیه »

غیر مرئی بودن هدفها که باد ور بینهای بسیار خوبتر واعلا نیز به آسانی کشف نمیشوند، مسئلهٔ استکشافات هدفها را اهمیت زیادی داده است. و مشکلات را بهمان نسبت افزونی داده است وعلی الخصوص که دشمن از نمایش های پیش از وقت احتراز هم بکنند!! اگر کشف کردن، وضع های طوپچئی دشمن ممکن نشود برای افشا ساختن آن به بعضی حیله ها تشبث میشود. مثلا دشمن را برین تشویق میکنند که موضع خود را افشا کنند. چنانچه در موضعهای بسیار دور بدرجهٔ که از آتش دشمن متضرر نشود بعضی طوپ خانه های منفرد باز ویا طوپ خانه های مستور آتش میکشایند که این اصول در محاربه های اقصای شرق بکثرت استعمال شده است. ژاپانها این اصول را بسیار بارها بکمال موفقیت وکامیابی تطبیق کرده توانسته اند. ژاپانها برای کشف کردن مواضع طوپ چئی دشمن در ابتدای شروع جنگ یك قسم کوچك طوپ چئی خود را از یکدیگر بسیار دور. وازدشمن بمسافهٔ بسیار بعید بصورت غیر مستور در یك

موقعیکه به نظر دشمن برخورد بصف حرب داخل میکردند . وباینصورت انظار تجسس ودقت طوپ چئی دشمن را بخود جلب کرده به آتش باز کردن مجبور میسا ختند . تابوقتیکه این حرکت خدعه کارانهٔ ژاپانها از طرف روسها فهمیده نشده بود ژاپانها دایما بکشف مواضع دشمن کامیاب آمده اند .

صورت تشکیل خطهای طوپچی، وسوق واداره آتش آن

« تابع تعبیه »

ژاپانها ، درین محاربه از ین یك اجتناب کرده بودند که بنابر حسن مقصد سوق واداره آتش طوپچئی خود ، وآسانی جمع وتوحید آن در نقطهٔ که بخواهند ، قوت های شان را بریك جبههٔ تنگی جمع کرده وبه اینصورت متصل وممتدی یك خط طوپ چئی تشکیل بدهند . ژاپانها بالعکس همیشه این ترتیب را ترجیح کرده بودند که قسم کلی قوت های طوپ چئی خودشان را تاکه ممکن باشد بریك جبههٔ فراخی توزیع کرده بحال غروب، وقدمه دراند .

طوپ هائیکه درداخل هرطوپ خانه بود ، دائما بریك خط منتظم ترتیب نشده درین باب همیشه حال وتاثیر اراضی بنظر اعتبار گرفته شده بود . برای بازی دادن دشمن اینهم نادر نبود که طوپ هارا درپیش روی موضع ، ویا یك بغل بدارند .

دایرهٔ انتشار شراپنل های روس به (۱٦) متر بالغ میشد . لهذا ژاپانها این قضیه را درمد نظر گرفته برای کم کردن تاثیرات شراپنل های روسها درما بین هرطوپ بقدر (۲٤) متریك جاخالئی ترك میکردند ، ودرمابین غروپها، وقدمه های خودشان فاصله های بزرگی میگذاشتند . این اصول تعبیه محسنات بسیاری دارد . چونکه به این اصول هم ضایعات کم میشود، وهم درداخل هر

غروب ترصد ، وسوق واداره آتش کسب سهولت میکند . ازدیگر جهت بسبب جا خالیها وفاصله های بزرگ وسعت وامتداد خط طوپ چی زیاده شده ، امکان احاطه کردن موضع دشمن ، و درزیر آتش بغلکی گرفتن بیشتر میشود ، ونیز بسایهٔ امتداد موضع تامرتبهٔ ممکن بسیارطوپ خانه هارا به آتش اشتراك داده میتوانند . و درعین زمان کشف کردن موضع را نیز ازطرف دشمن دشوار میسازد .

مشکلاتیکه . خصوص مخابره ، وسوق وادارهٔ آتش واقع میشدآن را بسایهٔ استعمال تلفون برطرف میکردند . ژاپانها کتله های جسیم طوپ چئی خود شان را بسایهٔ همین اصول که هرطوپ خانه را بهقوماندان جزؤ تامهای بزرگتر ربط میدادند ، ودرخصوص تبلیغ اوامر امنیت تامه بوجود میآور دند درزیرادارهٔ دست واحد سوق واداره کرده آتش طوپ خانه های بسیار خودرا برنقطه هایی که نتیجهٔ قطعیه را تامین بکنند جمع وتحشید کرده توانسته اند . وبه اینصورت خواه در بحر ، و خواه دربر موفقیات عظیمه تحصیل کرده اند .

پس معلوم شدکه اس الاساس قواعد ژاپانها در محاربهٔ طوپچی عبارت ازین بود که قوت طوپچئی خود شانرا بحال جزؤتامهای بزرگ استعمال کنند ، و براراضی بصورت ازهم تیت ، وامتداد دار توزیع کنند ، اما همهٔ آنهارا متحداً سوق واداره نمایند .

آمدیم برطوپچئی روس : اینها داءما قوت خود شانرا پراکنده میکر دند اگرازروی عدد ازدشمن دو نترهم باشند ، بازهم یك طوپ چئی احتیاط تفریق میکردند ، وازلازم بودن سوق وادارهٔ آتش متحد بیخبر بودند ، هرقو ماندان هر طوپ خانه بحساب خود ، وبی آنکه وضعیت عمومیهٔ حربیه را اصلا بنظر اعتبار بگیرند کوشش میکردند ، وطوپ های خودشان را پر کرده

ر استقامت دشمن انداخت میکردند که ازسوء نتایج این اصول حرکت ، در محاربه های مدافعه ، ودرزمانیکه احتیاج محاربه خیلی افزونی میداشت جبه خانهٔ شان تمام میشد ، وطوپ خانه ها به تعطیل آتش مجبور میشدند .

وظیفهٔ نخستین طوپ چئی هردو طرف بالطبع عبارت ازهمین کوشش است که طوپ چئی دشمن رابکوبد ، وپیش ازانکه هجوم پیاده آغاز کنند آن را محو وفنا سازد . لکن غیراز محاربه های اولی که آنها مستثناست در دیگر محاربه های اقصای شرق این نتیجه بسیار نادر استحصال توانسته شده بود . بعضاً در اثنای شب نیز منقطع نشده روزها وروزها محاربهٔ دامنه دار طوپچی تمادی کرده ، وصنف پیاده که به نتیجهٔ محاربهٔ طوپچی انتظار میداشتند دراثنای این مدت تماماً اختیار عطالت کرده بود . درباب محاربهٔ (داشیجاعو) جنرال (زاخاروف) درراپورخود چنین گفته است :

« بر قطعات مرکز هیچ هجوم واقع نشده ، تنها بومباردمان کرده شده است . »

ومارشال (اویاما) درراپورخود نیز چنین گفته است :

« امروز تنها صنف طوپچی محاربه کرد . »

این آتشهای بیحاصل طوپ خیلی نادریك نتیجهٔ حاصل میکنند . وتنها طوپ خانه های دشمن را عقیم گذاشته آنها را دراثنای هجوم پیاده به اشغال کردن اکتفا کرده اند .

چیزیکه درمحاربهٔ طوپچی حائز اهمیت بزرگ است همین است که ، هجوم پیادهٔ خودرا تاقرب وجوار وضع دشمن باآتش طوپ چئی خود حمایه و استناد بکنند ، این حمایه واستناد بااجرای انداختی که ازسر پیادهٔ خود بکمال عزم وجسارت اجرا کنیم ممکن الاجراست .

چنانچه در اکثر راپورها نوشته شده است که عساکر پیادهٔ روس وژاپان از منقطع شدن آتش طوپ چی خودشان اجرا کردن آتش طوپ خانه های خودشان را که ازسرشان بگذردوا گرچه باآن بضایعات هم دوچارشوند ترجیح و آرزوکرده بودند . اینهم طبیعیست که برای اینکار طوپهائیکه مقوس انداخت اجرا بکنند نظر بطوپ های صحرا ، موافقتراست . اوبوسهای ژاپان ، تابوقتیکه عساکرژاپان بقدر (۵۰) متر بموضع دشمن نزدیك میشدند آتش خودرا قطع میکردند . ولی طوپ خانه های صحرا ازمسافهٔ (۵۰۰) متر آتش خودشان را قطع نمیکردند . زیرا کمتر ازین مسافه پیاده های خودشان را دو چار مخاطره میکردند . پس اگر در وظیفهٔ حمایه واستناد هجوم پیاده اهمال کرده شود عدم موفقیت محقق است . چونکه درانوقت همه طوپ خانه های دشمن آتش خودرا بر پیادهٔ ما چنین توجیه و توحید کرده هجوم را بی نتیجه میگذارد .

برای مثال اینمسئله تفصیلات یك مخبرحرب که محاربهٔ (۱۹) م جولایی سنهٔ (۱۹۰٤) را از جوار (موبخیاتو) برای العین تماشا کرده شایان نظر است ،

« طوپ خانه های ژاپان بخیال اینکه برای هجوم پیاده بدرجهٔ کافی حاضرئی خودرا اکامل کرده اند ، بعد از طوپ اندازئی شدید بسیار اختیار سکوت کرده بودند بنابرین پیادهٔ ژاپان باخطهای کثیف شکاری بهجوم برخاستند . خطهای شکاری درزیر حمایهٔ اراضی پیش میشدند ، قطعات احتیاط به نظام قطار آنها را تعقیب میکردند . طوپ خانه های روس که ازبومباردمان طوپ خانه های ژاپان فارغ بودند بیکبارگی برین پیاده های ژاپان سریع و شدید آتش کشادند ، وآن هارا توقیف کردند ، وبضایعات جسیمه دوچار ساختند . ما ازدور تماشا میکردیم که صفهای ژاپان درزیر آتش متصل طوپ چئی روس چسبان برزمین میغلطیدند . ژاپا نهابه این ضایعات مدهشه تحمل نکرده رجعت

کردند ..»

اینست که اینچنین هجومهای نابهنگام، یعنی بدون حمایه و استناد طوپچی این گونه هزیمتهارا موجب میشود .

بعضی طوپ خانه ها تا بخط پیشترین محاربه باپیاده رفاقت باید کرد. چونکه درچنان زمان صنف طوپچی نیز بادیگر صنوفیکه تول غند را تشکیل داده برای پیشرفتن بایك آرزوی شدید پرشوق و هیجانی متحسس میباشد، و بمانند صنف پیاده او نیز بفدای موجودیت خود حاضر و آماده میشود .

یك چارنعلهٔ سریع، تا بوقتیکه بخط پیشترین — یعنی منتهای هدف برسد ثانیه هایی را که مرور میکنند تنقیص مینماید . یك وزن و قرار سریع پیدا کردن، از اراضی بصورت ماهرانه استفاده کردن، درمابین طوپ هافاصله های بزرگ گذاشتن، بابلوکهای منفرد طوپ هارا حرکت دادن، چنانچه تول غند (اوقو) درپیشگاه (لیائویانغ) بکمال مهارت اجرا کرده بود — طوپ هارا بالذات ازطرف افراد به پیش سوق کردن، چیزهائیست که تاثیرات دشمن را بحد اصفر تنزیل میکنند .

درخصوص حمایه و استناد پیاده خدمت های برگزیده و درخشان تفنگ های ماشین دار را دیده گمان نشود که این وظیفه ازدست صنف طوپچی نزع شده باشد. نی نی اینچنین شبهه و گمان سراسر خطاست. چونکه نه از جهت تأثیر معنوی، ونه ازجهت تجزیبات مادی شیکه از انداخت حاصل میشود، تفنگهای ماشیندار هیچ گاه باطوپ های سریع آتش صحرا مقایسه کرده نمیشود .

کذالك ازین تجارب حربیه یك نتیجهٔ مهمهٔ حقیقتدار دیگر نیز ظاهر میشود که آنهم اینست که مبادلهٔ طوپچئی صحرا، با هیچ صنف سنگینتر ازو ممکن نمیشود، ودرهیچ وقت طوپ چئی صحراطبیعت و ماهیت مخربی، جوالی،

طیارئی خودرا ضایع نمیکنند .

در زیر آتش دشمن تبدیل موضع کردن برای طوپچی در بعضی احوال استثنائیه نادرا موافق میشود . وگرنه به تجارب حربیه این یك ثابت شده است که درزیر آتش دشمن تبدیل دادن موضع غیر ازانکه موجب انقطاع آتش بشود سبب آنقدر ضایعات مدهشی میگردد که فوائد موضع نو وخوبتری که برای این تبدیل بوقوع میآید بقیمت خیلی گرانبهایی تمام میشود . امابرای طوپ خانه هائیکه موضع شان مستور است تبدیل موضع کردن آسانتر است . کذالك استعمال طوپ هارا منفرداً یابلوك بلوك درصورت عمومیه تنها برای رفاقت کردن هجوم پیاده بیك حال بسیار مستثنا جواز داده میشود . ژاپانها کار تبدیل موضع خودشان را بایك بصیرت تامه ، و ازاراضی بکمال اعتنا استفاده کرده اجرا میکردند ، طوپهارا پی همدیگر میکشیدند ، وازاراضی ئیکه به انظار دشمن معروض باشد سراسر اجتناب میکردند ، و برای تبدیل موضع دایما ظلمت لیل را انتظار میکشیدند .

اینهم بتجربه رسید که در هنگام رجعت کردن دشمن تا که ممکن باشد به سرعت یکچند طوپ خانه درعقب آن سوق شود . زیرا این یك عنصر مهم موفقیت است . اگرچه دریتباب بعضی مخاطره ملحوظ هم باشد بازهم ازین کار صرف نظر نباید شد .

یك افسر روسی دریتباب میگوید :

« دروقت شام روز (۱۲)م اوکتوبر قطعات ما رجعت کردند اما ژاپانها برپیش راندن طوپ خانه های خودرا برما جسارت نتوانستند که بسبب این احتیاطپروری شان ما ازیك پل کوچك سنگین بارسه لوی غندرا ازنهر (شاحو) به بسیار آرامی وآسانی گذرانیدیم . ودراستیشن (شاحو) همه مالزمهٔ متحر

که را با (۵۰۰) زخمی به نقل دادن موفق شدیم . اما اگر طوپ خانه های ژاپان زحمت درزیر طوپ گرفتن طریق رجعت مارا برخود اختیار میکردند دوچار شدن ما بیك هزیمت کلیه محقق بود . »

تعلیمنامهٔ طوپ چی ژاپان برای تنظیم انداخت دراول (۴۰۰ ویا ۲۰۰) متره یی یك پنجره را تشکیل دادن، وبعدهٔ نظر بمساعدهٔ احوال آنرا تابه (۵۰) متر فرو آورد امر میکنند .

طاقم (۲) م نظر بمسافه ئیکه تخمین کرده شده نشانگاه را تنظیم میکنند . طاقم های (۱) م و(۳)م (۲۰۰)متر کوچکتر، و(۲۰۰)متر بزرگتر بیك، مسافهٔ نشان میگیرند . طاقم (۲) م به آتش آغاز میکنند ، ونظر به ترصد این دوم رمی، طاقم (۱)م ویا(۳)م آتش میکنند .

خواه در وقتیکه یك منطقهٔ اراضی عمقاً درزیر آتش گرفته شده باشد در تنقیص وتزئید مسافه ها ، وخواه درزمان فاصله های آتش رعایت کردن به انتظام بسیار بد است . چونکه دشمن به بسیار آسانی آن اصول را آموخته واز صحت وانتظام اصابت طوپ های نو استفاده کرده حرکات خود را به آن توفیق ، وبه اینصورت خودرا ازخسار مصون کرده میتواند .

درانثنای محاربه های (شاحو) بنابر امر سرقوماندان یك غند پیاده مجبور شده بودندکه دریك نقطه درزیر آتش دشمن بمانند . قوماندان غند بسایهٔ انتظام انداخت دشمن خود را بحمایه کردن موفق شده بود . بلوکها بدفعات دراراضی مذکور موقعهای خود شان را تبدیل کرده بودند . بیکصورتی که گلهها درمیان جا خالیهای که درمابین کندکهابود اشتمال کرده است وبسبب کمئی ساحهٔ تأثیر شان باعث ضایعات جزوئی شده اند . تمام غند (۳) نفر مقتول، و(۴)افسر خفیف مجروح داده ودر خط حرب باقی مانده اند .

ونیز دریك محاربه : طوپ چئی ژاپان بعد از انکه یك طوپ خانهٔ دشمنرا بسکوت مجبور کردانید ، برای آنکه جبه خانه وحیوانات آنرا و امید امداد آنرا نیز محو کنندار اضئی عقب آنرا نیز بهکوبیدن دوام نموده بود .

در آتشی که روسها بر قصبه ها ، واستحکامها اجرا میکردند انداخت شراپنلهای مصادمه را باشراپنلهای احتراق ، وشراپنلهای طوپ های صحرا ، وانداخت دانه های طورپیل هاون مزج میکردند ، وژاپانهادر عین احوال باطوپ های صحرا طورپیل وشراپنل استعمال کرده اند . دانستن مقصد این امتزاج اسانست . زیرا گله های که بمصادمه می کفند بمجردیکه به ستره هابخورد ازهم میکفند از ارودر پس ستره البته یك حرکت غیر اختیاری حاصل میکنند . در عقب آن شراپنل احتراق رسیده افرادی راکه بیرون برامده اند بضایعات دو چار میسازد .

برای یك تنظیم انداخت مکمل ، اول چیزیکه لازم است همانا وقت وزمان فراخست . آن فکرواعتقادیکه (هرکس نخستین گله را انداخت فتح وظفر به طرف اوست) درینوقت زایل شده است . چونکه مظفریت به گلهٔ نخستین نی ، بلکه بگلهٔ مؤثر نخستین است . لهذا برای طوپچئی صحرا که موضع خودراو موضع دشمنرا بکمال اعتنا بخوبی کشف کند وقت وزمان ترك باید کرد . لکن تنها زمان هم لازم نیست بلکه برای استکشاف اسپ ،های بسیار خوب وتیز دو کامل الاوصاف نیز لازم است .

کار استکشاف تنها به احوال دشمن انحصار ندارد بلکه باقطعات مانیز على الخصوص باخط پیادهٔ پیشترین محافظهٔ ارتباط کردن شان لازم است . ژاپانها در اثنای محاربهٔ پیاده ، درین خصوص بسیار اهمیت میدادند که خط پیش روی ترین تابکجا واصل شده است . المانهادر فقرهٔ (۷٤٤)م تعلیمنامهٔ نوپیادهٔ خود

دربنباب میگویند : (از طرف صنف طوپچی؛ به پیش رو افسرها فرستاده میشود ، واینها به اشارت بعقب خبرها میفرستند. این افسرها از همه چیز پیشتر درباب اینکه خطهای شکارئی مابد شمن تاچه قدر نزدیکشده بصنف طوپ چئی خود متمادیاً بمعلومات دادن حصردقت میکنند . تاکه به اینصورت طوپچی تاکه ممکن باشد بسیار مدت به اجرا کردن آتش دوام کرده بتواند. »

اینهم حاجت ندارد که بگوئیم که اجرای این وظیفه به وجود افسرها ، وافراد ، واسپ ها عرض احتیاج دارد .

حالا اینرا هم آرزو داریم که تفصیلات بدهیم که ژاپانها ، پیش از انکه به آتش آغاز کنند بچه مشغول میشدند ؟ :

ژاپانها بعد از انکه از طرف دشمن دیده نشده به آمدن موضع موفق میشدند به آتش کشادن استعجال نکرده از همه اول تر برای طوپ هاستره می کنندند وبرای افراد خندکهای ستر ترتیب میکردند ، وبعد از ان بواسطهٔ آلت های تخمین مسافه ، مسافات را تخمین میکردند ، وبعدازانکه همهٔ اینگونه استحضارات را اکمال میکردند به آتش شروع مینمودند . مع هذا اگر وقت وزمان برای اینقدر استحضارات مساعد نمیبود بمجرد موضع گرفتن نیز آتش میکشادند .

اما افسران روس دراول امر به استعجال تمام به آتس کشادن مسارعت میکردند ، ودرباب تعیین مسافات اهمال میورزیدند . درباب تعیین کردن مسافه تعلیم وتربیهٔ طوپ چئی روس بسیار ضعیف وناقص بود .

ژاپانها وروسها از عملیات حفریه مبذولاً استفاده کرده اند عرابه های جبه خانه ، واسپ های طوپ کش نیز دفن شده ، وبرسر طوپ هاکه از کله و پارچه های شراپنل محفوظ بماند سقفها نیز ساخته بودند . ولی اینرا هم بنظر

دقت باید گرفت که حرب اقصای شرق را (مواضع حرب) موجود بود، و برای ساختن این کار ها وقت و زمان مساعد بوده. معمافیه باوجودیکه طوپ ها سپر دارهم باشد این عملیات حفریه را دانستن و اگر امکان باشد تطبیق کردن خیلی لازمی یك کاریست. چونکه سپرها تنها همان افرادی را حمایه میکنند که درعقب آنست. حتی آنهارا نیز کاملاً محافظه نمیتواند.

در موضع های مستور طوپ چی نیز برای افراد خندك های تنك و عمیق حتی اکثر سر پوشیده تأسیس کرده شده است. در زمانهای که آتش دشمن بسیار مؤثر و شدید میبود، افراد به این خندکها التجا کرده تا وقتیکه بسبب کمبودئی جبه خانه آتش دشمن سست میشد در انجا انتظار میکشیدند.

در زمانهائیکه باوجود هر نوع ضایعات بر آتش دوام کردن بنابر بعضی اسباب قطعیاً مقتضی نباشد، این اصول حرکت بسیار باصواب، و خیلی شایان توصیه است. و ازین اصول حرکت نفرت کردن هیچگاه، معقول نیست.

اگر وقت مساعد باشد برای سوق و نقل جبه خانه، و موقعهای ترصد قوماندانهای طوپ خانه ها نیز تأسیس کردن راههای اتصال فائده مند است.

زمینهای (مانچوری) بسببی که لخت بود از توبره های ریك استفاده های بزرگی شده بوده. بنابرین طوپ چی باخود دایما جوالهای خالی برمیداشتند ودر وقتیکه برای طوپچی بکار نمیبود بعسکر پیاده میدادند.

در اثنای مدافعهٔ موضعهای مستحضر، در پیش خندك های شکاری حاضر کردن ستره های طوپ شایان توصیه است که در وقت برخواستن دشمن بهجوم در درون آنها یکچند طوپ گذاشته شود. صورت حاضر کردن همهٔ این ستره هارا طوپ چئی صحرا در وقت حضر باید بیاموزد و با آن کسب الفت کرده باشد.

برای کشف نشدن موضع های طوپچی در وقت حرب بواسطهٔ نقابها وچیز های ساخته نما اشکال باید کرده شود . علی الخصوص درینباب ژاپانها اقدامات تعب ناپذیری اجرا کرده اند . برای پیش راندن طوپ خانه های خود شان را از بعضی نقطه هائیکه معروض انظار دشمن بود نقابها ساخته اند . حتی برای بازی دادن دشمن از چوب تقلید طوپ ها ساخته در درون سپرهای صنعی وضع نموده اند . اما خود شان نیز بعضی بارها از طرف روسها بازی خورده اند . ازین قبیل در محاربهٔ (داشیچاعو) در حالتیکه طوپ خانه های روس بصد هامتر دورتر در عقب بود ، طوپ خانه های ژاپان ساعتها (۱۲) موضع خالئی طوپ چئی روس رازیر آتش طوپ گرفته اند . در عقب این نقابها یعنی این موضعهای ساخته گی دو طوپ خانه روس . چون (۱۰) اضلاع پیش راالز (۲۳۰) متر و میکو بیده برین دو طوپ خانه در اول (۳۲) طوپ خانهٔ ژاپان آتش کشادند . و روسها با آن جواب دادند . بعد از نیم ساعت غروب ناپدید ژاپان که از (۲۲۱) طوپ . ویا (۳۰) غندك مرکب بودند . یکبارگی بر موضع روس آتش های خود شان اباز نمودند . آتش این طوپ خانه عام موضع پیادهٔ روس را که دریك بغلهٔ بود خیلی از خیلی دوچار خسار نمود . ژاپانها برین یك قانع شده بودند که طوپ چئی روس درهمان (۱۲) موضع سالف الذکر هستند . بناءً بران بر موضع های ساخته گئی مذکور یك آتش شدتناکی اجرا کردند . اماچون دیدند که به این بومبار دمان مؤثر آتش طوپ های روس را ساکت نتوانستند دانستند که بازی خورده اند . باز همه پشته هائیکه احتمال طوپ خانه های روس دران بود بکوبیدن آغاز نهادند اما باز هیچ تأثیر حاصل نتوانستند . وموضع اصلئی طوپ خانه های روس را نیافتند .

پس ازین معلوم شد که فوائد اینگونه تطبیقات و حاضری ها بسیار است .

و ازینسبب کار کشف را نیز بمشکلات عظیمه دوچار میسازد . واین مشکلات علی الخصوص درمقابل موضع های مستحضرزیاده تر احساس میشود . قطار های کشف اگرچه به نقطه های ترصد بخزیدن موفق هم بشوند بازهم درباب استحکامهای حقیقی ونقاب های ساخته گی راصدهای بسیار تجربه کار نیز به مشکلات برمیخورند . اگر افسران استکشاف درباب شرایط انشای اینگونه استحکامها یك وقوف جدی حاصل نکرده باشند منظره ئیکه درپیش نظرشان انکشاف میکند بسببی که معنای حقیقئی آن رانمیدانند در اپورهائیکه درانباب بفرستند ازقیمت محروم است . اگر استکشافات موضعهای مستحکم بعدم موفقیت منجر بشود ، امید منجرشدن هجوم بموفقیت نیز خیلی کم میشود .

محافظ طوپچی

اینهم درین محاربه به تحقیق پیوست که برای صنف طوپ چی ترفیق وتعیین کردن یك محافظ خصوصی از احتیاجات ضروریهٔ قطعیهٔ حربیه است . درموضع ، برای دوطوپ خانه یك تولی پیاده ودراثنای رفتار ، برای هریك غندك طوپ یك تولی ترفیق کردن کفایت میکنند . معما فیه درین خصوص یك قاعدهٔ ثابته وضع کرده نمیشود .

وظیفهٔ این محافظ هااین است که طوپ چی راازهرگونه تعرضات محافظه کنند ، ودرنقطه های مشکل به آن معاونت کنند . طرز جریان این محاربه های نو آنقدر پیچیده ومغلق است که یك قطعهٔ پیاده اگرچه در پهلوی طوپ چی باشند ، وهر قدر بحسن نیت آرزوهم بکنند به امداد ومعاونت طوپچی شتابان شده نمیتواند . اگر محافظ خصوصی برای طوپ چی تعیین شود بالطبع در باب بجاآوردن وظیفهٔ خود مسارعت میتواند .

در محاربهٔ جوار (شیلیحو) که در (۱۲)م اوکتوبر سنهٔ (۱۹۰٤) بوقوع آمده بودیك طوپ خانهٔ ژاپان که به غند (۳۵) م منسوب بود در میان یك دره به آتش پیادهٔ دشمن دوچار آمده بود که اگر معاونت تولی پیاده که بمحافظهٔ آن مأمور بود نمیبود محو شدنش محقق بود . کذالك در شب (۱۰)م مارچ یك تولی افراد پیادهٔ روس که در اثنای شکست خوردن روسها بر پراندن طوپ خانهٔ خود مأمور بودند . طوپ خانه را بر هوا نکرده بسبب تلف شدن همه حیوانات طوپ خانهٔ مذکور طوپ خانه را بر شانه‌های خودشان تابه (موکدن) که (۵) کیلومتر مسافه بود رسانده در انجا به غندیکه منسوب بود تسلیم کرده اند .

صندوقهای جبه خانه وقدمهٔ نخستین

صندوق های جبه خانه بعد ازانکه جبه خانه را در پیش طوپ ها بگذارند باز برای جبه خانه گرفتن پس رفته در پهلو یا عقب طوپ خانه باستره ها ستر و حمایه باید شده . قدمهٔ نخستین ، لااقل از طوپ خانه بقدر (۵۰۰) متر دورتر و در پشت ستره ها باشند بود . جبه خانه را بواسطهٔ افراد باید نقل بدهند . چونکه حرکت اسپهای طوپ خانهٔ را که تابه آندم از طرف دشمن کشف نشده باشند بخوبی معلوم و پدیدار میسازد . کدا مهای کارتوس هرگاه درمیان خندك های کوچك نزدیك طوپ خانه ها باشند هیچیك مضرتی ندارد . شرا پنلها اگر گلهٔ تفنگ بر پطاقی آن اصابت نکنند اشتعال نمیکنند .

گله های طوربیل ژاپان بعضاً از نتیجهٔ اشتعال یك گلهٔ که درجوارشان بوقوع آمده اشتعال کرده اند . درمحاربهٔ (شاحو) صندوقهای جبه خانهٔ ژاپانها بر هوا شده یك ابری از دود سیاه تشکیل داده بود .

ترصد

پیش ازین گفته بودیم که بهترین چاره ها برای احترازکردن ازضایعات عبارت ازین است که بهرگونه وسایط ممکنه درباب سترکردن قطعات را از انظاردشمن مراجعت کنند، بناءً علیه ترتیب کردن خدمت ترصددشمن رابکمال اعتنا ازطرف طوپچی شرط الزم است ۰

راصدها که افسران ونفرات باشند بر تمام امتداد خط محاربه توزیع کرده شده بالذات اجرای ترصدنباید کنند، واز ترصدات قطعات مجاورنیز استفاده بایدکنند، بواسطه تلفون تبلیغ ترصدات بلاتأخیر به قوماندان های طوپ خانه ها وتوپ چی ها ممکن میشود، در هر طوپ خانه شش هزار مترسیم ، وسه چهار استیشن تلفون بکار است. بابیرقهای اشاره نیز بکرات واسطه ها مخابره کردن آنقدرفائده مند نیست چونکه دشمن آنها را مشاهده کرده برای محو کردن راصدها فرصت فوت نخواهند کرد، درماه فبروری سنه (۱۹۰۵) در (والیان طون) راصدهای روس که بابیرقها واسطه ها اخبار معلومات میکردند از طرف ژاپانیها سریعا محو وتلف شدند ۰

درساحهٔ منطقهٔ حرب ، ارکان حرب افسر بزرگ ، وهمه قوماندانهای صنف پیاده وسواری هر معلوماتیکه درباب دشمن بیابند همانندم بایدبموضع طوپ چی تبلیغ کنند ۰

ژاپانیها از ترصدات حیرت افزایی که چینیان اجرامیکردندنیز بسی استفاده ها کرده بودند ، چونکه بسیار بارها در محاربهٔ چین دیده بودند که چینیها با آئینه ، وبیرق وآتش درزدادن ، ودست جنبانیدن ، حتی بدر دادن خانه های خودشان ازاحوال خود خبرمیدادند ۰

ژاپانیها درباب ترصدواستکشاف اقسامیکه درداخل تاثیرساحهٔ طوپ خانه

های میدان محاربه میبود به آندر جه اعتنا کارانه عطف نظر دقت کرده بودند که درهیچ وقت هیچ یك هدف معین از ترصدشان رهائی نیافته است .

اراضئی که در پیش روی یك طوپ خانه ئیکه تماماً مستور باشد بسببی که راه براه دیده نمیشود البته که ترصد آن زیاده تر کسب اهمیت میکنند . علی الخصوص که قطعات عسکریهٔ پیش رو باقطعات عسکریه و طوپ خانه ستر و حمایه نشده باشد وبرای یك شبخون درزیر امنیت گرفته نشده باشد درانوقت این اهمیت زیاده تر میشود .

وازسبب اهمال کردن این تدبیراست که در (۳۰) آ کست یك طوپ خانهٔ روس که به لوی غند (٦) م سبیریامنسوب بود بهجوم پیادهٔ ژاپان گرفتار آمده وسرا سر محو کرده شده است . طوپ خانه مذکور دریك کشت زار گندم دریك جای چقوری مستور بود . افراد در پهلوی طوپ نشسته بودند پیادهٔ ژاپان از میان کشت زار پیش رفته آتش کشادند . قوماندان طوپ خانه دراول فیروفات یافت ، ودیگرهمه افسرها زخمی شدند ، وافراد جملةً زده وزخمی شدند ، و طوپها بدست ژاپانها درامد .

محاربه های شب : — حرکت پیش رفتاری درمیدان باز ودرزیر آتش دشمن خواه برای پیاده وخواه برای طوپ چی موجب ضایعات جسیمه میگردد . وازینسبب است که برای ضبط کردن موضع پیش اکثر حرکات در وقت شب اجرا شده است . وازاز و محاربه های شبانه بوقوع آمده است . دراثنای هجوم های شب صف هدفهائیکه از روز بران انداخت کرده میبودند آنرا بکمال موفقیت کوبیده توانسته اند . دیگر اینکه از تاریکئی شب درینباب نیز استفاده کرده اند که بر بعضی موضعهای مستحکمی که در روز بران هجوم برده اند ، چون شب شده طوپ خانه هارا به آن نزدیك کرده وبمجردیکه سپیدهٔ صبح دمیده همان دم یك اتش

بسیار شدیدی بران باز کرده اند .

هجومهای سواری : — بریك طوپ چی که موضع اخذ کرده باشد، درین حرب اقصای شرق هیچ واقع نشده که سواری یمنی رساله هجوم برده توانسته باشد . بنابرین در حرب های اینده نیز — صرف نظر از بعضی احوال استثنائیه هجوم سواری را بر مقابل جبههٔ خط طوپ چی بجز انتحار یمنی خودکشی بردیگر چیزی حمل نباید کرد .

(تشکیلات طوپچی)

۲

طوپخانه های چارطوپی ، یاشش طوپی : — اینحرب اخیر اینمسئله را حل نتوانسته است که طوپخانه هارا از چارطوپ ، یاشش طوپ تشکیل باید داد ؟ طوپخانه های روس از هشت هشت طوپ مرکب بود . وازژاپانها اگرچه شش طوپی بود ولی از طوپهای سریع آتش جدید نبود . واز طوپهای سریع آتش نوتشکیل طوپخانه های چار چار طوپی ممکن میشود نه زیاده . از طوپهای نوسریع آتش خودژاپانها طوپخانه های چارچار طوپی تشکیل داده بودند ، وبه اینصورت قوهٔ حربیهٔ هرطوپ تزاید کرده وظیفهٔ خودرا بخوبی ایفا میکردند . وازستره هانیز خوبتر استفاده میکردند .

طوپخانه های اوبوس : — دراکثر تول غند ها که طوپخانهای اوبوس را افزونی داده اند ازینست که استحکامهای صحرای دشمن رابه آن بکوبند . تأثیرات فایقهٔ اوبوسهای کروپ (۱۲) سا نتیمتره ئی ژاپانها درمحاربه های (یالو ، وپورآرتور ، ولیا ئویانغ ، وشاحو ، وموکده ن) دیده شده است .

یك مخابر فرانسوی ئیکه بیطرفانه محاربهٔ (یالو) را تماشا کرده است چنین میگوید :

ه او بوسهای کروپ جنرال (قوروکی) بر خندکهای شکاری روسها توجیه کرده شد . عسکر روس در زیر باران گله های متمادیی که از روی سما بر سرشان باریدن گرفت بضایعات فوق العادهٔ عظیمهٔ آن تاب آور مقاومت نشده شکست خوردند .»

بسببی که خندکهای روس که در (یالو) بود در ظرف کم مدت به گله های اوبوس ژاپانها خراب کرده شد ، حرکات هجوم پیاده را باضایعات بسیار جزوئی منتج موفقیت نمود . آتش اوبوسها هجوم عسکر پیاده را تا بوقتیکه (۵۰) متر بکنار خندکها نزدیك میشدند استنادو حمایه کرده بود . حالآنکه با طوپ های لیسنده بر آتش به اینقدر دوام کردن ممکن نمیشد . زیرا عسکر خود را بهمه حال دوچار مخاطره میکرد .

باتجارب حربیه تأئید وتصدیق شده که برای هرلوی غند پیاده غیر از دیگر طوپخانه هالك کنندك اوبوس نیز بایدباشد .

طوپچئی کوهی : — تشکیلات طوپچئی کوهئی ژاپانها نسبت بروسها مکملتر بود . وژاپانها طوپهای کوهئی خودشان را تنها به استعمال کردن در کوهها و بیراهه ها اکتفا نمیکردند بلکه بهجوم پیاده نیز ترفیق مینمودند . ودر صفحه های نخستین محاربه ، در وقتیکه هنوز موضع طوپچئی دشمن معلوم نمیبود برای مجبور ساختن آنها را بر آتش کشادن نیز استعمال میکرده اند .

هاوانهای صحرا : — بسببیکه طوپ های سریع آتش دور منزل شرایط محاربه را تبدیل داده ازان روه معلوم گردید که منزلهای هاوانهای صحرا و صحت انداخت شان غیر کافیست . انداخت هاوانها ، که باانداخت شرابنل طوپ ها یکجا باشد هانا منحصر بر انداخت گله عبارت میماند .

هر گاه یك هاوین صحرایی که نزدیك بمنزل طوپ های صحرا یك مسافه شدید

التأثیر دانه های طوپ پیل انداخته بتواند، وبقدر طوپهای صحرا قابلیت حرکت را مالك باشد موجود شود فوق العاده شایان آرزو یك چیز یست . برای هاوتیهای صحرا به مرمئی شراپنل آنقدر احتیاج دیده نمیشود .

افواه ناریهٔ سنگین :— یعنی طوپ های بزرگ سنگین، درین حرب در هر دو طرف موجود بود ، امااز هر طرف بجدا گانه مقصدها استعمال شده است . در جهت روسها بسببی که در طوپ های صحرای شان دانه های تخریب موجود بود به استعمال این طوپ ها مجبور شده بودند . وژاپانها در محاربهٔ (موکده ن) بنا برین چند سبب استعمال کرده اند .

۱) بر مرکز خط حرب روس اجرا کردن نمایش، وآن را متمادیاً در زیر تهدید یك هجوم گرفتن .

۲) برای تقویه کردن طوپ های صحرای خود که به اعتبار منزل از طوپهای روس یکقدری کمتر بودند .

۳) مجادله ومقابله کردن باطوپ های محاصرهٔ روس .

٤) برای اینکه طوپچئی صحرائی خود را که در مرکز بود، بجناح چپ که به تشبثهای قطعی مأمور بودند سوق بتوانند .

آتشی که از طرف این افواه ثقیله بی آنکه باشراپنل مرافقت نمایند اجرا شده بود ، تنها یك تأثیر معنوئی اجرا کرده است ، وضایعات مادی ئیکه بحصول آورده چندان شایان تذکار نیست .

آمدیم بر افواه ناریهٔ ثقلیهٔ روسها : روسها طوپ های بسیار بزرگ سنگین چاپ خود را در زیر امر قوماندان منطقه تودیع نکرده به استیمدان سر افسر کل تول غند آتش کردن انهارا مجبور وموقوف نموده بودند که از ینسبب تنها در بعضی احوال منفرده استعمال شده اند از ان جمله یك نتیجهٔ درخشانیکه این طوپ های

روس استحصال کرده اندما نا پرده های مستحکمی که در منطقهٔ قول تول غند (۲) م بود اجرا شده است . چونکه بمجرد یکه بومباردمان اغاز نمود ژاپانها بخالی کردن ده های مذکور مجبور شده اند .

والحاصل گفته میشود که اگر امکان تزئید وتقویهٔ طوپ های صحرا را با افواه ناریهٔ بزرگ چاپ ممکن باشد ازین واسطه صرف نظر کردن بالطبع مقبول شمرده نمیشود . اما چنانچه پیش ازینهم بود حالا هم همچنین است که استعمال افواه ناریهٔ سنگین از لوازمات ضروریه و شرایط اصلیهٔ محاربات صحرا شمرده نمیشود . موجود بودن طوپ های سنگین چاپ در محاربه های میدان وقت حاضر از احوال استثنائیه شمرده باید شده . ژاپانها این طوپ ها را در محاربهٔ موکدن بیشتر استعمال کرده اند . درین محاربه هائیکه بقدر (۱۰) روز دوام ورزیده هیچیك کار قطعئی اِفا نکرده اند . قطعه های روس که اطراف مواضع متینهٔ مستحکمهٔ اطراف (شاهو) را ترك کرده اند ، از تأثیر آتش طوپ های بزرگ محاصرهٔ ژاپانها نبود بلکه بتأثیر حرکات احاطه ئیکه لوی غنده ای ژاپان اجرا کردند ترك وخالی نمودند .

مع هذا در المانیا در وقت حاضر به مالزمهٔ طوپ چئی سنگین یك اهمیت بزرگی عطف نموده اند . حتی یك تعلیمنامهٔ مخصوص نوی نزد رینباب نشر کرده اند . در المانیا تأثیرات این افواه ناریهٔ بزرگ را در میدان محاربه با تأثیرات دیگر صنوف به آن درجه مربوط شمرده میشود که مالزمهٔ طوپچئی سنگین را بنام صنف رابع یادوم تسمیه نموده اند .

(طوپچئی سنگین صحرا) که گفته شود ، طوپ چئی قلعه و محاصره خیال نباید شود بلکه عبارت از مالزمهٔ یك صحرا است که اساس وظیفهٔ آن عبارت از تعرض است افواه ناریهٔ که این صنف را تشکیل کرده از (۳) چاپ متشکل است که آن هم

عبارت از بنست :

۱۵ سانتیمتره یی اوبوس سنگین صحرا ،

۲۱ سانتیمتره یی هاوان فولادی ،

۱۰ سانتیمتره یی طوپ های سپردار .

اما این چاپ آخری از سبب بسیار سنگینی بحرکات محاصره مناسبتر است لهذا آنرا اخراج کردن لازمست .

اوبوس (۱۵) سانتیمتره یی بعضی اسبابهایی را مالك است که پس لگدزدن را محو و بعد از انداخت ، میل طوپ را پس بحال خودش رجوع میدهد که باین سبب یك نوعی از طوپ های سریع آتش شمرده میشود . درهردقیقه از (۳تا٤) مرمی انداخت میتواند ، وبادانهٔ مرمیهای بزرگ (٤۲) درجه یی ، یك گلهٔ (٤۰) کیلویی را که (۷) کیلو مادهٔ ناریه را احتوا میکند رمی میکنند .

این اوبوس سنگین باشش اسپ کش میشود ، و در هر نوع اراضی باپیاده بیك سرعت مساوی حرکت کرده میتواند . این طوپ خانه های اوبوس از قرار تعلیمنامه ، بحرکت عادتی در دقیقهٔ (۱۰۰) خطوه ، بحرکت سریع در دقیقهٔ (۲۰۰) خطوه قطع میکنند . درقدمه های مختلف جبه خانه . موجودئی جبه خانه برهرطوپ (٤۳) انداخت اصابت میکنند .

آمدیم برهاوانهای فولادئی (۲۱) سانتیمتره یی : این انواع ناریهٔ ثقیله درزاویهٔ بزرگتر از این یك دانهٔ (۱۲۰) کیلویی را انداخت میکنند . بر راههای بسیار هموار نیز بصورت عادتی حرکت میتواند . . برای سوق و نقل کردن آن در وقت لزوم برای هر طوپ خانهٔ هاون دودو تولی یا یك کندك تخصیص میشود . این ها ونها بر نشستگاههای مخصوصی انداخت میشود ، و بعد ازانکه بموضع برسد چارساعت بعد به آتش کردن مهیا میشود . طوپ خانه ها از چارچار طوپ مرکب

است . برهر طوپ چهل چهل مرمی اصابت میکند

مع مافیه برای این هاونهای (۲۱) سانتیمتره یی درحربهای صحرا یك محل تطبیق یافتن خیلی مشکلست . زیرا حرب اقصای شرق این مطالعات مارا تائید کرده است .

تعلیمنامهٔ المان درینباب میگوید: «برای محوکردن استحکامهای موقت ، واستحکامهای دایمی ، به جبه خانهٔ بسیار قیمت بهای این طوپهای سنگین صحرا احتیاج هست . این طوپخانه ها برای یك مقصد معین وصریح به‌تول غند صحرا رفاقت میکنند . »

اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین رادر میدان محاربه . تعلیمنامه بااین چند کلمهٔ مختصر بیان میکند :

« اصل وظیفهٔ طوپچی سنگین عبارت ازین است که درخصوص کوبیدن ومیده کردن نقطه ئیکه سرافسر اصل هجوم پیاده را بران نقطه سوق کردن میخواهد باطوپچی صحرا توحید حرکت بکنند . اما برای بوجود آوردن موفقیت این صنف برطوپچی دشمن استحصال کردن تفوق آتش امرضروریست . بنابرین وظیفهٔ نخستین طوپچی سنگین همین است که باطوپچی صحرا که ظهیر واستنادگاه اوست تفوق آتش خود شان راتأمین کنند . »

منزلهای این طوپهای سنگین چون درازتر است ازان واخذ موضع کردن ، ومنتشرشدن طوپچی صحرا رانیز حمایه کرده میتواند . طوپچی سنگین قاعدةً یکیك کندك استعمال کرده میشود . تعلیمنامه دزباب صورت ادارهٔ آتش طوپهای سنگین چنین میگوید :

« بمجردیکه محاربه کردن لازم آمد ، هماندم طوپچی سنگین ازابتدا برای استحصال کردن یك تأثیر عظیم باهمه طوپ های خود در عین زمان آتش

باید کشاد .

ومع هذا اینرا هم هیچوقت از نظر دقت دور نباید گرفت که بسبب کمبودن جبه خانهٔ طوپ چئی سنگین ، وظیفه هائیکه باین صنف تخصیص کرده میشود ، باید که نسبت بصرفیاتیکه واقع میشود برابری کنند ، و بمصرف آن اثبات لیاقت بتواند .

آمدیم بر مسئلهٔ هدف یعنی آماج : طوپ خانه های سنگین او روس بمقابل هدف های ثابت تأثیر بزرگی اجرا میکنند . بامادهٔ اشمالیه ، واصابت پارچه ها ، وتأثیرات گله های خوددر خصوص خراب کردن وکوبیدن طوپهای سپردار ، واستحکامات قوت نالک صحرا ، وخندکها ، ومواقعیکه باجنگلها محفوظ باشد خیلی مؤثر است .

مترالیوزها : — یعنی تفنگهای ماشیندار درین حرب اقصای شرق اهمیت فوق العادهٔ کماهی کرده اند . نظر به گفتهٔ یك میر آلای روس عسکرهای روس ازطوپها کرده بر تفنگهای ماشین دار زیاده تر اهمیت واعتماد عطف کرده اند . مومی الیه درهر لوی غند پیاده بشرطیکه بهغندها مربوط نباشد ومستقل جزؤتامها تشکیل کنند از (۱۲ تا به ۱۶) مترالیوز موجودداشتن را لزوم نشان میدهد . در اثنای تعرض برای تأمین محافظ کردن نقطه هائیکه ضبط کرده شده از تفنگهای ماشیندار بهتر سلاح تصور نمیشود .

ما لزمه

۳

فائدهٔ طوپ هائیکه بر قونداق خود به پس بجهد به استعمال کردن روسها تحقق وتظاهر کرده است . واین یك مسئله ایست که بصورت قطعیه حل شده است .

وژاپانها نیز این مسئله را تصدیق کرده اند ، وبه این سبب ادخال وقبول این نوع طوپ ها را تسریع میکنند .

فایدهٔ سپر ها نیز درباب استعمال کردن شان از بعضی مثال هائیکه موجود است مستبان شده است . درباب استعمال وسایط صناعیهٔ معاونه این حرب اخیره بسیار نتیجه های شایان استفاده احضار کرده است .

جبه خانه : — صرفیات جبه خانهٔ روسها نسبت به ژاپانها خیلی افزونی داشت . در (شاهو) یك طوپ درظرف یکروز (۳۶۱) انداخت صرف کرده است ، در (داشیچاعو) این مقدار به (۵۲۲) بالغ شده است . اما ژاپانها در خصوص صرف جبه خانه بحسن اداره وصرفه جویی رعایت کرده اند . در (موکدن) طوپ های ژاپان در روزی (۲۲۰) مرمی انداخت کرده اند .

معهذا به این صرفیات روسها دیده اینرا استخراج کردن معقول نیست که اینقدر جبه خانه موجود باید داشت . چونکه در بدایت حرب طوپچئی روس بسیار کم تربیه ، وناقص تعلیم بودند ، وبعدازان هر اراضئی را که هیچ هدف دران نمیبود نیز بیهوده بران آتش میکردند . وبه اینصورت بجا های بیلزوم بسیار جبخانه اسراف کرده اند . باز هم اینرا هم تسلیم باید کرد که نظر بشرایط جدیدهٔ حرب درین اوقات صرفیات جبه خانه بیشتر لازم میآید . چونکه طوپ خانه ها اولاً سریع آتشست . ثانیاً طرف دشمن از ستره ها استفاده میکنند ، ودروقت لزوم ستره های صنعی ترتیب کرده میشود . ثالثاً دشمن نقابها ، واستحکامهای ساختهٔ کی بوجود آورده سبب صرف شدن جبه خانهٔ بیهوده میگردد . رابعاً طوپ خانه ها اکثر با سپر ها مجهز میباشند .

آمدیم بر مسئلهٔ مرمی : این حرب اقصای شرق به اثبات رسانید که تنها شراپنل نی بلکه دیگر نوع مرمیها نیز استعمال باید شود . موجود بودن فیوزهای

مصادمه که بخوردن ازهم میکفند از لوازمات ضروریهٔ حربهای حاضر شمرده میشود .

فیوزهای مصادمهٔ روسها ضعیفترین بناهارا نیزخراب کرده نتوانسته است . بلکه یك سوراخی به برابری حجم خودکشاده توانسته است . حتی یك دیوار خشتی را نیزخراب نکرده ، و برسپرهای شکاری نیزهیچ گونه خسارتی نرسانیده .

حالآنکه دانه های طورپیلی که ژاپانها استعمال کرده اند همهٔ این وظیفه ها را بکمال سهولت ایفا کرده اند . درمحاربهٔ روز اول دسمبرسنهٔ ۱۹۰٤ یك مفرزهٔ ژاپان که دریك خانهٔ منفردی ترصد داشتند یك غندك روس بران آتش کشاده درظرف یکچند دقیقه بایکچند دانهٔ طورپیل خانهٔ مذکوررا از بیخ وبن برانداخته اند . برسپرهای خندکها نیز بسبب صعوبت اصابت تأثیر آن کمتر بوقوع آمده ؛ ولی هردانهٔ که اصابت کرده است تأثیر آن بخوبی محسوس شده .

حالا پیش ازانکه باین بحث طوپچی گری راختام بدهیم این را نیزعرض کنیم که سبب یگانهٔ غلبهٔ طوپچی ژاپانها برروسها باوجودیکه طوپخانه های ژاپانها از طوپهای کهنه مجهزبود ، وطوپخانه های روس باطوپهای سریع آتش نومجهزبود ازچه پیش آمد ؟

این است که سبب یگانهٔ این را عرض میکنیم . محقق باید دانست که موفقیت وکامیابی یگانهٔ ژاپانها محضا ازهمین بود که تول غند ژاپان با طوپچی آن ازجنرال شان گرفته تابسایر سپاهی ، درخصوص قوهٔ معنویه و اخلاقیه بیکدرجهٔ فوق العادهٔ حیرت آورانهٔ بود . وگرنه دراسباب وآلات حربیه هیچ برتری نداشت .

صنف رساله

بسببی که یك قسم بزرك دار الحرب کوهستان وعارضه ناك بود ، خدمت سواری بصورت عمومیه دوچار مشکلات شده است . دیکر اینکه بسببی که سواری یعنی رسالهٔ ژاپان عدداً ضعیف بودند، ووظیفهٔ استکشافیه رابا جاسوسها یکجا ایفا میکردند ، بارساله دشمن بمصادمه لزوم ندیده اند رسالهٔ روس ، با وجود فایقیت عددئی شان بسببی که از اوصاف وخصایل تعبویه بتمامها محروم بودند. ورساله دشمن شان نیز بسببی که دایماارتباط خودشان را باپیاده محافظه میکردند بامصادمه یك احراز موفقیت نکرده اند از صنف سواری روس در خصوص استکشافات نیز که یگانه وظیفه ومقصد شان همانست بخوبی استفاده نشده است . چونکه درزمانهای بسیار مشکل وبحران انگیزی نیز این خدمت که ازانها انتظار میشد سرقوماندان را از معلومات بسیار قیمتدار محروم گذاشته اند . حالاما درینجا متعاقباً رول سوق الجیش، وصورت استعمال آن رادر دائرهٔ تعبیه موضوع بحث میکنیم :

وظیفهٔ سوق الجیشیهٔ سواری

استکشافات در مقیاس بزرك ؛ درعقب دشمن جولان

=

در بدایت حرب یك غبرك غندسواری درزیر ادارهٔ جنرال (میچه نقو) برای ترصد حرکات پیش رفتاری (قوروکی) تابه (۱۵۰) کیلومتر به آنطرف (یالو) رفته بود.

دیکر یك حرکت سوارئی روس اینبود که درظرف ماههای اپریل ومی از طرف قایمقام (مادرینوف) با (۵۰۰) سوار درداخل (قوره) یك جولان بزرك اجرا شده است ، وازین جولان دراخبارها بسیار بحث وبیان نشده بود.

این قایمقام که از (موکده‌ن) رهسپار شده بود ، در اثنای جولان خود از منصب نهر (یالو) (۱۵۰) کیلومتره به آنطرف گذشته ، وکدامهائیکه در راه یافته بود خراب کرده تا به (ژه نسان) رفته بود ، وجمعاً بقدر (۱۲۰۰) کیلومتر یك مسافهٔ را قطع نموده بود .

جولان سوم در جنوری سنهٔ (۱۹۰۵) باز از طرف جنرال (میچه نقو) اجرا کرده شده بود که ازین جولان نتیجهٔ فائده مندیکه ازان انتظار میشد حاصل نشده است . چونکه در حرکات شان بسیار سستی و وقت ضایع کردن پیش آمده ودرباب ترتیبا تیکه برای هجوم (اینقو) گرفته شده بود غلطی نموده بود .

ازین حرکات استکشافیه که یك ثمرهٔ فائده مندی از نقطهٔ نظر سوق الجیش حاصل نشده ازینست که با حرکات تول غند هیچ تعلق وارتباطی نداشته لا علی التعیین اجرا کرده شده است . وانیهم دلیل واضح است برینکه برای یك مقصد معینی مشترکاً صرف سعی وکوشش نشده هرصنف جدا جدا تشبثات نموده اند .

در (۱۳)م ماه فبروری سنهٔ (۱۹۰۵) ژاپانها نیز بر خطوط مواصلهٔ تول غند روس همچنین یك حرکتی اجرا کردند . یك مفرزهٔ ژاپان که از (۱۵۰) سواری مرکب بود ، وباچته های (طونغوزها) پشتیبانی به آنها داده شده بود در (قانچیاتون) که (۲۴۰) کیلومتر بجانب شمال (موکده ن) بود برای محو و خراب کردن خط شمندوفر تشبث نمودند که نزدیك بود تشبث شان منتج مو فقیت هم بشود . این قوت بجهت شمال غربی عقب کشیده بایك مفرزهٔ پیاده وسوارئی قوتنا کتر خودشان التحاق کرده ویك خط محافظ مفرزهٔ روس را که در راه شان برابر آمد دوچار انهزام نموده بودند .

بعد از محاربهٔ (موکده‌ن) سوارئی ژاپان بصورت بسیار جرئتکارانه در

جهت شمال با تول غند روس تمام خودرا محافظه کرده بودند .

حمایهٔ جناحهای تول غند ها : — سوارئی روس تا بوقتیکه محاربهٔ (موکدهن) می چسپید امنیت سوق الجیشیهٔ جناحهای تول غند خودرا بشرایط موافق تأمین کرده است . درتمام موسم تابستان لوی غندهای جنرال (میچه نقو) و (ره ننقامف) اراضئی کوهستانیکه درجهت شرق خط شمندوفر بود خطوه بخطوه مدافعه کرده اند . وحرکات پیش رفتارئی مفرزه های ژاپانرا بتأخیر کردن موفق شده اند . معهذا این وظیفه برای صنف سواری روس یك وظیفهٔ عادئی لازمی بود که بسایهٔ موافقت اراضی تایکدرجه بصورت شرفناکی اجرا کرده توانسته اند . درمحاربه (لیائویانغ) جناح راست تول غند روس دراول بالوی غند های سوارئی (میچه نقو) و (صامسونوف) مستور بوده . اینها حرکات پیشتر فتارئی قطار های تول غند جنرال (اوقو) را که از جناح چپ پیش می آمدند بوقت وزمان مناسب آن خبرداده وتأخیر کرده اند . وهم در جناح چپ جنرال (ره ننقامف) مرور (قوروکی) را ازنهر (تایچه) هیچ نباشد بقدر (۲٤) ساعت تأخیر کرده بود . بعدازان جنرال مذکور ، درجوار معدنهای (یه نتای بقدر (۲۷) طرب سوارئی خودرا جمع کرده باآن در (۳۱) م آ گست منتهای جناح یسار تول غند روس را ستر نموده . در (۱) م ، و (۲) م سپتمبر لوی غند مذکور درحوالئی (یه نتای) بالوی غند (اورلوف) یکجا حرکت کرده دوبار قطع شدن محاربه را حمایه نموده . ووقتیکه لوی غند (اورلوف) بحال خارج شدن از محاربه درامد سواری پیاده بجنگ آغاز کرده پشته های جنوبئی (یه نتای) را محافظه کرده . وبه اینصورت مقابله ومدافعهٔ قول تول غندهای (۱) م و (۳) م سیبریارا که از (لیائویانغ) آورده شده بود بمقابل حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) کامیاب آورده بود . درآخر ختام حرکات (لیائویانغ) لوی غند

جنرال (میچه نقو) نیز بحمایهٔ جناح روس مشارکت ورزیده است .

در محاربه های (شاحو) جنرال (رهننقامف) بایك لوی غند سواری و یك لوی غند پیاده جناح خارجئی چپ تول غند روس را ستر کرده بود. و برای خوب ایفا کردن این وظیفه یك لوی غند قازاق دیگر نیز بمعیت جنرال الحاق کرده شده بود .

آمدیم بر محاربهٔ (موکدهن) : درینمحاربه صنف سواری روس بر ایفای وظیفهٔ مهمهٔ خود موفق نشده اند و درباب جلوگیرئی تأخیر دادن حرکات پیشرفتارئی جنرال (نوژی) که تول غند روس را احاطه میکرد هیچ یك خدمت بزرگی نکرده اند . یك کپتان فرانسوی درباب اینعدم موفقیت میگوید :

« باعث اصلئی این عدم موفقیت را آیا درکجا جستجو باید کرد ؟ آیا این را بر زخمی شدن جنرال (میچه نقو) که درنهایت جنوری زخمی شده از قومانداتی بصرف نظر کردن مجبور شده بود حمل باید کرد ؟ یا آنکه بمقابل مهاجمات طو نقوزها که بر خط راه آهن شمال اجرا میکردند سوارئی بسیاری به آنطرف سوق شده بود حمل کرده شود ؟ یا آنکه بسبب تضییق یافتن تول غند دوم روس که از طرف جنرال (اوقو) در زیر فشار گرفته شده بود قطعات پیاده را از معاونت لوی غندهای سواری گرفته بودند حمل کرده شود ؟ اینست که درین خصوص هیچ یك فکر قطعی داده نمیشود . یك چیزیکه هست همین است که صنف سواری خدمت و وظیفهٔ خود را که سلامت و امنیت تمام تول غند به او تودیع شده بود بجا آورده نتوانست والسلام ! »

درین اثنا ئیکه سوارئی روس این چنین اختیار عطالت میکردند ، در طرف ژاپانها دیده میشد که نخستین بار یك سوارئی بسیار قوتمندی مستقلاً ایفای خدمت میکردند . چونکه یك لوی غند سواری که از (٦) غند مرکب بود در

زیر قوماندهٔ جنرال (آقیاما) حرکت جنرال (نوژی) را اخفا و ستر میکردند .
در نزد این لوی غند متعدد طوپ های کوهی ، و یك استناد قوت ناك پیاده ، و
(۲٤) مترالیوز موجود بود .

خدمت کشف : — تا محاربهٔ (موکدهن) خدمت استکشافیه ژاپانها به جاسوسهائیکه آنها را بیکصورت عجیب وحیرت آوری تنظیم و ترتیب کرده بودند منحصر بود . درظرف اهمدت قطارهای کشف ژاپان تا مسافه دور هیچ دیده نمیشود . از طرف روسها باوجودیکه مملکت خیلی عارضه ناك و اهالی آن دشمن ، و خریطهٔ مکمل هم بدست نداشتند بیك جرأت حیرت آوری اجرای کشفیات نموده اند .

به این قطارهای کشف علی الاکثر از مردمان بومی یکدو رهبر ترفیق میگردید این استکشافات اکثر یکچندروز دوام مینمود . بعضی قطارهای کشف در میان قطارهای دشمن بدرامدن کامیاب وموفق شده اند . در نهایت ماه آگست یك قطار کشف که از داوطلبان (طاغستان) مرکب بودند تول غند جنرال (قوزوکی) را از یکسر تا بدیگر سر قطع کرده ، و جناح راست جنرال (نوزو) را نیز دور کرده وباقول تول غند (۱۰) م ارتباط پیدا نوانسته است .

در سنهٔ (۱۹۰٤) دو طرب کشاف بعیت خودسر قوماندان روس تشکیل نموده بود که این دو طرب از افراد افسران بسیار ماهریکه در فن کشافی ید طولا داشتند بودند . اینها هم برای تحقیق کردن حوادثهای مهمه ، وهم برای مستعجله استعمال شده اند . در اثنای محاربه این کشافها بر جبههٔ صف حرب تیت شده در باب شکل وطرز جریان محاربه واسطهٔ معلومات سرقوماندان میگردیدند ، و در زمانهای سکونت حرب در استکشافهای بعیدهٔ پهلو وعقب دشمن استعمال می شدند .

ازین معلوم میشود که این تدبیر سرقوماندان روس ازین پیش آمده بود که برصنف سوارئی خود امنیت کامله نداشت . اگر صنف سواری وظیفهٔ خودرا بخوبی ایفا میکردند به این مفرزه های خصوصی کشف احتیاج نماند .

(استعمال سواری ازروی تعبیه)

سواری روس ، چون اصول اجرا کردن مصادمه را باقطعات بزرگ سواری نمیدانستند از مصادمه زیاده تر پیاده جنگ کرده اند . سبب یگانهٔ دیگر این نیز این بودکه سواری ژاپان چون عدداً کم بود از مصادمه اجتناب میکردند .

در تعلیمنامهٔ سواری روس صریحا بیان شده است که در بعضی احوال قطعات سواری پیاده باید جنگ کنند ، و بادشمن تعرضی یك محاربه اجرا کنند . و از ینست که سوار بهای دراغون تفنگهای برچه دار دارند . و قازاقها چون برچه ندارند استعمال کردن شمشیر شان توصیه شده است . روسها در محاربهٔ آتش (طوپچی سواری) خودشانرا درمقیاس بسیار بزرگی استعمال میکنند . (طوپخانه های سواری) روسها بسبب سیاری بسیاری که دارد یك صنف خیلی گزیدهٔ شمرده میشود .

آمدیم برسواری ژاپان : چنانچه روسها هم تصدیق کرده اند که سواری ژاپان محاربهٔ آتش را به بسیار مهارت اجرامیکنند، وعلی الخصوص درحرکت کردن باپیاده بصورت مشترك اظهار مهارت فوق العاده کرده اند .

در محاربهٔ (شاحو) سواری روس بسایهٔ پیاده جنگ کردن بمقابل پیادهٔ ژاپان شایان تذکار نتیجه ها تحصیل کرده اند .

آتش سواری ، ویا آتش طوپچی سواری گاهی نتیجه های قطعی بسیار غریبی اجرا میکنند که یك مثال آن درا ثنای رجعت روسها در محاربهٔ (موکدن) از طرف ژاپان ها بعمل آمده است . در (۱۱) م مارچ درمیان قافله و

قطار رجعت کنندهٔ روسها بسبب صدای یکچند طوپ یك تلاش وهیجان حقیقی بسیار دهشتناکی پیدا شد . این آتش طوپ عبارت ازیك چندگلهٔ بود که ازطرف یك طوپخانهٔ سواری ژاپان که بایکدوطرب سواری بکمال و فقیت وجسارت خودرا در میان قافله ها وقطارهای شکست خوردهٔ روس انداخته بودند بظهور پیوسته بود . این چندگله آنقدریك برهمی ودرهمی و اضطراب و هیجان در تول غند روس در انداخت که اگرسواری ژاپان یکقدری قوتمندتر می بوددر تول غندروس نتیجه های بسیارالم انگیزی حاصل میکرد .

مصادمه : — در(وافانقو) اجرا کردن یك هجوم سوارئی روس که بریك طوپ خانهٔ ژاپان اجرا کرده بود ، ودر(٦)م مارچ سوارئی ژاپان که در(او نه نشانپو) یك هجوم اجرا نمود مثالهای خوبی برای مصادمه نشان میدهد . این هجومها یك برهان روشنیست که محاربه های که باسلحهٔ جارحهٔ سواری اجرا کرده میشود چقدر قیمت عظیمهٔ معنویه رامالك است .

مع هذا دراجرای هجوم مشکلات بسیاری رخ میدهد که به این سبب در باب انتخاب زمان هجوم ازپیش کرده زیاده تراعتنا کردن لازمست .



ازین ایضاحات معلوم میشود که رول سواری در محاربات جدیده از اهمیت ساقط نشده است . دوام کردن دورودراز محاربه ها، ودوچارشدن اعصاب بضعف از نتیجهٔ آن، برای صنف حقیقتاً یك ساحهٔ بسیارواسع حرکت و فعالیت احضاروتأمین کرده است .

در (۱۰)م مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) درنزدیکئی خط شمندوفراین ندا که (سوارئی ژاپان آمد) درمابین عسکرهای روس یك تأثیر بسیاربزرکی حاصل کرده بود .این است که تنها همچنین یك صدا در چنین زمان نتایج عظیمه

حاصل میکنند .

سواری بسببی که درروز (٦٠) کیلومتریك مسافهٔ راقطع میتواند ازانرو هرگاه درپس شان قطاروقافله هم نباشد درعقب تول‌غند های جدیدبه بسی کارهای مهم تصادف میکنند . هرگاه سواری به‌اجرای این‌چنین حرکتها موفق شود صنف پیاده آن‌راتوقیف کرده نمیتواند .

چیزیکه ازهمه بیشتریاد آورئی آن‌لازم است هماناا‌همیت‌عظیمهٔ پیاده جنگ کردن صنف سواریست . حرب حاضرصریحاً اثبات‌نمودکه چون سواری بز زمین فروآیدبرای یك زمان موقت بایك‌پیادهٔ فایق نیزمقابله کرده میتواند . علی‌الخصوص که باوطوپ‌خانه یامترالیوزهم‌باشد .

یك افسرروس میگوید :

« قطعه‌های کشف سوارئی ماا کثراوقات‌ازسرعت‌خود استفاده حرکت های احاطهٔ دشمنرابه اینصورت توقیف میکردندکه هرگاه حرکت‌های‌احاطهٔ دشمن تهلکه ناك‌میشد یکقطعه سوارئی‌کشف مابریك تپهٔ پهلوی قطعهٔ‌دشمن میتاختند ، وازانجا برقطعات احاطهٔ دشمن‌یك آتش‌بغلی اجرا میکردند . و باینصورت‌به تجربه ثابت‌شدکه ده‌نفرسوارئی باتفنگ‌جدید مسلح نیم طرب ، وکاهی یك‌طرب‌را توقیف کرده‌است »

لهذا بسبب این قابلیت آتش سواری هیچ انکارنمیشودکه این‌صنف‌یك عنصرمهم‌حرب‌شمرده میشود .

صنف پیاده

بنابرنتیجهٔ مهم‌ونخستین ترقیات اسلحهٔ جدیده درمحاربات این‌عصر (۱۹) هم‌وظیفهٔ استفاده‌کردن‌ازاراضی‌برای صنف‌پیاده خیلی‌ضروروهم شده است . بحقیقت‌که مسئلهٔ ازاراضی‌استفاده‌کردن‌یك قاعدهٔ اساسئی‌تعبیهٔ

جدیده را تشکیل میدهد ، چونکه قوت خودرا حسن تصرف واداره کردن ، واز تأثیرات آتش دشمن کمتر متأثر شدن ، وحرکات خودرا از دشمن ستر و اخفا کردن همه کی بسایه ٔ استفاده از اراضی ممکن میشوده و بسبب لازم بودن اینمسئله ٔ استفاده ٔ اراضی است که نظامهای صنف پیاده ثابت ومعین نیست ، بلکه نظر به طبیعت اراضی هر آن متحول بودنش ایجاب میکنند . واین حال خاصه ٔ فارقه وممتازه ٔ تعبیه ٔ جدیده ٔ صنف پیاده را تشکیل میدهد ، بناءً علیه از همه چیز اولتر ازین مطالعه آغاز میکنیم که آیا از اراضی چسان استفاده کرده میشود :

استفاده از اراضی

ژاپانها در خصوص استفاده از اراضی خیلی زیاده عطف اعتبار میکردند . اما اینرا هم بگوئیم که استفاده از اراضی ، شدت اجراآت را اصلا منع نمیکنند . در نزد ژاپانها تنها خطهای شکاری نی بلکه قطعات احاطه نیز از هر نوع ستره ها استفاده کرده به این کوشش میورزیدند که خودشان را بیك حال غیر مرئی درا رند . علی الخصوص شکاریها برای ستر کردن خودشا ، ودراثنای توقف باز جمع کردن خودشان هیچ یك ملجاء وهیچ یك ستره را اهمال نمیکردند . در اراضی صاف وبی سرپناه شکاریها دایما بر زمین میخوابیدند ، ودرزیر آتش دشمن میبودند یاباما نغه ها یا باغروپ های کوچك پیش میرفتند . قطعات امدادیه که برای ملاقی شدن خط شکاری فرستاده میشدند ازیك برجهیدن تابدیگر برجهیدن بصورتی که از هر نوع ستره هابخوبی استفاده کنند به نظامهائیکه موافق اراضی باشد ، پدر امدند . این قطعات درصورت عمومیه باخطهای بسیار باریك ، وازهمکنده پیش شده در ستره ها ئیکه شکاریها توقف کرده میبودند آنها راتقویه میکردند .

قطعات احتیاطیهٔ ژاپنها: دائماً مسافه‌هایی را که درمابین خودشان و دشمن میبود ملاحظه، و تا حدیکه اراضی مساعده میکرد نظامهای کثیف خودرا محافظه میکردند. این قطعات احتیاط در باب تستر به آخر درجه اعتنا بکار میبردند، و نادراً دیده میشدند. اما با وجود این همه دقت و اعتنا بعضی اوقات میشد که بعضی احتیاطهای ژاپان که به نظام قطار میبودند به آتش طوپ چی دشمن و یا از مسافهٔ بسیار دور بتأثیر آتش پیاده دوچار می آمدند که تاثیر این آتش آنهارا پریشان میکرد، و تا ملجاء های نزدیک آنهارا بصورت ابتر برجهت مجبور میساخت.

آمدیم بر روسها: بسببی که اینها لزوم استفاده کردنرا از اراضی نمیدانستند، و بچگونگی استفادهٔ اراضی نیز واقفیت نداشتند — علی الخصوص در اوایل محاربه — از از و بضایعات عظیمه دوچار آمده‌اند. در اوایل محاربه که روسها از اصول استفادهٔ اراضی بیخبر بودند، از کم معلوم شدن دشمن خود خیلی حیرت میکردند. و از ین سبب در نظامهای بسیار کثیف به آتش دشمن معروض میشدند. اما این خطاهای شان آهسته آهسته ولی بخون بهای بسیار انسانها تصحیح کرده شده است. و نظر به ادعای بعضی محررهای فرانسوی یکچند ماه بعد هر دو طرف درین خصوص یکرنگ ملکه و مهارت را مالک شده‌اند.

با وجود اینهم، روسها بنا بر اقتضای تمایلات قومیهٔ شان دائما بهم نزدیک و چسپیده حرکت میکردند. و خطهای شکارئی شان آنقدر بهمدیگر درآمده میبودند که برای انداخت یکدیگر خودشانرا تیله و تنبه میکردند. این حال روسها هیچ عجیب دیده نباید شد. زیرا از خواص طبیعیهٔ روسها اینست که در زمان تهلکه بایکدیگر بسیار نزدیک میشوند، و علی الخصوص در اطراف آمر خودشان به بسیار فشار جمع میشوند. این حال روسها نهادر ینسفر (مانچوری)

دیده نشده ، بلکه در اثنای محاربهٔ هفت ساله در دور امپراطوری نخستین ، و بعد از نیم عصر در سفر حرب (قریم) نیز این حال مشاهده شده بود .

این مسئلهٔ استفاده کردن از اراضی در ژاپانها آنقدر تعمیم و اهمیت داده شده بود که در وقتیکه در زیر آتش دشمن بخوابیدن مجبور میشدند بی آنکه برپا خیزند در همانجا که افتاده بودند برای خودشان یك ملجاء و سرپناهی می کنداند .

اگر دو نفر عسکر میبودند یکی از ان دو نفر بر آتش دوام میکردند ، و آن دیگری در جائیکه افتاده بود مانند نباش بعملیات حفریه دوام میورزید .

و بمجردیکه در پیش روی خود یك بلندئی کوچك خاکی حاصل مینمودهماندم به آتش آغاز میکرد و در ینبار رفیق دیگرش بزمین کنی آغاز مینهاد . اما اینهم گمان نشود که این عملیات تستریه و تحکیمیه بر میل تعرض و پیش رفتارئی ژاپانهایك سوء تأثیری اجرا کرده باشد ، یا آنهارا بهمان خندکها ، وسرپناههای شان ربط و ثابت قدم کرده باشد . نی بلکه دمبدم از پیش رفتارئی بنهائی خود وانه ایستاده اند .

برای صنف پیاده ، مسئلهٔ باروت بیدود نیز برای استفاده کردن شان از اراضی خیلی معاونت ومدد رسانی نمود . چونکه دانستن وتخمین کردن عدد نفری شانرا از طرف دشمن بمشکلات عظیمی بر میخورد ، ودشمنرا درانباب بغلطیهای بزرگی دو چار میکرد . حتی در محاربهٔ (شاحو) یك کندك خاصهٔ ژاپان همهٔ یك لوی غند پیادهٔ روس را بازی داده به انتشار دادن مجبور نموده بود .

آتشه میلیتر دولت ایتالیا که در محاربهٔ (مانچوری) فرستاده شده بود در خصوص استفادهٔ ژاپانهاازاراضی این سطرهارا درجریدهٔ (میلیتر ووخن بلات) نشر نموده است :

« برای دانستن استفاده کردن عساکر طرفین از اراضی، فوتوگرافهای محاربه را از نظر تدقیق گذرانیدن کفایت میکند. در تصویرهای محاربه دیده میشود که نفری های ژاپانها در میان موجهای اراضی، و پست و بلندیهای ریگ زار سراسر گم و نایاب شده میباشند. و نفری های روس دائما معلوم مدار و آشکارا بنظر میخورد.

« وقتیکه در چول پیره های پیش ژاپانها بودم میدیدم که مفرزه های روس بر سر تپه ها و راهها ظاهر و آشکار پدیدار بودند. وچون بطرف وضعیت افراد ژاپانها نظر میکردم. هیچ چیزی دیده نمیشد. حال آنکه در انزمینهائیکه شما آن را تنها و از انسان خالی گمان میکردید مقدار کلانی عساکر ژاپان که از روسها بیشتر بودند موجود بود.

« در محاربه های (لیائویانغ) سوارهای قازاق روس را میدیدم که مانند (شوالیه) های زمان قدیم، درمیان دشتی که باکوهها و تپه ها محاط بود چار نعله میتاختند، و تفنگهای خودرا به تخمینی و بیهوده گی خالی میکردند. زیرا دیدن ژاپانها که از چار طرف برانها آتش میکردند برای روسها غیر ممکن بود. در اثنای این حرکتی که از یك میدان اسپ دوانی هیچ فرق نداشت قازاقها خود شان را اسپ های خودشان را طعمهٔ آتش ژاپانها میکردند. »



مناسبت و مرابطهٔ که درمابین تستر و آتش موجود است چون خیلی شایان اهمیت میباشد از او در ینباب به بیان کردن بعضی مطالعات لزوم دیده شده است:

موفقیتی که در اجرای محاربهٔ آتش بدست آید، تابع نسبتی است که درمابین تستر و آتش موجود است. چونکه هردوی این بریکدیگر خود قطعی ترین تأثیرهارا اجرا کرده میتواند.

این قاعدهٔ اساسیهٔ حربیه که: «تأثیر آتش به ستر مرجح است.» اگرچه این قاعده در ظاهر حال خیلی ساده و بسیط مینماید: ولی مضامین ضمنئی آن غوامض کثیرهٔ مندرج دارد. تعبیر (تأثیر آتش) که گفته شد مقصد از ان این است که فرق و اختلاف تأثیرات مارا باضایعات ما بنظر مطالعه درارد. یعنی تأثیرات آتش مارا باضایعات نفرئی ما، وتأثیرات وضایعات دشمن مقایسه کرده نتیجه بهر طرف که توجه کند آنطرف را متفوق شمردن لازم می آید.

احتیاجی که تعبیهٔ این حرب های زمان آخر طلب میکنند همین است که ناممکن باشد یك قطعهٔ عسکری را تا بسیار وقت از انظار دشمن محفوظ بدارد. لهذا (تأثیر حرکت) بر (تأثیر آتش) فایقست. چونکه یك دشمنی که از طرف دیگر دشمن مقابل خود دیده نشود تا بوقتیکه از طرف دشمن غیر مرئی ماند آزادی و استقلالیت حرکت خودرا محافظه میتواند کرد. وهر انقدر که مستوریت قطعات مذکوره کمتر بود آزادئی حرکات شان نیز بهمان نسبت کمتر میشود. چونکه حرکات وتدابیر ما؛ بهر درجه ئیکه به انظار دشمن معروض بشود، هیچ شبهه نیست که دشمن نیز بهمان نسبت تدابیر وحرکات با مامقابله خواهد کرد. دشمن تنها از تهلکهٔ که از ان خبردار نباشد خوف میکنند. وگرنه از تشبثی که آن را به بیند و بران آگاه بشود هیچ نمیترسد. چونکه درجهٔ اهمیت آن را تقدیر وتخمین کرده از همان قرار تدابیر وحرکات او نیز کار میکنند.

بناءً علیه محاربین هر انقدر که از ستره های اراضی استفاده کنند احتمالات موفقیت بهمان نسبت کمتر میشود، وتأثرات عسکر نیز کمتر میشود، واحوال معنویهٔ شان ساکن وبی هیجان میماند. پس نظر به این ملاحظات به تحقیق میرسد که: «ستر برای بیشتر تحصیل کردن آتش واسطهٔ بسیار قوی ومتین می باشد.» چونکه ضایعات خود ما از ضایعات دشمن که بقدر ما ستر نکرده اند

کمتر بوده تاثیر آتش ما نیز بهمان نسبت افزونی میگیرد و ازانسبب از تاثیریکه به آن دوچار میشویم زیاده تر تاثیراجرا کرده میتوانیم .

اما شایان دقت این است که این تاثیرازافزونی تاثیرانداخت مانی بلکه از کم تاثیری آتش دشمن بر مایش می آید . والحاصل نتیجه اینست که : موفقیت متقابلهٔ دوقطعهٔ محارب که درداخل شرایط متساویه آتش اجرامیکنند تابع اینست که ستره های شان نسبت بیکدیگرغیرمرئی باشد .

استحصال کردن تفوق بواسطهٔ آتش، وحرکت، ودوچار کردن دشمنرا بغفلت برای صنوف ثلاثهٔ عسکریه موقوف براستفاده کردن است ازاراضی . یعنی استفاده ازاراضی واسطهٔ بسیارقوی ومتینیست برای حاصلکردن نتیجهٔ موفقیت . واینرا هم بایددانست که برای استفاده کردن ازین واسطه واجب اینست که در وقت حضر ، درمابین این سه عنصرمهم یعنی (حرکت)،(آتش)، (تستر) مناسبت ویگانگی رابخوبی ودرستی تقدیروتامین بایدکرد .

قطعه های کوچك نسبت بقطعه های بزرك آسانتر (ستره) پیدا میتوانند ازاروپك (تفنگ ماشیندار) برهمانقدر عددتفنگی که با آن معادل باشد فایق می آید .

ازین ملاحظات که تابه اینجا بیان شد درباب مناسبات آتش ، وتستر قواعد این چیزهای ذیل استخراج کرده میشود :

۱ — استحصال کردن یك تاثیر مکمل ، بایك تستر مکمل ، غایهٔ امل را تشکیل میکنند .

۲ — در حرب تاثیر هیچ وقت یکطرفه نی بلکه اکثردوطرفه است . پس درانحال تاثیرکه گفته شود ، تنها تاثیر یکه یکطرف اجرا میکنند دانسته نشود ؛ بلکه فرقی را که درمابین ضایعات ما ، وضایعات دشمن است بنظر

مطالعه باید گرفت .

۳ — یك تستر خوب : برای حاصلکردن تفوق آتش قوتناك ترین وا سطه هاست . ستره هر قدر که غیر مرئی باشد تاثیر آن نیز بهمان نسبت زیاده میشود . و اگر یك ستره ئیکه از طرف دشمن واضح دیده شود بجای آنکه فایده برساند بالعکس ضرر میرساند .

٤ — درجهٔ استفاده کردن از ستره تابع جنس وطبیعت سلاح میباشد . درصورت عمومیه تنها اسلحهٔ ثقیله کاملاً مستورانه انداخت اجرا کرده می تواند . اما در اسلحهٔ خفیفه میل تفنگ ، و اقسام علویهٔ افراد بدشمن معروض میماند که اینهم غیر قابل اجتنابست .

۵ — اسلحهٔ ثقیله در وقتیکه کاملاً مستور بوده آتش کند ، اگرچه ازین جهت تاثیرشان ناقص هم بماند ، بازهم بر دشمن خودکه درمیدان باز آتش میکند فایق شمرده میشود ، تا بوقتیکه موضع مستور آهسته آهسته از طرف دشمن کشف ومعین بشود . ودر تاثرات هردو طرف یك توازن حاصل بشود بازهم دران وقت فوائد خوبتر ترصد کردن ، وقابلیت حرکت را بخوبی محافظه کردن بهمانطرفیست که مستوراً آتش میکرد .

٦ — نظر بضایعاتیکه وقوع آن محتمل است ، هرگاه نتیجهٔ موفقیت و کامیابی زیاده تر باشد درانوقت از ستره صرف نظر کردن شایان توصیه است .

محاربهٔ پیاده

درین محاربه نه درطرف ژاپانها ، ونه درطرف روسها به اصول (بوئر)ها یك پراکنده گی ونیت وپرکی دیده نشده است . درهمهٔ محاربه های اقصای شرق ، شکاریها خطهای بسیار باریك تشکیل می دادند ، وبه احوال دیده

باما نغه مانغه ، یاباغروپهای کوچك کوچك پیش میرفتند . مع هذا درباب حر کتهای شان که با خطهای کثیف وغلو یعنی یکیك خطوه ازهم دور ، حتی آرنج بآرنج حرکت پیش رفتاری شان بسیار مثالها دیده شده است . درزیر کثیفترین آتش دشمن نیز حرکات پیشرفتاری شکاریها تظاهر کرده است . اما شرط اعظم این پیشرفتاری شکاریها اینست که با آتش شدید طوپ حمایه شوند ، وبرای پیشرفتاری بسیار استعجال نکنند . ودم راست کرده پیش شوند .

حرکات جهیدن عسکرها از یك نقطه بدیگر نقطه درزیر آتش دشمن اکثر با غروپهای (۱۵) نفری ، و (۲۰) نفری اجرا کرده میشد . افراد در اثنای دویدن بخواهش خود شان حرکت میکردند ، وباز باهم یکجا میشدند . جهیدنها تقریباً بدرازی ، (۵۰ تا ۶۰) خطوه بود . درصورت عمومیه افسران با یکچند نفر پیشتر ازهمه حرکت میکردند . بعدازان افسران کوچك افراد متباقی را به پیش رفته گیها نزدیك میکردند . این حرکات خیزان خیزان بسیار تعب آور بود که ازان رو درهر ملجاء وسرپناه توقف شان دراز میشد .

دراراضی باز ، درهر ستره خوابیده آتش کرده میشد . معهذا در میان راپورهای تفصیلات محاربه ها بیك راپور شایان دقت تصادف کرده شده است : افسر غبرك غندر وس دریکی از راپورهای خود که درباب محاربهٔ یکی از روز های جنگ (شاحو) بجنرال (دراغومیروف) فرستاده بود نوشته بود که : « بر فرمودهٔ شما حرکت کردم . و غبرك غندرا بی آنکه بر زمین بخوابانم بهجوم سوق نمودم ، ودشمن را گریختاندم . »

اما این یك حال خصوصی ومستثنائیست که برای اراضئی باز اینگونه حر کت قاعدهٔ عمومیه اتخاذ نمیشود . اینگونه حرکت تنها دروقت هجومهای نا

کهانئی شبخون استعمال شده میتواند . در (۱۱)م اوکتوبر سنهٔ (۱۹۰٤) یك مفرزهٔ پنج کندکی روس بی آنکه یك گله هم بیندازند دشمنرا به شبخون ناکهانی دوچار آورده یك غند ژاپان را باسر نیزه بضایعات عظیمه گرفتار آورده اند . این هجوم آنقدر ناکهانی اجرا شده بود که یك قسمی از ژاپانها بگرفتن تفنگهای خود شان که کوت بسته بودند نیز فرصت نیافته بودند .

مسافهٔ انداخت ، ونوع انداخت : — تفنگ های نو، بشرطیکه مقدار بسیاری جبخانه صرف شود از (۲۰۰۰) خطوه بدشمن ضررهای کلی میرساند . معهذا این آتش چنانچه در تعلیمنامه هامذکور است باید که برای کوبیدن یك ساحهٔ اراضئی معین ویاهدف های واسع ذیروح استعمال کرده شود . مانند قطارهای نقلیه ،وقطعات جسیمه ،وقطارهای رفتار .

(از ۲۰۰۰تا۲۵۰۰) متر اجرا کردن اتش یکجا یگی که برقطعات نظام قطار اجرا کرده شود . معناً نتایج حسنه حاصل میکنند . طرفیکه این انداخت را اجرا کرده باوجودیکه دشمن غیرمرئی بوده تأثیر خود را نشانداده، وضایعات بوقوع اورده است .

از (۱۵۰۰) خطوه ، اتش شکاری اغاز میکرد . بسببی که هردوطرف در پنهان شدن ساعی بودند ، برای اجرا کردن اتش جمع ویکجایکی هدف پیدا نمیشد . ازینسبب هدف هاراتفریق کردن ،ونقطه هائی را که بران نشان گرفته شود نشان دادن غیرقابل شده است .

اتش شکاریکه ازین مسافه اغاز میکرد گاهی کثافت وشدت خود را تزئید ، وگاهی سراسر منقطع مینمود . ژاپانها اتش جمع ویکجا یکی خود شان را بمقابل بسیار مسافه های دور، ویاازطرف قطعات احتیاط استعمال میکردند، و بعد ازهجوم افرادرا بازدرزیردست خود جمع اوری کرده استهلاك جبخانه را

منع میکردند وهمین نوع آتش رادایما ترجیح میکردند .

تأثیر آتش از (۱۲۰۰) متر بسیار شدید میشود ، اما تأثیر آتش هر قدر که مؤثر بشود بازهم شکاریهایی راکه خوب تستر کرده باشند — اگرچه درمسافه های بسیار نزدیك هم باشند — سراسر ساکت ساختن وموقع های شان را خالی کراندن قابل نشده است .

طرفین چون بیکدیگر نزدیکشوند هدفها طبعاً خوبتر دیده میشوند ، اما عصبیت و هیجان نیز بهمان نسبت زیاده میشود ، یکی از برکدهای روس در اثنا ئیکه آتش به ایندرجه کسب کسافت میکرد : « برس کله ها را به خت خت یك دیك بسیار بزرگی که بحال جوش خوردن باشد » تشبیه داده است ، در چنین اوقاتها در مسافهٔ (۴۰۰ و ۵۰۰) متر بدرستی نشان گرفتن خیلی مشکل مینمود ازانرو کله های شان سر کرده تا بر هدفهای بسیار دور عقب شان اصابت میکرد .

تجارب حربیه بخوبی نشان داده است که هر وقتیکه مهاجمین بقدر (۱۵۰) خطوه و یا کمتر ازان بمدافعین نزدیك شده اند ، آتش مدافعین تماماً غیر مؤثر شده است ، شجیعترین نفریها نیز بیك حال عصبئی گرفتار آمده قوت خود شان را غایب کرده اند ، حتی نفری هائیکه بسیار نشان انداز های ماهر بوده اند و بچندماه تجربه های حربیه ملکه ومهارت زیادی پیدا کرده اند بازهم درچنین حالها از صحت انداخت تفنگ خود استفاده نکرده اتکلی و بر هدف موهومی کله انداختن گرفته اند .

این است که در چنین زمانها میترالیوزها یعنی تفنگهای ماشیندار یك اهمیت فوق العاده گرفته اند نفری های تفنگ های ماشیندار بسببی که باسپر مستور بودند مانند عسکرهای پیاده بهیجان عصبی گرفتار نمی آمدند وصف های مهاجمین را درو کرده اند .

درمیان غلیان عصبیت، وجوش وخروش محاربه، ولوله وغلغلهٔ مطرد وآهنگدار تفنگهای ماشیندار که بکمال سکونت واعتدال که میبارانید نه‌دیك تأثیر بزرگی حاصل کرده بود. نظر بحکایتی که افسران روس میکردند چنان معلوم میشود که در هردو طرف — علی الخصوص در طرف روسهاٰ یك (آتش شکار ئی حقیقی) اجرا کرده نشده است. چونکه تربیه وتعلیم شکاریان روس در خصوص انداخت بسیار ناقص بود. دلیل واضح وبرهان روشن آن نیز اینست که نشانگاههارا بمسافات مختلفهٔ محاربه تبدیل نداده دایما بریك نشانگاه انداخت اجرا کرده شده است. روسها در ابتدای امر از شدت آتش شکاری های ژاپان خیلی متأثر شده اند. اما آهسته آهسته باآن الفت حاصل کرده‌اند. بواقعیکه درمحاربه های آتش که از مسافه های نزدیك بوقوع میآمد تأثیر مادی آتش تناقص کرده قوهٔ معنویهٔ مدافعین تزاید کرده است.

بعضی زمانهایی شده است که بواسطهٔ ایشپلاق، وصفیر نیز آتش قطع کردن افرادی که اعتدالدم خودشان را ضایع کرده بودند ممکن نشده‌است.

جبخانه — درین حرب اخیر صرفیات کارتوس بسیار عظیم شده است در اثنای محاربهٔ (شاحو) دیده شده است که دریك روز بعضی غند ها که عدد موجودئی نفرئی شان خیلی کم شده بود دریکروز (۲۰۰،۰۰۰) کارتوس سوختانده اند. غند (۱۳۸) م از (۱۳ تا ۱۷) ماه اوکتوبر (۱،۹۲۰،۷۳۰) کارتوس خرج کرده اند.

غند شکارئی (٤) م سیبریا در (۱٤) م اوکتوبر ۵ بار هجوم ژاپانها را بموفقیت دفع کرده بود. ژاپانها از خندکهای روس (۳۰۰) متر دورتر خودرا رسانیده بودند. لکن درین اثنا برای روسها چون کارتوس باقی نمانده بود آتش شان سستی پیدا کرده بود. مهاجمین باز برهجوم برخاستند، وخودرا بخندکها

رسانیده محاربهٔ شدید بر چه بوقوع امده درین حرب اقصای شرق کیفیت بی جبخانه ماندن ، بسیار بارها بوقوع آمده ، علی الخصوص در طرف روسها ،

والحاصل صرفیات جبخانه درین حرب از مقدار نظامئی آن که در نزد عسکر موجود بودن ان قاعده است خیلی تجاوز کرده است . در ابتدای حرب بر سر هر نفری (از ۱۲۰ تا ۱۵۰) کارتوس تقسیم شده بود رفته رفته به (۲۰۰ تا ۲۵۰) بالا بر امده .

در محاربهٔ (شاحو) در روزهای (۱۱ و ۱۲)م اوکتوبر نفری های غند (۹)م چارصد چارصد کارتوس صرف کرده بودند . در طرف ژاپانها نیز عیناً همین حال واقع شده بود . از نفریها بکس های شان گرفته شده بجای ان بر سر ادم دوصدد وصد کارتوس داده بودند . برای رسانیدن کارتوس به خطهای شکاری بدرجهٔ اهتمام تمام احضار شده بود که یکنفر (۷۰۰) کارتوس برداشته میتوانستند . باوجود اینهم قطعات پیاده علی الخصوص بعد از آتش تعقیب بی جبخانه مانده اند و از ازو بسی فرصتهای گرانبها را غایب نموده اند .

اینحرب های وقت حاضر بسبب این غیر مرئیتهائیکه دارند ، و ان سحت وسرعت های انداختی که تفنگهای شان دارد ؛ بیك خدمت استخباریه بسیار محتاج میباشند که این خدمت استخباریه از شرطهای الزم ، اقدم شان شمرده می شود .

برای حاصل کردن این خدمت لابد ولازم چنانست که در موضع محاربه هر گاه یکدر ختی ، یایك خانهٔ ، یایك تپهٔ بی ، و ماشبه ذالك یك چیز معلوم دار و معینی که دیده شود در انجا یك آدم باریك بینی که بایك دوربین بسیار تیز بینی مجهز باشد بنشانند که آن آدم دشمن رایك لحظه از نظر غائب نکنند ، وکوچکترین خطا ها ئیکه از طرف خود شان ویا از طرف دشمن بوقوع ایدانرا زود خبر بدهد

ودقیقه بدقیقه یك ترصد دایمئی اجرا نماید .

هرگاه یك ساحهٔ انداختنیکه بیش تر از (۱۵۰۰) متر باشد بران آتش جمع ویکجایگی شایان ترجیح است . ودر مسافات کوچك ووسطی بشرطیکه تربیه وضبط وربط مکمل باشد آتش شکاری مؤثرتر است .

حالا قواعد اساسیهٔ شرایط محاربه را اجمال کرده مینویسیم که این شرایط عبارت از پنجند فقرهٔ ذیل است :

۱) قطعه های اراضی ئیکه ازانظار ترصد دشمن تماماً مصون باشد، آن اراضی را از تأثیرات آتش دشمن محفوظ باید شمرد .

۲) برای کم کردن ضایعات بهترین چاره ها پنهان ماندنست . بعد ازان نظام هارا کمتر کثیف کردن .

۳) بکمال اعتنا با لذات دشمنرا ترصد باید کرد .

٤) برای اینکه دشمنرا یك آن از نظر دور ندارند، و نظر بمعلوماتیکه بگیرند حرکت بکنند ، وعلی الخصوص بصورتیکه ایجاب بکند مانوره بکنند بواسطهٔ راصد ها ، بیك ترصد واستکشاف خصوصی اشدلزوم ، وجوداست .

۵) در ادارهٔ آتش به استقلالیت و آزادی وسیعه مالك باید بود .

٦) وافر صرف شدن جبخانه را در پیش نظر دقت باید گرفت .

طرز اجرای هجومها : — موافق بر اصول وقواعدیکه در تعلیمنامه های حرب روس وژاپان توصیه وسفارش شده به اثبات رسیده که همچنان هجومها وهجومهای مقابل نتیجه بخش موفقیت گردیده است . لهذا حالا بیان کنیم که این هجومها ایادر زیر چگونه شرایط اجرا شده است :

ژاپانها پیش ازانکه بهجوم اغاز میکردند ، در اول امر، دایما از مسافهٔ (٦۰۰ تا ۸۰۰) متر در خصوص تفوق کردن اتش پیادهٔ خودشان بر دشمن حصر دقت

واعتنا میکردند. روسها نیز در اکثر احوال بهمین صورت حرکت کرده‌اند.
اینرا هم باید دانست‌که طوپچی نیز در خصوص بشدت اشتراك میورزید. در
جاهائیکه اجرای هجوم حقیقی ملتزم نمیبود نیز به این حصول تفوق آتش سعی
وغیرت ورزیده میشد. بیکصورتیکه بردرازی همهٔ جبهه بشدت تمام آتش
تفنگ اجرا کرده میشد. این آتش گاهی بسیار دراز میشد، ومتمادیاً پنج
شش ساعت وبلکه زیاده تر دوام میورزید.

بعد ازانکه بر تفوق آتش قناعت حاصل میشد بهجوم ابتدا میشد. حرکت
هجوم، گاهی با گروپهای کوچك پی هم دیگر، وگاهی باقطعه های بزرگتر ازان
حتی گاهی باهمه تولی ها متعاقب همدیگر خیزان اجرا کرده میشد. قطعاتیکه
در خط نخستین توقف میکردند (رافال؟) های بسیار شدتناك اجرا میکر
دند، وپیش از حرکات جهیدن نیز دایما (رافال؟) میکردند. وازسترها
هم به آخر درجه استفاده شده بود.

معهذا باوجودیکه درخصوص احضار هجوم، واستحصال تفوق آتش به
ایندرجه سعی وکوشش ورزیده میشد باز هم مهاجمین اکثر اوقات درباب قیمت
ودرجهٔ حاضرئی هجوم بازی خورده اند. اینهم ازین پیش آمده که یا تمام در
ها نوقت برای قوهٔ مدافعین قوهٔ امدادیه آمده، یا آنکه طوپچئی مدافعه بصورت
مؤثر وفائده مند بصحنهٔ فعالیت داخل شده است.

درانحال اکثر اوقات هجوم مهاجمین دوچار انکسار شده درزیر آتش دشمن
تا بمحلیکه ازانجا بهجوم آغاز کرده بودند برجعت کردن مجبور میشدند. ویا آنکه
درهما نجا بر زمین چسپیده میماندند. درچنین زمانها برای استحضارات نو، وباز
هجوم کردن بورو واحتیاطهای تازه احتیاج پیدا میشود. برای اینچنین هجومها
ئیکه عقیم، وبیفائده مانده، ومهاجمین در زمین خوابیده وبعدازان باز موفق

شده اند بسیار مثالها موجود است . اما اینرا هم باید دانست که یك هجومیکه بخوبی حاضر شده باشد و بسیار مدت با آتش طوپ چی حمایه شده باشد ، و بصورت جدی اجرا شود آتش مدافعین کسر کرده نمیتوانند .

درانحال اگر قوهٔ معنویهٔ مدافعین بدرجهٔ کافی بر هم نخورده باشد ، گلو بگلو بامهاجمین آمده زدوخورد سرنیزه بوقوع میامد ، و بعدازانکه به اینصورت یك محاربهٔ سر نیزه بوقوع می آمد ، ویا دیریا و دبه انجا میرسید نتیجهٔ قطعیه معلوم میشد . اکثر اوقات روسها وقتیکه میدیدند که آتش شان صولت مهاجمین را نمی شکست ، باسرنیزه بهجوم مقابل برخاسته ، و از سپرهای خود برامده بمقابل دشمن خود شان میبرامدند . این صفحهٔ هجوم الحق که خیلی شایان دقت است .

از یکطرف مهاجمین رامیبینیم که بسی مشکلات را برخود گرفته ، و بر خیلی موانع غلبه جسته ، و بسایهٔ تفوق آتش طوپ و تفنگ خود بر دشمن هجوم نموده ، و بموضع نزدیك دشمن خود را رسانیده ، و به اینصورت منتظر امید های داخل شدن به استحکام های دشمن شده خواهشگر برچیدن ثمره های جانفشانیهای خود میشدند .

از دیگر طرف مدافعین را می بینیم که بر محاربهٔ تعرضکارانه موفق نیامده درزیر آتش مؤثر دشمن درمیان سپرهای خود به پنهان شدن مجبور شده ، وبمنع پیش آمدن پیاده های دشمن جرأتکار خود کامیاب نیامده به ناامیدی ترك موضع خود که از بسیار وقتها آن را بهزار خون جگر مدافعه کرده اند گرفتار آمده اند .

پس در چنین حال خطرناك بحران اشتمال ، برای طرف مدافعین یك کار باقی میماند که بکمال جرأت و جسارت این تفوق و حاکمیت دشمنرا حقیر شمرده با

ضربه های سرنیزه از سپرهای خود بیرون برامده دشمنرا استقبال کنند ٠

این حرکت جسورانهٔ مدافعین احتمال کلی دارد که دشمنرا مغلوب ومنکسر نماید ٠ زیرا مهاجمین که بمشکلات مدیدی خودرا تابه انجاها رسانیده اند البته ازتاب وتوان افتاده مهیا شنند ٠ لاجرم در پیش اینگونه حرکت جسورانهٔ قهرمانانهٔ مدافعین منهزم وپریشان میشوند ٠

باز تکرار میکنیم که درچنین احوال هرنوع عناصر ومؤثرات مادی از حکم وتأثیر ساقط وعاطل مانده ، احوال روحیه ومعنویه بدرجهٔ نخستین اجرای تأثیر میکنند ٠ اعصاب دو مخاصمیکه اینچنین بهم نزدیك رسیده باشند به آخر درجه متأثر وخلل دار شده تفنگیکه بدست دارند آنرا نیز به امنیت وصحت تمام استعمال کرده نمیتوانند ٠ بنا برین درچنان وقت ها کار بانداخت کامل ، وتفوق آتش پیش نمیرود ، بلکه بجرأت ، وعزم ، وعلوهمت بانجام میرسد ٠ زیرا مهاجمین هرانقدر که برقوت خود اعتماد داشته باشند ، واز بر طرف کردن اینهمه مشکلات وموانعات ، ونزدیکشدن به اینقدر جه بمدافعین سرمست نشهٔ ظفر باشند بازهم درمقابل این حرکت جرأتکارانهٔ مدافعین که ازسپرها برامده سرنیزه برانها بتازند معنًا دوچار هیجان میشوند ٠ چنانچه در بعضی اوقاتی که روسها همچنین حرکت کرده اند ژاپانها باوجودیکه خود را بسیار به استحکامهای آنها نزدیك هم کرده بودند تاب آورمقاومت نشده رجعت کرده اند ٠

این تأثیر معنوی مهلکه برچه را گاهی در هجوم مهاجمین نیزمی بینیم که دربنباب نیز بسی مثالها موجود است ٠ ازین قبیل یك غند سیبریا که دراثنای محاربهٔ (یالو) درجوار (توره نچون) ازطرف جناح راست ژاپانها احاطه شده بودند ، وخط رجعت شان بریده شده بود ، بقوت هجوم سرنیزه صفهای

دشمنرا شکافته راه برای خود باز کرده اند . درین جا دیده میشود که یك نمونهٔ قیمتدار ترین فن تعبیه بسایهٔ هجوم برچه عقیم مانده است .

کذالك بسی مثالها موجود است که هجومهائیکه بعزم و شدت اجرا کرده شده است بموفقیت نتیجه پذیر گردیده است .

در (۱۳) م اوکتوبر ، ژاپانیها باقوتهای عظیمی که هجوم بردند اقسام پیشروی قول تولغند (۱۰) م روس را که ساحلهای (شاحو پو) را گرفته بودند دفع کردند . و دیگر بعضی هجومهای شان نیز مرکز تولغند روس را بسوی (شاحو) برجعت مجبور ساختند روز دیگر بساعت (۱۰) جنرال (قوروپاتکین) فرستادن یك قسمی از احتیاط عمومی را به امداد مرکز ضرور دیده (۲) طوپخانه . و (۲) طرب سواری و (۲) غندپیاده را روانه نمود . با این قوتهای کندکها (۲) غند دیگر نیز در اصل موضع محاربه موجود بود که همهٔ اینها زیر ادارهٔ یك برکد داده شده بود .

این هجومها را یك کپتان روس در اخبار (روسکی انوالد) اینچنین تصویر نموده است :

« یکی از غند های پیاده که (۲) کندك آن در خط پیش ، و یك کندك آن در احتیاط بود . بر پشته ئیکه خدمت موضع انداخت را میدید جابجا شد . ازین جا بعد از زوال تا بساعت چار یك آتش شدید تفنگ اجرا کرده شد . درین اثنا طوپ خانه ها هم رسیده وظیفهٔ حاضر شدن هجوم را بر تپهٔ که ژاپانها آنرا گرفته بودند بعهده نمود .

« این حاضری ها تا یکساعت دوام نموده بساعت پنج بعد از یك باران شدید اشارت تعرض داده شد . این اشارت بر تمام جبهه به بسیار نشاط و سرور قبول شده غند های پیاده به آتش شدت ناك تفنگ دشمن اهمیت نداده بیك

عزم قویئی پیش شدند .

« عسکرها بلا توقف پیش میرفتند . مهاجمها وقتیکه بموضع ژاپانها نزدیك شدند غیر از جناح چپ دیگر بر همه امتداد خط حرب آتش را منقطع کردند . اما آتش تفنگ جناح چپ رفته رفته تزئید شدت میکرد . ازان و عسکرهای مابقوت سر نیزه ژاپانهارا ازجائیکه دران تحصن کرده بودند براوردند . ساعت شش وقت شام بود که شکاری های روس پشته های موضع ژاپانهار اضبط نمودند . »

این محاربه شایان تدقیق است . درینجا می بینیم که هجوم بایك آتش شدید طوپچی که تابخط شکاری هجوم خودرا حمایه کرده ، هجوم را منتج موفقیت کرده است . بعد ازانکه این حاضرئی طوپ چی به انجام رسیده قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند بی آنکه یکدم توقف کنند پیش رفته موضع ژاپانهار اضبط کرده اند . مهذا درینجا یکبار این دیده میشود که هجوم تاسینه بسینه رسیدن پیش رفته ، وتنها حاضرئی آتش کافی نیامده به استعمال برچه احتیاج پیداشده است .

حالا درباب ژاپانها نیز یك مثالی دگر عرض میکنیم که این مثال ازیك رسالهٔ فرانسوی ترجمه شده است :

« در اثنای محاربهٔ (لیائویانغ) ازطرف لوی غندهای (۳و۵) م تول غند (اوقو) یك موضع روس را به اینصورت ضبط کردند : روز (۳۱) آگست بوقت صبح طوپچیهای ژاپان برای تسهیل کردن هجوم ؛ خندك های روس را بایك گرد بادطوفان گله ریزی ستر نمود . پیادهٔ ژاپان در خندکهای خودشان که بقدر (۱۰۰۰) متر دورتر از موضع روس بود منتظر امر هجوم نشسته بودند . درخط اول یك قوت (۳) کندکی موجودبود . افراد درمیان خندکها آرنج به آرنج نشسته بودند . مسافه ئیکه قطع کردن آن لازم بود صاف وباز بود وبجز یکدو کبولتی دگر هیچ سترهٔ موجودنبود . برای هجوم ، عساکر موجوده

را بر غروپ های (۲۰) نفره و (۱۲) نفره تقسیم کردند، و غروپ هارا در زیر قوماندانی یکیك افسر کوچك توديع نمودند. و بهریك از ین غروپها نقطهٔ که واصل شدن شان به آن لازم بود واضحاً تعیین وتثبیت کرده شده بود. قطعا تیکه بهجوم مأمور بودند، تعلیمات یگانهٔ که از قوماندان خود گرفته بودند عبارت از تعیین نمودن همین نقطه ها بود.

« تام ده دقیقه بعداززوال ، پیاده های ژاپان اشیای خود شان را که در پشت داشتند بر زمین گذاشته بهجوم عمومی آغاز نهادند. خط اول بیك صولت شیرانه از خندك های خود شان بر جهیدند. قوماندانهای غروپ هابه پیش تاخته بسرعتیکه ممکن بود تابه نزدیکترین موجهای اراضی خود را رسانیده درانجا بر زمین بخوابیدند. قطعه ها بی آنکه بهیچگونه نظام وانتظام رفتار رعایت بکنند، وهر نفر بجز اینکه تاممکن مرتبه به نقطهٔ که رسیدن شان امر شده خودرا برسانند دیگر هیچ چیزی نیندیشیده آمرهای خودشان راتعقیب میکردند. بعضی از ین قطعه ها ازمیان کشت زارها میگذشتند که به اینسبب رفتار آهسته تر مجبور میشدند. اما بعقا بل این آهسته روی از پنهانی خود استفاده کرده بدون تهلکه خودرا تابه نقطهٔ معلومه میرسانیدند. دیگر قسمهای شان باپاههای کوتاه خود تاممکن مرتبه بسرعت دویده منطقهٔ اراضئی باز و بی سرپناه را امرور می نمودند.

« پیش رفتاری : به این جهیدنهای پی همدیگر، ودم راست کردنهای مدید دوام میورزید. افراد آمرهای خودشان را تعقیب، و آمرها نیز ستره های پیش روی را، وگذرگاههای رسیدن رابه آنجا انتخاب میکردند. اکثراً استقامت حرکت های خودشان را برای استفاده کردن از ستره های اراضی بچپ وراست میل میدادند وباز استقامت اولئی خودرا میگرفتند.

« در توقف نخستین انتظام اولئی که داشتند زایل شد . بعضی غروپ‌ها خوابیده وسینه مال ، وبعضی عوارض زمین راسپر کرده ، وبعضی بدویدن پیش میشدند . غروپ ها حذای همدیگر راتجاوز میکردند ، ویکی دیگر خود شان راستر میکردند تاآنکه (۹۰۰) متر اراضی را باینصورت قطع کرده تا بموانع فرعیهٔ موضعهای روس خود را رسانیدند . ودر انجا باز کسب انتظام ورزیدند .

« در اثنای این نظام رفتار که در حقیقت هیچ نظام نبود ، چیزیکه شایان دقت است همین است که مهاجمین سلاح خودشان راهیچ استعمال نکرده ، یعنی هیچ تفنگ بیندا ختهاند . غروپ های پیاده در پیش روی یکدیگر گذشته در مابین روسها ورفقای خودشان اخذ موقع میکردند . که در اینحال اگر آتش میکردند به رفقای خود ضرر میرسانیدند . دیگر اینکه دشمن خودشان را که درعقب سپرهای خودشان خزیده بودند نمیدیدند ، ونشان گرفته نمیتوانستند ازینسبب ها همه حرکت هجوم بی‌استعمال سلاح بوقوع آمده یك دانه گله هم اندا خته نشده بود .

« وقتیکه خط نخستین مهاجمین به نصف مسافهٔ هدف مقصود نزدیك شدند خط دوم از خندك هائی که دران بودند برامده ، وازاراضی استفاده کرده ، ومانند خط اول حرکت کرده برموضع دشمن هجوم نمودند ودر پی آن خط سوم ، خط دوم را والی آخره تعقیب کردند آخر الامر همهٔ خطها در حالتی که شش کولمبو تنی کشتهٔ های پی همدیگر را گذشتند . درمیدان پیش روی موضع روس که صدمتر مسافه بموضع دشمن مانده بود جمع آمدند .

« درین اثنا افراد داوطلب ژاپانها به بریدن دامهای سیمقی که درزیر میل های تفنگ روس بود . مشغول شدند . وبه اینصورت خزیده خزیده ازمیان موا قع فرعیه بکشادن راهها موفق شدند . لکن ازین دلاوران جان فشان بسیار کم

مردم باز پس برفقای خود التحاق توانسته بودند . وباقی همهٔ شان درانراه فدای جان کردند .

«هنگامیکه همهٔ شان جمع شدند حکم (برچه بك) داده شد. لمعه پاشی برچه‌ها که از غلاف کشیده شدند بر همه خط یك چراغانی بوجود آوردند . باز یکبار افسرها ملجاء خودشان را ترك کرده ، و(بانزای) گفته به پیش تاختند همهٔ مهاجمین بیکباره گی بر خندك‌های دشمن خودرا بینداختند. تام درهمین وقت شکاری های سیبریا از خندکهای محفوظ خودشان بیکبارگی برخاسته بر تمام درازی خط یك آتش جمع یکجایکی اجرا کرده ، وبعدازان بقدمهای دویدن از بغلهٔ عقب کوه فرو آمدند، ودریکنقطه باز دشمن خودشان راانتظار شدند . ژاپانها نیز درعقب آنها بتاخت فروامده درانجا یك محاربهٔ شدید سر نیزه درمابین شان درگرفت . ولی چون روسها دانستند که خط رجعت شان بریده میشود بر جهت قهقری به عقب کشیدن مجبور شدند . درین محاربه طوپ چئی روس تنها بیك چند فیر یکجایکی بر طوپ چئی ژاپان اکتفا کرده بودند

«آمدیم بر آتش پیاده: عساکر ژاپان که درجناح راست هجوم اخذ موقع کرده بودند ، خطهای روس را درزیر آتش بغلی گرفته بودند که همین آتش هجوم مذکوررا بموفقیت منتج نمود . این هجوم برلوی غندهای (۳و۵) ژاپان به (۳۰۰۰) نفر مقتول ومجروح تمام شد .»

یکی از وقایع حربیه ئیکه درهجومها پیش میاید وخیلی شایان دقت است این است که دربعضی هجومهای قطعی بسبب مزاحم عظیمهٔ بدنیه ، ومساعئی فوق العادهٔ تعبیه وتأثرات روحیه گاهی میشودکه مهاجمین سراسر از قوت وطاقت ساقط میشود . درینباب بیك مثال عجیبی که شایان تذکاراست تصادف شده

که آن را درینجا حکایه میکنیم :

در اثنای محاربه هائیکه در (۳۱) م آ گست درجنوب (لیائویانغ) بوقوع میامد یکی ازغند های شکارئی سیبریا از نتیجهٔ یك هجوم شدتناکی که از طرف ژاپانها بوقوع آمده بود از خندکهای شکارئی شان براورده شده بودند . روسها بی آنکه مصادمه کنند بیك حال پریشانی و فلاکت موضع خودشان راتخلیه کرده درپشت خانه هائیکه یکقدری درعقب بود پنهان شدند . امادرانجا افسر آنها سعی وکوشش ورزیده آنها رابه ایستادن ، وپس بحال انتظام رجعت دادن موفق گردیده باز بر ژاپانها که موضع شان راضبط کرده بود بهپیش سوق نموده ژاپانهادرمیان آن خندکها به آندرجه بیتاب وتوان افتاده بودندکه بمقابل این عودت تعرضیهٔ روسهانه بمدافعه کردن ، نه فرارکردن مجال حرکت نداشتند . در حالتی که باقوندااق تفنگ ، وسرنیزه ، وتیغ وخنجر بیچاره هارا قتل میکردند ، و اسیر میگرفتند بازهم هیچ تاب وطاقت نداشته ازهمانجائیکه بودند بر نمیخواستند .

این مثال ، بصورت بسیار واضح بمانشان میدهدکه هرگاه یك موضعی ضبط شود ، میباید که درعقب آن مفرزه ئیکه آن موضع را ضبط کرده اند برای دفع کردن عودت تعرضیهٔ محتملهٔ دشمن بسرعت ممکنه قطعات تازه دم احتیاط فرستاده شود .

ازمدهشترین احوال محاربه های زمان مایکی اینست که بریك موضع چون هجوم برده شود ، وآن هجوم عقیم بماند ، ودرزیر آتش شدید دشمن برجعت مجبوریت دست دهد خیلی مهلك میباشد . زیرا درچنان وقت قوهٔ معنویهٔ مدافعین فوق العاده بالابی گرفته واعتدال دم خودشان را بخوبی محافظه کرده چنانچه در یك میدان نشان اندازئی باشند بشدت وکثافت آتش تعقیب را اجرامیکنند که ازان ومهاجمین را بضایعات عظیمی گرفتار میارند .

نظر بمعلوماتیکه ازمنابع (المان) گرفته شده چنان معلوم میشود که ژاپانها از چنین رجعت درزیر آتش خیلی احترازمیکردند . اگرهجوم خیلی مشکل ، وغیر قابل اجرادیده میشد درنیم راه توقف کرده بحفرکردن وتأسیس دادن سپر مشغول میشدند . و برای دوباره هجوم کردن ، ویاسراسر رجعت نمودن بحلول شب انتظار میکردند .

در اپریل سنهٔ (۱۹۰٤) برکید (ماردینوف) روسی درهجوم (آنچو) نیز همچنین حرکت کرده بود . برکید (ماردینوف) قطعه های خودرا که بسبب بی تدبیری پیشدارتابه نزدیك شهربادشمن بمحاربه داخل‌شده بود ، ودرزیر آتش دشمن مجال حرکت برای شان نمانده بودبدرجهٔ که زخمیهای خود شانرا نیزبرداشته نمیتوانستند تقویه داده ، و جناحهای خود راحمایه کرده ، تابشب بر محاربه دوام نموده وچون شب شد زخمی‌های خودراجمع کرده بکمال امنیت برجعت آغاز نهاد .

(محاربه های شبانه)

بعد ازمحاربه های اوکتوبرکه برنهر(شاحو) بوقوع آمده بودتولغند های هردوطرف محاربه های شبانه راخیلی زیاده استعمال کرده اند واکثر اوقات قوتهای بزرگ مانند غبرك‌غند، ولوی غند بمحاربه های‌شبانه اشتراك کرده اند . اینمحاربه های شبانه یابوقتیکه ظلمت شب بخوبی حلول میکرد، یابوقت غروب بوقوع می آمد .

در اثنای محاربهٔ (شاحو) بسایهٔ یك هجوم شبانه ژاپانهادر (۱٤) ماه اوکتوبر یك کنندك طوپچی روس راسراسر محوکرده بودند . صورت‌وقوع این هجوم دریك رسالهٔ فنی حرب روس باینصورت حکایه شده است :

« در طرف صبح یك دمهٔ پیدا شده بود ، ستاره هایکان یکان خاموش میشد ، درده پیش رو یك آتش تفنگ شنیده شد ، درطوپخانه های روس یك بیداری وهو شیاری تمام حکمفرمابود ، یکی یکبار از میان موجهای دمه پیش آمدن یك خط پدیدار گردید ، سایه های که این خط را تشکیل میداد بسرعت تمام بر طوپخانه ها پیش می آمد ، درعقب این خط دیگر خطها پیش میشد ، و لحظه بلحظه صداهای تفنگ بیشتر شده میرفت .

« در اول امر روسها چنان پنداشتند که این آینده گان رفقای خودشانست که از پیش دشمن گریخته میآیند ، ازانسبب برای آنکه رفقای خودشان اضرر دیده نسازند بایك زاویهٔ بزرگ رمی آتش میکردند ، درین اثنا خطهای شکاری دشمن از تپه فرو آمده جناح چپ یکی از طوپ خانه ها را احاطه کردند . رفته رفته مسافه کمتر شده میرفت ، روسها هنوز درشبهه بودند ، آخر الامر سایه ها چون بقدر (۱۵۰) خطوه نزدیك شدند به تحقیق پیوست که اینها ژاپون است .

« هماندم فیوزهای شراپنلها را بحد صفر تنظیم کرده بزودی تمام آتش کشادن امر کرده شد ، زیرا که روز موجود نبود ، لهذا شراپنل عمقاً اجرای تأثیر نکرده ژاپانها را توقیف کرده نتوانست ، قوماندان طوپچی برکد (سومه لنسکی) یکی از جملهٔ مقتولان بود مومی الیه وقتیکه میمرد (قاماها) ونشانگاه های طوپها را به کشیدن و گریختاندن امر نمود .

« طوپ ها از آتش کردن در افتادند ، چونکه محاربهٔ اسلحهٔ جارحه آغاز کرده بود ، اسپ های طوپ ها نیز همه تلف شده بودند ، قوماندان طوپ خانه چون تلف شدن اسپ ها را بدید ، بردن طوپ ها را بشانه ها امر نمود ، به اینصورت دو طوپ را تایکچند خطوه بشانه کشیدند ، ولی همهٔ افرادیکه آن را حامل بو

دند مقتول و مجروح شدند .

« این است که به اینصورت قسم اعظم افسران . وافراد ، واسپ ها تلف شده وطوپ ها هم ضبط گردید . تنها بعضی (قاهای) طوپ ها از طرف روسها گریختانده شده بود . »

این مسئله با این محاربه واضح شد که هر گاه پیاده بقدر (۱۵۰ تا ۲۰۰) خطوه بیك طوپ خانه نزدیك شوند بهمه حال بر مقصد خود نایل و کامیاب میآیند .

در شب (۱٦)م و (۱۷)م اوکتوبر ، بر تپهٔ (پوتیلوف) ، ودیگر تپهٔ مجوار آن از طرف روس ها یك هجوم شبانه اجرا شده بود ؛ به این محاربه که هنوز از روز آغاز نهاده بود از هر دو طرف قوهٔ عظیمه اشتراك کرده بود . از طرف ژاپانها لوی غند (۱۰)م کاملاً ، واز طرف روسها از لوی غند های مختلف نزدیك به (۷) غندیك قوت اشتراك ورزیده است .

این قطعات بر سه مفرزه تقسیم شده بود . اما همهٔ آن در زیر ادارهٔ یك قوماندان بود . حالانکه درمابین این مفرزه اتحاد حرکت حاصل نشده بود .

در طرف راست غیر از غند (پوتیلوف) ، درمرکز قطعات جنرال (نوویقوف) که از (۳) غند و (۲) کندك مرکب بود . در طرف چپ یك غند شکاری موجود بود .

این محاربه که تفصیلات آن در جلد چارم کتاب ما مفصلاً مذکور ، وبنام محاربهٔ تپهٔ (پوتیلوف) مشهور است یکی از مثالهای درخشان حرب روس و ژاپان را تشکیل میدهد . این محاربه بخوبی نشانداده است که درشب باقطعات بزرگ اجرا کردن هجومهای قطعی ممکن میباشد . درینمحاربه بر چه اهمیت فوق العادهٔ خودرا بمیدان براورده است .

والحاصل محاربه های شبانه برای ضبط واستیلا کردن نقطه هائیکه در روز نزدیك شدن به آنها ممکن نباشد چارهٔ یگانه امکان را تأمین وتشکیل میدهد .

استعمال سر نیزه

بنام دیگر (برچه)

در تجارب حربیه هرکس در همین سعی است که همان دلایلی را پیدا کنند که اصابت نقطهٔ نظر خودش را نشان بدهد . وازین است که المانها حرب (مانچوری) را در صورت عمومیه برای مظفریت (تعمیذ آتش) مانند یك برهان قاطعی نشان دادن میخواهند . بلی درین هیچ شبهه نیست که در محاربهٔ پیادهٔ آتش معناً ومادةً قیمت بسیار گرانبهایی را مالك است . چونکه هرگاه مهاجمین از مسافات وسطی به آتش پیاده احراز تفوق نکنند احتمال موفقیت در هجوم قطعی گاهی تصور نمیشود .

مع هذا این را هم تسلیم باید کرد که از محاربهٔ سنهٔ (۱۸۵۹) سفر حرب فرانس در ایتالیا باینطرف استعمال برچه چنانچه درین حرب روس وژاپان در یکمقیاس بزرگی بوقوع آمده در دیگر هیچ حربی واقع نشده است .

بحقیقت خواه در پیش گاه (پورآرتور) در محاربه های قلعه وخواه در (مانچوری) در محاربات صحرا برچه بصورت بسیار واسعی استعمال شده است .

نظر به ایستاتستیقهائیکه اطبا داده اند در محاربهٔ اقصای شرق درمیان زخمیها در صدی (۸۰ تا به ۸۵) از گلهٔ پیاده در صدی (۸) از گلهٔ طوپچی، در صدی (۷) به سر نیزه زخمی موجود شده است که ازینهم معلوم میشود که برچه برابر صنف طوپچی تخریبات بعمل آورده است .

بناءً علیه چنانچه بعضی کسان اعتقاد کرده اند که برچه عبارت ازیك ثقلت بی لزومی شمرده میشود ، چنین نیست زیرا هنوز زمان رفع کردن وبرداشتن آن نرسیده است ، چونکه تجارب اخیره حل اینمسئله را بیك زمان

آیندهٔ مجهولی وا گذاشته است . در روسیه به تعلیم برچه خیلی زیاده اهمیت داده میشود . حتی عسکر پیاده در حال رفتار نیز دایما تفنگ را الحال (برچه یك) میبر دارند . اگر چه این یك احتیاط مفرط است . معهذا در یك زمان بحران انگیزی این حرکت احتیاط کارانه باوقت ضایع کردن برچه انداختن تضمین میشود . در (۲٤) م جولایی در محاربهٔ (داشیچاعو) یك غند سیبریا بر قطعات ژاپانها یك هجوم مقابل اجرا کرده بودند . حال آنکه ژاپانها برای برچه انداختن وقت و فرصت نیافته بودند .

همه محاربه های این حرب اخیر به اثبات رسانیده که ، در وقت هجوم ، برچه یك واسطهٔ قطعی ایست که نتیجهٔ مظفریت را تعیین میکنند . زیرا اکثر اوقات طرفین مخاصمین تا بمسافهٔ برچه بهمدیگر نزدیك شده اند . و به اینصورت گلو بگلو محاربه کرده اند .

چنانچه پیش ازین هم گفته شده بود که هر وقتیکه مهاجمین تا بصد خطوه نزدیك میشدند ، روسها با برچه هجوم مقابل اجرا میکردند . و این هجومها اکثر منتج موفقیت هم میشد که این هجومهای مقابل . قیمت معنویهٔ برچه را اظهار کرده است . در حقیقت که نظر شود این یك هیچ قابل انکار نیست که ژاپانها با وجودیکه در هجومهای خود شان در خصوص شدت و متانت ، و استحقار همت جسارت و دلاوریهای فوق الحد نشان میدادند ، ولی باز هم در پیش این تهلکهٔ برچه گردن خم میکردند . درین هم هیچ شبهه نیست که سبب اینهم قسماً از تفوق جسمانی روسها پیش میآمد . یك برکدر روسی در تالیف خود چنین نوشته است :

« برچه در دست عسکر های ما از قیمت خود هیچ چیزی ضایع نکرده است . من درینجا چیزهائیکه برای العین مشاهده کرده ام مینویسم : یك قوت

عسکریهٔ ماکه ازیك غند و (۲) کنندك مرکب بود در (۱۱) م اوکتوبر (اندونیولیو) نام یك قریه را بی آنکه یك کلهٔ بیندازند باهجوم سر نیزهٔ شبانه ضبط نموده اند . ودرینمحاربه ژاپانها را بیشتر به (۱۵۰۰) ضایعات دوچار کرده اند . برای مثال درینجا تنها حرکت یك صوبه داری راکه به غند مذکور منسوب بود حکایه میکنیم :

« غند ما ، یکدهی را که درجبههٔ غرب موضع مستحکم (موکده‌ن) بود اشغال کرده بودند : در وقت صبح (۸) م مارچ ، ژاپانها هجوم کردند . ژاپانها بقدر (۵۰۰) متر بموضع ما نزدیك شدند، ولی در مقابل آتش بسیار شدید ماطاقت نتوانسته باضایعات عظیمه رجعت کردند . لکن یك قسمی از انها، یکقدری در پیش روی این ده درمیان قبرستانهای کهنهٔ چین التجا کزین شده بود . بعد از نیم ساعت ازین جهت یك آتش شدید تفنگ برما آغاز نهاد که این آتش موضع مارا در زیر آتش بغلکی میکرفت ، وسبب یك برهمی ودرهمی بزرگی میشد . چونکه هم سبب ضایعات مامیشد هم مواصلهٔ مارا باده قطع مینمود .

« لهذا اولا کرچه با آتش جمع یکجایکئی و بعدازان بامیترالیوزها برای کشیدن ژاپانها را ازانجا کوشش ورزیده شد لکن ممکن نشد . زیرا اینمحل که از سه طرف باکوتهای خاك محاط بود برای ژاپانها یك سترهٔ مکملی تشکیل مینمود . تنها جهت چارم شان بسوی غرب باز بود .

« ساعت (۱۱) بود ۵ صوبه دار (سته فانقو) برای دفع کردن ژاپان هارا ازین جا ازقوماندان اجازه خواست . قوماندان غند بعدازانکه ترتیب حرکات صوبه داررا شنید اجازه داد .

« صوبه دار (سته فانقو) از مفرزهٔ خود (۶۰) نفر داوطلب جدا کرد . ازهمه پیشتر برجبههٔ (۱۰) نفر فرستاد . این ده نفر برسینه خزیده خزیده و

ازاراضی استفاده کرده تابه (۲۰۰) خطوه خودرا به ژاپانها نزدیك کردند. وازانجا یك آتش شدید تفنگ اجرا کردند . این حال غیر منتظر نظر ژاپانهارا به آنطرف جلب نمود . ژاپانها برین ده نفرکه عددقوت آنها به ایشان معلوم نبود همه آتش خود شان را توجیه نمودند. صوبه دارازین دقیقه استفاده کرده با (۵۰) نفرعسکرمعیت خودبه طرف چپ قبرستان بکمال سرعت وچابکی دویدند . ودرانجا نقطه های مساعد وموافق را استیلا کردند. ویك آتش بسیار شدیدی بر ژاپانها بازکردند. درین اثنا سه نفرکشاف به صوبه دار خبرداد که درعقب قبرستان یك جاخالیٔ خوبی موجود است که ژاپانها آنجارا نگرفته اند . هماندم صوبه دار (۲۰) نفررا درانجا فرستاد تعلیماتیکه صوبه دار به آنها داده بود این بودکه دراول امریك بولی آتش یکجایکی داده وبه اینصورت ژاپانهارا بازی بدهند که برزمین بخوابند ، وچون خوابیدند هماندم بهجوم برچه برانها برخیزند .

حسابات صوبه دار درست برامد: ژاپانها به بولی (تولی) برزمین خوابیدند . درهمانساعت آن (۲۰) نفر بهجوم برخاستند . (۳۰) نفردیگر قبرستان را درزیر آتش بغلکی گرفته بودند. ازین هجوم ، ژاپانها بحیرت افتاده برنفریهای هجوم کننده روی خودرا گردانیدند که بقوت آتش آنهارادفع کنند. درین اثنا صوبه دار (ستنه فانقو) با (۳۰) نفر همراهان خود بابرچه بهجوم برخاست .

ژاپانهارایك پریشانی عظیم استیلا نموده فرارکردند . دیگرتولی ها ومترالیوز های روس که منتظر فرصت بودند باآتشهای شدید ژاپانهارا کوبیدن گرفتند . واز (۵۰۰) نفرژاپانیها (۷۰) نفرشان رهایی یافته باقی مقتول ومجروح افتادند. این محاربه که ازوقت پیشین آغاز نهاده بود بساعت

یك به انجام رسید ۰۰
این مثال هم نشان میدهد که یك مقصدیکه بخوبی دران اندیشه شده باشد ، وعزم قوی دران باشد محققست که بموفقیت وکامیابی نتیجه پذیر میشود ۰

(صلاحیت)

یعنی اختیار داری

مهمترین اسبابی که درمحاربهٔ پیاده نیز روسها را عاجزوکم زورداشته بود همین بود که افسران کوچك شان هیچ قیمت عسکربه را مالك نبودند ، و برخود شان هیچ اعتماد نداشتند ، وچون ژاپانیها که ازخود صاحب رأی و قرار هستند آنهاازین اقتدارسراسر محروم میباشند ۰ وتعلیم وتربیهٔ شان بدرجهٔ کفایت نیست ۰

این چنان یك نقصان عظیمیستکه تول غند روس هیچگاه بررفع وازاله کردن آن موفق وکامیاب نخواهد آمد ۰ روسهادرزمانهای بحران انگیز محاربه در اطراف افسران خودگرد آمده هرچیزرا ازانها امیدمیکنند ۰ اینحال در فطرت قوم روس موجوداست ۰ برای عسکر روس بهمه حال یك سائق ورهبرلازمست که باسوق وتأثیر آن بیکجایی رفته بتوانندویك کاری کرده بتوانند ۰ اهالی روس ازاهالی هرجازیاده ترجاهل میباشندکه ازان سبب انتخاب افسران کوچك از میان آنهایك مسئلهٔ بسیارمشکلیست ۰

در تول غند روس نظامهای بسیار کثیف استعمال کردن ، و در زیر اتش دشمن درنظام بهم چسپیده قطعه هاراداشتن ، وآتش جمع ویکجایکی رابسیار استعمال کردن ، ودرخصوص آتش شکاری که درمسافات وسطیه و قریبه خیلی مؤثراست اهمال ورزیدن همه کی ازهمین سبب است ۰ سبب یگانهٔ بسیاری ضایعات افسران شان نیزهمین است که افسران کوچك شان بی

اقتدار هستند .

آمدیم برزایانها : صلاحیت، وذکاوت افرادشان بیشتر، وتعلیم وتربیهٔ افراد افسران کوچك شان مکملتر است . دراثنای محاربه ، افسران کوچك آتش ، و شکاریها را بخوبی اداره میکردند . لهذا افسران بزرگتر بوظیفه های مهمتری که اصل بخودشان عائد بود حصر دقت کرده خودشانرا به آنقدر تهلکه نمی انداختند . وبا تفرعات کوچك زمان خودشانرا ضایع نمیکردند .

(افسران کوچك عبارت از حواله دار، کوت حواله دار ، لنداك ونایك وامثال آنها که کریج بند نیستند میباشد ، وافسر از صوبه دار آغاز میکنند .)

نظر بشرایط جدیدهٔ محاربهٔ پیاده ، این صلاحیت واختیارداری افراد وافسران کوچك از شرطهای لازم وضروری دیده میشود . تنها قوماندانهای کنندك نی ، بلکه قوماندانهای تولی ، وحتی بلوك نیز مسئولیت را بذمه گرفته ، بکمال صلاحیت و اختیار قرارها داده وآن قرارهارا به اجرا وتطبیق کردن مجبور میباشند . بناءً علیه برای اینها نیز یك فکر تعمیوی مکمل ورو شنی لازم است . اکثر اوقات میشود که نفری نیز خود بخود بحرکت کردن مجبور میشود . بناءً علیه فکر آمر خودرا بخوبی دانستن وآنرا بموقع تطبیق رسانیده توانستن لازم است .

شکل و منظرهٔ محاربهٔ جدیده

اول چیزیکه محاربه را بازمیکنند ، وشکل وصورت محاربه را میبینند، همانا محاربهٔ (طوپچی) ست . اگرچه درمحاربه های قدیم هم وظیفهٔ آغازنهادن محاربه بطوپچی عائد بود ، ولی دراینزمانها بسیار مدت بلکه اکثراوقات روزها دوام میکنند . گردباد های طوفان انتهای گلهها هوای نسیمیرا بشدت پاره

میکنند ، وغرش ماتم انگیز آن یك ولولهٔ دوزخینی بوجود می آورد . سقوط واشتعال شرانپلها ، وطور پیلها باصفهای ابرپاره های کوچك کوچك دودهای آتشین معلوم میشود . طوپهائیکه این بارانهای بلای که هار امیریزاند در عقب ستره ها ئیکه بصورت بسیار ماهرانه ترتیب شده ، ویادرعقب ستره های زمین ، ویاتپه ها پنهان گردیده بیك حال غیرقابل روئیت مانده اند . اما باوجود آنهم گاه گاه شعلهٔ زرد هیبت ناك ، یك دهن ناری ٔ وولقان مانند طوپهارا افشا میکنند اکثر اوقات اندا خت اندیرکت استعمال کرده میشود . چونکه درخصوص تستر وتحفظ هر طوپخانه ئیکه اهمال کارانه حرکت بکنند به تخریب بسیار سریعی محکوم میماند .

در اثنای این محاربهٔ طوپچی که ازمسافهٔ (٤ تا ٦) کیلومتر بوقوع میآید ، پیاده ها در میان استحکامها وستره ها ئیکه از شب آنرا ساخته اندسا کنانه و وسا کتانه انتظار میکشند . اطراف این استحکامها بادامها وشبکه های سیمی وکرگدا مها ، ونقبها مدافعه کرده شده میباشد . درحالتیکه یك چند صدهزار آدم در مقابل همدیگر میباشند یك کندك شان هم دیده نمیشود . بصورتیکه هرگاه بطرف میدان محاربه نظرکرده شود چنان گمان میشود که یك میدان خالی وتنها ئیست . گاه گاه یك (بالون) ثابتی درمیان طبقات هوابالامیشود که آنهم بایك سیم تلفون بزمین مربوط میباشد . در میان سبد این بالون یکدو نفرافسری دیده میشود که آنهاهم بهمین سعی وکوشش هستند که مواقع طوپخانه های دشمنرا کشف کرده ترصدات خود شانرا بواسطهٔ تلفون به قوماندانهائیکه برزمین هستند تبلیغ کنند .

بریك تپهٔ مرتفع دیگریك جنرالی دیده میشود که بایك دوربین بسیار تیزبینی طرز جریان محاربه را تعقیب میکنند . این جنرال بواسطهٔ تلگراف

صحرا ، ویا تلفون ویابواسطهٔ چاووشهای او امررسان بقطعات مختلفه احکام واوامر تبلیغ میکنند .

دراثنای محاربه صنف سواری یعنی رسالهٔ را می بینیم که ازاسپها فرو آمده ، ودرعقب جناحها پنهان شده برای رفتن بیك نقطهٔ تهلکه ناك بفرصت انتظار میکشد . هروقتیکه یکی ازطرفین مخاصمین دیدکه طرف مقابلش بدرجهٔ کافی باآتش طوپچی میده وکوبیده شده بلرزه درامد ، هماندم پیادهٔ خودرا بهجوم سوق میکنند . امامانند محاربه هـای پیش ، درین محاربه های عصر حاضر آنچنان نظامهای کثیف بهم چسپیدهٔ نزدیك دیده نمیشود . بلکه دیده میشودکه غروپهای (۱۵) نفری ، و (۲۰) نفری بافاصله های ازهم دور ، و هرغروپ بحساب خود ازهمهٔ عوارض زمین استفاده کرده ازیك ستره بدیگرستره باقدم دویدن پیش میروند . واگرزمین کوهستان ، وچقری وچقوری بسیاری داشته باشد دیده میشود که گروپهای مذکور ازشیله ها ، وچقوریها ، ودره ها خود راکشانیده به آنصورت به پیش رفتن کوشش میورزد . همهٔ این گروپهای کوچك بی آنکه انداخت تفنگ اجرا کنند یکسر بسوی هدف مقصود یك تشبث متقارب اجرا میکنند وچون بیك مسافهٔ کوتاهی آمدند با هجوم سرنیزه نتیجه را بدست آوردن میخواهند .

اینستکه این دور ، بحران انگیز ترین آوان محاربه است . طرف مدافع درینوقت همهٔ تفنگها ومترالیوزهای خودرا بشدت تمام بفعالیت میدارد ، وبر مهاجمین مانند باران وجاله آتش میریزاند . درچنین وقت هیچ شبهه نیستکه هرطرفیکه قوهٔ معنویهٔ محکمترا مالك باشند نتیجهٔ ظفریت راحاصل میکنند . دراکثر اوقات سینه بسینه گلو بگلو محاربه بوقوع میآید . سرنیزه درینوقت به اجرای وظیفهٔ خود آغاز میکند . اکثرهمچنین هجومها بشب بوقوع میاید ،

مهاجم بسوی پیش پی هم موجهای نفری سوق میکنند ، پیشترین موجه ها محو میشوند ، ودر پیش دامها وشبکه های سیمی دوچار توقف میشوند ، ودر گرگ دامها سراسر زایل وپریشان میگردند . اما بجای آنها دیگر موجه ها میرسند ، وبرگشته ها قدم نهاده میگذرند ، وآخر الامر موضع دشمنرا ضبط میکنند .

اینستکه به اینصورت در روز تنها آتش طوپچی وگاه گاهی بصورت مستثنا هجوم پیاده واقع میشود . وچون شب شد طوپچی التزام سکوت کرده هجوم سرنیزهٔ پیاده آغاز میکنند . یعنی پیاده درصورت عمومیه در روز ها میان سپرهای خودشان استراحت گزین عافیت میبودند ، ووظیفهٔ اصلیهٔ خود شانرا درشب ایفا میکردند . وطوپچی بعکس آن کار میکردند .

اینستکه درصد (۸) محاربه هائیکه دراقصای شرق بوقوع آمده همین شکل ومنظره را نشان داده است .

مهذا این طرز جریان محاربه بطرز ثابت و قطعی قبول نمیشود که در استقبال هم درمحاربه ها همین حال ، وهمین شکل، ومنظره بوقوع آید . اگر چه روسها و ژاپانها بواسطهٔ آتش پیاده در خصوص حاضر کردن هجوم بصورت مکمله اهمیت نداده اند امابرای تامین موفقیت وکامیابی بهاینهم اشد لزوم میباشد . ذاتاً ژاپانها بسببیکه به اینمسئله عطف اعتبار نکرده بودند جزای آنرا بضایعات عظیمهٔ خودشان کشیده اند . چونکه درهمه هجومهای خودشان بضایعات عظیمه دوچار شده اند .

مهذا چنانچه پیش ازینهم گفته شده بود که بشرطیکه از اراضی بصورت مهارتکارانه استفاده شود و وقتیکه بمسافهٔ بسیار کوتاه نزدیکشدند بهجوم سر نیزه برخاستن برای استحصال غلبه وظفر از وسایط یگانهٔ فتح وظفر شمرده

میشود که اینمسئله را نیز بصورت جدی بنظر مطالعه گرفتن لازمست .

تأثیرامر وقوماندهٔ آمر وقوماندان دروقت هجوم بر خط شکاری رفته رفته کمترمیشود . افسر تنها بسر خود بلوك خود را درزیر آتش اداره نمیتواند، کپتان نیز تولی خود را سوق واداره نمیکنند . تأثیرافسر در چنان وقت تنها برهمان قطعه ئیکه باخود اوست ویك کسی که درجوار اوست منحصر میماند . معهذا این افسرما نعهٔ خود را بصورت (مانعهٔ استقامت) استعمال کرده نمونهٔ امتثال دیگر قطعه ها کرده میتواند . درجهٔ صلاحیت واختیارداری افسران کوچك بیکدرجهٔ واصل شده که به افسر کلان درچنان اوقات درحرکات هیچ احتیاجی باقی نمانده است . این حسن صلاحیت ، دروقت حضر تنها به افسران کوچك نی ، بلکه به شکاریهای منفرد نیز بخوبی دانستانده وآموختانده میشود . تبلیغ اوامر در چنان هنگام باصدا اجرا کردن ممکن نمیشود . و ازینسبب قطعه های متفرقهٔ دیگر ؛ قطعهٔ استقامت افسر را مدنظر واستناد گرفته به اشارتهائیکه بدست ، یا بشمشیر میدهد بحرکت کردن عادت گرفته میباشند .

سوق واداره کردن احتیاطها ازاول خیلی مشکلتر شده است . در بخصوص ازهمه عوارض زمین استفاده کردن ازواجبات شمرده میشود . این است افکار وقواعد عمومیه ئیکه الیوم در تول غند های اورو پا درباب محاربهٔ پیاده جاری وحکمفرما میباشد .

درختام این بحث خود ازاصول ،هجومٔ هجوم یك قطعهٔ پیادهٔ تول غند جنرال (نوژی) که بر یك طوپخانه اجرا کرده ذکرو بیان مینمائیم : قطعاتیکه برهجوم مأمور بودند روهای شان بسوی هدف متوجه بود . و بر بعضی قطارها تقسیم ، و هریك ازین قطارها پنج پنج نفر شده یکی درعقب دیگر درکشیده شده بودند . این قطارها برای استفاده کردن از اراضی خزیده خزیده پیش میرفتند

که روسها آنرا (قطارهای مار پیچ) نام نهاده بودند ، بحقیقت که همچنین هم بود زیراچنانچه مار حلقه های خودراپی همدیگر نشان میدهد این قطارهای به همدرکشیده گیهای پنج نفری خودراهمچنان پی همدیگر بدشمن نمودار میکردند بمجردیکه اشارت داده میشد در کشیده گئی پنج نفری اول بقدمهای دویدن بقدر (۳۰) خطوه به پیش تاخته درانجا برزمین میخوابید ، وبهمین صورت هردر کشیده گی پی همدیگر همین مانوره را اجرا میکردند . وبعد ازانکه درکشیدگی آخری به آنها ملاقی میشد قطارها باز بهمین صورت بسوی پیش یك حرکت مار آسای نوی اجرا میکردند . وتا بوقتیکه بهمین صورت بیك مسافهٔ کوتاهی میرسیدند به تضییق احتیاطهائیکه از عقب میرسیدند بهجوم آغاز مینهادند . بزرگترین فائدهٔ این هجوم که روسها آنرا به (طرز هجوم نوی آسا) توصیف کرده اند این استکه به آتش دشمن یکهدف بزرگی تشکیل نمیدادند . چونکه تنها پنج پنج نفر به آتش دشمن معروض میشدند که طو نشانهٔ دشمن برچنین افرادیکه عمق آن کم وکوچك بود بیك صورت مؤثر آتش کرده نمیتوانستند .

ازین ملاحظات این چند فواید ذیل استخراج وتظاهر میکنند :

۱) یك موضعیکه خوب مدافعه شده باشد برای ضبط کردن آن تنها آتش کافی نیست . بلکه یك تعرضیکه بکمال عزم وشدت تابه صفحهٔ آخرینی که استعمال سر نیزه را ایجاب میکند اجرا کردن لازم است که این تعرض قوهٔ تدافعیهٔ دشمنرا کثر ابطال کرده میتواند .

۲) خطهای شکاری که متصل ، ومنتظم ، وکثیف باشد درداخل منزل مؤثر انداخت طوپچی ، یعنی از (۳۵۰۰) متر بضایعات بسیار مدهشی گرفتار می آیند .

۳) در نظام بهم نزدیك ، قطعات درداخل اینمسافه بشرطیکه محفوظ با شند ، محافظهٔ موجودیت کرده میتوانند .

٤) با جزؤتامهای قوتناك با (بلوکها) حرکات جهیدن غیر ممکن است .

٥) هرگاه خطهای شکاری کمتر کثیف استعمال شود ، واراراضی بخوبی استفاده کرده شود مهاجمین دایماً بوضع دشمن بحرکت کردن ، وبرای هجوم بردن دریك مسافهٔ کوتاه تجمع کردن قوای کافیه موفق میشود .

٦) در مسافه های کوچك ، برای حرکت کردن به پیش حاصل کردن تفوق آتش رابیشتر شرط الزم است .

٧) بعد ازانکه این تفوق آتش حاصل شد ازهمه موضعهائیکه برای انداخت مساعد وموافق باشد یك آتش شدتناکی اجرا کرده شود که به اینصورت محافظهٔ تفوق آتش ممکن شود ، و اینهم بصرف کردن جبخانهٔ بسیاری موقوفست .

٨) در مسافات بسیار نزدیك شکار یهابسببی که بیك حال فوق العادهٔ عصبیٔی گرفتار می آیند ازان و برغم قواعد نظریه صحت انداخت درینمسافه هازایل وضایعات بسیارکم میشود .

٩) درمقابل این اسلحهٔ جدیدهٔ مکمله اجراشدن یك هجومیکه بموفقیت نتیجه پذیر گردد اگرچه سبب ضایعات عظیمه میشود ، ولی ازقدیم الایام به اینطرف ممکن الاجراست درهر صحیفهٔ تاریخ حرب تعبیهٔ تعرض دایما قیمت وشرف شعشعه بارخودرامحافظه کرده آمده است .

١٠) یك جزؤنامیکه یك جبههٔ واسع رافرا گیرد ، هم ضایعاترا کم میکنند وهم قوهٔ معنویه رامحافظه میکنند .

(یگانگی در کوششها و حکمها)

صنوف مختلفهٔ عسکریه در خصوص اشتراك حرکت ، ویگانگی سعی غیرت بیکدیگر خود بدرجهٔ فوق العاده محتاج میباشند . اما این احتیاج علی الخصوص برای صنفهای پیاده ، و طوپچی اشد لازم غیر فارق ، و ضامن فتح وظفر است .

لازم بودن حرکت وفاق و اتحاد در مابین پیاده وطوپچی درهیچوقت انکار نشده بود ، اما امروزه روز بدرجهٔ ثبوت وصراحت قطعی رسید ، واز هرگونه ابهام و اغلاق آزاد شد .

چونکه طوپچی برای پیاده بمحاربه آغاز میکنند . واز گلهٔ نخستینیکه می اندازد تابه گلهٔ آخرین خرد درهرآن وهرزمان تنها مظهریت پیاده رامی اندیشدوسوق کردن آنرا بمنزل مقصودش تفکرمیکنند .

درمحاربات گذشته نیز پیاده وطوپچی از اول تابه آخر کوشش شان کم و بیش برای یك کار ویك مقصد بود . امابازهم به این درجه نبود . چونکه تابحال طرز محاربهٔ طوپچی و پیاده را ازیکدیگر شان تایکدرجه جدا وفرق دار تصویر و تحریر میکردند ، ودر تعلیمنامه ها چنین مینوشتند که : طوپچی ازهمه اولتر باطوپچی دشمن بمجادله میدراید، ودرین مجادله به استحصال تفوق و حاکمیت سعی وغیرت میورزد، وبعدازان آزادانه بهپیادهٔ خود بمعاونت کوشش میکنند . این است که تابحال این فکر وتصور بنای مطالعات کتابهای تعبیه ، وتعلیمنامه هارا تشکیل مینمود .

حالا آنکه بعد ازین محاربهٔ ژاپان این صورت تفریق اهمیت واعتبار خودرا غایب کرده وظیفهٔ یگانهٔ طوپچی عبارت از معاونت کردن ، واستناد شدن پیاده

مانده است . و بجز همین وظیفه دیگر وظیفهٔ به او داده نشده است .

فتح وظفر اساساً به پیاده ، وبحرکات وموفقیات آن وابسته میباشد . صنف پیاده درحرب چنان یك صنف میبیستکه بزرگترین تأثیرهارا او بحصول میاورد . وبه بزرگترین تلفات او معروض میشود ، ودرهرگونه کارهای تعرض ومدافعه اوماً مور است . ودرشب وروز درهرگونه اراضی پوشیده وباز بیك چستی وچالاکیٔ بزرگی به اجرای حرکت او مستعد ومقتدر است . چنانچه قبل ازینهم گفته شده بودکه درصدی (۸۰) تا (۸۵) تلفات وضایعات ازکلهٔ پیاده ، ودرصدی (۷) ازسرنیزهٔ او بعمل می آید . بناءً علیه ازینهم معلوم میشودکه تلفات عمومیه درصدی (۹۰) ازطرف صنف پیاده بروی کار می آید . پس گفته میشودکه ژاپانها مظفریت خودشانرا محض بسایهٔ پیاده های متین وفعال جوانان خودشان بدست آورده اند .

لهذا در یکنظر دانسته میشودکه نظر به این زبدهٔ اوصافیکه در حق صنف پیاده عرض کردیم سرمایهٔ افتخار صنف طوپچی همین است که به این صنف برگزیده که ازجهت آتش نظر به پیاده اقتدار بزرگتر را مالك است معاونت جدیه وحقیقیه برسانند .

در محاربات گذشته سوء نتایجیکه از استعمال تأثیرات منفرد ومتفرق پیاده وطوپچی بعمل آمده است بسیار دیده شده است . در محاربهٔ (پلونه) روسها به این خطا بسیار جانها فدا کرده اند . روسها چهار روز بلا فاصله موضعهای عثمانی را با آتش شدتناك طوپچیٔ خودکوبیدند . بعدازان پیادهٔ خودرا بحرکت پیشرفتاری سوق کردند . دراثنای آتش طوپچی که تنها بسر خود اجرای تأثیر میکرد عساکرعثمانی از خندقهای موضع خودشان خود شانرا کشیده هیچ متأثر نشده اند . وبعدازانکه طوپچی سکوت نموده پیادهٔ

روس پیش آمده است هماندم بازعساکرعثمانی بموضع های اصلئی خودشان درا مده به آتش بسیار شدتناکی عساکرروس را بحال پریشانی برجهت مجبورکر ده اند ، و به اینصورت همه هجومهای شانرا عقیم گذاشته اند .

در اثنای حرب (انگلیز وبوئر) که انگلیز بعدم کامیابیهای مختلف و بسیاری دوچار شده اند همه از همین بی آهنگئی که درمابین یگانگی کوششِ طوپ چی و پیادهٔ شان بود بوقوع آمده است . انگلیزها چنان خیال میکردند که باطوپ های بزرگ چاپ بسیار خود از دور آتش بسیار شدیدی اجرا کرده بوئرها را بیك حالی درارند که در موضعهای خود ایستاده پایی نتوانند . وبعد ازان بکمال آسودگی پیاده های شان دستهای خودشان را جنبانیده ، وموزیکه نواخته به موضع های شان درایند . چنانچه در محاربه های میدان (قوله نزو) و (ماکرس فونتاین) پیش از تعرض پیاده انگلیزها از طرف طوپ های بزرگ چاپ کشتئی خود دوروز متمادیاً بومباردمان اجرا کردند . اما قسم اعظم این طوپ ها بر موضعهای خالی و تنهائیکه یکدانه (بوئر) دران نبود گله انداختند که بالطبع ازین بومباردمان مدهش هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشده بود .

لهذا یگانه مقصد از آتش طوپ چی همین است که در اثنای بومباردمان پیادهٔ خود را نیز متصل به پیش براند وموضع دشمنرا بقوت پیاده ضبط کنند ، وطوپچئی دشمنرا به هویدا کردن مجبور گرداند .

پیاده وقتی که به پیشرفتاری آغاز کند از طوپچئی خود به معاونت دیدن و استناد یافتن مجبور است . این استناد و معاونت علی الخصوص در تعرضهائیکه بر موضعهای مستحکم صحرا اجرا کرده میشود خیلی لازم وقیمتدار است در چنین جاها گله های تخریب خیلی ضرور ولازم است درطوپ چئی صحرای روس فقدان ونایابئی این مالزمهٔ حربیه خیلی تلخکامیها به آنها چشانیده است .

جنرال (اوقو) درباب یگانگی سعی و کوشش صنوف مختلف عسکریه خود ، پیش از محاربهٔ میدان (موکدهن) به تولغند خود در اوامر یومیهٔ خفیه از قرار ذیل شرح و بیان نموده است :

« آتش طوپ چی برای حاضر ساختن هجوم بالطبع بهترین واسطه هاست ؛ اما اگرچه طوپهای بزرگ چاپ هم استعمال بشود تا پیاده به پیشرفتاری آغاز نکند بر موضعهای دشمن از گله بارانیدن هیچ نتیجه حاصل نمیشود . اگر هنوز زمان حرکت نرسیده باشد طوپ چی میباید که برای آغاز کردن به آتش بزمان حرکت پیاده انتظار بکشد . پیاده بهر صورتی که باشد باید به پیش برود ، و با این پیش رفتاری پیاده آتش طوپ چی هم آهنگ باید شود . »

این سخنها الیوم از قواعد اساسیهٔ تعلیمنامه های آخرین فن تعبیه میباشد .

حاضر کردن حرکت پیش رفتاری ، و هجوم اکثر اوقات بسیار مدت دوام میورزد . بر تمام بودن ، و مکملیت حاضر شدن هیچ وقت امنیت کامله حاصل نمیشود . در باب درجهٔ تأثیر و موفقیتی که استحصال شده باشد بازی خوردن بسیار محتمل میباشد ، و هم در عین احتیاج دفعةً طرف مدافعین با قطعات پیاده ویا طوپچی تقویت یافتن شان نیز ممکن الوقوع است . بناءً علیه طوپ چی میباید که مشکلات ، و مقاومت طرف دشمن را که بوقوع آوردن آن محتمل است دائما در نظر دقت گرفته برای محافظه کردن حرکت رجعیهٔ پیادهٔ خود حاضر باید بود .

در بعضی هجومهائیکه بر (پور آرتور) اجرا کرده شده است ، طوپچی ژاپان تا بوقتیکه پیادهٔ شان بخندکهای استحکام دشمن میدر امدند بر آتش دوام ورزیده است . معهذا در صورت عمومیه قاعده همین است که در مابین دو پیاده تا بوقتیکه (۳۰۰ یا ۴۰۰) متر حاصل بشود اجرا کردن آتش طوپچی ممکن میشود . بعد از انوقت ، طوپچی آتش خود را بر عقب ها تمدید کرده قوای

جدیدهٔ را که برای مدافعین در آمدن باشد میده‌کنند، ویا آنکه اگر رجعت دشمن بوقوع آید بمشکلات وتلفات دوچار سازند .

اما اینرا هم باید دانست که این رقم (۳۰۰ یا ٤۰۰) متر که گفته شد عبارت ازیك قواعد نظری میباشد ، حالآنکه طوپچی را باید خوب تعلیم وتربیه کنند ، وبکمال اعتنا عادت بدهند که ازسرپیادهٔ خود بکمال سکونت و اعتدال دم ناهر قدر مسافه ئیکه ممکن باشد اجرا کرده بتواند . محاربهٔ (سی هون هان) که در (۱۹) م جولائی بوقوع آمده بود برای اینگونه آتش یك مثال بسیار مقنعی تشکیل داده است :

پیادهٔ ژاپان بعد ازآنکه یك حاضری بسیار جدی ودقتناکی اجرا کرده شد بیك متانت وشدت بسیار پرقوت وعزمی هجوم نمود ، وبسببی که در آوان هجوم طوپچی آتش خودرا منقطع نموده بود چونکه هجوم راچار بارتکرار کردند بازهم به ناکامیابی منجر گردید .

فائدهٔ اشتراك آتش طوپچی با پیاده در حال مدافعه بیشترعیانا دیده میشود . محاصرهٔ پورت آرتور بخصوص اشتباه بشماری مالامال است . و درمحاربه‌های میدان (لیائو یانغ ، شاحو ، موکده ن) این حقیقت به بسی وقایع مؤکده تائید شده است .

بالمقابله پیاده نیز وقایه وحمایهٔ فوق العادهٔ به پیاده میرساند . درمحاربهٔ روس وژاپان ازینگونه مثالها نیز بسیار دیده شده است . ازجمله درمحاربهٔ (لیائویانغ) طوپخانهٔ روس بسبب عدم معاونت و اشتراك پیاده به آتش و هجوم پیادهٔ ژاپان دوچار آمده محو شده است . در (١٤) م اوکتوبر کندك طوپچی (سمولنسکی) که بر (شاحو) بود نیز بهمین سبب همهٔ موجود خودرا غائب کرده است .

این محاربهٔ ژاپان تأثیرات اسلحهٔ موجودهٔ جدیده را که بچه درجه مدهش اند بخوبی تصویر و تجسیم نموده طرفین محاربین را بمصادمه های شبانه سوق نموده است قوتها ئیکه به این مصادمه ها اشتراك ورزیده اند ازمقداریکه تاالحال قبول شده بود ودیده شده بود افزونی گرفته است . به غبرك غندها، ولوی غند ها ، حتی به قطعات بزرگتر ازان بالغ شده است . این کیفیت به سرنیزه سراز نوا همیت فوق العادهٔ بخشیده روسها برای اجرای محاربات شب بدرجهٔ کافی حاضرنبودن خودرا اعتراف کرده اندو درطرف ژاپانها مکملتر بودن این حاضریهای محاربات شبانه راتصدیق کرده اند .

صنف سواری درتحرب ازاسپ خود بخوبی استفاده نکرده اند . اگر چه در باب حمایهٔ جناحها . وارتباط اقسام متفرق وبعید تول غند رابایکدیگر دراوایل محاربه تا یکدرجه خدمت شان سبقت ورزیده ، ولی درماههای فبروری و مارچ و محاربهٔ (موکده ن) درانخصوص نیز یك فائدهٔ مستحسنهٔ شان دیده نشده .

آمدیم بر خدمت کشف که یگانه مقصد از سواری همانست نیز بیکاره گی که ازسواری دیده شده شایان حیرت است . سواری از حادثات سوق الجیش بدرجهٔ بیخبری غفلت نشان داده است . مرور تول غند (قوروکی) ازنهر (تایجو) ، رفتار تول غند (نوژی) ، وایضاً حرکات احاطهٔ تول غند (نوژی) یك چیزهای بود که روسها ازان هیچ خبردار نشده اند .

اما این وقایع صنف سواری راازقیمت حقیقهٔ آن نینداخته است . بلکه قیمت سواریرا اعلا ، وسواری بیکاره بی قیمت را بدرجهٔ سفلیت تنزیل و اسقاط کرده است . اسباب این بی قیمتی سواری روس رادر نقصان تربیه وتعلیم وقوف و عرفان قازاقها که موجوداصلی سواری راتشکیل داده بود

باید جستجو نمود .

صنف سواری ئیکه مانند برق جوال باشد ، و تربیه و عرفان عسکری آن مکمل بود ، و مانند صاعقه صفهای دشمنرا بدراند ، و بسرعت تلگراف ازاحوال دشمن خبر برساند خیلی یك صنف مدهش وخوف انگیز یست . علی الخصوص تأثیر معنوی که از هیبت وصولات خود در دلها می اندازد جداً عظیم است .

در (۱۰) مارچ قافله های روس که در رفاقت یك طوپخانه رجعت میکردند بهجوم دو طرب سواری ژاپان دو چار آمده بودند . طوپخانه یك دو گلهٔ انداخته توانسته دران واحد سواری ژاپان قافلهٔ عسکر روس را باطوپخانه برهم ودرهم نمود . این حادثه نیز مثال بسیار در خشانیستکه سواری در وقت رجعت بر دشمن چگونه تأثیرات مدهشی اجرا میکنند .

مارشال (اویاما) بسببیکه برای عقب گیریٔ دشمن مقدار مکمل سواریرا مالك نبود باوجود اعتدال دمیکه داشت بدفعات اظهار تأسفات بیشمار کرده است .

خلاصتهً بازتکرار کنیم که حرب اقصای شرق بخوبی اظهار واثبات کرده است که سواری بی تعلیم و تربیه هیچ خدمت کرده نمیتواند . ووظایف سواری بسیار دقیق ومشکل یك کاریست . وبسایهٔ استعمال حرکت خود که اسپ سوار باشد ، وهم پیاده باشد وظایف سوق الجیشیه بسیار مهمیرا بجامی آرد .

محاربهٔ روس وژاپان بصراحت وقطعیت تمام اثبات کرده که درمابین صنف های مختلف ارتباط واشتراك خیلی لابدولازم است . خدمت ارتباط در نزد روسها بدرجهٔ لازمی وضروری موجود نبود . حتی نقلها وروایتهای افسران خودشان همچنین است .

بسیار بار ها شده که یك قطعهٔ سواری رایك قطعهٔ پیاده که در نزدیك

آن بوده بمعاونت خود طلب کرده وسواری در انجا وجود نبوده . گاهی شده که پیاده از طوپخانه ئیکه در جوار او بوده خبر نبوده ، ورجعت کرده است ، وطوپخانه را بدست دشمن ترك کرده بدر رفته است . اکثر خبرها و امرها درراه غائب شده وبجاهای لازمی آن نرسیده . ویاخیلی دیر رسیده . والحاصل یکی از افسران ارکانهای حرب روس که مجروحاً بمملکت خود برگشته بود در (پترسبورغ) یك قونفرانسی داده بلسان بسیار پر تأثیری فریادزنان گفته است : « بسببی که از قطعات معیت ما خبری نمی آمد هیئت ارکان حربیه در اثنای محاربه از وضعیت حرب درمیان یك ظلمت بیخبری ومجهولیت مانده بودند . »

بحقیقت که این سخن افسر ارکان حرب خیلی شایان حیرت وتأسف است حقایق حرب نشان میدهد که هرگاه درباب مانوره ها در وقت حضر بصورت مخصوصه عطف نظر کرده نشود ، درزمان حرب ناگواریها و تلخ کامیهای فراموش کاریهای ارتباط وغیره آن را میکشد .

همه مخابرینی که در تول غند ژاپان بودند میگویند که کیفیت ارتباط واشتراك در تول غند ژاپان به بسیار دقت واهمیت به آن اعتنا کرده میشد . درمابین صنف های مختلف ، وقطعه های مجاور وفاق وارتباط درصورت عمومیه خیلی اساسدار بود . خواه در اثنای رفتار ، وخواه در اثنای محاربه بکمال استعجال تلگراف وتلفون تأسیس کرده قرارگاههای قوماندانها بایکدیگر ربط کرده میشد . علی الخصوص بیرق های اشارت ودیگر گونه اسباب های اشارتها آنقدر بسیار استعمال میشد که حد ونهایت نداشت .

این کیفیت ارتباط که نتایج آن بسیار اهم است هرگاه در هر کس فکر تعبیه موجود باشد ، وهر کس احتیاج یکدیگر خود را بداند در انوقت بیشتر فوائد و

محسنات میرساند .

در حرب حاضر بسی مثالهای هجوم موجوداست که حقیقتاً بشدت ، و فداکارئی بسیار بزرگی تابه نهایت بران دوام ورزیده شده . ولی درآن بحران بسببی که با دیگر قوت تقویه نشده به ناکامیئی منجر شده است . در (وافانقو) در بعضی نقاط پیادههای روس باوجودیکه بخندقهای شکارئی ژپان بقدر (۳۰) خطوه نزدیکشده توانسته است امابسببی که بادیگر قوت تقویه نشده بود در هجوم آخرئی خود موفق وکامیاب نیامدهاند .

لزوم احتیاط — احتیاط برای نتیجهٔ موفقیت ها ازلوازمات ضروریهٔ حربیه دیده میشود . تعرضی که بریك جناح دشمن اجرا کرده شود بقوت احتیاط دفعه کرده میشود . در (۲۶) م آگست درمحاربهٔ (لیائویانغ) حرکت غند (زارایسق) روس درینباب یك مثال بسیار رعنایی تشکیل میدهد . برگد (ماریتنوف) حرکت موفقیت کارانهٔ غند خودرا به اینصورت بیان وحکایه میکند :

« در (۲۵) م آگست ، ازقوماندان بزرگ امر مانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپان هارا که بر جناح راست مفرزهٔ شرق توجیه واجرا شده بو گرفتم . مفرزهٔ من عبارت ازیك غندپیاده ویك طوپ خانه طوپ چی ویك طرب سواری بود .

« در نیمشب وقتیکه قمرطلوع میکرداز (چوفانتون) حرکت کردم . واز درهٔ که درمابین (چوفانتون) و(آیداغو) بود بیك رفتار بسیار زحمتناکی که حتی طوپ های خودرا نیزباپیاده میکشیدیم گذشته بطلوع صبح بوادی ئیکه به (قوفینتسه) فرومی آمدرسیدیم . درین آوان از استقامت جنوب غربی صداهای طوپ شنیده میشد .

« در وسط راه (سیانساندی) و (چانداوپو) به قزاقهای (غره قوف) برا بر آمدم » از یك افسر این قزاقها این خبررا گرفتم که ژاپانها بکمال جدیت بر جناح راست مفرزهٔ شرق ما بر حرکات احاطه دوام میورزند ، واگرچه بعضی قطعات پیاده بمقابل آنها فرستاده شده ولی هیچ فایده نکرده است .

« براستی که ازانطرف یك ولولهٔ شدید آتش تفنگ هم شنیده میشد . وقتی که این خبررا گرفتم برین قراردادم که در پهلوی حرکت احاطهٔ دشمن خودرا بیندازم . وبنابرین مقصد استقامت (پاوشوغو) را گرفتم .

« درحالتی که ازهر طرف خود با کشاف ها محاط بودیم از یك چقورئی واسع سیل برده گی راه میزدیم . غند پیاده وطرب سوازی به اینصورت به جهت شرقئی ده واصل شد . تپهٔ که درعقب آن بودیم از طرف قطعات مفرزهٔ (غره قوف) اشغال شده بود . طوپخانهٔ ما ازچقورئی سیل برده گی گذشته نتوانست . منهم آن را در زیرحمایهٔ نیم طرب به پس فرستادن مجبور شدم .

« خودم برتپه بالا برامده و ضعیت محاربه‌را دیدم . ژاپانها بحال یك خط درازی جناح راست مفرزهٔ شرق مارا تیرشده بودند . درمقابل آنها بجز یکچند قطعه پیادهٔ بی اهمیتی دگرکسی نمانده بود . دراینوقت هردوطرف یعنی روسها وژاپانها در وادئی شرق (پاوشوغو) بودند . یعنی جبههٔ قطعات ژاپان برجبههٔ مفرزهٔ شرق ما عمود افتاده بود .

« فکر کردم که بنا گهان پیدا شدن ما ازین جهت البته ژاپانهارا بیك تلاش و اضطراب میاندازد . لهذا ازین فکر خود استفاده کردن خواستم . وهم برین قراردادم که تنها بمقاومت کردن ومانع شدن حرکت احاطهٔ ژاپانها کفایت نکرده بیك تعرض شدتناکی قیام نمایم .

«سه کندك خودرا بر خط نخستین تعیین کرده یك کندك را دراحتیاط گذا

شتم . مفرزهٔ کشف خودرا بجهت غرب وادئی (پاوشوغو) فرستادم . طرب سواری را برستر کردن عقب خود امر نمودم . بعد از انکه این کارها تمام شد ، تقریباً بساعت (۱۱) به پیش وفتاری آغاز نهادم ، و خط بالای تپهٔ را که مارا ستر کرده بود درگذشتم ، و بکمال سرعت بر جناح دشمن بیك تعرض شدیدی حمله بردم .

« ژاپانها ازین ظهور نا گهانئی غیر منتظر ما متحیر مانده بسرعت تمام منتهاهای جناح چپ خودرا پس کشیدند ، و بر پایهٔ نخستین خودشان استناد داده به تشکیل دادن (قولتوق) تشبث کردند . اما تعرض بلافاصلهٔ شدت ناك کنندك های ما ژاپانها را ازان پایه بلکه دو سه پایهٔ دیگر نیز به برکندن و پس انداختن موفق میشد .

« درین وقت ، مفرزهٔ کشف غند (زارایسیق) و مفرزهٔ کشف غند نشان انداز (۱۲) م از بغلهٔ غرب وادی بالا برامده ژاپانهارا بزیر آتش جناح چپ گرفتند . وازیکطرف دیگر طرب های مختلف غند (۱۲) م نیز بر تپه های شرق برامده از جناح راست نیز بر ژاپانها به آتش آغاز نهادند .

« ژاپانها که بااین آتش شدید ما از جناحهای خود متأثر شدند ، واز جبههٔ خود نیز با آتش غند (زارایسیق) درزیر تضییق درامدند تاب آور مقاومت نشده بعد از کمی ثبت و برك شده بفرار رو نهادند . ماهم متصل به آتش بسیار شدید آنها را تعقیب میکردیم .

« نشه و نشاط عسکر ما بدرجهٔ فوق العاده بود . درین اثناء دیدم که کنندك احتیاط من به این حرکت عمومی گرویده شده بخط پیش نخستین التحاق نمود . ازین مسئله به اندیشه افتاده هماندم پنج طربی که جناح راست مفرزهٔ مرا تشکیل داده بود جمع کرده سر از نو یك احتیاطی تشکیل دادم زیرا ترسیدم که

قطعات تازه دم دشمن از جبهه غربی ظهور نکنند ، ویکی یکبار یك عکس عمل بظهور نرسد .

« به اینصورت همه جناحهای ژاپانهاکه به احاطه مامور بودند بقوت غند ما وغند (زارایسیق) بعقب رانده شدند . غند مادیگر قطارهای دشمن راکه در دیگرطرف راه (طاشیغو) دیده بودند درزیر آتش شدت ناکی به مبده کردن دوام نموده تابو قتیکه تاریکئی شب جهان را فرامیگرفت در (تاشیغو) بماندند . وقتیکه شب سراسر حلول نمود همه غندرا گرفته به (پاوشوغو) بردم ، ودرانجا برای بجا آوردن وظیفه خودکه عبارت از منع نمودن حرکت احاطه دشمن و جناح راست مفرزه شرق خودمان راستر وتامین کردن بود منتظر شدم .

« درینمحاربه به غند ما (۳)افسر ، و(۱۳۵) نفر تلفات داده بود . ژاپان ها در میدان محاربه بسیار تلفات داده بودند . حتی در بعضی چقوریها کشته های شان برروی همدیگر خرمن شده افتاده بودند .

« سبب یگانه این کم تلفاتی ما ، و بیش تلفاتی ژاپانها ازین بود که تعرض ما غیر منتظر وناگهانی بوقوع آمد . وبر جناح دشمن موافق یك استقامت تعرض انتخاب کردیم ، وسبب کلی این بودکه درعقب جناح ژاپان احتیاط کافی موجود نبود .

« برای دانستن درجه قوت آتش خود ماهمین کافیست که درهمین روز محاربه وروزدیگر آن تنها غند (زارایسیق) (۱۵۸۲۰۰)کارتوس سوختانده بودند . »

این حکایه برگد (مارتینوف) سراسر ازاستفاده هامملوست . بزرگترین خطا هائیکه درطرف ژاپانها دیده میشود این است که درعقب جناح خط اول خود احتیاط نگذاشته اند . این خطا در پیش یك حادثه غیر منتظر نتیجه

حرکت نتوانستن راتولید نمود . و دیگراینکه درجناحهای نهلکه ناك خود سواری نیز نکذاشته بودندکه آنهم موجب حاضر کردن این نتیجه شایان دقت کردید .

ازحرکات روسها میبینیم که یکقطعهٔ تازه دمیکه دریك جناح بازوبی حمایهٔ دشمن بناگهانی ظهورکنند، وازاراضی بصورت ماهرانه استفاده کنند بر استحصال چسان نتیجهٔ قطعی بقندرمیشود .

برگد (مار تینوف) درباب احتیاط نیزخیلی عاقلانه اندیشیده چونکه اول احتیاج قطعی خودرابه احتیاط بخوبی اندیشیده برای مبادااحتیاط جدا کرده، وچون آن احتیاط ازدستش برامده هماندم دراثنای حرب یك احتیاط دیگرتشکیل داده است .

اینهم ظاهر میشودکه درعین اراضی جزؤتامهای مختلفی که حرکت میکنند هرگاه در مابین شان وفاق و ارتباط باشد، و یکی بدیگرمعاونت و اشتراك سعی وغیرت برساند چقدراهمیت حربیه را بالامیکنند .

موجود نبودن احتیاط برای ژاپانها درینمحاربه موجب فلاکت گردیده زیرا بعدازین مشکلات عظیمه نیکه درباب حرکت احاطه اجرا کردندومعناً ومادةً مانده وخسته شده افتادند بمقابل یك تعرض ،قابل بجزاحتیاط تازه دم دگرچیزی نبودکه ایشانرادرموضعهایی که بجان کنی هابدست آورده بودند ثابت ومحکم بتواند . اگردرعقب یك احتیاط مکمل موجود میبودبه تقویهٔ آن احتیاط بازعساکررجعت کنندهٔ خودرابه یك موجهٔ اراضی محکم کرده بهجوم سوق وشوق پیدا میتوانستند .

(قطع محاربه)

کیفیت قطع محاربه که درصورت عمومیه خیلی نازك یك کیفیتی شمرده

میشود ، اما هرگاه درمیان قطعات انتظام غائب نشده باشد ، و بسیار متأثر ومانده هم نشده باشند درچنان زمانهامی بینیم که این کیفیت به آسانی اجرا شده میتواند . چنانچه درمحاربه های (سی هوهان) و (به ن سیهو) ، و (شا حو) مثالهای بسیاری درباب این کیفیت درحرکات رجعیه موجود است .

برای بریده توانستن محاربه رابه آسانی دراول امر بحمایهٔ یك طوپچی احتیاج دارد که از اول درعقب بیك موضع حمایه جابجا کرده شود . وهم بحمایه کردن قدمه های مختلف که مشترکاً یکدیگر خود شانرا محافظه کنند نیز عین نتیجه حاصل میشود .

دربدایت حرب روسها بریدن محاربه رایعنی باختیار خود محاربه رابریده کار رجعت کردنرا نمیدانستند ، ونمیتوانستند ایحال بسیار بار هاسبب تلفات عظیم شان گردیده بود . در (یالو) و (وافانقو) تلفات عظیمهٔ شان مثالهای واضح این است . این خطاها قسماً ازین پیش آمده که امر رجعت بر طبع شان گوارا نمی آمد که اینهم یك حس غیرمعقولست .

جنرال (شتاکلبرغ) در باب محاربهٔ (وافانقو) راپوری که نوشته دران راپور خود صراحةً بیان شکایت کرده است که بعضی غند ها امر رجعت را اجرا نکرده اند . اما روسها که ازین رجعت معقوله امتناع کرده اند نتیجهٔ آن برای شان بسیار وخیم گردیده است زیرا باتلفات عظیمه ومدهشه شکست فاحش خورده اند .

(اهمیت وحدت درافسری)

هنگامیکه احتیاطها بمحاربه داخل شوند وعلی الخصوص که .صادمه روزها روزها دوام بکند ارتباط تعبیوی درمیان جزؤتامها برهم میخورد .

وقطعاتیکه برای یك حرکت اشتراك میورزند عبارت از قطعات جزؤتامهای مختلف میباشد .

پس درچنین حالات اگرچه ازطرف قوماندان یك سررشتهٔ تنظیم هم نشده باشد لازم چنانست که هرکس بسعی ذاتی خودکوشش ورزندکه بیك قوماندانی تابع شوند . قوماندان های معیت درچنین اوقات خود بخوددرزیر قوماندانی یك افسر بزرگ که نزدیکتر باشد داخل شدنرا بایك سوق طبیعی حس میکنند . این حال در بسیار جاها ، علی الخصوص برای قطعات پیاده که درنزدیکئی جنرال (ره ننقامف) وجنرال (میچه نقو) بمحاربه درامده بودند بکثرت واقعشده است .

وغیرازین برکد (سیوتیسکی) که بریکی ازغندهای لوی غند (۲۲) م مأمور بود در (۱٤) اوکتوبر برعه قطعاتیکه به تعرض قطعی مأمور بود به قوماندانی مأ مورشده بودکه مفردات قطعات مذکور از قرار ذیل است :

غند (۸٦) م وملما نستراند . غند (۸۸) م پتروو سکی . (۲) طوپخانه . (۲) طرب ازقارقهای اورال . طابورهای مختلف که درعین اراضی پیش ازین بمحاربه چسپیده بودند .

در (۱٦) م اوکتوبر که برتپهٔ (یکدرخت) تعرض میشد قطعه های مختلف درزیر قوماندانی جنرال (پوتیلوف) داده شده بود .

والحاصل اهمیت وحدت قوماندانی نیزدرمحاربه بسیاراست که مثالهای آن درین حرب روس وژاپان بسیار دیده شد .

طرز محاربهٔ جزؤتامهای بزرگ واستعمال احتیاطها

تابه ماه مارچ سنهٔ (۱۹۰۵) که سرافسرئی کل تول غندژاپان درعهدهٔ

جنرال (قوروپاتکین) بود دایما قطعات بسیار جسیمی برای احتیاط جدا میکرد واکر آن احتیاط ازدست میبرامد درحال دیکر احتیاط بجای آن جمع میکرد.

در محاربهٔ میدان (لیااویانغ) قول تول غندهای (۲)م و (۵)م سیبریا در ابتدای حرب برای احتیاط عمومی تفریق شده بودند. این احتیاطها هنوز در اثنای محاربات جبهه بر خط آتش سوق شده ازدست برامده بود. جنرال (قوروپاتکین) از مواضع جنوبی حالا هماندم قول تول غندهای (۱)م و (۳)م سیبریا را جمع کرده بطرف شرق شهر فرستاده بود. برای مقابلهٔ حرکت احاطهٔ جنرال (قوروکی) آن را در زیردست داشته بود.

در (شاحو) جنرال (قوروپاتکین) در اول امر قول تول غند نخستین اوروپا را با قول تول غند (۸)م که نووارد شده بود برای احتیاط عمومی نکهداشته بود. برای تعرضهای شدت ناك (اوقو) و (نوجو) همین احتیاطها سوق وصرف شده است که بجای آنها (قوروپاتکین) بزودی تمام از تول غند شرق قول تول غندها (۱)م و (۲)م سیبریا را خواسته سر از نویك احتیاط عمومی تشکیل داده، ودر (شاحو) سعی وشدت آخرنی ژاپانها را با تعرضهای مقابل همین احتیاطها جلوکیری توانسته است.

در اثنای محاربهٔ (موکدن) احتیاط عمومی روسها از قرار ذیل بود:

در عقب مرکز تول غند (۲)م که تول غند جناح راست بود قول تول غند (۱)م سیبریا، ودر نهر (هونهو) که جنوبی (موکدن) است (۳) غبرك غند قول تول غند (۱۶)م موجود بودند. بسبب تعرضهای شدید جنرال (قوروکی) وجنرال (قاوامورا) قول تول غند نخستین سیبریا به بسیار زودی به تول غند (۱)م فرستاده شده بود. وچون بعد از کمی حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) ظاهر شد اقسام قول تول غند (۱٤)م نیز کاملاً برای تأمین جناح راست صرف شده بود.

جنرال (قوروپاتکین) در مقابل این وضعیت برای تشکیل دادن احتیاطهای نوهر چیزیکه کردنی بود کرد . وبجای آن قول تول غند (۱) م سیبر یارا که نو وارد شده بود باز جلب نمود . جنرال (بیلدر لنغ) که مأمور این احتیاط بود دیگر قطعاتی که در تول غند مرکز بیکار بودند نیز درزیر قوماندهٔ خود گرفته این حرکت احاطهٔ جنرال (نوزی) را توقیف واجرای رجعت تول غند روس را ممکن نمود .

در طرف ژاپانها در اثنای محاربه فکر و تصور احتیاطهای جسیم به بعضی تبدلات دوچار شده است .

در بدایت حرب بسببیکه عدداً زیاده فایق بودند احتیاطهای قوتناکی جدا کرده در عقب جناحهای خود جابجا میکردند ، و بواسطهٔ آن دشمن خود را از دو جناح به احاطه کردن میکوشیدند .

سر از ماه جولائی بسببی که نسبت عددیه در مابین هر دو طرف برابر آمد طرز حرکت خود را که تا به آنوقت پیش گرفته بودند به تبدیل دادن مجبور شدند . و همه قوتهای خود را بکار سوق ، و از جبههٔ بسیار بزرگی پیش فتا ری کردند . هر تول غند یك جبههٔ تعرض داشتند ، و این جبهه بسیار بزرگ بود . به اینصورت هر لوی غند ها را هدفهای خصوصی بود که بر همان هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند ، حتی گاهی تول غند ها نیز بمقابل هدفهای خود مستقلاً حرکت میکردند . هر قول برای خود یك احتیاط مخصوصی داشتند که این احتیاط در وقت لزوم به مدد رسانیدن قطعات همجوار خود مکلف بودند . تول غند ژاپان بمعاونت و مدد رسانیدن قطعات مختلفه به یکدیگرشان از سر تا بپایك اهمیت عظیمی میدادند . اما با وجود اینهم درزیر قوماندهٔ مارشال (اویاما) جدا کردن یك احتیاط عمومی بزرگ

خیلی شایان اهمیت دیده میشده در اثنای جریان وقایع تول غندها بایکدیگر استناد میشد ، ومستقلاً یکدیگر خود را تقویه میکردند . درماه اوکتوبر دراثنای محارباتی که بر (شاحو) بوقوع پیامده یك قسم تول غند جنرال (قوروکی) به امداد تول غند جنرال (نوجو) آمده دراثنای محاربات (موکدهن) (۳) لوی غند تول غند جنرال (اوقو) به تول غند جنرال (نوژی) برای معاونت داخل شد .

خلاصه طرز محاربهٔ ژاپان ، به اساسهای مانوره های آخرنی المان مشابهت میرسانید که این اساسها عبارت ازین بودکه بر نفس خود یك اعتماد قوی کردن ، از هر وضعیت استفاده کرده دشمن را به آرزو وحرکات خود رام کردن ، از همه جبهه یك تعرض شدتناکی نشان دادن ، هرفردهمه قوت وقدرت خودرا صرف واستعمال کرده وبجسورهای خود امنیت عظیمه پرورانیدن .

اعتماد نفس وامنیت عظیمه برمجاورها بدرجهٔ که برگرفتن جبهه های بسیار فراخ جسارت بدهد زیاده بود . درهرجبههٔ تول غند بسیار فاصله ها گذاشته میشد واین فاصله بامفرزه های کوچك گرفته میشد ، وبا اینگونه اقتصادها وصرفه جوئیها با وجودیکه تفوق عددی هیچ نمیبود براحاطه کردن دو جناح دشمن موفقیت وکامیابی حاصل میشد .

این کارهابه این ممکن میشد که هرقوماندانی که بهررتبهٔ بود چنانچه بر تصورات و اجراآت خود امنیت داشت برمادونهای خودنیز اعتماد فوق العادهٔ میپرورانید . این اعتماد متقابل در ژاپانها بدرجه اتم موجود بود . به این اعتماد البته که قوت احتیاط کم میشده زیرا درمابین اعتماد برقطعات ، وقوت احتیاط یك نسبت موجود است . هرانقدر که برمعیت خود کمتر امنیت کرده

شود احتمال معروض شدن به احوال ناگهانی نیز بهمان قدر زیاده میشود ۰ لهذا احتیاطی که برای ظهور آن احوال ناگهانی جدا میشود بهماندرجه بیشتر و برقوت شدنش لازم می آید ۰

ژاپانها از تعرضهای شدتناك جبهه هیچ ترس واندیشه نمیکردند ۰ این حال در (کینچو) ، و(پور آرتور) ، و(لیائویانغ) ، و(شاحو) در محاربات میدانی که بوقوع آمده عیاناً تظاهر نمود ۰

ژاپانها دایما احاطه میپالیدند ۰ واگردر بخصوص وسعت جبهه از حد لزومئی آن بیشتر هم میشد ازانهم روگردان نمیشدند ۰ ژاپانهاتااز (یالو) و (وافانقو) به این مانوره آغاز کردند ۰ در (لیائویانغ) قطارهای جناحهای چپ تول غند جنرال (اوقو) به احاطه کردن جناح راست تول غند روس کوشش میورزید ۰ ودر عین زمان جنرال (قوروکی) به احاطه کردن جناح چپ تول غند روس سرگرم میبود ۰ در (شاحو) جنرال (اوقو) باز به تکرار کردن همین حرکات جهد وکوشش نمود ۰ والحاصل محاربهٔ میدان (موکده ن) نیز بر همین اساس و پلان بنا یافته بودکه هردوجناح روس رااحاطه کنند ۰

آمدیم برجبهه : جبههٔ ژاپانها درروزهای اول مارچ اینقدر واسع بود که از یك جناح تابدیگرجناح (۱٤۰) کیلومترباز بود ۰ امااینراهم بگوئیم که این افراطی که دردرازی جبهه روا داشته بودند ، وکافی نبودن احتیاط عمومی سبب یکانهٔ اقتران نکردن نتیجهٔ قطعیهٔ محاربات (لیائویانغ) و(شاحو) گردید ۰ ونزدیك بودكه بهمین سبب محاربهٔ میدان (موکده ن) نیز به نتیجهٔ قطعیه منجر نشود ۰

محاربهٔ میدان (موکده ن) یك مثال بسیارروشن ومبرهنیست که روسها به مانورهٔ ژاپانها چسان به یك تسلیمیت تمامی رام شده است ، چونکه بیحکمد

روز پیشتر از حرکات قطعیهٔ محاربه تعرضهائیکه بر جناح چپ روسها اجرا کردند ، روسهارا به آن بازی داده نظر دقت شانرا به آنطرف جلب کردند ، ومقصدیگانهٔ خودشانرا که حرکت احاطهٔ جنرال (نوژی) از جناح راست بود بسر رسانیدند .

به بینید که درینباب چگونه پلان ومانوره بکار برده اند : چنانچه گفته شد که ازطرف جناح چپ روسهارا به تعرضات شدیدهٔ خودمشغول ساخته بودند ، درمرکز نیز ازطرف تول غند جنرال (نوجو) بمددگاری طوپهای سنگین چاپ بزرگ که از (پورآرتور) آورده شده بود بومباردمانهای شدیداجرا ، وبحمایهٔ آن هجومهای شدتناك جبهه راپیش میبردند . اگرچه این هجومهای جبهه همه گی ازطرف روسهادفع گردید ؛ ولی هرانقدرعسکری که درمرکز تول غند روس موجود بود همه گی درجای خود میخ شده ماندند که اصل مقصدژاپانهاهم همین بود . درعین زمان جنرال (اوقو) نیزازهر دوساحل نهر (هونهو) بشدت پیش شده روسها رادر موقع خودشان ثابت قدم نموده وبرجعت کردن مجبورشان میساخت .

درین اثنابرای اصل مقصدکه عبارت ازحرکت تول غند احاطهٔ جنرال (نوژی) از طرف جناح راست بود کوشش تمام ورزیده میشد . در اول برای ستراین تول غند صنف سواری که باطوپخانه هاومترالیوزهاویکمقدار پیاده تقویه شده بود بجانب غرب (موکدهن) فرستاده شده بود . برای مقابله ودفع این احاطه دراول امربدست جنرال(قوروپاتکین) یك قوتی موجودنبود . زیراقوتهای اورا ازهرطرف ژاپانها بکار گرفتارکرده بودند . امابمشکلات بسیارعظیم بعدازچند روزیك قوتی که احاطه راتوقیف بتواند جمع نمود . جنرال (قوروپاتکین) درین اثنامیخواست که تول غند مانده و

بیتاب جنرال (نوزی) رابیلشه عودت تعرضیهٔ بسیارشدید محو نماید ، وهمه حاضری آنرا هم کامل نموده بود . اماچون دیدکه ازطرف دیگردرهٔ (قوز یان) بدست یکی از پیشدار های تول غند جنرال (قوروکی) درامد ، و (قوروکی) ازان دره بشدت خود را درافگننده خط رجعت مرکزروس را تهدید نمود از همه چیزدرگذشته درشب (۹) م ماه خالی کردن (موکدهن) ورجعت کردن را بر (تیه لینغ) امر نمود .

شایان حیرت اینست که در (موکدهن) ژاپانها عدداً برروسها هیچ افزونی نداشتند . اما درخط آتش حرب روسها قطعات عسکریهٔ ژاپانرا بیك کثرت وتفوقی دیده بودندکه هیچ امیدآن را نداشتند . ژاپانها برای بردن بازئی شطرنج جنگ همه قوت های خودشان را صرف کرده بودند؛ وهمه چیز خود را فداساخته بودند ، آخرترین طوپ ها وتفنگ های خود شان را بخط آتش دراورده بودند ، عقب های خط محاربه راسراسرخالی کرده بودند اساس اینگونه پلانهای جرأتکارانهٔ ژاپانها ازعطالت و سستئی روسها پیش آمده بود .

این حرب ازسرتابه آخرتأثیرات معنویهٔ تعرض تعبیه وی وسوق الجیشی بدست آمده است . این حرب درباب نتایج درخشان مسلك تعرضی برای تاریخ حرب مقنع و مسکت یك نمونهٔ بیمانند یست . درحرکت پیش رفتاری اگر یك ناکامیابی هم پیش شود بهمه حال بایك کامیابی دیگرتلافی میشود . امادرمدافعهٔ مطلقه هرگاه یکباربك رخنهٔ پیداشود همهٔ خط سقوط میکندکه اینحرب سنهٔ (۱۹۰۵) اینمسئله را بکمال صراحت اثبات کرده است .

پیش ازانکه اثرخودرا اکمال نمائیم درباب تول غندهای طرفین معلومات خودرا اکمال کردن میخواهیم :

قیمت دار ترین درس این حرب ژاپان وروس همین است که اساس یگانهٔ فتح و ظفر تنها عبارت از تکملات اسلحه، وتجهیزات، وصنایع جدیده نیست؛ بلکه مهمترین ونخستین ترین عنصر حرب (انسان) است. زیرا درهرحال و هر وضعیت درهر صفحهٔ محاربه مهمترین تأثیری که اجرا کرده است همانا عناصر ومؤثرات معنویهٔ انسان است.

دلاوری وفداکاری از خصایل لازمهٔ حربست: امادزارافسوس که اینها کافی نیست. هرگاه ازین یك هرکس مطمئن باشد که تربیهٔ عسکریهٔ همهٔ اقسام تول غند بدرجهٔ کفایه است درانحال این قوهٔ معنویه واعتماد که شرط الزم موفقیت است حاصل میشود.

هرقوماندان که به او اطاعت کرده میشود از همین است که عسکر بر او اعتماد تمام دارند. وچون قوماندان ازین امین شد که عسکرش بر وهمین اعتماد دارد فدا کردن حیات هزارها انسان را طلب کرده میتواند. عسکرها نیز چون دانستند که برای استحصال قصد حرب به این ضایعات لزوم واحتیاج است بوظیفه های خود شان چابکی میورزند. درتول غند ژاپان این اعتماد وقوهٔ معنویه بدرجهٔ مطلوب، ودرروسها مفقود بود.

افراد وافسران روس، چون از اقتدار قوماندانهای خودشان امین نبودند در خصوص بجاآوردن وظیفهٔ خودشان یك سرعت وچابکی بر هیچجا نی نشان نمیدادند چونکه فداکاری که برایشان امر میشد آنرا بی‌فائده و بی لزوم میشمردند. دریك کتابی که بعدازفن حرب، درروسیه نشرشده احوال فکریه و روحیهٔ افسران و افراد روس دران تصویر شده است. درین اثر مذکور مینویسد:

«که درمیدان محاربه دریك سپرشکاری شیکه دریك نقطهٔ تنهاومتروکی

واقعشده یك مقدار عسکر روس بایك افسر برای محافظه گذاشته شده بود . برین سپرشکاری از طرف ژاپانها متصل یك باران گله همیبارید . کسانیکه ادنا سر خود را از سپر بالا میکردند هماندم کشته میشدند . افسریکه درسپرشکاری بود دربودن خود و قطعهٔ عسکریهٔ خوددرین سپرتك وتنها هیچ فائده ومقصدی نمیدید این افسربه همراهان خودمیگفت : « هرگاه جنرال (سقوبله ف) زنده میبود و بمن میگفت که : (کپتان ! تولی خودرا بصف نظام حرب دراورده در زیر این آتش دشمن به خطوهٔ موزونه پیش ببر . » من این امررا هماندم بجای آوردم . چونکه میدانستم که برای استحصال یك مقصد به این فداکاری ما لزوم دیده . حالا نکه دراینجا ازین ضایعات ما هیچ یك مقصد وفایدهٔ تصور نمیکنم . ما دراینجا بیهوده کشته میشویم ، وقوماندانهای مادررا نطرف ، یعنی بیرون از دایرهٔ تأثیر دشمن بکمال استراحت وخاطرجمعی بهراپور نویسی مشغول میباشند . اینست که ما برای پرشدن راپور آنها کشته میشویم . »

پس دریك تول غندکه اینچنین افکار وحسیات ظهورنماید ، قوهٔ معنویهٔ آن تول غند بتمامها خلل پذیرشده میباشد که عاقبتهای المانگیزی که ازان حاصل میشود این احوال لجمیهٔ روس نمونهٔ مثال خوبی تشکیل داده است .

یك افسردیگرروسی نیز درحق هیئت قوماندای روس در اخبار (میلتر ووخن بلات) این تفصیلات شایان حیرت رادرج کرده است :

« درسرادارهٔ وکارتول غندروس ، قوماندانهائیکه اقتدار حقیقئی عسکری را مالك باشند موجود نبود ، بلکه کاتبها یعنی میرزاها موجود بود . این قوماندان ها بسببی که به اقتدار دادن یك امر قطعی مالك نبودند ازبهر آنکه ازبازخواست رهایی یابند از حدزیاده اوامر وتعلیمات عمومی میدادند تامعلوم کنند که آنچه از دست شان آمده دران قصور نکرده اند . هرکاررا بهزیردستان خودمیکر

دند ، و از انها کار های غیر قابل اجرا طلب میکردند . در اثنای محاربه نیز معاملات قلمیه وکارهای نویسنده گی بدرجهٔ بسیار بود که افسران کوچك برای خلاص شدن ازین کارهای بی انتهای نویسنده گی محاربه کردن را در زیر گله های دشمن ترجیح میکردند . چونکه بمجردیکه محاربه به انجام میرسید افسران خودرا در پیش یك (بومباردمان اوراق) میبافتند . درنظر آنها (بومباردمان گله) ازین کارهای بیپایان اوراق نویسی زیاده تر قابل تحمل مینمود . »

(حس اعتماد مشترك) یعنی که یك بر دیگر اعتماد خودرا بدانند - از لوازمات کافی فتح و ظفر شمرده میشود که آنهم به این حاصل میشود که هر عسکر اول بر خود و قوت خود اعتماد تام داشته باشد ، و بر اقتدار عسکری و فکر تعبیوی قطعات هم جوار خود نیز مطمئن باشد که در وقت تهلکه برای محافظ وحمایهٔ او بهر گونه فداکاری حاضر و آماده میباشند . ازین نقطهٔ نظر میباید که درابتدای محاربه احتیاطهائیکه هنوز شناخته نشده باشند وعلی الخصوص افسران کوچك ، و افسران که نوبه تول غند داخل میشوند به این حس آنها را بزودی عادت بدهند یکی از استاد های صنعت حرب زمان مارشال (بوژو) ی فرانسوی گفته است :

« تا بوقتیکه افراد از یك دیگ مدت مدیدی نان نخورند ، یك قطعهٔ عسکریه مکمل شمرده نمیشود »

کپتان (قامپه ریو) که بصفت اتاشه میلترئی حکومت ایتالیا در تول غند روس بود دریك اثر خود عسکر روس و ژاپان را بایکدیگر مقایسه کرده باینصورت بیان مطالعات نموده است :

« در تول غند روس یك خصلتی که موجب شرف وافتخار یگانه میباشد این است که به مقابل تهلکه مرگ بی قید میباشند . نفری روس برای اثبات کردن نه ترسیدن خود از مرگ بمردن میرود . روسها حقیقتاً درین محاربه دایما

اثبات کرده اند که از مرگ نترسیده اند و مرده اند .

«آمدیم بر ژاپانها : اینها همهٔ سعی و کوشش شان تنها برای حاصل کردن یك هدف مقصود معطوفست؛ که آنهم عبارت از محو کردن دشمن و خط رجعت شان را بریدنست .

«برای استحصال کردن این مقصد هر ژاپانی از همه وسایط و از همه معلومات استفاده کرده بمغلوب کردن و محو نمودن دشمن کوشش میورزد . این است که در مابین این هر دو تول غندفرقهای اساسی عبارت از همین است که گفته شد .

«جسارت و دلاورئی که ژاپانها بکار برده اند مانند روسها عبارت از یك جسارت بی فائده و بی نتیجهٔ غیر معقول نبود؛ بلکه بریك احتیاط و دور بینئی مفرط بنا یافته خیلی عاقلانه و فدا کارانه یك جسارتی بود . ژاپانها تا که ممکن میشد از مصادمهٔ اسلحهٔ جارحه احتراز میکردند ، جنرال های شان در موقع های محفوظ میبودند . افسران خود شان را کم اظهار میکردند . اما این محفوظی وکم اظهاری شان بر فکر تعرضئی فوق العادهٔ و بدرجهٔ شایان حیرت حقیر شمردن موت شان هیچ یك تأثیر بدی اجرا نمی کرده است .»

اخبار (روسکی انوالید) از تعلیمنامهٔ جنرال (اوقو) این معلومات ذیل را نقل کرده است :

«نکتهٔ (ظفر) عبارت از همین است که برای واصل شدن بیك هدف مقصود یکه تصور شده باشد جسارت ، مقاومت ، ثبات نشان داده شود . آمرها به مادون های خود باید بدانانند که ادنا پس ماندن ، ادنا تردد و بی عزمی ضایعات را افزونی میدهد ، و وصول به هدف را پس میاندازد . وعزم وثبات و متانت وغیرت ضایعات را تنقیص وسعیها را تسهیل میکنند . بنابرین بهیچ مشکلاتی مغلوب نشده تا بوقتیکه هدف مقصود استحصال شود عنود انه ثبات

کارانه پیش رفته باید شود ..»

این عبارهٔ جنرال (بونال) فرانسوی نیز این فکر را تأیید و اثبات میکند:

«در اثنای هجوم (زدن) خونست ..»

﴿ نتیجه ﴾

ازین مطالعات یک نتیجهٔ ابدی الحکم استنتاج میشود که آنهم عبارت ازین است: (برای مظفر شدن صاحب عزم قوی مظفریت شدن لازم است .) اساس یگانه و شرط و نتیجهٔ اعظم این (عزم مظفر شدن) عبارت از (تعرض) است . وفایدهٔ مهم اینتعرض همین است که دشمن را به تضییق و فشار عزم و ارادهٔ قوی خود که بران متوجه نموده تابع بسازد ، و برای خود آزادی ، واستقلالیت حرکت حاصل بکنند . تعرضهای خون آلود جنرال (نوجو) ، وجنرال (اوقو) که از جبههٔ جناح راست در محاربهٔ (لیائویانغ) اجرا کرده اند، وتعرضهای مقابل پر تلفاتیکه در محاربه های (شاحو) و (ساندهپو) بر تمام جبهه از طرف ژاپانها اجرا کرده شده . وهمه وقایع حربیه که محاربهٔ (موکدهن) ، و (پورآرتور) را تشکیل داده دلایل و براهین این (عزم قوئی مظفریت) را نشان میدهد . امّا یقیهم از واجبات است که هیئت قوماندابه تأثیرات بعضی حسیات تابع نشود ، و از ضایعات و تلفات هرقدر که بسیار هم باشد احتراز نکنند ، وهیچ چیزی را دریغ نکرده هرگاه لازم شود آخرترین نفرئی خود را نیز به آتش اشتراك بدهد و برین کارها بکمال جدیت و اهمیت عازم و ثابت باشد .

بخوبی باید دانست که شاهد دل آرای (مظفریت) دایما به معندها . و بصاحبان عزم قوی ، و بکسانیکه بر تعرض اقدام نموده یك هدف حقیقی را تعقیب کنند ، والحاصل بهمان کسانیکه حقیقتاً مظفریت را آرزو داشته باشند توجه میکنند . تول غند مغلوب همان تول غند یست که مغلوب شدن خود را گمان کند والسلام .

﴿ تمت بالخیر ﴾



عرض شکران واعتذار مترجم

بحضرت ذات اقدس متمم کائنات جل شانه هزار هاهزار حمد وثنا میکنم که این عبد العجز احقر را بتمام نمودن ترجمهٔ این اثر گرانبهای بزرگ موفق و کامیاب نمود .

مدت سه سال کامل است که در راه ترجمهٔ این کتاب فوائد انتساب بجان کوشش ورزیده ام تا آنکه بیاری باری آن را باتمام رسانیدم . اما در اثنای ترجمهٔ این کتاب یعنی در ظرف این سه سالی که بترجمهٔ این پنج جلد کتاب (تاریخ حرب روس وژاپان) مشغول بوده ام سه چهار کتاب دیگر را نیز ترجمه وتالیف نموده ام که آنها هم عبارت ازینها است :

۱) سیاحت بدور دور زمین هشتاد روز ،

۲) سیاحت در جو هوا ،

۳) مختصر جغرافیای عمومی

٤) مکمل ومفصل جغرافیای عمومی

حال آنکه اصل ترکیئی این کتاب را سه چار نفر از افسران ومتفنان نامدار عثمانی در ظرف سه سال از زبانهای المانی ، وفرانسوی ، وانگلیزی ، وروسی برای استفاده واستفاضهٔ قول عسکر دولت خود ترجمه کرده اند . فوائد بی انتهائیکه از مطالعهٔ این (تاریخ حرب) برای عالم عسکری حاصل میشود قابل انکار نیست ولی چون این عبد عاجز اولاً از صنف جلیل عسکری نیستم وثانیاً در دولت

مقدسهٔ متبوعهٔ ما چون هنوز در باب تعبیرات و اصطلاحات فنون حربیه یك سررشته و انتظام منتظمی وضع نشده از انرو بتقابل لغات و تعبیرات عسکریه و فنیهٔ تحریریه یك تعبیری نیافته همان تعبیرات و لغاتیکه در اصل کتاب بوده عیناً نوشته شده که ازینسبب طرز ترجمهٔ ما یکقدری مغلق و پیچیده بنظر میخورده .

مثلا تعبیر (تعبیه) یا (سوق الجیش) و امثال آنها چنان چیزهای نیست که مقابل آنرا در زبان عسکری ملك خود ماپیدا بتوانیم . زیرا (تعبیه) یك فن معتنای مستقل عسکریست که کتابهای مدون سه صد و چارصد صفحه ئی دران باب نوشته شده ترجمهٔ آن بیکلمه و کلمه ادا کرده نمیشود . (سوق الجیش) نیز همچنین .

حال آنکه در زبان فارسی یا افغانی ما هنوز درینباب ها نه یك کتابی موجود است و نه یك تعبیری !. دیگر اینکه زبان فارسی نسبت بعربی خیلی تنگ و کم وسعت یك زبانیست . پس هرگاه در طرز تحریر؛ کلمات عربی استعمال نشود افادهٔ مرام بلغات فارسئی محض ادا نمیشود . مگر که انسان زایك ملکه و اقتداری مانند (فردوسی) باشد !! ...

لهذا بکمال عجز و انکسار عرض اعتذار مینمایم که اگر درینباب حسب البشریه نقصان و قصوری پیش شده باشد نظر خطاپوش ارباب عرفان آن را ستر و عفو فرمایند . (مطبعهٔ عنایت) که تأسیس یافتهٔ عرفان دوستی ذات عالئ شهزادهٔ جوانبخت معظم حضرت (سردار عنایت الله خان معین السلطنه) افخم ست، به طبع و نشر اینگونه آثار نافعه الحق که یك حق امتنان و تشکر عظیمی راسزاوار است . ازبارگاه خالق کائنات این مؤسسهٔ نافعه را با مؤسس معرفت شعارش پاینده میخواهیم .

انتهی



(المترجم)

محمود طرزی افغانی